**مجموعه سبزها – جلد 16**

**مکاتیب حضرت عبدالبهاء**

**INBA 16**

**مقدمه فایلهای وُرد مجموعه سبزها**

به نام یزدان مهربان

با درود فراوان،

بدین وسیله به اطلاع پژوهشگران و دوستداران آثار بابی و بهائی می‌رساند:

طی مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل‌های وُرد Word آثار مندرج در مجموعه «کتاب‌های جلدسبز» ارائه می‌گردد. کتاب‌های جلدسبز، کتاب‌هایی است که عمدتا طی دهه‌ی پنجاه خورشیدی، توسط محفل ملی بهائیان ایران، عجالتا جهت حفظ، تکثیر شده است. فایل اسکن‌شده‌ی این کتاب‌ها، پیشتر در برخی از وبگاه‌های اینترنتی از جمله کتابخانه‌ی بهائی (https://bahai-library.com/) و کتابخانه‌ی افنان (<https://afnanlibrary.org/>) موجود بود. اما مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل وُرد همان کتاب‌هاست که قاعدتا از حیث جستجو و قابلیت کپی‌برداری از عبارات، کارایی بیشتری برای پژوهشگران عزیز دارد.

فایل وُرد در دنیای امروزی همچون قلم و کاغذ الکترونیکی می­ماند و حکم کاغذ و قلم و دوات محققین قدیمی را دارد که با آن می­نوشته­اند و تأملات خود را مکتوب می­داشته­اند. معاصرین ما از طلبه و دانشجو گرفته تا محقق و پژوهشگر و استاد، استفاده­های زیاد و متنوعی از فایلهای وُرد می­کنند و آنها را عصای دست خود می­سازند. اما بر اهل فن پوشیده نیست که وثاقت و اعتبار محتویات فایلهای وُرد، به­دلیل ماهیت خاصی که دارند، خصوصاً به­خاطر امکان تغییر، دست­خورده شدن تایپ متن و درهم ریختن حروف­چینی واژه­ها، از نوع خاصی است و در قیاس با متن اصلی و نسخه­ی اسکن از متن اصلی در مقام برتر قرار ندارد. با این همه، امروزه طیف وسیعی از افراد متخصص و غیرمتخصص این ابزار الکترونیکی مفید را، با وجود چنین نقصی مورد استفاده قرار می­دهند و از مزایای آن برخوردار می­شوند. به تهیه­ی فایل وُرد از آثار بهایی نیز می­توان از همین دریچه نگریست؛ ضمن آنکه بهترست که برای حفظ شأن و مقام والای نصوص مبارکه تلاش شود تا حتی المقدور فایلهایی از متون بابی و بهایی تهیه شود که اشتباه و اشکال کم و نادری داشته باشند. نظر به همین مطلب، بسیاری از فایل‌ها در مجموعه‌ی حاضر مقابله و تصحیح شده است. در تصحیح آثار مندرجه در مجموعه‌ی جلد سبزها به چند نکته توجه شده است:

1. در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، نسخه‌های جلدسبز با سایر نسخه‌های چاپی یا خطی موجود مقابله و تصحیح شد. در خصوص آثار حضرت باب، با توجه به اینکه هر یک از نُسخ در دسترس ما دارای اشکالاتی بود و نمی­توانستیم هیچ نسخه­ای را بتمامه مبنا قرار دهیم، برآن شدیم تا در مواردی که به­نظرمان اشکال، اشتباه یا تردیدی وجود دارد، آن موارد را با ملاحظه­ای کلی اصلاح و نسخه­ی تایپی را بر همان مبنا تهیه کنیم. در این باب برای تصحیح متن یک اثر از آثار حضرت باب در جلدی از مجلدات سبزها، نه­تنها آن را با متن همان اثر در دیگر مجلدات سبزها مقابله کرده­ایم بلکه اگر نسخه­ای از همان اثر در اثری خارج از این مجموعه بوده، از آن نیز استفاده کرده­ایم. در نتیجه، نسخه‌ی پیش‌رو در برخی مواضع با مندرجاتِ نسخه‌ی اصلی (جلدسبز) تفاوت‌هایی دارد؛ اما محض ارجاع‌دهی درست، شماره‌ی صفحات اصلی (شماره‌ی صفحات نسخه‌ی جلد سبز) در دل متن درج شده است.
2. آثار حضرت بهاءالله مقابله نشده، اما در ضمن تایپ، تا حدی قابل قبول، تصحیح شده است.
3. در مجموعه‌ی حاضر، برخی تواقیع حضرت باب که سابقا به‌طور ناقص نشر یافته (مثل کتاب صحیفه‌ عدلیه، مندرج در جلد 82 که فاقد باب پنجم است، و یا صحیفه بین‌الحرمین و صحیفه اعمال سنه که پیشتر مختصرا نشر یافته) با توجه به سایر منابع به‌طور کامل، و تصحیح‌شده، منتشر می‌شود.
4. در مجموعه‌هایی که سابقا و از روی اضطرار منتشر شده بود نواقص عمده‌ای به چشم می‌خورد: از جمله، تفسیر «بسم‌الله» که در چندین مجموعه بدون مقدمه و خطبه نشر یافته بود، و یا توقیع حروف مقطعات قرآن که نیمی از آن ناقص منتشر شده، و یا تفسیر (های هذا) در جلد 60 که در داخل متن افتادگی‌هایی دیده می‌شد، و یا چند باب اول این اثر در مجموعه‌ی 98 که به‌طور ناقصی منتشر شده بود. در مجموعه‌ی حاضر، همه‌ی این نواقص با توجه به مجموعه­های دیگر بر طرف شده است.
5. در مواردی که نتوانستیم درجِ صحیحِ لغتی را تشخیص دهیم آن را نشانه گذاری (های لایت) کرده‌ایم و یا با چند علامت سؤال (؟) آن را مشخص کرده­ایم.
6. برای مقابله‌ی نسخ آثار حضرت باب از نسَخ مختلفی بهره برده‌ایم. از جمله، از تمامی مجلدات جلدسبز استفاده کرده‌ایم. فی‌المثل در تصحیح جلد 14 تفسیر «های هو» از مجموعه کتاب‌های جلدسبز تنها اکتفا به همین جلد نشده، بلکه از مجلدات دیگر مثل جلد 53، 67، 86 و منابع دیگر نیز استفاده کرده‌ایم. افزون بر نسخه‌های جلدسبز، مجموعه‌ی پرینستون و کیمبریج و نشریات ازلیان و مجموعه شخصی خود را نیز مدنظر و پیش‌رو داشته‌ایم.
7. در مواردی رسم الخط واژه­ها به­گونه­ای انتخاب شده که برای جستجو مناسبتر باشد. مثلاً گاهی کاتب در نسخ­ی اصل کلمه­ی «جلالت» را به­صورت «جلالة» نگاشته است و ما ترجیح داده­ایم آن را «جلاله» تایپ کنیم و

در پایان یادآور می‌شود که از آغاز کارِ تایپ و تصحیحِ فایل‌های اسکن‌شده مایل بودیم که از همکاری فضلا و مطلعین جامعه در تصحیح نسخه‌های موجود، بیشتر بهره‌مند باشیم؛ اما این مهم، جز در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، محقق نگشت.

در همین‌جا به‌ویژه از جناب ولی‌اله کفاشی سپاسگزاریم. کار بازخوانی، مقابله و تصحیحِ فایل‌های تایپ‌شده‌ی آثار حضرت باب تماما توسط ایشان انجام و نهایی شد. در عین حال، امیدواریم که در ادامه‌ی راه از مساعدت و همراهی تعداد بیشتری از یاران فاضل و مطلع مستفید شویم. ضمن آنکه از همه­ی خوانندگان این فایل­ها درخواست می­کنیم تا اگر در حین مطالعه به اغلاط تایپی برخوردند آن موارد را از طریق سایت به ما اطلاع دهند.امید و هدف دیگرمان اینست که در آینده، تمام فایل‌های این مجموعه، با مقابله‌ی علمی و اسلوبی دقیق‌تر – دست‌کم در حد آنچه که در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء انجام شده – تقدیم دوستان و یاران علاقمند شود.

# مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء (16)

این مجموعه با اجازه محفل مقدس ملى ایران

شیداللّه ارکانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تکثیر

شده است ولى از انتشارات مصّوبه امرى نمى‌باشد

شهرالعلاء 132 بدیع

صفحه فهرس

٢- بواسطهء جناب حیدر قبل على جناب آقا سید نصراللّه و جناب آقا سید ناصر و جناب آقا سید حسین

و جناب آقا میر منصور نزول مناجات طلب مغفرت از یراعهء میثاق حضرت احدیت در حق یکى از سادات خمس

٤- رشت بافتخار جناب آقا سید اسداللّه برادران حاجى سید باقر اف تمجید میثاق

ربّ مجید از استقامت مشارالیه در امراللّه

٤- بعنوان اى یار حقیقى عبدالبهآء اخبار قلم محیطه حضرت عبدالبهآء از ورود

آقا سید ناصر بارض مقصود و ظهور عنایت بمخاطب لوح

٥- ط بافتخار جناب آقا سید حمزه طلعت پیمان باین بیان احلى ناطق قوله عزّ بیانه ...

طائر عنایت از آشیان الهی پرواز نموده و مراتب وجود را طى کرده تا بمنزلگاه عالم انسانى رسید و بهر سمت پرواز نمود تا در عرصهء قلب تو لانه نمود

٦- رشت بافتخار سادات خمس جناب آقا سید اسدللّه ظهور عنایت حضرت من اراده‌اللّه

در حق مشارالیه و تحسین از عملى که درباره آقا غلامحسین مجرى داشته است

٦- بواسطهء حضرت حیدر قبل على طهران بافتخار جناب آقا میرزا ناصر خلیل

مجید متصاعد الی اللّه و امة‌اللّه‌ المعظّمه والدهء محترمه و اخوان محترمان ایشان آقا سید حسین

و میر منصور بیان غصن دوحهء بقا در خصوص اینکه اگر ابناء از عنصر جان و دل باشند آن نسبت

حقیقى است والّا نسبت مجازى است

٨- بافتخار دو ضلع آقا سید اسداللّه بیان من حوله‌الاسماء در اغتراف

مشارالیهما از بحر اعظم الهی

٨- طهران بواسطهء جناب آقا سید نصراللّه جناب آقا سید اسداللّه ظهور عنایت

حضرت عبدالبهآء در حق مشارالیه و ممنونیت خدمات ایشان و جناب برادر محترم آقا سید نصراللّه

٩- بواسطهء جناب آقا میر ناصر حضرات اخوان ایشان آقا سید حسین و آقا میر منصور

بیان میثاق نیر آفاق در خصوص تشرّف برادر مشارالیهم بارض اقدس و اشتغال بذکر آنان

١٠- بواسطهء جناب آقا میر ناصر امة‌الله ‌الموقنه والده محترمه ایشان بیان حضرت در خصوص

تشرف جناب میرزا ناصر بارض اقدس و ذکر مشارالیها

١١- بواسطهء جناب میر ناصر امة‌اللّه‌ المنجذبه ضجیع محترمه اظهار عنایت حضرت عبدالبهاء

بمشارالیها و قرین محترم و طلب مغفرت بجهت والده مشارالیها

١٢- طهران بواسطهء حضرت شهید ابن شهید جناب آقا سید اسداللّه نزول

مناجات از یراعهء میثاق ربّ‌ الایات‌ البینات در حق مشارالیه و حضرت شهید ابن شهید

و طلب تائید و برکت و در ذیل لوح مبارک امر بسکون و قرار و تمشیت امور

١٣- طهران بافتخار حضرت آقا سید نصراللّه باقراف رجاء حضرت غصن‌اللّه‌ الاعظم

باتمام حرب عمومى و آسایش جهان آفرینش و استعداد عالم انسانى براى

اصغاء تعالیم مبارکه در نتیجه جنگ

١٥- طهران بافتخار حضرت باقراف بیان حضرت عبدالبهاء در اینکه استقامت

و همّت در عبودیت حضرت احدیت نفس تائید است حزن هیکل اطهر

از صعود حضرت ادیب و امر بتأدیه یکصد تومان براى قبر ایشان

١٦- بواسطهء جناب آقا سید نصراللّه سادات خمسه جناب امیر محترم

وعدهء حضرت عبدالبهاء بمشارالیه در شمول الطاف الهیه مشروط بر خیرخواهى

عموم و ثبات و استقامت و اصلاح راعى و رعیت و خدمت بوحدت عالم انسانى

١٧- طهران بافتخار جناب آقا سید نصراللّه باقراف اخبار بصدور مناجات

طلب مغفرت در حق حضرت مؤید و نزول لوحى درباره ...[[1]](#footnote-1)

و بیان مبارک در خصوص اینکه خود خلق مسبب اضطراب هستند

١٩- طهران بافتخار حضرت باقراف اظهار عنایت میثاق الهی بشخص محترم و امیدوارى بموفقیت بمحافظت مظلومان و ذکر نطق مستر براین وزیر خارجه سابق امریک که فلاح و نجاح شرق منحصر بتعالیم حضرت بهاءاللّه است

٢١- طهران بافتخار حضرت آقا سید نصراللّه باقراف امر طلعت پیمان در خصوص ارسال مکاتیب بواسطهء آقا احمد یزدى در پورتسعید و در ذیل لوح مبارک فکر تبدیل پاکت و پاره نمودن پاکت اصلى

٢٢- بعنوان (اى ثابتان بر میثاق) بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص افاضهء فیوضات الهیه بعالم امکان و رجوعش بمصدر اعلى بواسطهء مهجورى غافلان و نصیحت حضرتش باتفاق احبّاء و ذکر مناقب اتّحاد

٢٥- طهران محفل ایادى امراللّه پس بواسطهء جناب مصوّر رحمانى و آقا میرزا على اکبر بخط خوش طبع شود و اطراف ارسال گردد شرق و غرب خصوصا احبّاء ایران عموماً بیان طلعت پیمان در خصوص اختلاف عقیده عقلاء و انبیاء الهی راجع بتعلیم و تربیت و لزوم و وجوب تربیت اولاد بنصّ قاطع جمال اقدس ابهاء و بالاخص تربیت دختران

٢٩- ابهر بافتخار احباى الهی نصیحت قلم میثاق بیاران رحمانى در الفت و محبّت با یکدیگر و اجتناب از غیبت جوئى و ستر عیوب

٣١- طهران و سایر ولایات ایران احبّاى الهی جناب آقا میرزا على اکبر میلانى طبع نموده بولایات ارسال نمایند اظهار حزن حضرت عبدالبهاء از ظهور حقه و فساد و وقوع شهادت یاران مظلوم بواسطهء تعدیات علماى رسوم و عوام جهول و امر بداد خواهى از اعلیحضرت و جناب صدر

٣٥- طهران احبّاى الهی بواسطهء جناب آقا میرزا على اکبر میلانى طبع نموده و اطراف ارسال گردد بیان طلعت میثاق مبنى بر اینکه اشراق شمس حقیقت از افق براى تشکیل جهان ملکوت ظهور کمالات انسانى بوده و ماراست که بر وفق تعالیم جمال مبارک سلوک نمائیم و امر بکمک بشرکت خیریه

٣٧- ایران طهران عموم احبّاى الهی در قیام بخدمت حضرت ربوبیت

و تعدیل اخلاق و تصحیح اطوار و عمل بموجب نصائح آلهیه تا حیز ادنى کاشف ملکوت ابهى گردد و در ذیل لوح مبارک بشارت صحّت و ثبات منتسبین و نیز در ذیل آن امر بارسال لوح نزد آقا میرزا على اکبر میلانى

٤٥- در جمیع ولایات احبّاى الهی بتعجیل طبع فرموده تمام ولایات ارسال دارند مهمّ است بیان طلعت پیمان در انتشار امر حضرت در جمیع اقطار و امر ببذل اعانه براى ساختمان مشرق‌الاذکار عشق آباد و در این لوح مبارک دستور بجناب آقا میرزا على اکبر میلانى در طبع لوح انور و ارسال بولایات

٤٨- طهران جناب آقا میرزا على اکبر میلانى طبع نموده و نسخ متعدّده اطراف ارسال دارند احبّاى الهی شکوه قلم میثاق از مظالم احزاب مختلفه بالاخص عصبه ناقضین و ورود شخصى از اهل جهرم به ارض اقدس و مراجعتش باتّفاق خرطومى بهند براى طبع دفترپاره‌ئی فریب بر ضدّ هیکل انور

٥٢- طهران بافتخار جمیع احبّاى الهی تاثّر خاطر انور حضرت عبدالبهاء از اختلاف احبّاء جهت انتخاب محفل روحانى و امر برفع اختلاف

٥٤- بافتخار احباى الهی در آستانه و تفلیس و بادکوبه و انزلى و رشت و قزوین و قم و کاشان و قمصر و مازندران بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص بلایاى وارده بر هیکل اطهر و نصیحت احبّاء الهی بعدم فتور و قصور از بلایاى مذکوره و سعى در نشر نفحات‌اللّه

٥٦- طهران به افتخار احبّاى الهی جناب آقا میرزا على اکبر میلانى بخطّ بسیار خوشى طبع نموده نشر نمایند بیان طلعت میثاق از اندفاع وبا از کشور ایران بجهت نیت مبارکه

٥٩- مرکز سلطنت عظمى و ذکر جنگ منشوریا و منازعه بر سر خاک بعنوان اى یاران حقیقى عبدالبهاء در خصوص تشرف حضرت ابن اصدق ببقعه مبارکه

٦٠- بواسطهء جناب حاجى میرزا عبداللّه صحیح فروش طهران احبّاى الهی و جناب میرزا على اکبر میلانى طبع نموده بجمیع اطراف ارسال دارند امر اکید هیکل میثاق که احبّا از هرگونه نعت و ثنائى در مورد حضرتش خوددارى کنند و فقط بکلمهء عبدالبهآء قناعت نمایند و بتبلیغ امرللّه و نشرنفحات اللّه پردازند

٦٣- واشنگتون بواسطهء جناب آقا میرزا احمد جناب مستر ریمى مسرّت خاطر انور حضرت عبدالبهآء از اتّحاد احبّا و توصیه در ساختن مشرق‌الاذکار

٦٤- در واشنگتون بافتخار احبّاى الهی دوستان حقیقى و آیات رحمانى در جمیع بلدان و اقالیم در شرق و غرب جناب آقا میرزا على اکبر میلانى انتشار دهند شکوه قلم میثاق در بغض و عدوان بیوفایان و امر مؤکّد باحبّاى الهی در اجتناب از آن نفوس و محافظه امراللّه

٦٨- ط بواسطهء جناب آقا میرزا على اکبر طهران بواسطهء جناب میرزا على اکبر میلانى جناب آقا میرزا سید باقرخان بیان طلعت عبودیت در خصوص اینکه نفوسى بمجرّد تماس با نار شعله زنند و برافروزند و نفوسى مانند احجار و صخورند که پرتو نور نگیرند

٦٩- بدون عنوان اظهار تأثر و تجسر غصن دوحه بقا از مصائب و متاعب وارده از جنگ در نتیجه غفلت نفوس و ترک سبیل رشاد و رجا و از درگاه حضرت احدیت باطفآ نار حرب

٧٣- طهران جناب آقا على اکبر میلانى طبع و نشر فرمایند بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص انتشار امر حضرت رحمن در جمیع آفاق و خونریزى و بد اندیشى کلّ قبائل و شعوب و امر باحبّاى الهی ...[[2]](#footnote-2) بترویج صلح و محبّت و حق پرستى

٧٦- شرق و غرب عموم احبّاى الهی بیان طلعت پیمان در خصوص مسافرت چهارساله حضرتش بخاور و باختر و نداء بملکوت الهی در کنائس مسیحیان و معابد یهود و دارالفنون‌ها و مجامع تیاسوفها اسرائیلیها و مندرجات جراید و فلاسفه و ارباب قلم راجع بامر مبارک و امر باحبّاى الهی بترویج امراللّه و رعایت احترام مبلّغین و در ذیل لوح مبارک مناجات طلب تائید براى ناشرین نفحات‌اللّه

٨٤- بواسطهء جناب آقا سید اسداللّه قم مهتر سیاوش و مهتر بهمن و رستم و مهربان و کیخسرو و هرمز و رستم حضرت عبدالبهآء باین بیان احلى ناطق قوله جلّ ثنائه (( .. ستایش و نیایش در جهان آفرینش پاک یزدان را لائق و سزاوار که پرتو تقدیس از افق حقیقت بر فرق یاران فارسیان مبذول داشت که روشنائیش خاور و باختر را فرا گرفت ...

٨٥- بافتخار جناب آقا کیخسرو زردشتى فارسى بیان طلعت عبودیت باینکه سلطنت خسروى هر چند قطعه آسیا را متزلزل ساخت ولى عاقبت بى بنیاد شد ولى مشارالیه در ظل عنایت جمال مبارک سلطنت باقى یافت

٨٥- ... بافتخار جناب کیخسرو و جناب رستم فارسى امر میثاق نیر آفاق

بمشارالیهما بابراز شادمانى براى بهره‌ یابى از جهان یزدانى به گرفتن پیمانه پیمان بدست و سرمست شدن در این بزم

٨٦- بواسطهء جناب زائر مشهدى رضا و جناب زائر یداللّه قم احبّاى الهی آقا میرزا کیخسرو و عده‌ا‌ى از احباءاللّه نصیحت طلعت پیمان باحبّاى الهی پرستش ایران و ایرانیان و خیرخواهى عالم و سعى در التیام احزاب مختلفه

٨٨- طهران بافتخار جناب مهدى خان پسر فرّخ خان اظهار عنایت غصن‌اللّه ‌الاعظم مشارالیه و سرور خاطر انور از ذکر احبّاى الهی و مرحوم خواجه ربیع

٨٨- هندستان بافتخار حضرت شهید ابن‌ اسم‌اللّه ‌الأصدق امر حضرت من اراده‌اللّه بمراوده و معاشرت با اغیار على‌الخصوص در نقاطى که علم امر مرتفع نشده و واگذاردن سید محمّد بحال خود

٨٩- اسامى نفوسیکه رجاء عنایت دارند و از ساحت قدس جمال مبارک جلّ اسمه‌الاعظم تائید و توفیق میطلبند احباى قم استاد رضاى ندّاف و غیره بیان قلم میثاق از محبّت کیخسرو باحبّاى الهی و کامرانى احبّا در جهان در صورت تعلق بیکدیگر

٩٠- طهران بافتخار حضرت ایادى امراللّه شهید ابن شهید امر حضرت عبدالبهآء بمشارالیه باداى شکرانه بدرگاه الهی از نفخ روح هدایت در قلب مشارالیه

٩١- بعنوان (اى دوستان راستان) بیان هیکل میثاق در ارتفاع نداى امر الهی در سبع طباق و خمودت و جمودت غافلان و امر بیاران رحمانى در محافظه امراللّه از دزدان و خائنان و اجتناب از کبر و غرور و تمسّک بذیل انکسار و تذللّ و رعایت حکمت در جمیع موارد

٩٦- بعنوان ( اى دوستان حقیقى ) ذکر قلم میثاق حیّ قدیر در خصوص متّفق شدن میرزا محمّدعلى ناقض اکبر و جمعى نسبت دادن مفتریاتى چند بهیکل عبودیت و تشکیل کمیسیونى از طرف دولت علّیهء عثمانیه براى تفتیش در این قضیه و امر باحبّاء بمناجات بدرگاه الهی بجهت مکشوف شدن حقیقت امر بحکومت عثمانى و عمل بوصایا و نصایح جمال قدم و مهربانى با جمیع ادیان و بیان تقریر میرزا محمّدعلى باینکه حضرت بهآءاللّه طریقتى موافق شرع انور داشته ولى حضرت عبدالبهآء آنرا تغییر داده

١٠١- بواسطهء حضرت شهید جناب ابوالحسن ایرانى امر من طاف حوله‌الاسمآء بمشارالیه باداى شکرانه بدرگاه حضرت یگانه از شمس موهبت و هدایت فرمودن بطریق هدى

١٠٢- بواسطهء حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه‌الأصدق جناب دکتر طاشجیان

جناب لیوان جناب مارکار جناب نرسیس جناب کالوس بیان طلعت میثاق

در احتجاب فریسیان در ظهور حضرت مسیح ملیح مانند احتجاب کاهنان

در اشراق نیر آفاق و شناسائى آنان بظهور رب‌الجنود و ورود بملکوت

١٠٣- بواسطهء آقا میرزا حسین ابن شهید طهران جناب مشهدى اکبر ستایش حضرت عبدالبهآء از اشعار مشارالیه و امر بانشآء قصیده‌ا‌ى در مدح جمال ابهى

١٠٤- بواسطهء حضرت شهید ابن شهید جناب مشهدى اکبر بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص انسان باید فانى محض گردد و فارغ از هر مرض تا سزاوار عبودیت آستان الهی شود

١٠٤- بواسطهء حضرت شهید جناب آقا حبیب‌اللّه عنایت قلم میثاق الهی مشارالیه براى استشمام بوى قمیص یوسفى و پى بردن بمصر الهی

١٠٥- بواسطهء جناب آقا سید مهدى حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه‌ الأصدق تقدیر قلم میثاق از مشارالیه بجهت قیام بوفا و مسافرت در راه آن دلبر یکتا

١٠٥- بافتخار ورقهء زکیه لقائیه بیان طلعت پیمان مشمول فیض و رحمت نیر اعظم بمشارالیها

١٠٦- طهران بافتخار بنات و ذرّیات حضرت من فاز بالرفیق‌الاعلى جناب اسم‌اللّه الأصدق اظهار مسرت هیکل میثاق از آقا میرزا ارسطو بجهت تعلیم لسان انگلیسى و نصیحت بآنان بسلوک در مسلک بدر

١٠٧- طهران بواسطهء حضرت شهید ابن شهید اماءالرّحمن ورقهء طیبه ضیاءالحاجیه ورقهء موقنه والده‌شان و ورقهء روحیه لقائیه و ورقهء نوریه هویه و ورقه نورا روحا و ورقهء بدیعه طلیعه اظهار عنایت حضرت عبدالبهآء بآنان بجهت انجذاب بنفحات الهیه

١٠٨- بافتخار ورقهء طیبه روحا بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص اینکه اماء مشقّاتى متحمل شدند و بآنى از این ایام فائز نگردیدند و مشارالیها بدون زحمت بدرک ایام‌اللّه فائز گردید

١٠٨- ط بافتخار امة ضیاءالحاجیه امر میثاق رب قدیر مشارالیها باداى شکرانه بدرگاه بجهت تموج[[3]](#footnote-3) بتاج عرفان و اکلیل محبّت‌اللّه

١٠٩- بافتخار امة‌اللّه ضلع حضرت اسم‌اللّه‌ الأصدق الّتى فازت از حضرت عبدالبهآء بمشارالیها

باداى شکرانه بآستان جمال قدم بجهت فوز بلقاى محبوب آفاق

١١٠- طهران بواسطهء حضرت شهید ابن شهید جناب مشهدى اکبر عنایت حضرت عبدالبهآء

بمشارالیه بجهت خدمت دوستان

١١١- بواسطهء حاجى میرزا عبداللّه جناب میرزا منصور نورى رجاى مظهر عبودیت بملکوت الهی

براى حصول اسباب راحت

١١١- بادکوبه بواسطهء حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه‌ الأصدق طهران امة‌اللّه

المقرّبه ورقهء مطمئنه ضیاءالحاجیه عنایت طلعت میثاق بمشارالیها و تقدیر از خدمات

حضرت شهید و مسافرت بهندوستان و قفقاز و عشق‌آباد و تاسیس مشرق الاذکار در مرو

١١٢- بواسطهء حضرت شهید ابن شهید ط امة‌اللّه ضیاءالحاجیه رجاى حضرت عبدالبهآء

بدرگاه الهی بشمول فضل در حق مشارالیها

١١٣- بافتخار ورقهء طیبه زکیه موقنه امة‌اللّه ضیاءالحاجیه عنایت حضرت من ارادة‌اللّه در حق مشارالیها

١١٤- بواسطهء حضرت شهید ابن شهید خویشان و ذوى‌القربى و ذرّیه حضرت اسم‌اللّه الأصدق

اظهار عنایت من طاف حوله ‌الاسماء بآنان بجهت مشاهده نور منیر در صبح مبین و ثبوت بر عهد و میثاق و پیمان

١١٤- رشت بافتخار حضرت ایادى امراللّه حضرت شهید سلیل حضرت اسم‌اللّه‌ الاصدق

امر حضرت عبدالبهآء مرخصى آقا میرزا اسداللّه مازندرانى بنجف براى ملاقات

آنشخص مذکور و در ذیل لوح امر بحضرت شهید بمکاتبه بانشخص محترم در نجف

١١٥- بافتخار امة‌ المقرّبه هویه امة‌اللّه‌ الناشئه روحا امة‌اللّه‌ المؤیده طلیعه

عنایت هیکل در حق آنان و اخبار از وصول صور شعائیه

١١٦- خا بافتخار ورقهء متعالیه امة‌اللّه والده حضرت شهید ابن شهید

بیان طلعت پیمان باینکه هر چند آن باز سپید بملکوت عزّت عروج نموده

ولى وراثى بیادگار گذاشت که شکار افکن است

١١٧- بافتخار ورقهء طیبه هویه امر حضرت عبدالبهآء بمشارالیها باداى شکرانه

بدرگاه الهی بجهت دخول در جنّت نعیم

١١٧- بافتخار ورقات شجره روحانیه امة‌اللّه لقائیه و امة‌اللّه هویه و

امة‌اللّه روحا و امة‌اللّه طلیعه و امة‌اللّه ضیاء الحاجیه ظهور حضرت

عبدالبهآء بآنان و طلب تائید

١١٨- خا بافتخار ورقهءطیبه بنت شهید ظهور عنایت مرکز میثاق در حق مشارالیها

و تفویض قضیه خانه بجناب ابن اسم‌اللّه‌ الاصدق

١١٩- بافتخار ضلع جناب ابن اسم‌اللّه ‌الأصدق امة‌اللّه ضیاءالحاجیه ظهور

عنایت قلم میثاق در حق مشارالیها و ذکر صیف کریم در آستان مبارکه و رجعت

ایشان

١٢٠- بافتخار ورقهء طیبه صمدیه بیان طلعت میثاق باینکه در عصر جدید باید اماء

جمال کبریا آیت انجذاب باشند

١٢٠- بواسطهء حضرت شهید ابن اسم‌اللّه‌الأصدق امة‌اللّه المنجذبه ضیاءالحاجیه

بکم سلطان خدیجه وعده‌ا‌ى از اماءالرّحمن مسرت حضرت عبداالبهاء از تاسیس

درس تبلیغ جهت امآءالرّحمن و تاکید در آموختن ادلّه معقول و منقول

براى ظهور فیوضات ملکوتیه

١٢٣- بافتخار ورقهء موقنه ضلع حضرت شهید ابن شهید جناب ابن اصدق امر حضرت من

ارادة‌اللّه بمشارالیها شکر گزارى باستان الهی بجهت ورود در ظلّ جمال

مبین

١٢٣- ط بافتخار جناب على همدانى و اخویشان على محمّد تسلّى حضرت عبدالبهآء

بمشارالیها براى تحمل مصائب در سبیل جمال قدم و موکول فرمودن اذن براى آتیه

١٢٤- بواسطهء حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه‌الأصدق امة‌اللّه مقرّبه هویه بنت شهید

نزول طلب مغفرت از یراعهء میثاق الهی در حق رفعت

١٢٥- بافتخار حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه ‌الأصدق امر طلعت میثاق بمشارالیه

بنگارش گزارش از چگونگى مجلس لاهاى

١٢٥- بافتخار امة‌اللّه ‌المعظّمه حرم حضرت شهید ابن اسم‌اللّه ‌الأصدق اظهار

عنایت قلم میثاق بمشارالیها

١٢٦- بافتخار امة‌اللّه آغا شاهزاده بیان طلعت پیمان در خصوص اینکه چنانچه در

این یوم ورقهءاز اوراق ثابت بر میثاق بوده باشد بمثابه ستاره روشنى از

افق عالم بدرخشد و در ذیل لوح اخبار از ضیافت در یوم مولود در روضه

مطهّره و زیارت از قبل مشارالیها

١٢٧- طهران بافتخار حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه‌ الأصدق اظهار مسرّت خاطر انور

حضرت عبدالبهآء از تأسیس درس تبلیغ بجهت ورقات طیبه

١٢٨- بواسطهء حضرت شهید ابن شهید جناب نور محمّدخان جناب میرزا محمّدعلى جناب

عبدالحسین خان جناب شکراللّه جناب ابوالقاسم جناب ابوالحسن عطّار جناب

میرزا احمد طبیب جناب عبدالباقى عطّار رجاء حضرت عبدالبهآء بدرگاه

الهی بتخلّق احبّا باخلاق ملأ اعلى و انقطاع از ماسوى‌اللّه

١٢٩- همدان بواسطهء حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه‌الأصدق احبّاى الهی حضرت خرّازى

فروشها وعده‌ا‌ى از احبّا ظهور عنایت و طلب شمول الطاف آلهیه از میثاق

نیر آفاق در حقّ یاران بجهت بذل اعانه براى دبستان تائید

١٣٠- طهران بافتخار حضرت ایادى امراللّه ظهور عنایت حضرت عبدالبهآء در حقّ

آنان و ذکر مسافرت هیکل اطهر با وجود استیلاى امراض مزمنه و در ذیل لوح

مبارک منع از تعدد آراء براى نفس واحد

١٣٣- همدان بواسطهء حضرت شهید ابن‌اسم‌اللّه‌ الأصدق جناب آقا یهودا و عدۀ

کثیرى از احبّاء بیان طلعت میثاق در خصوص غناى مطلق حضرت بیچون و حکمت

بالغه در وجوب فریضه حقوق‌اللّه بر عباد خود

135- ط مناجات طلب مغفرت از یراعه مطلع عبودیت بجهت ورقه متصاعد الی الله شاهزاده

١٣٥- طهران بواسطهء حضرت شهید ابن‌اسم‌اللّه‌ الأصدق اماء رحمن خدیجه سلطان بیگم

سلطان و عده‌ا‌ى از اماء رحمانى اظهار مسرّت خاطر مبارک حضرت عبدالبهآء

بجهت اشتغال ورقات رحمانیه بتحصیل علم و عرفان

١٣٧- همدان بافتخار جناب میرزا یوحنّا خان جناب حاجى یهودا و عده‌ا‌ى از

احبّآء اظهار عنایت طلعت میثاق بآنان بجهت ایمان در یوم ظهور و قیام

بخدمت و امر بتعمیر رمس جناب اسم اللّه الأصدق

١٣٨- بعنوان اى منادى پیمان امر حضرت عبدالبهآء بمشارالیه بمسافرت موقّت

بطهران و مراجعت ببادکوبه

١٣٩- بعنوان اى مشتاق جمال ذى‌الجلال اظهار عنایت حضرت غصن‌اللّه‌ الاعظم

بمشارالیه و امر باحبّاى الهی در قیام بر نصرت امر

١٣٩- بعنوان اى بندهء درگاه حق ذکر حضرت عبدالبهآء از انجذاب و اضطرام قلب

اطهر در حالت نگاشتن لوح مبارک

١٣٩- بعنوان اى شمع محفل عرفان بیان طلعت عبودیت از ذکر اسم مخاطب لوح

بواسطهء یکى از نفوس و اظهار عنایت در حقّ مشارالیه

١٤٠- بعنوان اى مشتاق جمال ذوالجلال بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص اینکه

نفوسیکه در ظلّ کلمه الهی هستند باید مردگانرا جان بخشند

١٤١- بدون عنوان مناجات طلب مغفرت از یراعهء میثاق الهی در حق یکى از

احبّاءاللّه

١٤١- بدون عنوان مناجات نازله از قلم میثاق ربّ‌الایات ‌البینات در حق یکى از

اماءالرّحمن

١٤٥- بواسطهء جناب سر رشته‌د‌ار جناب رضاخان سرتیب حضرت من طاف حوله‌الاسمآء

باین بیان احلى ناطق قوله جلّ ثنائه ... حرب جسمانى را رونقى نه ...

ایامى چند مذکور و بعد از مدّتى مظّفر مقهور گردد امّا جنود الهامات

غیبیه چون بر ظنون غالب و قاهر شود لشکر اوهام چنان متلاشى و پریشان

گردد که اثرى باقى نماند

١٤٥- ... ق بافتخار امة‌اللّه ضلع جناب آقا محمّدجواد نصیحت قلم میثاق

بمشارالیها در ثبوت و استقامت

١٤٦- طهران بواسطهء جناب آقا محمّدعلى جناب آقا میرزا على اکبر و جناب آقا

على اصغر بیان طلعت پیمان در تشبیه بمشارالیها بدو پیکر و امر بثبوت و

رسوخ بر پیمان

١٤٧- بعنوان اى امین عبدالبهآء تقدیر قلم میثاق حى قدیر از زحمات مشارالیه

و حاجى و بیان اینکه چون ایرانیان مانع از مسافرت حضرتش بایران هستند

لهذا بدیار غرب تشریف فرما میشوند

١٤٨- بعنوان اى امین من توصیه حضرت عبدالبهآء در ساختن قبر حضرت اسم‌اللّه الأصدق در همدان

١٤٩- بعنوان اى ثابت صادق اظهار عنایت هیکل میثاق از خدمات حاجى غلامرضا و

امر به تجارت کردن از مبلغ موجود

١٤٩- محرمانه بعنوان اى امین عبدالبهآء بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص عزم

مسافرت بامریک و مصاریف کثیره آن و در ذیل لوح مبارک امر بارسال مکاتیب

باسم آقا احمد

١٥٠- بعنوان اى امین جمال مبارک بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص تشرّف مشارالیه

بحضور انور در لندن و پاریس رضایت از احبّاء ایران

١٥٢- بعنوان (یا حضرت امین) بیان طلعت میثاق در سیر و حرکت هیکل اطهر در

محیط اعظم و اشتیاق بخدمت در سبیل جمال قدم

١٥٣- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) بیان حضرت عبدالبهآء بمراجعت از فرنگستان

و ورود باقلیم قبطیان و انجماد آنقوم و استعداد اهالى غرب

١٥٣- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) تمجید قلم میثاق از خدمات مشارالیه و

استقامت و ثبوت احبّا و اماءالرّحمن

١٥٤- (اى امین عبدالبهآء) ستایش مطلع عبودیت از مشارالیه بجهت تأدیه قروض

حضرت افنان و امر باحبّاى عشق آباد باعتدال در تجارت

١٥٥- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) اظهار عنایت حضرت عبدالبهآء بمشارالیه و

ذکر رضایت اهل حرم از حکیمه خاتون

١٥٥- بعنوان (اى امین نور مبین) بیان حضرت من ارادة‌اللّه در بیغرضى مشارالیه

و ذکر خیر جمیع یاران

١٥٦- بعنوان (یا امین عبدالبهآء) بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص اینکه بواسطه

دعوت مجمع صلح و مجمع وحدت نژاد و والى بستن و اعاظم و اکابر و احبّاء

حضرتش مجبور مسافرت بامریک‌ است

١٥٧- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) شهادت قلم میثاق بخیر خواهى مشارالیه در

حق احبّاء و عدم فرصت بجهت ابلاغ کلمة‌اللّه در محافل و مراجعت اهل مسائل

١٥٧- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) شکوه قلم میثاق از مشقّات مسافرت و خطابه

هاى مبارک در امریکا و بیخوابى و تب عصبى

١٥٨- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) بیان طلعت پیمان از مسافرت باروپا و هدایت

جمعى از نفوس و استعداد عظیم آن اقلیم و عنایت به احبّاء عشق آباد و مرو

و بادکوبه و سمرقند

١٦٠- بعنوان (اى جناب امین) بیان حضرت باستغراق در دریاى اوراق و اظهار

عنایت بکاّفه احبّاء

١٦١- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) تشویق طلعت عبودیت از احبّاى الهی

بجانفشانى در سبیل امر حضرت رحمن و اخبار از مسافرت حضرتش بکشور ماه

کنعان

١٦٣- بعنوان (اى امین ربّانى) بیان غصن دوحه بقا در خصوص تعاون و تعاضد و

کمال آن در احبّاى الهی و ذکر بذل اعانه در اکناف عالم بجهت

مشرق‌الاذکار امریکا

١٦٦- بعنوان (یا امین‌الامین) ستایش قلم میثاق نیر آفاق از استقامت احبّاى

الهی و ذکر عدم فرصت بنگارش لوح مخصوص براى فرد فرد یاران و شهادت جمیع

صحائف و جرائد غرب در عظمت امراللّه و بزرگوارى جمال مبارک

١٦٧- بعنوان (اى امین الهی) ذکر قلم میثاق از نزول مناجات طلب مغفرت در حق

آقا سید نصراللّه و اظهار عنایت بحاجى غلامرضا و در ذیل لوح بیان مبارک

در خصوص عدم وصول چهارصد لیره و امر بارسال وجوه بتوسط آقا احمد یزدى

١٦٩- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) امر حضرت من ارادة‌اللّه بمعاشرت با دو شخص

تاجر تازه تصدیق و اجازه تشرّف بنفوسى که قصد طواف ملأ اعلى نموده‌اند

١٧٠- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) بیان طلعت میثاق در خصوص اینکه تا ایران

بانوار تعالیم مبارک روشن نشود نجاح و ترقّى حاصل نشود و ذکر حرم ارباب

جمشید و همشیره حرم ورقهء محترمه ثمره و جناب آقا میرزا لطف‌اللّه و امر

بحکّ مهرى باسم مبارک و در ذیل لوح مبارک ذکر بیخوابى و تب هیکل اطهر و

نیز در ذیل آن اخبار از وصو ل تحاریر و برات

١٧٢- بعنوان (جناب امین) ذکر قلم میثاق از وصول چهارصد و سیصد جینه و خطابه

حضرت در دو کلیساى عظیم و اثبات امر مبارک و نبوّت حضرت رسول

١٧٣- بعنوان (جناب امین) بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص فروش املاک عشق آباد

و تصفیه دین حضرت افنان رسید وجوه عدهء ا‌ى از احبّا

١٧٤- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) اخبار طلعت عبودیت از ورود به پورتسعید و

اظهار عنایت در حقّ احبّاء و اماءالرّحمن و در ذیل لوح مبارک ذکر وصول

وجوه ارسالى از طهران و عشق آباد

١٧٥- بعنوان (جناب امین) بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص ارسال مکتوبى در ردّ

مفتریات اهل نجف و امر بنشر آن در بین احبّاء

١٧٦- بعنوان (یا امین) اظهار عنایت قلم میثاق در حق مشارالیه و اجازه تشرّف

بسالار و سلیل قوام دیوان و صدور الواح بافتخار امةاللّه ‌المنجذبه فائزه

و جناب آقا میرزا اسمعیل

١٧٧- بعنوان (اى امین من) بیان مرکز میثاق در خصوص هزار چند حاجى غلامرضا

و عدم مداخل اراضى در حیفا و صلاحیت خریدارى اوراق بنک

١٧٧- بعنوان (جناب امین ) امر حضرت عبدالبهآء بمشارالیه بارسال صد تومان

بجهت آقا میرزا فضل‌اللّه براى حفظ اثر کلک حضرت مرحوم میرزا در مازندران

١٧٨- بعنوان ( اى بنده با وفاى جمال ابهى ) ذکر قلم میثاق در خصوص حکیمه خاتون

و حضرت ابتهاج و دخول چند نفر یحیائى در محافل از جمله تمدّن متوحّش

١٧٨- بعنوان (جناب امین ) ذکر قلم میثاق از ورود میرزا جعفر بحیفا و تشویق

حکیمه خاتون برفتن عشق آباد

١٧٩- بعنوان ( اى امین عبدالبهآء ) اذن قلم میثاق بجناب کیومرث پارسى بتشرف

عتبه مقدّسه و امر بتفقد حال جناب آقا سید باقر روضه خوان کاشى

١٨٠- بعنوان (جناب امین ) ذکر قلم میثاق نیر آفاق از کثرت اشتغال در اورپا

بواسطهء هجوم نفوس و رسید هزار ذهب عشق آباد و ارسالیه بعد و در ذیل لوح

مبارک امر به بناى مرقد مطهّر شهید سلیل جلیل ملّا على جان

١٨١- بعنوان (اى امین عبدالبهآء ) امر حضرت عبدالبهآء بمشارالیه بپرداخت

قروض و لزوم توقّف آقا میرزا على اکبر رفسنجانى در طهران و اظهار عنایت

بهمشیره حضرت على قبل اکبر

١٨٢- بعنوان (اى امین عبدالبهآء) امر حضرت عبدالبهآء بمشارالیه بطبع و نشر

لوح مبارک راجع بمظلومیت آقا میرزا اسداللّه و جناب آقا میرزا

عبدالحسین و برگذارى معامله جلال‌الدوله و آقا میرزا عزیزاللّه بوساطت

یاران و عدم صلاحیت خرید ملک در حیفا بواسطهء حاجى غلامرضا و اظهار عنایت

بحرم حاجى حیدر

١٨٣- بعنوان ( اى امین عبدالبهآء ) امر حضرت من ارادة‌اللّه بتأدیه قرضه ده

هزارتومان

و تأدیه چهل هفت جینه بمیرزا سیاوش و رسانیدن لوح مبارک بانجال امجاد

ملّا اسمعیل کاشانى

١٨٤- بدون عنوان حمد و ثناى مظهر عبودیت بدرگاه حضرت احدیت در ظهور جمال

غیب از افق شهود و ذکر انعقاد جشن ولادت در بیست و چهار شهر امریک و فساد

علماء اصولیان و مشایخ شیخیان و امر باحبّاء الهی در تقدیس و تنزیه در

خدمات دولتى و اجتناب در خیانت و در ذیل لوح مبارک توصیه در تفهیم حقیقت

بسید ناصر و در ذیل آن تعیین حاجى غلامرضا بسمت معین و در ذیل آن ارسال صد

لیره براى بازماندگان شهداى یزد و در ذیل آن اخبار اشتداد انقلاب ایران و

در ذیل آن اظهار عنایت بجناب عزیز و میرزا ولى‌اللّه خان

١٩٣- بواسطهء جناب معاون‌التّجار جناب آقا محمّدتقى کروکانى تقدیر قلم میثاق

از استقامت مشارالیه در تحمّل بلایا

١٩٣- بم بافتخار حضرت آقا میرزا على آقا مناجات طلب تائید از یراعهء محیطه

حضرت عبدالبهآء در حقّ مشارالیه

١٩٤- بم بافتخار حضرت ذوالفضل‌الجلیل ٠٠٠ اسداللّه‌الغالب على مناجات غصن

دوحهء بقا بدرگاه حضرت کبریا و طلب تائید در حق مشارالیه لأجل هدایت نفوس

١٩٦- بافتخار جناب آقا غلامعلى دوا فروش بیان طلعت پیمان در خصوص رجوع

مشارالیه صحیحاً سالماً بایران

١٩٦- ایران طهران در خیابان ناصریه جناب آقا غلامعلى دوا فروش ذکر قلم میثاق

در وصول مکاتیب جناب آقا سید نصراللّه و حاجى

١٩٧- بواسطهء جناب حاجى میرزا عبداللّه طهران جناب غلامعلى ابن من فاز بالرّحمن

الاعلى غلامحسین اظهار عنایت حضرت عبدالبهآء بمشارالیه و مرهون فرمودن

تشرّف ببعد

١٩٧- لندن بافتخار جناب آقا غلامعلى دوافروش بیان طلعت میثاق از فقیرى اغنیاء

و تباهى شاهنشاهان بواسطهء جنگ و محفوظ ماندن احبّاى الهی

١٩٨- طهران بافتخار جناب آقا غلامعلى دوافروش بیان من طاف حوله‌الاسمآء در

خصوص انتخاب محفل روحانى و پنجم جمادى

١٩٩- طهران بافتخار جناب میرزا غلامعلى دوافروش بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص

نفاق توحش‌الملک و چند نفر از همدستانهاى او در محفل اتّحاد و تشکیل

محافل سرّى

٢٠١- بدون عنوان تقدیر قلم میثاق در حقّ یکى از بقایاى قلعه و در ایام حیات و

رجاء ارتقاء او بمعارج علیا

٢٠٧- بواسطهء جناب شهید ابن اسم‌اللّه‌الأصدق جناب شیخ حبیب قمى عنایت حضرت

عبدالبهآء بمشارالیه باینکه در سبیل الهی از زوجهء حلال خود گذشت لذا

رفیق عبدالبهآء است چه حضرتش نیز از نامزد خویش که باغواى عمّه خانم

بزرگ به پسر صدر اعظم میرزا داده شد محروم گردید و در ذیل لوح رجاى تبدیل

درهم بدینار

٢٠٩- بافتخار جناب امین امر حضرت من ارادة‌اللّه بنوشتن سرنامه ملا باقر

کاشانى رسید وجوه ارسالى بلندن و پاریس و در ذیل لوح مبارک امر ببذل

اعانه در صورت تکلیف حکومت

٢٠٩- بافتخار جناب امین اخبار قلم میثاق از وصول سیصد جنیه و در ذیل لوح مبارک

امر برسیدگى بحال بعضى از احبّاء که از استغناى طبع فوت کرده‌اند

٢٠٩- بافتخار حضرات اعضاى محفل روحانى بیان طلعت میثاق در خصوص استیلاء علماء

سؤ و امت یحیا بمجلس معهود و خسران آنان و امید باینکه حکومت بخونخواهى

فاضل جلیل شهید آقا سید یحیى سیرجانى قیام نماید

٢١١- طهران بافتخار حضرت اعضاى محفل روحانى امر حضرت عبدالبهآء بذکر خیر و

مراعات حال جناب آقا شیخ‌الرئیس

٢١١- طهران بافتخار اعضاى محفل روحانى امر حضرت من طاف حوله‌الاسمآء

بتأسیس کمیته‌ا‌ى براى مسئلهء ارتباط شرق و غرب

٢١٢- محرمانه طهران بافتخار اعضاى محفل روحانى تأکید اکید قلم میثاق بعدم

مداخله در امور سیاسى و بیان حمایت دولت از مظلومان و مخالفت مجلسیان و

امر بتبلیغ امراللّه و در ذیل لوح مبارک موکول فرمودن تائید مجلس باتّحاد با دولت

١٢٥- بعنوان (در محفل شور مفتوح گردد) بیان حضرت عبدالبهآء در اهمیت محفل

شور و قرار باکثریت آراء و مکتوم داشتن مذاکرات و در ذیل لوح مبارک

تعیین فرائض اصحاب شور

٢١٨- طهران بافتخار اعضاى محفل روحانى ذکر قلم میثاق از مکاتیب تمدن‌الملک و

عزم حرکت بغرب

٢١٨- طهران بافتخار اعضاى محفل روحانى امر حضرت عبدالبهآء بنوشتن الواح

جمال مبارک و مکاتیب عبدالبهآء بخطّ خوش و ارسال آن بکتب خانه پاریس

٢١٩- طهران بافتخار اعضاى محفل روحانى بیان حضرت غصن اعظم الهی در خصوص

توجّه جناب عضدالسّلطان بملکوت ابهى و امر باحبّا و ابراز محبّت نسبت

بمشارالیه

٢٢٠- بواسطهء جناب آقا میرزا على اکبر طهران اجزاء محفل روحانى توصیف قلم

میثاق به تهیه شغلى بجهت جناب میرزا على اکبر

٢٢١- طهران بافتخار انجمن محفل روحانى بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص طلبیدن

معلم و معلمه و تأکید در توسیع دائره تبلیغ

٢٢١- محرمانه طهران بافتخار انجمن محفل روحانى امر حضرت عبدالبهآء

بتأسیس محفل روحانى بانتخاب عمومى

٢٢٢- طهران بافتخار اجزاء محفل روحانى تصویب قلم میثاق بتأسیس محفل مقدسى در

طهران براى انتباه قلوب غافله

٢٢٢- طهران بافتخار اعضاى محفل روحانى امر حضرت عبدالبهآء بانتخاب اعضا کمیته

مجرى انجمن ارتباط شرق و غرب و اشتراک مجلّه نجم باختر

٢٢٣- طهران بافتخار محفل روحانى تاکید اکید هیکل میثاق بمحافل روحانیه در نشر

نفحات‌اللّه و تبلیغ امراللّه و سرور قلب اطهر از جناب آقا میرزا

طرازاللّه و آقا میرزا على اکبر

٢٢٥- طهران بافتخار محفل روحانى بیان طلعت پیمان در اهمیت نسوان و امر

تشکیل محفل تبلیغ نساء

٢٢٥- طهران بافتخار اعضا محفل روحانى بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص ابتیاع

کتاب اقدس و سئوال جواب که بواسطهء جناب میرزا بطبع رسیده

٢٢٦- طهران بافتخار محفل روحانى و محافل سائره امر حضرت من اراده‌اللّه

بتکمیل مدرسه تربیت و ذکر غرور و جهالت تلامذه ایرانى در ممالک فرنگ

٢٢٧- طهران بافتخار اجزاء محفل روحانى ذکر قلم میثاق در خصوص تأسیس انجمن

تربیتى و امریکا و امر بتصحیح اعلان انجمن تربیت و قبول اعانه احبّاى

امریک بجهت مدرسه تربیت

٢٢٨- طهران بافتخار اعضاى محفل روحانى دستور قلم میثاق در خصوص انتخاب عمومى

که هر صد یا پنجاه شخص هرچند نفر نفس را انتخاب نمایند

٢٢٩- طهران بافتخار اعضاى محفل روحانى تقدیر حضرت عبدالبهآء از خدمات مشکوره

حضرت على قبل اکبر در مدّت حیات و امر ببناى مرقد منوّر آنشخص جلیل

٢٢٩- طهران بافتخار حضرات اعضاى محفل روحانى بشارت قلم میثاق از استقرار عرش

مطهّر حضرت اعلى در جبل ربّ در یوم نیروز و وصول تلگراف از امریکا چهل

مبعوث در شیکاغو براى قرار قطعى موقع مشرق‌الاذکار در روز مزبور

٢٣١- طهران بافتخار اعضاء محفل روحانى امر حضرت عبدالبهآء بگرفتن عکس مواقع

تاریخیه و همچنین عکس احبّاى قدیم بجهت ارسال بامریکا

٢٣٢- طهران بافتخار اعضا محترمه محفل روحانى بیان طلعت پیمان در مضرّات

اختلاف بین احبّاء اخبار از چند نفر ضعفا که باطناً با یحیائیها مرتبط

بوده و منافق هستند

٢٣٤- طهران بافتخار اعضاء محفل تقدیس اظهار عنایت حضرت عبدالبهآء و طلب تائید

در حق مشارالیهم و در ذیل آن ذکر صدور لوح از اسکندریه

٢٣٤- طهران بواسطهء جناب امین اعضاى محفل روحانى رحمانى امر طلعت پیمان بودیعه

گذاردن مال ایتام در بنک و یا صندوق مخصوص ایتام

٢٣٥- طهران بافتخار اعضاى محفل روحانى بیان حضرت عبدالبهآء در خصوص عدم

عجله در تمشیت امور و موقوف نمودن هر مسئله‌اى بمشورت ایام متعدّده

٢٣٦- بسیار محرمانه فوق‌العاده محرمانه طهران محفل روحانى امر پیمان حضرت

یزدان بمداراى با حضرات نسوان

٢٣٧- طهران بافتخار اعضاى محفل روحانى امر حضرت من اراده‌اللّه باشتراک

روزنامه نجم باختر و جریده چهره نما

٢٣٨- طهران بواسطهء میرزا غلامعلى اعضاى محفل روحانى رجاء مظهر عبودیت بدرگاه

حضرت احدیت بحفظ احبّا از شرّ اعداء و نصیحت بسکون و وقار

٢٣٩- بافتخار جناب آقا سید محمّد ورقآء عبودیت باین ترانه جان افزا مترنّم

قوله جلّ ثنائه (٠٠٠ اگر غنى مستقیماً على امراللّه بر وفاى بعهد و پیمان

الهی قیام نماید جنود آفاق مقاومت نتواند ٠٠٠)

٢٤٠- دهج بافتخار جناب آقا سید محمّد اظهار عنایت حضرت عبدالبهآء

بمشارالیه

\* ص2 \*

# یا صاحبى ‌السّجن

بواسطهء جناب حیدر قبل على جناب آقا سید نصراللّه و جناب آقا سید ناصر و جناب

آقا سید حسین و جناب آقا میر منصور علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی ملاحظه فرمایند

**هو اللّه**

ترى یا الهی‌العواصف قاصفة للظهور و القواصف قاصمة للأصلاب و الأزور

ربّ قد ضاقت ‌الصّدور و سئمت ‌النّفوس و ذابت ‌الأکباد و احترقت

القلوب و انصرم‌ الصّبر و انسجم‌ الدّمع و اضطرب‌ الفوأد فى مصیبة هذا الطیب

الطّاهر الاداب ربّ انّه من ‌النّجوم ‌الخمس‌ السّاطعة من افق ‌الهدى قد

سمعوا النّدآء و لبّوا للدعآء و قالوا ربّنا اننّا سمعنا منادیاً ینادى

للأیمان ان آمنوا بربّکم فآمنّا فانجذبوا الى مرکز الجمال قطب دائرة

الجلال و تیسّر لهم ‌الآمال و ابتهلوا الیک فى الغدّو و الآصال ربّ

انّهم ضعفآء ایدیهم بشدیدالقوى و فقراء هدیتهم الى‌الکنزالأخفى عجزاء

...[[4]](#footnote-4) بخدمتهم بالقوّة و القدرة بین‌الورى ربّ ربّ ادم علیهم سجال رحمتک

\* ص3 \*

و ادرکهم بعظیم موهبتک و اجعلهم آیات توحیدک و معالم تقدیسک و

رایات تفریدک و اشجار حدیقة معرفتک و اثمار شجرة موهبتک ربّ

انّ احدیهم قد ضاق علیه ‌الفضآء من الم‌الفراق و اشتاق الصّعود

الى محفل التّلاق و اضطرم فى قلبه نارالأحتراق فانجذب الى مرکز الأشراق

و قد تسوّق الى جوار رحمتک ‌الکبرى و تشوفّ بظهور موهبتک ‌الاعظمى قد

رجع الیک بقلب فارغ و دمع وافق و رجاء واثق رب اکرم مثواه

و یسّر مناه و ادرکه بالعفو والغفران و اسمح له بالفضل و الأحسان ربّ

اغفر الخطاء و زد فى العطآء ولا تواخذنا على الذنوب و اکشف الکروب

و استر العیوب یا علّام ‌الغیوب ربّ انّه وافد على بابک و سارع الى

رجائک و انّک انت‌الکریم و انّک انت‌الرّحیم و انّک انت ‌الغفور

لکلّ عبد اثیم ربّ قصرت ‌الأعمال و عظمت ‌الامال و عجزت

النّفوس و طفحت ‌الکؤس و لیس لنا ملجأ الاّ انت نلتجأ الیک و نتوکّل

علیک و نتضرع بین یدیک انّ تقبل هذا الضیف البدیع فى جنّة

احدیتک و ادخله فى فردوس فردانیتک و اخلده فى جنة‌ اللقآء فى

ظلّ سدرة‌المنتهى و غروّه کالطیور على شجرة طوبى و ارزقه اللبقاء و رنّحه

من صهبآء الوفآ انّک انت ‌العفوّ انک انت الغفور و انّک انت

الربّ المهیمن‌الرّحمن‌الرّحیم لا اله الّا انت ‌الحنّان ‌المنّان ‌الکریم ع ع

مقابله شد[[5]](#footnote-5)

\* ص4 \*

# هواللّه رشت جناب آقا سید اسداللّه برادران حاجى سید باقر اوف علیه بهاءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى ‌السّجن **هو اللّه**

اى ثابت بر میثاق نامهء شما تلاوت شد دلالت بر استقامت در امراللّه

داشت طوبى لک و بشرى لک بما ثبّت قد ماک على‌الصراط المستقیم

والمنهج‌القویم الیوم موهبتى اعظم از ثبوت و رسوخ نه زیرا مقاومت

جمیع ملل آفاق را بچه توان نمود آیا جز باستقامت بر امراللّه و ثبوت

و رسوخ بر میثاق‌اللّه ممکن لا واللّه اینست حصن حصین اینست کهف

منیع اینست ملاذ رفیع این قوّت رحمانیه جنود طغیان را منهزم نماید

و اهل غرور و اصحاب فتور را بهلاکت ابدى و انعدام سرمدى مبتلا نماید

از خدا میطلبم که منتهاى خیر را از براى آن یار دیرین و اخوان نازنین

مقدّر فرماید مطمئن باش مشمول نظر عنایتى و در ظلّ رحمت و عاطفت

حضرت احدیت جمیع یاران الهی را تکبیر ابدع ابهى ابلاغ نما و

علیک التّحیة و الثنآء ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** اى یار حقیقى عبدالبهآء عزیز روحانى آقا سید ناصر بأرض مقصود وارد

و بطواف تربت مقدسه فائز او را روانه نزد شما نمائیم تا از مشاهدهء روى

\* ص5 \*

او سرور و حبور و شادمانى یابید فى الحقیقه این پسر زادهء جان و دل

آن پدر است از الطاف حضرت احدیت امیدوارم که موفّق بخدمت

پدر گردد تو مطمئن باش و مسرور که در حفظ و حمایت آلهیه هستى و

خوش باش و ممنون خرم باش و مشعوف که چنین مقرّب درگاه جمال مبارکى

ع ع مقابله شد

خط مبارک

# هواللّه ط جناب آقا سید حمزه علیه بهآءاللّه‌الأبهی ملاحظه نماید

**هو اللّه**

اى مشتاق ملکوت ابهى طائر عنایت از آشیان الهی پرواز نمود

و مراتب وجود را طی کرد تا بمنزلگاه عالم انسانى رسید و بهر سمت پرواز

نمود تا در عرصهء قلب تو لانه کرد این طیر دست آموز پروردگارست و این

باز از ساعد شهریار آمد قدرش را بدان و مهرش را گران کن تا صید افکن

گردى و شکار گیر چه که این شهباز را منقار از فولاد معدن اسرار است

و چنگش روئین و آفت هر شکار بآنچه مقصود است پى بر والبهآء علیک

ع ع مقابله شد

\* ص6 \*

هو اللّه

رشت سادات خمس جناب آقا سید اسداللّه علیه بهآءاللّه الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو الأبهی** اى ثابت بر پیمان حمد کن خدا را که جبینى از انوار ساطعهء آفتاب

عهد روشن دارى و لسانى بستایش الهی چون مرغ گلزار و چمن نظر عنایت

شامل است و غیث رحمت هاطل آن اخوان الحمدللّه در یوم ظهور

ملحوظ بعین عنایت مجلّى طور بودند و در عصر میثاق مشهور آفاق از فضل

غیر متناهى الهی رجا مینمائیم که از اثر تضرّع و ابتهال صبحگاهى در حصن حصین

و کهف امین محفوظ و مصون مانى آن ذات محترم آنچه در حقّ آقا غلام حسین

ممتحن مجرى فرمودند سبب نهایت روح و ریحان گشت این عمل مجرّد

حسبتاً للّه است و مفاد آیهّ مبارکه انّما نطعمکم لوجه‌اللّه البتّه این شجر

مثمر گردد و این مبادى نتائج مستحسنه بخشد بارى دعا میکنیم که مؤید و موفّق

گردند

و علیک التّحیة و الثّناء ع ع مقابله شد

بواسطهء حضرت حیدر قبل على طهران جناب آقا میر ناصر سلیل مجید

متصاعد الى‌اللّه و امة‌اللّه ‌المطمئنه والدهء محترمه و اخوان محترمان

ایشان آقا سید حسین و میر منصور علیها و علیهم بهآءاللّه الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** \*ص7 \* اى اسرار آن سید ابرار ابنآء اگر از عنصر جان و دل آباد باشند یعنى

حسن اخلاق منضم بشرف اعراق گردد یعنى پسر بر قدم پدر باشد

نسبت بنوّت حقیقى است الولد سرّ ابیه ولى اگر از عنصر آب و گل

پدر نباشد و نصیب از جان و دل مفقود یعنى سؤ اخلاق منافى بشرف

اعراق گردد آن نسبت مجازیست اینست که خطاب بحضرت نوح میفرماید

انّه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح یعنى یا نوح کنعان از اولاد و سلالهء

تو نیست خارج است زیرا این نسبت مجازیست نه حقیقى حال

امید چنانست که شما منشعب از عنصر جان و دل آن بزرگوار باشید

نه زادگان آب و گل شمع او را برافروزید کشت او را آب دهید درخت

امید او را بپرورانید امّا رویائی که دیده بود حقیقت واقع بود لهذا

بعد از موعد مذکور روح جدید عنایت شد و حیات ابدیه

حاصل گشت بجهان ابدى شتافت و زندگانى جاودانى یافت

بمحفل تجلّى پرواز نمود و با ملأ اعلى دمساز گشت شما محزون مباشید

دلخون مشوید مأیوس منشینید مطمئن باشید توکّل بر خدا کنید

و تشبّث بذیل کبریا نمائید بفضل و موهبت الهیه مطمئن باشید و در

ظلّ شجرهء رحمانیه بیاسائید و دل و جان را بنور هدایت و استقامت

و ثبات بیارائید وعلیک ‌البهآءالأبهی ع ع مقابله شد

\* ص8 \*

هو اللّه دو ضلع آقا سید اسداللّه علیهما بهآءاللّه‌الأبهی

خط مبارک

# **هو الأبهی** اى دو ورقهء موقنه شکر خدا را که از بحر اعظم اغتراف نمودید و از

الطاف جمال قدم اقتراف کردید در ظلّ کلمهء توحید داخل شدید

و از عین تسنیم نوشیدید و از انوار هدایت کبرى اقتباس نمودید

والبهآء علیک ع ع مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

طهران بواسطهء جناب آقا سید نصراللّه جناب آقا سید اسداللّه علیه بهآءاللّه

الأبهی

# **هو اللّه** اى ثابت بر پیمان هرچند بشما نامه ننگاشتم ولى دائماً روى دلجوى

دوستانرا بخاطر داشتم و هر دم بملکوت قدم عجز و زارى نمودم و طلب

عون و عنایت حضرت رحمانى کردم الحمدللّه تأییدات آلهیه از هر

جهت رسید و نسیم عنایت وزید و عون و صون شدید از ربّ مجید

شامل حال گردید که جناب برادر محترم آقا سید نصراللّه و شما بخدمت

امر قیام نمودید و جناب امین ببرهان مبین تفصیل را ذکر نمود از جمله

اعانه شهداى یزد و اعانهء مشرق‌الاذکار و اعمال مبروره و خیرات

موفوره جمیع و کل در درگاه احدیت مقبول گردید و حضرت پروردگار

\* ص9 \*

شما را بأسم حق عزیز فرمود تا باین خدمات موفّق شدید پس شکر کنید

دلبر یکتا را که بچنین فضل جلیل و فیض جمیل شما را اختصاص داد

پس همواره آوارهء کوى او و آشفتهء روى او و پریشان موى او

و تشنهء جوى دلجوى او باشید شخص موفّق گردید و نفس مؤید شوید

و سبب عزّت امراللّه در بین خلق گردید نظر عنایت و الطاف

جمال مبارک شامل آن خاندان بوده و مستمرّ بر آن دودمان خواهد بود

امیدوارم که آثار این فضل ابدالدّهر چون نجم ساطع از افق وجود

طالع و لائح باشد وعلیک التحیة و الثّنآء ع ع مقابله شد

جناب آقا سید اسداللّه علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

خط مبارک

# **هو الأبهی** الهی الهی هذا عبد استشرق من انوار الهدایة السّاطعة من شمس‌الحقیقه

و استضآء من المصباح الموقد فى زجاجة‌ الرّحمانیة اى ربّ نوّر

وجهه بنور العطآء و اشرح صدره بآیات الوفآء و اجعله قدوة

حسنة للورى انّک فعّال لمّا تشآء ع ع مقابله شد

بواسطهء جناب آقا میر ناصر حضرات اخوان ایشان آقا سید حسین و آقا میر منصور

علیهما بهاءاللّه ‌الأبهی

\* ص10 \*

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى دو ستاره مانند فرقدان حمد خدا را که در افق محبت‌اللّه روشنید

و در عتبهء کبریا مقبول و مقرّب سرو علن برادر مهربان در این

انجمن رحمان یاد برادران نمود و همواره بدل و جان بذکرشان خرم و

شادمان گردید من از وفا و مهرپرورى او ممنون و خوشنود گشتم و

بدرگاه احدیت از براى شما تأیید و توفیق خواستم امیدوارم که این ابنآء از

عنصر جان و دل آباء باشند و اخلاف خیر نعم‌الاسلاف گردند

مزرعهء آمال پدر را آبیارى کنند و حدیقهء انیقه خلوص آنان را باغبانى

نمایند تا نعم ‌السّلف و نعم ‌الخلف تحقّق یابد و علیکما البهآء الأبهی

ع ع مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

بواسطهء جناب آقا میر ناصر امة‌اللّ ه‌الموقنه والده محترمهء ایشان علیها

بهآءاللّه‌ الأبهی

# **هو اللّه** یا امة‌اللّه‌ المقرّبه جناب میر ناصر با وجهى ناضر حاضر و در نهایت خلوص

باطن و ظاهر یاد تو نمود و بذکر تو پرداخت و حقوق والدهء خویش را

در خاطر داشت فى الحقیقه جوانیست برازنده و مؤمن و موقن و ثابت

است از خدا خواه که روز بروز ترقّى نماید و از کمالات عالم

انسانى استفاضه فرماید و مانند پدر پاک گهر و اعمام کرام بخدمت

\* ص11 \*

حق موفّق گردد پسر باید چنین مهرپرور باشد و ابوین را پرستش نماید

از راحت خویش بگذرد و در فکر آسایش بیگانه و خویش باشد بارى

از ملاقات او سرور حاصل گردید انشآءاللّه با کمال حبور او را ملاقات

خواهى نمود و علیک‌ البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

بواسطهء جناب میر ناصر امة‌اللّه‌ المنجذبه ضجیع محترمه علیها بهآءاللّه الأبهی

# **هو اللّه** اى کنیز عزیز الهی قرین محترم با عبدالبهآء همراز و همدم گشت الحمدللّه

بوستان محبّت اللّه را نهالیست بیهمال و گلستان معرفت اللّه را

گلیست صد برگ و خندان پس بملکوت ابهى عجز و نیاز نما که محفوظ

و مصون ماند و محظوظ و محروس تا جویبار آمال ان خاندان را آبیارى

کند و حدیقهء عزت ابدى آن دودمان را خدمت و باغبانى نماید و

سبب سرفرازى خویش و پیوند شود و باعث افتخار سلاله و فرزند گردد

والده نظر عنایت پرتوى بر او انداخت تا آنکه دل از دو جهان بپرداخت

و عزم کوى جانان نمود و علیک ‌البهآء الأبهی

الهی الهی هذه امة من امائک تطلب ‌المغفرة و الرّحمة و الرّضوان

لأمها التى رجعت الیک مطمئنة بفضلک و جودک راجیة لطفک و

مواهبک املة عفوک و مغفرتک ربّ ارحمها و البستها قمیص الغفران

\* ص12 \*

و ادخلها فى جنّة‌ الرّضوان انّک انت الرّحیم الرّحمن و انّک

انت الغافر الواهب العزیز المنّان ع ع مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

طهران بواسطهء حضرت شهید ابن شهید جناب آقا سید اسداللّه علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

# **هو اللّه** اى ثابت نابت غم مخور پریشان مباش عون و عنایت جمال ابهى

شاملست و فیض و نصرتش متواصل الحمدللّه نصراللّه یار و برادر است و

تأیید خدا همواره برابر ابداً کلال و ملال میار و فتور و قصور مخواه دمبدم

بشکرانه جمال قدم همدم باش و بستایش و نیایش اسم اعظم پرداز تا

روز بروز الطاف حق بروز کند و شاهد آمال در محفل اقبال مانند شمع

رخ بر افروزد مطمئن باش حضرت شهید ابن‌ الشهید علیه بهآءاللّه الأبهی

از شما ممنونند و خواهش دعا از عبدالبهاء در حق ّ شما مینمایند

الهی الهی هذان عبدان ناظران الى ملکوت عزّتک و متوجّهان الى

افق احدیتک متضرّعان الیک و متوکّلان علیک و منشرحان

بنفحات قدسک و منجذبان الى روح انسک اللّهم ایدهما بقوّة

جبروتک و وفقهما بقوّة لاهوتک و افتح على وجهما ابواب الفتوح

و ارزقهما من مائدة ‌السمآء یا قدّوس و یا سبّوح و اجعل لهما مخرجاً

و قدّر لهما خرجاً و ارزقهما من خزائن علیک و اظهرهما على من اذا هما

\* ص13 \*

و احفظهما فى صون حمایتک بعونک و عنایتک و حفظک و کلائتک

یا ربّ‌ الاسمآء الحسنى یا ذا المثل الأعلى انّک انت الرّحمن و

انّک انت العزیز المقتدر المنّان ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو الأبهی** اى یار مهربان هر چند مکتوب مرقوم شد امّا خواستم که بخطّ خوش

نیز چندى بنگارم تا تلافى مافات گردد ولى من با یاران الهی

مخابرهء روحانى دارم و آن وحدت حال در عبودیت آستان

حضرت ذوالجلال و چه ارتباطى اعظم از آن لهذا دل قوى دار

و در نهایت سکون و قرار بتمشیت امور پرداز و تبتّل بآستان

مقدّس حیّ قیوم جو انّ هذا هوالملک‌الّذى لا یفنى ع ع مقابله شد

طهران حضرت آقا سید نصراللّه باقر اوف علیه بهآءاللّه ‌الأبهی

# اى ثابت بر عهد و پیمان مدّتیست که با آن یار مهربان گفتگوئى ننمودم

و از احساسات جان و دل دم نزدم عبدالبهآء مانند مرغ

گویائى بود که در موسم خزان در لانهء خاموشى سر بزیر پَر نهاده

از آهنگ و آواز و نغمه و شهناز باز مانده نه الحانى و نه

\* ص14 \*

ناله راز و نیازى و در این نیز حکمت بالغه بوده الحمدللّه دوباره موسم

ربیع آمده و بیان بدیع آغاز نموده و با آن یار حقیقى و سائر یاران

صمیمی بتحریر و تقریر پرداخته این از عنایات حضرت خفی الالطاف

است که پس از خاموشى بخروش آمده و بعد از سکوت بغلیان

و جوش پرداخته و در بدایت مخابره بمکاتبه بیاران عزیز آغاز نموده

بارى سالهاى انقلاب و شدّت اضطراب هر چه بود گذشت حال

سکون و اطمینان حاصل باید چون هژبر صائل و شجاع باسل در میدان

جانفشانى جولان نمود زیرا عالم انسانى از این جنگ ناگهانى

استعدادى شدید حاصل نموده و علوّیت تعالیم الهی و نورانیت احکام

ربّانى و مضامین الواح سبحانى تحقّق یافت امیدواریم که حرب عمومى

بصلح عمومى انجامد و این سفّاکى و هتاکى و بیباکى پاکى و آزادگى نتیجه

بخشد جهان آسایش یابد و کیهان آرایش جوید ولولهء پرخاش و

جنگ بهلهلهء نغمه و آهنگ مبدّل گردد این ابرهاى تاریک متلاشى

شود و آفتاب عزّت ابدیه انسانى در جمیع اقالیم بتابد و عالم

بشر را از شرّ خطر برهاند جناب میرزا کمال در بیروت باکمال علوم

پرداخته و جناب میرزا جلال در دائرهء حکومت حیفا مأموریتى یافته

و منتظر تسهیل سفر بانصفحات هستند وعلیک ‌البهآء الأبهی ٣ ربیع‌الثّانى ١٣٣٧

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

\* ص15 \*

طهران حضرت باقر اوف علیه بهآءاللّه الأبهی

# **هو اللّه** اى ثابت بر پیمان نامهء که بتاریخ ٨ ذى‌القعده ٣٧ مرقوم فرموده بودید

رسید الحمدللّه دلالت بر صحّت و استقامت و بذل همّت در عبودیت

حضرت احدیت داشت الیوم هر شخص ثابت راسخى نفس مؤید است

و مظهر الطاف حضرت رحمانیت جنود تأیید معین و نصیر اوست و مجیر و

ظهیر او مظّفر و منصور است و مقرّب و منظور و در جمیع آفاق این امر

مجرّب است و هر متزلزلى مخذول و مقهور و منکوب و مغلوب لهذا مطمئن

بألطاف الهی باش که مورد عنایات حضرت مقصودى حضرت تفتى را

بطهران بخواهید که در خفا به تبلیغ نفوس مهمّه پردازد در سراى شما ولى

هر نفسى که اقبال مینماید آنرا مکتوم از کلّ بدارید هیچکس بوئى نبرد از

اطراف مبلّغین میطلبند بقدر امکان از نفوس منجذبهء مشتعله انتخاب

نمائید امیدوارم که تأییدات غیبیه نفوسى جدیداً مبعوث نماید که

آیت هدى و رایت ملأ اعلى گردند جناب میرزا عزیزاللّه خان و

حضرت فاضل مازندرانى هر دو وارد مطلوب جناب آقاى میرزا محمّدعلى

و جناب میرزا جلال رسید و تسلیم شد مرقوم نموده بودید که امر در نهایت

علوّ است باید بساحت جمال قدم شکرانه نمود که چنین عون و عنایتى

فرمود و فتح و نصرتى بخشید وعدهء خویش را بنهایت قوّت وفا

فرمود حضرت شخص محترم رئیس خواه منصوب و خواه معزول امیدوارم

\* ص16 \*

که خدمتى بدیوان الهی نماید تا در ایوان الهی مذکور گردد زیرا هر بنیانى

بپایان ویران گردد الیوم احیاى ایران بتحسین اخلاقست و تحسین

اخلاق مشروط بحرّیت وجدان تا اخلاق عمومى تحسین و تعدیل نشود فلاح

و نجاح محالست من در حق ایشان دعا میکنم از الطاف حق عون و عنایت

میطلبم امیدوارم که این معاهده حاضر شود و نفوس مهاجمهء از ترکستان

در ایران رخنه ننمایند و صعود حضرت ادیب و عروج آن حبیب سبب حزن

شدید شد بازماندگان آنشخص جلیل را بسیار محبّت و مهربانى نمائید

تسلّى خاطر بدهید عنقریب مناجات و زیارت در حقّ او ارسال

میگردد مرقوم فرموده بودى که املأ و انشا ندارم املأ شما بى بدیل

و انشآء شما بى مثیل است زیرا جمیع از قلب منیر و حبّ شدید صادر میگردد

بجناب امین مرقوم شد که قبر حضرت ادیب را صد تومان خرج نموده در نهایت متانت و

لطافت بنا نمایند و شما نیز باید مواظبت کنید و

علیک البهآء الأبهی ١٧ صفر ١٣٣٨ حیفا عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

بواسطهء جناب آقا سید نصراللّه سادات خمسه جناب امیر محترم

علیه بهاءاللّه ‌الأبهی

# **هو اللّه** ایها الأمیر الشّهیر ربّ قدیر واقف و شهید است که همواره در

شبهاى روشن و تار وقت مناجات با پروردگار تأیید و توفیق تکرار بتکرار

\* ص17 \*

شما را طلبم لهذا عبدالبهآء امیدوار که عون و صون ملکوت اسرار

تتابع و استمرار یابد و چنین است ولى مشروط باین که خیر مطلق

باشى و طالب رضاى حق جهان انسانی را رحمت ربّانى گردى و

در این عالم فانى زندگانى نامتناهى بدست آرى ثابت و مستقیم

شوى و در خدمت بشخص معلوم مستدیم باشى خیرخواه غیور گردى

و سبب تنبّه و تذکّر اهل غرور همواره در اصلاح راعى و رعیت کوشى

و بوحدت عالم انسانى خدمت نمائى سریر شهریاری را حافظ و جامى

و منقاد و مطیع باشى و حوزهء ملّت را کافل سعادت و راحت جسمانى

و روحانى انشاءاللّه بجمیع این وصایا موفّق و مؤید خواهى گشت و

ابواب فتوح را از هر جهت مفتوح خواهى یافت و در این انجمن عالم

شمعى برافروزى که پرتو ساطعش بر قرون و اعصار بتابد و خدمتى بنمائى

که در ملک و ملکوت آوازه و صیتش تا ابدالآباد باقى و برقرار گردد

پس خدمت بدیوان الهی کن تا بایوان بلند رحمانى پى برى و جانفشانى

در سبیل ربّانى نما تا روح و ریحان در جهان نامتناهى یابى و

علیک التحیة و الثّنآء ع ع مقابله شد

طهران جناب آقا سید نصراللّه باقراف

# **هو الأبهی** ( ص18 ) اى ثابت بر پیمان نامه‌ا‌ی که بتاریخ ١٢ شهر صفر سنه ٣٣٩ مرقوم نموده بودید

رسید الحمدللّه بعون و عنایت جمال مبارک نفوسى خلق شده‌اند که

بیاران الهی مهربانند مناجاتى طلب مغفرت از براى ذات محترم مؤید که

بجهان پنهان صعود نمودند از قلم میثاق صادر بمنتسبین ایشان برسانید

و همچنین رقّى منشور بحضرت منشور مرقوم و مرقوم نموده بودید که احباب

و اغیار جمیع طبقات خلق در اضطرابند این سیل شدید را خود خلق مسببّند

اهل ایران اگر در این ایام راحت بودند جمیع طوائف غیرعادله در فکر

تعرض تام باحبّآء بودند با وجود آنکه احبّاى الهی با جمیع طوائف مهربانند

و صادق و خیرخواه از براى کلّ راحت و آسایش دنیا و عزّت ابدیه در

نشئه اخرى میخواهند تعرّض و اعتراض بأحدى نمینمایند اگر کلمه حقّى

بر زبان رانند و سامع قبول ننماید بخدا واگذارند اعتراضى نکنند و مجادله

ننمایند ولى اقوام سائره همواره در فکر آنند که مانند ذئاب کاسره و سماع

ضاریه بر اغنام الهی بتازند پس لابد بر این است که این سیل‌هاى شدید از

کوهسار حوادث سرازیر گردد الحمدللّه خانوادهء آنجناب محفوظاً از رشت

رسیدند و احبّاى سائره نیز جز حضرت ابتهاج محفوظ و مصون ماندند حضرت

آواره هر چند مجبور بسفر یزد بودند ولى امید چنانست که بعد از تمشیت امور

مراجعت بطهران نمایند و جواب نامهء ثانى شما که بتاریخ ١٩ محرّم بود مرقوم

میگردد اگر جواب نامه‌ا‌ى تأخیر افتد ولى تمشیت امور تأخیر نمى‌یابد لهذا

نامه‌ا‌ى که محفل روحانى مرقوم نموده بود جواب زود صدور یافت یعنى در اجراى

\* ص19 \*

مقاصد ایشان فوراً تشبّث شد جناب میرزا رحیم‌خان فى الحقیقه همّت

فرمودند از خدا خواهم که احبّاى الهی موفّق بخدمت بشخص خطیر گردید احبّاى

الهی باید قدردان باشند اگر همّت و عنایتى از شخص خطیر به بینند در نهایت

صداقت و وفا بخدمت پردازند تكرار مرقوم شد كه مناجاتی كه طلب مغفرت

بجهت حضرت مؤید گردید آنرا به منسوبان و دوستان حقیقى ایشان برسانید

و بجناب منشور رقّ منشورى ارسال گردید بأولاد امجاد و اسّلاء اجّلاء

از قبل من نهایت محبّت و مهربانى ابلاغ دارید عبدالبهآء عبّاس

١٢ ربیع الثّانى ١٣٣٩ حیفا مقابله شد

طهران حضرت باقراف

# **هو الأبهی** اى ثابت بر پیمان نامهء شما نمره ١٢ وصول یافت اشاره بوصول

دو پاکت نموده بودید جواب مختصر مرقوم میگردد فرصت تفصیل نیست

نامه شخص محترم هنوز نرسیده هر وقت برسد جواب البتّه ارسال میگردد

از قبل من نهایت تعلّق قلب و احترامات فائقه ابلاغ دارید و

البتّه در معاونت و محافظت مظلومان نهایت همّت را مجرى خواهند

فرمود و از قبل من بیان ممنونیت نمائید اما قضیه اوضاع ایران

ایران ویرانست و جز بنفحات رحمن استقرار و اطمینان نخواهد یافت

\* ص20 \*

این قضیه در نزد اعاظم رجال اروپا و امریک مسلّمست از جمله وزیر خارجهء

سابق امریک مستر براین بعد از سیاحت آسیا چون بامریکا رجوع نمود

خطاب بلیغى و نطق فصیحى در محافل کبرى داد و جرائد امریک نشر دادند

از جمله خطاب این بود که عالم شرق بتعالیم بهآءاللّه فلاح و نجاح یابد

دیگر امیدى از جائى نیست این تعالیم جلیله چون تعمّم یابد افق شرق

بنور نجاح و فلاح روشن گردد و امّا شخص جلیل که چندى پیش بمسند

عزّت جلوس نموده بودند و همشهرى شماست در پاریس ملاقات گشت

حتّى ضیافتى از عبدالبهآء فرمودند و در بین جمیع ایرانیان از شاهزادگان

و وزراء که سفر باروپا نموده بودند ایشان ممتاز و مستثنى بودند اخلاق

دلالت بر شرف اعراق مینمود امیدم چنانست که موفّق بخدمت عظیمه‌ا‌ى

بعد بدیوان الهی گردند تا علم در ایوان الهی برافرازند و بر مسند سلطنت

ابدى استقرار یابند و ایران و ایرانیان را سبب عزّت جاودانى شوند

اى ثابت بر پیمان اغتشاش و اضطراب محصور در ایران نیست مختصر

این است جمیع عالم درهم است و جمیع امم در تعب البتّه شنیده‌اید

که در اروپا چه خبر است لهذا از خدا بخواه که این مشقت و آلام و مصائب

عموم عبارت از وجع مخاض باشد یعنى درد زه و مولود حقیقى که

عبارت از راحت و آسایش عالم آفرینش است تولّد یابد امیدوارم که

این بلایا منتهى باین عطایا گردد و علیک البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس

خط مبارک نامه شخص محترم رسید جواب در جوفست برسانید ع ع مقابله شد

٢٦ ع‌ثانى ١٣٣٩ حیفا

\* ص21 \*

طهران حضرت آقا سید نصراللّه باقراوف علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

خط مبارک

# اى بنده حقیقى الهی من بعد جمیع مکاتیب را بواسطهء آقا احمد یزدى در پورتسعید

ارسال دارید زیرا چون باسم من و حیفاست در طهران بلکه عموم ایران

باز میکنند لهذا بعموم مرقوم نمائید که باسم حیفا و نام من ارسال ندارند

نزد شما بفرستند و یا باقا احمد در پورتسعید بفرستید و شما جمیع

مکاتیب را و هم چنین جناب امین نزد آقا احمد بپرتسعید بفرستید

و نوعى بفرستید که مأمورین پوسته احساس نکنند که آقا احمد واسطهء

حیفا و من است حکمت چنین اقتضا میکند از محفل روحانى تلغراف

رسید که در طهران اسباب مخاطره فراهم آمده بمواقع مهمّه مراجعه

گردید و جواب محکم دادند که بسفارت سفارش محکم گردید جمیع را

تحیت مشتاقانه برسانید مستعجل مرقوم گردید و علیک البهآء الأبهی

عبدالبهآء عبّاس

چند مکتوب مؤخرا از طهران رسید که لاک و مهر ابداً نداشت پاکت را

تبدیل نموده بودند یعنى پاکت اصلى را پاره نموده در پاکت دیگر گذاشته

وبر آن معاملهء مهر پوسته مجرى کرده بودند که کسى نفهمد که باز

کرده‌اند شما ملتفت این خیانتها باشید لهذا پاکت را باسم

اقا احمد یزدى در پورتسعید با مهر و لاک بواسطهء شخصى که پوسته‌چی‌ها

نشناسند سفارشى ارسال دارید عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

\* ص22 \*

# **هو اللّه** اى ثابتان بر میثاق جناب زائر ذکر هر یک از شما را نمودند و رجاى

نامه‌هاى منفرداً فرمودند ولى این آوارهء صحراى محبّت‌اللّه را هزاران

مشاغل و شواغل مانع و حائل و مکاتیب از مشارق و مغارب چون سیل

سائل و جیش صائل با وجود این بهر یک منفرداً تحریر نامه مستحیل لهذا

خطاباً بکلّ این مکتوب مرقوم میگردد تا مانند رحیق مختوم قلوب را نشئه

بخشد و روح را فرح و انبساط ابذال دارد اى یاران ثابت فیض

الهی مانند باران بهارى بعالم انسانى افاضه نموده و پرتو نور مبین روى

زمین را رشک بهشت برین کرده ولى افسوس که کوران محروم و

غافلان محجور و افسردگان مأیوس و پژمردگان مخمود و این فیض

بى پایان مانند سیل روان بمصدر اعلى دریاى پنهان راجع مگر

نفوس قلیله نصیبى میبرند و اشخاص معدوده بهره میگیرند تا چه کند قوّت

بازوى دوست امید است که در مستقبل خفتگان بیدار شوند و غافلان

هوشیار گردند و محرومان محرم اسرار گردند حال باید یاران بدل و

جان سعى بلیغ نمایند و جهد شدید مبذول دارند تا بنیان بیگانگى

برافتد و انوار وحدت انسانى یگانگى بخشد امروز اهمّ امور اتّحاد و

اتّفاق احبّاى الهی است که با یکدیگر یک دل و یک جان شوند تا

توانند مقاومت خصومت اهل عالم کنند و تعصّبات جاهلیه ملل و

مذاهب را ازاله نمایند هر فردى از افراد بشر را تفهیم نمایند که کل

\* ص23 \*

بار یک دارید و برگ یک شاخسار ولى تا نفس احبّا اتّحاد و اتّفاق

کلّى نیابند چگونه توانند که احزاب سائره را باتّحاد و اتّفاق

بخوانند جان نایافته از هستى بخش کى تواند که شود هستى بخش

در کائنات خارجه تفکّر کنید تا عبرت حاصل شود سحاب متفرّق فیض

باران ندارد و در اندک مدّت متلاشى شود گلّهء پراکنده در تحت

تسلّط گرگ افتد طیور متفرّقه بچنگل باز مبتلا شود چه برهانى اعظم

از این که اتّحاد و اتّفاق سبب ترقّى و حیاتست و اختلاف و افتراق

مورث ذلّت و هوان و اعظم اسباب خذلان و خسران مظاهر مقدّسه

آلهیه بجهت ظهور وحدت انسانى مبعوث شده‌اند و تحمّل صدهزار

مشقّت و بلا نموده‌اند تا جمعى از بشر احزاب مختلفه در ظلّ کلمة‌اللّة

مجتمع و متّحد گشته وحدت عالم انسانى را در نهایت حلاوت و لطافت

و ملاحت در عرصهء وجود جلوه دهند پس باید یاران الهی را آرزو

چنان باشد که عموم بشر را متّحد و متّفق نمایند تا از این صهباى طهور

و کأس مزاجها کافور نصیب موفور برند ملل مختلفه را متّحد نمایند و

شعوب و قبائل متقاتله را متحابّه کنند اسیران نفس و هوى را آزاد نمایند

و محرومان را محرم اسرار فرمایند بى نصیبان را بهره از موهبت ایام بخشند

و فاقدان را بر گنج روان هدایت کنند و این موهبت بگفتار و کردار و رفتار

ملکوت اسرار ممکن است و بدون آن مستحیل تأییدات الهیه

کافل این مواهب است و فیوضات قدسیه واهب این زعائب

\* ص24 \*

یاران الهی از ملکوت رحمن مؤید و بجیوش هدایت کبرى موفّق لهذا هر

صعبی آسان شود و هر مشكلی بنهایت سهولت انجام جوید ملاحظه نمائید

چون اتّحاد و اتّفاق در میان خاندانى واقع شود چه قدر امور سهل

و آسان گردد و چه قدر ترقّى و علوّیت حاصل شود امر منتظم گردد

و راحت و آسایش میسّر شود خاندان محظوظ ماند مقام محفوظ شود

سبب غبطهء عموم گردد و روزبروز بر علوّیت و عزّت ابدیه بیفزاید

و چون این دائره اندکى اتسّاع یابد یعنى اهل قریه‌ا‌ى بمحبّت و

اتّحاد پردازند و الفت و یگانگى خواهند و مؤانست و مهربانى

کنند چه قدر ترقّى نمایند و چگونه محفوظ و مصون گردند پس این دائره

را اندکى واسعتر نمائیم یعنى اهل مدینه‌ا‌ى بتمامها اگر روابط اتّحاد و

اتّفاق را محکم سازند در اندک زمانى چه قدر ترقّى نمایند و بچه

قدرت و قوّتى تجلّى فرمایند و چون دائره اتّحاد پیشتر اتسّاع یابد

یعنى اهل اقلیمى قلب سلیم یابند و بصمیم دل و جان اتّحاد و اتّفاق

جویند و با یک دیگر مهربان گردند آن اقلیم سعادت ابدیه یابد و

عزّت سر مدیه جوید و بثروت کلّیه رسد و راحت و نعمت موفوره

یابد حال ملاحظه نمائید که اگر جمهور طوائف و احزاب و قبائل و

تمام دول و ملل و جمیع اقالیم عالم در ظلّ خیمهء یکرنگ وحدت عالم

انسانى آید و باشراقات شمس حقیقت اعلان عمومیت بشر فرمایند

جمیع ملل و مذاهب دست در آغوش یک دیگر کنند و انجمن عمومى تأسیس

\* ص25 \*

نمایند و افراد بشر را با یک دیگر نهایت ارتباط بخشند آنوقت چگونه

خواهد شد شبهه نیست که دلبر رحمانى با جنود مواهب عالم انسانى

و تأییدات ربّانى در نهایت صباحت و ملاحت در انجمن عالم

جلوه نماید پس اى یاران الهی تا توانید بر اتّحاد و اتّفاق با

یکدیگر کوشید زیرا کل قطرات یک بحرید و اوراق یک شجر

و لئالى یک صدف و گل و ریاحین یک ریاض پس از آن

در تألیف قلوب سائر ادیان بیکدیگر جانفشانى نمائید و با

هر فردى از افراد انسانى نهایت مهربانى کنید نفسى را بیگانه

نخوانید و شخصی را بدخواه مشمرید چنان رفتار نمائید که جمیع

خلق خویش و پیوندند و آشنا و ارجمند چنان سلوک

نمائید که این جهان فانى نورانى گردد و این گلخن ظلمانى

گلشن رحمانى شود این است وصیت عبدالبهاء این است نصیحت

اینعبد بى نوا و علیکم‌البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

طهران محفل ایادى امراللّه علیهم بهآء الأبهی

پس بواسطهء جناب منصور رحمانى و آقا میرزا على اکبر بخطّ خوش طبع

شود و باطراف ارسال گردد

# **هو اللّه** (ص26 ) شرق و غرب خصوصاً احبّاى ایران عموماً علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

اى احبّاى الهی و امآء رحمن جمهور عقلا برآنند که تفاوت عقول

و آراء از تفاوت تربیت و تعلیم آدابست یعنى عقول در اصل

بتساویست ولى تربیت و تعلیم آداب سبب گردد که عقول متفاوت

شود و ادراکات متباین این تفاوت در فطرت نیست بلکه در

تربیت و تعلیم است و امتیاز ذاتى از براى نفسى نیست لهذا نوع بشر

عموماً استعداد وصول باعلى‌المقامات دارند و برهان بر این اقامه

نمایند که اهالى مملکتى نظیر افریقا جمیع مانند وحوش ضاریه و

و حیوانات برّیه بى عقل و دانشند و کلّ متوحّش یک نفس دانا و

متمدن در مابین آنان موجود نه و بعکس آن ملاحظه مینمائید که ممالک

متمدّنه جمیع اهالى در نهایت آداب و حسن اطوار و تعاون و تعاضد

وحدّت ادراک و عقل سلیم هستند الّا معدودى قلیل پس معلوم

و محقّق شد که علوّ و دنوّ عقول و ادراکات از تربیت و تعلیم

و عدم آنست شاخ کج بتربیت راست شود و میوهء بَرّی جنگلى

ثمر بستانى شود و شخص نادان بتعلیم دانا گردد و عالم توحّش

بفیض مربّى دانا جهان تمدّن گردد علیل بطبابت شفا یابد و

فقیر بتعلیم فنّ تجارت غنى شود و تابع بسبب کسب کمالات متنوّع

عظیم گردد و شخص ذلیل بتربیت مربّى از حضیض خمول باوج

\* ص27 \*

رفیع رسد اینست براهین آنان انبیاء نیز تصدیق این رأى را

میفرمایند که تربیت نهایت تأثیر در بشر دارد ولى میفرمایند

عقول و ادراکات در اصل و در فطرت نیز متفاوتست و این امر

بدیهى است قابل انکار نه چنانکه ملاحظه مینمائیم اطفالى هم سن و هم

وطن و هم جنس بلکه از یک خاندان و تحت تربیت یک شخص

پرورش یابند با وجود این عقول و ادراکاتشان متفاوت یکى

ترقّى سریع نماید و یکى پرتو تعلیم بطئى گیرد و یکى در نهایت درجهء

تدنّى ماند خزف هر چه تربیت شود لؤلؤ لئلا نگردد و سنگ

سیاه گوهر جهانتاب نشود و حنظل و زقوم بتعلیم و تربیت شجرهء مبارکه

نگردد یعنى تربیت گوهر انسانی را تبدیل نکند ولکن تأثیر کلّى نماید

و بقوّهء نافذه آنچه در حقیقت انسان از کمالات و استعداد مندمج

و مندرج بعرصهء ظهور آرد تربیت دهقان حبّه را خرمن کند و همّت

باغبان دانه را درخت کهن نماید لطف ادیب اطفال دبستان را

باوج رفیع رساند و عنایت مربّى کودک حقیر را بر سریر اثیر نشاند

پس واضح و مبرهن گردید که عقول در اصل فطرت متفاوتست

و تربیت را نیز حکمى عظیم و تأثیرى شدید اگر مربّى نباشد جمیع

نفوس وحوش مانند و اگر معلم نباشد اطفال کل مانند حشرات

گردند اینست که در کتاب الهی در این دور بدیع تعلیم و تربیت

امر اجباریست نه اختیارى یعنى بر پدر و مادر فرض عین است

\* ص28 \*

که دختر و پسر را بنهایت همّت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان

شیر دهند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در

این خصوص قصور کنند در نزد ربّ غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند و

این گناهیست غیر مغفور زیرا آن طفل بیچاره را آوارهء صحراى جهالت

کنند و بدبخت و گرفتار و معذّب نمایند مادام‌الحیات طفل مظلوم

اسیر جهل و غرور و نادان و بى‌شعور ماند و البتّه اگر در سن کودکى از

این جهان رحلت نماید بهتر و خوشتر است در این مقام موت بهتر از

حیات و هلاکت بهتر از نجات و عدم خوشتر از وجود و قبر بهتر

از قصر و تنگناى گور مطمور بهتر از بیت معمور زیرا در نزد خلق خوار و

ذلیل و در نزد حق سقیم و علیل و در محافل خجل و شرمسار و در میدان

امتحان مغلوب و مذموم صغار و کبار این چه بدبختى است و این چه

ذلّت ابدیست پس باید احبّاى الهی و اماء رحمان بجان و دل

اطفال را تربیت نمایند و در دبستان فضل و کمال تعلیم فرمایند در

ان خصوص ابداً فتور نکنند و قصور نخواهند البتّه طفل را بکشند

بهتر از اینست که جاهل بگذارند زیرا طفل معصوم گرفتار نقایص گوناگون

گردد در نزد حق مؤاخذ و مسئول و در نزد خلق مذموم و مردود

این چه گناهست و این چه اشتباه اوّل تکلیف یاران الهی و

آماء رحمان آنست که بأیّ وجه کان در تربیت و تعلیم اطفال از ذکور

و اناث کوشند و دختران مانند پسرانند ابداً فرقى نیست

\* ص29 \*

جهل هر دو مذموم و نادانى هر دو نوع مبغوض و هل یستوى الّذین

یعلمون و الّذین لایعلمون در حقّ هردو قسم امر محتوم اگر بدیدهء

حقیقت نطر گردد تربیت و تعلیم دختران لازم تر از پسرانست

زیرا این بنات وقتى آید که مادر گردند و اولاد پرور شوند و

اوّل مربّى طفل مادر است زیرا طفل مانند شاخهء سبز و تر هر طور

تربیت شود نشو و نما نماید اگر تربیت راست گردد راست شود

و اگر کج کج شود و تا نهایت عمر بر آن منهج سلوک نماید پس ثابت و

مبرهن شد که دختر بى تعلیم و تربیت چون مادر گردد سبب محرومى

و جهل و نادانى و عدم تربیت اطفالى کثیر شود اى یاران الهی و

امآء رحمان تعلیم و تعلّم بنصّ قاطع جمال مبارک فرض است هر کس

قصور نماید از موهبت کبرى محروم ماند زنهار زنهار اگر فتور

نمائید البتّه بجان بکوشید که اطفال خویش را على‌الخصوص دختران

را تعلیم و تربیت نمائید و هیچ عذرى در اینمقام مقبول نه تا عزّت

ابدیه و علوّیت سرمدیه در انجمن اهل بها مانند شمس ضحى جلوه و طلوع

نماید و قلب عبدالبهآء مسرور و ممنون شود و علیکم بهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

هو الأبهی

ابهر احبّاى الهی علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

\* ص30 \*

یا صاحبى‌السّجن

# **هو الأبهی** الأبهی اى یاران حقیقى اگر چه مدّت مدیدیست که بآن یاران معنوى مکاتبه و

مخاطبه ننمودم ولى هر دم یادتان مونس جان بود و ذکرتان مورث

روح و ریحان حضرت ابن ابهر علیه بهآءاللّه ‌الأبهی همیشه در محضر مدح

ستایش مفصّلى از آن یاران حقیقت مینمود پس از قلّت مخاطبات

و مکاتبات شکایت ننمائید اذیت اهل بغضاء از جمیع طوائف

و مخابرات متتابع با جمیع اقطار مانع از ارسال نامه در هردمست والّا

در عالم قلب و روح یاد یاران را سبب فتوح شمارم و برائحهء طیبهء

محبّت دوستان در اهتزاز و التذاذ آیم و وصیت مینمایم شما را

که جمیع همّت را در الفت و محبّت و اتّحاد و اتّفاق مبذول دارید تا هر

یک در نزد دیگرى ساجد گردد و هر یک در محبّت دیگرى جانفشانى

نماید و حقیقت کامرانى تحقّق یابد نیت را باید للّه کرد اگر چنانچه

از بعضى دوستان قصورى صادر گردد دیگران باید بذیل ستر

بپوشند و در اکمال نواقص او کوشند نه آنکه از او عیب جوئى

نمایند و در حقّ او ذلّت و خوارى پسندند نظر خطاپوش سبب

بصیرت است و انسان پر هوش ستّار عیوب هر بندهء پر مصیبت

پرده درى شأن وحوش است نه انسان پردانش و هوش

احبّا چون گلهاى گلشن عنایتند هرچند هریک رنگ و بوئى خاص

خویش دارند ولى وحدت فیض نیسانى و وحدت شعاع آفتاب

\* ص31 \*

آسمانى و وحدت ارض بوستانى جامع این اجناس و انواع

است و سبب وحدت در مبدء و معاد پس نباید نظر باختلاف

احساسات جزئیه نمود بلکه باید نظر بوحدت اصلیه کرد و قل کلّ من

عنداللّه گفت و از شرور نفس و هوى نجات یافت اى دوستان

حق انوار عنایت از هر جهت بر شما دمیده و نسیم فضل از هر طرف

بشما وزیده بحر الطاف بهر شما متموّج است و نسیم عنایت بر شما

متهیّج آفتاب حقیقت از عالم غیب نور افشان و ابر موهبت بر

مزارع در فیضان و این عبد در عبودیت آستان مقدّس همراز و نیاز شما

دیگر چه خواهید دیگر چه طلبید شادى کنید مسرور باشید محظوظ

باشید مشعوف باشید و بشکرانهء این نعمت عظمى قیام نمائید ع ع

مقابله شد

٩

هو اللّه

طهران و سائر ولایات ایران احبّاى الهی علیهم‌ بهآء الأبهی

جناب آقا میرزا على اکبر میلانى طبع نموده ارسال بولایات نمایند ع ع

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى یاران رحمانى از ایران حوادثى متتابع میرسد که سبب تأسّف

و احزانست و یاران الهی با قلبى سوزان و چشمى گریان استماع

آن اخبار مینمایند از قرار معلوم علماى رسوم را آتش حسد در

\* ص32 \*

دلها چنان شعله زده که زمام اختیار از دست رفته بى مهابا آتش فتنه و

فساد افروختند و بدون سبب علم عداوت و بغضا برافروختند و

دست بخون مظلومان و مقرّبان درگاه کبریا آلودند این حرکت یاغیانه

منبعث از حسد طاغیانه و باعثش شدّت غیظ و غضبست زیرا ملاحظه

نمودند که نفحات قدس آفاق را معطّر نموده و بارقهء هدایت و نور

حقیقت در شرق و غرب منتشر گشته بقوهء برهان عاجز از مقاومت

گشتند بلکه بحجّت قاطعه و دلیل واضح و برهان ساطع مغلوب و

مهزوم و منکوب شدند جند هنالک مهزوم من الأحزاب لهذا دست

بسلاح عاجز زدند و آغاز رذائل کردند و علم فساد افراختند و بعناد پرداختند

خون مظلومان هدر نمودند و دست تطاول گشودند این سلاح مرد عاجز است

و صفت شخص فاجر در هر عصر چنین بوده است یزید پلید و ولید عنید

و خولى کولى و سنان کشخان و شمر بدچهر چون از مقاومت حجّت و

برهان حضرت سیدالشهدآء روحى له ‌الفدآء عاجز و قاصر شدند بهجوم و

و رجوم برخواستند و فتوى بر قتل شاه شهیدان دادند و دست بخون

مبارکش بیالودند این سلاح شخص عاجز است و صفت مغلوب فاجر

بارى همیشه چنین بوده محزون مگردید همین برهان جلیل بر حقیقت این امر

عظیمست و الّا باید برهان عظیم و ثعبان مبین را مقاومت نمایند

و بدلیل و براهین پردازند این درّندگى در عالم انسانى سبب سرّ بندگیست

و ضرّبت علیهم الذلّة و المسکنة برهان این درماندگى اگر از سرّ نهانى

\* ص33 \*

و بلاى ناگهانى و خسران مبین که در پى دارند خبر شوند فریاد و

فغان آغاز کنند و سر به بیابان نهند و واحسرتا گویند و واسوئتا

بلند کنند عصبهء بغضاء و ثلهء حمقآء یعنى گروه طاغى یاغى در صحراى

کربلا شاد و خرّم بودند و همواره پیش خویش و بیگانه افتخار مینمودند که

الحمدللّه مظلوم آفاق با اهل و عیال محاصره گشته و از حرارت عطش جگرها

سوخته و جمیع اموال تالان و تاراج شده و جسد مبارک پاره پاره گردیده

و خون مطهّر خاک سیاه را رنگین نموده سرها بر نیزه رفته و اعداء

بر ستیزه برخواسته خاندان نبوّت اسیر شده و طفلان بى گناه دستگیر

گشته ولى چندى نگذشت بر کلّ واضح و مبرهن شد که این غلبه نبود

مغلوبیت بود قاهریت نبود مقهوریت بود مسرّت نبود نقمت

بود ربح عظیم نبود خسران مبین بود سبب شهرت نبود مورث

لعنت بود بارى اى یاران الهی شما باید بالعکس مقابله نمائید

یعنى زخم ستمکاران را مرهم نهید و درد ظالمان را درمان شوید اگر

زهر دهند شهد دهید اگر شمشیر زنند شکّر و شیر بخشید اگر

اهانت کنند اعانت نمائید اگر لعنت نمایند رحمت جوئید در

نهایت مهربانى قیام نمائید و باخلاق رحمانى معامله کنید و ابداً بکلمهء

رکیکى در حقّشان زبان میالائید حرمت کنید و موهبت طلبید و

نورانیت جوئید و روحانیت بخواهید که خدا هدایت نماید و از

این درندگى و خونخوارى و تیز چنگى و گرگى و پلنگى نجات بخشد الحمدللّه

\* ص34 \*

اعلیحضرت شهریارى و حضرت صدارت پناهى عادل و باذل و کامل و مهربانند

و بقدر امکان حمایت و حراست میفرمایند لهذا آنچه واقع شود از

تعدیات علماى رسوم و فقهاى ظلوم و عوام جهولست که مانند گرگان حرون بر

اغنام الهی هجوم نمایند بمرجعى جز حکومت حضرت شهریارى مراجعت ننمائید

و جز بحضور همایون زبان شکایت نگشائید دادخواهى از اعلیحضرت پادشاهى

نمائید و کیفر بجناب صدر موقّر برید و این شکایت از جور و طغیان

و دادخواهى از ظلم و عدوان اهل طیالسه نظر بنصّ صریح است که میفرماید

چون ظلم و ستم بینید از سریر تاجدارى کیفر طلبید و بعدالت اعلیحضرت

شهریارى پناه برید امتثالاً للأمر دادخواهى نمائیم و فریاد رسى جوئیم

و الّا ما جمیعاً الحمدللّه در سبیل الهی جانفشانیم و بغیر از جانبازى و قربانى

آرزوئى نداریم ملاحظه نمائید که حواریون حضرت مسیح اگر شهید

نشده بودند ایامى چند زیست نموده عاقبت بیقین مرده بودند حال

آن شهادت بهتر بود یا زندگى بى ثمر و هم چنین در صحراى کربلا نفوس

مبارکى ببشارت کبرى جام شهادت در سبیل کبریا نوشیدند و

سرمست صهباى محبّت‌اللّه گشته و رقص‌کنان و پاکوبان و هلهله زنان

بقربانگاه عشق شتافتند و اگر این نبود باز البتّه مرده بودند حال

کدام یک بهتر و خوشتر و دلکشتر است ما باید بموجب نصوص آلهیه عمل نمائیم

و آنچه واقع شود و هر ظلم و تعدّى که صادر گردد دادخواهى از

حکومت شهریارى نمائیم و بسریر اعلیحضرت تاجدارى صادق و در شدّت تعلّق

\* ص35 \*

ثابت باشیم والسّلام ع ع مقابله شد

٩

طهران احبّاى الهی علیهم بهاءاللّه ‌الأبهی

بواسطهء جناب آقا میرزا على اکبر میلانى طبع شود و بأطراف ارسال گردد

# **هو اللّه** اى بندگان آستان مقدّس الهی شمس حقیقت از افق عالم اشراق فرمود

و در قطب آفاق در نقطهء احتراق بدرخشید تا جهان را روشن نماید و جهان

ملکوت تشکیل فرماید و بنیان کمالات انسانى تأسیس نماید رذائل را

بنیاد براندازد و فضائل را بنیان برافرازد لهذا نصائح و وصایائى

فرمود و شریعت سمحهء بیضائى تأسیس کرد که کافل نورانیت عالم

انسانیست و ضابط عفّت و عصمت و استقامت احبّاى رحمانى

پس یاران باید که این خیمه برافرازند و دوستان شاید که این نار

موقده برافروزند حضرت مسیح روحى له ‌الفدآء در انجیل خطاب

بحواریین میفرماید که شما ملح ارضید اگر فاسد گردد جهان بچه چیز

نمکین شود بارى مقصود اینست ما که بندهء آن آستانیم باید بوصایا

و نصائح جمال مبارک قیام نمائیم و نافهء مشکبار بر جهان و جهانیان

نثار کنیم راه تقدیس پوئیم و راز تنزیه گوئیم و سبیل طهارت کبرى

پوئیم بگفتار و کردار و رفتار آیت موهبت پروردگار شویم و سبب تنبّه و

\* ص36 \*

تذکّر هر هوشیار کلمات مکنون را از بر نمائیم و وصایاى حضرت بیچون را

عمل نمائیم و رفتار و کردارى نمائیم که سزاوار نسبت بآستان مقدّس است

و شایان عبودیت درگاه احدیت من چون نظر بخویش کنم شرمسار گردم

و از خجلت عرق بجبین آرم زیرا بآنچه شایسته و سزاوار است قیام ننموده‌ام

و تا بحال موفّق نگشته‌ام بلکه انشاءاللّه شما مؤید و موفّق گردید و بتقدیس

و تنزیه و هدایت و تقوى با خلق بیامیزید تا هر قرین نفحهء بهشت برین

استشمام نماید و هر ندیم آثار خلق عظیم مشاهده کند و جمیع ملل شهادت

دهند که بهائیان مصابیح آفاقند و آیات طلوع و اشراق بهائی را

بصفت شناسند نه باسم و بخلق پى برند نه بجسم یعنى چون شخصى

یابند در گفتار آیت توحید و در رفتار جوهر تجرید و در کردار حقیقت

تقدیس فریاد برآرند که این بهائیست اگر چنین شویم نور مببین در

جبین بتابد والّا یا اسفا علینا على ما فرّطنا فى حبّ ‌اللّه

الهی الهی ترانى

شیئ قدیر اى یاران الهی شرکت خیریه از تأسیسات ربّ البریه

است زیرا مربّى ایتام و کافل راحت فقرا و عجزا و مساکین انام است

\* ص37 \*

و سبب تعلیم اطفال و تبلیغ امر حضرت رحمان باید این شرکت خیریه

را نهایت اهمّیت بدهید تا نقوسى از مبلغین تعیین گردند و در اطراف

به تبلیغ پردازند ترتیل آیات نمایند و نشر نفحات کنند و تلاوت

کلمات فرمایند هر نفس که معاونت بشرکت خیریه نماید در جمیع مراتب

تأیید و توفیق الهی شامل گردد و هر نواقص کامل شود سبب عزّت

ابدیه آن نفوس گردد یا احبّآءاللّه علیکم بهذا الامر المبرور و الحظّ

الموفور والسّعى المشکور و سوف یرون انّ کلّ جمعیة خیریه اصحت

مؤیدة بجنود من ‌الملأ الاعلى و غدت منصورة بجیوش من‌الملکوت ‌الأبهی

و علیکم البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

هو اللّه

ایران طهران عموم احبّاى الهی علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

نسخ متعدّده باطراف ارسال گردد

# **هو الأبهی** ‌الأبهى و انّى اتقرّب الیک یا الهی فى جنح هذه ‌اللیلة ‌الظّلمآء و اناجیک

بلسان سرّى مهتزاً بنفحاتک ‌التّى انتشرت من ملکوتک الأبهی

و اقول ربّ لا احصى ثناء علیک و لا اجد لطیور الأفکار صعوداً

الى ملکوت قدسک تقدّست بکینونتک عن کلّ ذکر و ثنآء و تنّزهت

\* ص38 \*

بهویتک عن محامد اهل‌الانشآء لم تزل کنت فى تقدیس ذاتک

متعالیاً عن ادراک العارفین من الملأ الأعلى و لا تزال تکون فى تنزیه

حقیقتک ممتنعاً عن عرفان الواصفین من سکّان جبروت ‌العلى الهی

الهی مع هذا الامتناع کیف اذکرک بذکر او اصفک بوصف

تعالیت یا الهی و تقدّست عن کلّ النّعوت و الأوصاف الهی

الهی ارحم عجزى و انکسارى و فتوى و ذلّى و مسکنتى و انالتى کأس عفوک

و موهبتک و حرکّنى بنفحات محبّتک و اشرح صدرى بنور معرفتک و

طیبت نفسى باسرار توحیدک و احینى بنسائم ریاض رحمانیتک حتّى

انقطع عن دونک و اتوسّل بذیل ردآء کبریائک و انسی ما سواک

و استئنس بنفحات ایامک و اتوفق على الوفآء فى عتبة قدسک و على القیام

بخدمة امرک و على الخضوع و الخشوع عن احبّائک و الانعدام و الفنا

فى محضر اصفیائک انّک انت المؤید الموفّق العلى الکریم الهی الهی

اسئلک باشراق انوار طلعتک الّتى اشرقت بهاء الآفاق و بلحظات

عین رحمانیتک التّى شملت کلّ الأشیآء و تمّوجات بحر عنایتک

الّتى فاضت على الأطراف و بأمطار سحاب موهبتک الّتى هطلت على

حقائق الممکنات و بانوار رحمتک الّتى سبقت الموجودات بأن تؤید

الأصفیآء على الوفآء و توفّق الأحبّآء على خدمة عتبتک العلیا و تنصرهم

بجنود قدرتک الّتى احاطت الأشیآء کلّها و تنجّدهم بجیش عَرمْرَم

من الاملأ الأعلى اى ربّ انّهم ضعفآء ببابک و فقرآء فى فنائک

\* ص39 \*

و مضطّرون الى فضلک و محتاجون الى تأییدک و متوجّهون الى ملکوت

توحیدک و مشتاقون بفیوضات موهبتک اى ربّ صفّ ضمائرهم

بانوار تقدسیک و طیب سرائرهم بموهبة تأییدک و اشرح قلوبهم

بنفحات السّرور و الحبور المنتشرة من بیتک الأعلى و نوّر بصائرهم

بمشاهدة آیاتک الکبرى و اجعلهم آیات التّقدیس و رایات التّنزیه تحققّ

فى قطب الامکان على عموم الورى و اثر کلامهم فى القلوب الّتى

کانت کالصخرة الصمّآء حتى یقوموا على عبودیتک و ینقطعوا الى ملکوت

ربوبیتک و یتوجّهوا الى جبروت قیومیتک و ینشروا آثارک و یتنوروا

بأنوارک و یتنبّوا اسرارک و یهدوا عبادک الى المآء المعین عین التسنیم

الّتى نبعت و فارت فى بحبوبة فردوس احدیتک و ینشروا شراع

الانقطاع على سفینة النجاة و یسیروا فى بحار معرفتک و یبسطوا اجنحة

التّوحید و یطیروا بها الى ملکوت وحدانیتک یصبحوا عباد ینطقون بالنّعوت

من الملأ الأعلى و یثنى علیهم اهل ملکوتک الأبهی و یستمعوا ندآء هواتف

الغیب بالبشارة الکبرى و یناجوک فى الأسحار بابدع الأذکار شوقاً

الى لقائک یا ربّى المختار و یبکوا بالعشى و الأشراق توقاً الى الورود

فى ظلّ رحمانیتک العظمى اى ربّ ایدهم من جمیع الشئون و انصرهم

فى کلّ الأحوال بملائکة قدسک الّتى هم جنود لایرونها و کتائب

غالبة على جیوش الملأ الأدنى انّک انت المقتدر العزیز القوى

المحیط و انّک لعلى کل شیئ قدیر پاک یزدانا خداوند مهربانا

\* ص40 \*

آوارگان کوى توئیم و مشتاقان روى تو و عاشقان خوى تو بیچارئیم

افتاده‌ایم ذلیلیم حقیریم ضعیفیم رحمتى فرما و موهبتى عنایت کن

از قصور در گذر و خطایاى بى پایان بپوش هرچه هستیم از توئیم و

آنچه گوئیم و شنویم وصف تو گوئیم و روى تو جوئیم و در ره تو

پوئیم تو خداوند مهربانى و ما گنهکار بیسر و سامان پس اى ابر

رحمت رشحاتى اى گلشن عنایت نفحاتى اى بحر موهبت موجى و

اى آفتاب عنایت پرتوى رحم فرما عنایت کن قسم بجمالت

که جز خطا متاعى نه و بغیر از آمال اعمالى نه مگر پردهء ستاریت بپوشاند

و حفظ و حمایت شامل حال گردد والّا این ضعفا را چه توانائى

که بخدمت پردازند و این فقرا را چه غنائى که بساط عزّت

بگسترانند توئى مقتدر و توانا تأیید کن توفیق بخش این نفوس

پژمرده را برشحات ابر موهبت طراوتى عنایت کن و این حقائق

مبتذله را باشراقات شمس احدیت روشنائى بخش این ماهیان

تشنه لب را بدریاى رحمتت افکن و این قافلهء گمگشته را به پناه

احدیتت دلالت کن گمگشتگان را بعین هدایت دلالت کن

و آوارگان را در پناه عزّتت مأوى بخش تشنگان را از سلسبیل

موهبت بنوشان و مردگان را بحیات ابدیه زنده کن کوران را

بینا فرما و کران را شنوا کن و گنگان را گویا نما و افسردگان را

برافروز غافلان را هشیار کن و خفتگان را بیدار نما و مغروران را

\* ص41 \*

متنبّه در هر کار توئى مقتدر توئى بخشنده توئى مهربان انّک

انت‌الکریم‌المتعال اى یاران الهی و یاوران این عبد فانى

شمس حقیقت چون از مطلع آمال فیض نامتناهى مبذول داشت و

افق وجود بپرتو تقدیس منوّر گشت چنان جلوه فرمود که ظلمات

دهمآء مضمحل و معدوم گردید لهذا خطّه خاک غبطه افلاک شد

و عرصهء ادنى جلوه ‌گاه ملکوت اعلى گشت نفحات قدس وزید و روائح

طیبه منتشر شد نسائم ربیع الهی بمرور آمد و اریاح لواقع فیوضات

نامتناهى از مهبّ عنایت بوزید صبح نورانى دمید و بشارت

موهبت کبرى رسید نوبهار الهی در عالم امکانى خیمه و خرگاه زد

ارض وجود بحرکت آمد و خطّه شهود مهتز گشت خاک افسرده ریاض

باقیه شد و ارض میته حیات ابدیه یافت گل و ریاحین عرفان روئید

و سبزه نوخیز معرفة‌اللّه دمید عالم امکان مظهر فیوضات رحمان

شد و حضرت شهود جلوگاه غیب مکنون گردید نداى الهی بلند شد

و بزم الست آراسته گشت کأس میثاق بدور آمد و صلاى عمومى

بلند شد قومى سرمست آن صهباى الهی شدند و گروهى محروم از آن

موهبت عظمى نفوسى از پرتو عنایت بصر و بصیرت روشن نمودند

و طائفهء از نغمات احدیت بوجد و طرب آمدند مرغانى در گلشن

تقدیس آغاز نغمه و ترانه نمودند و بلبلانى بر شاخسار گل رحمانى

فریاد و فغان کردند ملک و ملکوت تزیین یافت و رشک

\* ص42 \*

بهشت برین گردید ولى هزار افسوس که غافلان هنوز در خواب

غفلت گرفتار و بیخردان از این موهبت مقدّسه بیزار کوران

محجوبند و کران محروم و مردگان مأیوس چنانچه میفرماید اولئک

یئسوا من‌الآخرة کما ئیس ‌الکفار من اصحاب القبور شما اى

یاران رحمانى بشکرانهء ربّ ودود زبان گشائید و بحمد و ستایش

جمال معبود بپردازید که از این کأس طهور سرمستید و از این جام

صهبآء پرنشئه و انجذاب از نفحات قدس مشام معطّر نمودید و

از رایحهء قمیص یوسف وفا دماغ معنبر کردید شهد وفا را از دست

دلبر یکتا چشیدید و مائده ابدیه را در خوان نعمت حضرت احدیت

تناول نمودید این موهبت از خصائص حضرت رحمانیت است

و این فضل و جود از نوادر عطایاى ربّ ودود درانجیل میفرماید

المدعوّون کثیرون و المختارون قلیلون یعنى امّت دعوت بسیارند

ولى نفوسیکه بفضل و موهبت هدایت مخصص میگردند کمیاب

ذلک من فضل‌اللّه یعطیه من یشآء و اللّه ذو فضل عظیم اى

یاران الهی شمع میثاق را اریاح نفاق از اهل آفاق احاطه نموده

و بلبل وفا را زاغان جفا اهل قبور هجوم نموده حمامۀ ذکر را جغدان

بیفکر در صددند و غزال صحراى محبة‌اللّه را درّندگان در پى روان

لهذا خطر عظیمست و عذاب الیم احبّاى الهی باید چون حبل

متین باشند و چون بنیان رزین رصین از شدائد بلایا مضطرب

\* ص43 \*

نگردند و از عظائم رزایا محزون نشوند توسّل بذیل کبریا جویند

و توکّل بجمال اعلى نمایند تکیه بر عون و عنایت ملکوت قدیم کنند

و اعتماد برصون و حمایت ربّ کریم در هر دمى از شبنم عنایت

پرطراوت و لطافت گردند و در هر نفسى از نفثات روح ‌القدس

زنده و تازه و خرّم شوند و بر خدمت حضرت ربوبیت قیام کنند و در

نشر نفحات‌اللّه منتهاى همّت را مبذول دارند امر مبارک را

حصن حصین باشند و جنود جمال قدم را قلعهء رزین و رصین بنیان

امراللّه را از هر جهت حافظ امین گردند و افق مبین را نجم منیر شوند

زیرا ظلمات دهمآء امم از هر جهت در هجوم است و طوائف عالم

در فکر محویت نور معلوم با وجود هجوم جمیع قبائل چگونه میتوان دمى غافل

بود البتّه هوشیار باشید و بیدار و در حفظ و حمایت امر پروردگار

الیوم الزم امور تعدیل اخلاقست و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار باید

احبّاى رحمن بخلق و خوئى در بین خلق مبعوث گردند که رائحهء مشکبار

گلشن تقدیس آفاق را معطّر نماید و نفوس مرده را زنده کند زیرا

مقصود از جلوهء الهی و طلوع انوار غیب غیر متناهى تربیت نفوس

است و تهذیب اخلاق من فى الوجود تا نفوس مبارکى از عالم ظلمانى

حیوانى نجات یافته بصفاتى مبعوث گردند که تزیین حقیقت انسانیست

ناسوتیان لاهوتیان شوند و ظلمانیان نورانیان گردند محرومان صرف

محرم راز ملکوت شوند و معدومان محض مأنوسان جلوهء لاهوت شوند

\* ص44 \*

بى نصیبان از بحر بى پایان نصیب برند و نادانان از معین حیوان دانائى

سیراب شوند درندگان ترک درنّدگى کنند و تیز چنگان در نهایت

بردبارى باشند اهل جنگ صلح حقیقى جویند و درندگان تیز چنگ

از سلم حقیقى بهره برند ناپاکان از عالم پاکى خبر گیرند و آلودگان از

جوى تقدیس نصیب برند اگر این فیوضات آلهیه در حقائق انسانیه جلوه

ننماید فیض ظهور بى ثمر ماند و جلوهء شمس حقیقت بى اثر گردد پس اى

یاران الهی بجان و دل بکوشید تا از خلق و خوى مبارک نصیب و بهره

گیرید و از فیوضات تقدیسش قسمتى برید تا آیات توحید شوید و رایات

تجرید گردید و حقیقت تفرید را جوئید و در این گلشن الهی بنغمات

رحمانى آغاز نغمه و ترانه نمائید طیور شکور گردید و در گلزار وجود

آوازى بنوازید که محیر عقول و شعور گردد در قطب امکان علمى

افرازید که پرچم موهبت باریاح عنایت موج زند و نهالى در مزرعهء

وجود و باغ شهود غرس نمائید که ثمرش در نهایت طراوت و

حلاوت باشد قسم بمربّى حقیقى که اگر بنصائح الهی که در الواح

نورانى نازل عامل گردید این خاک سیاه آیینهء ملکوت اعلى

شود و این حیز ادنى کاشف ملکوت ابهى گردد اى یاران الهی الحمدللّه

فیوضات غیبى شمس حقیقت از جمیع جهات محیط است و ابواب

رحمت‌از جمیع اشطار مفتوح وقت استفاضه است و هنگامه استفاده

وقت را غنیمت شمرید و فرصت را از دست مدهید از شئون

\* ص45 \*

این عالم ظلمانى بکلّى بیزار گردید و بشئون و آثار حقائق ملکوتیه

واضح و آشکار شوید تا ملاحظه فرمائید که پرتو خورشید یزدان

در چه درجه روشن و درخشنده است و آثار عنایت از غیب احدیت

چگونه باهر و ظاهر و لائحست اى یاران الهی الحمدللّه اعلیحضرت

شهریارى در نهایت مهربانى و حضرت صدارت‌پناهى در منتها درجهء

عدالت و رعیت پرورى باید دوستان شبانه روز بدعاى

ابدیت این دولت قویّ ‌الشّوکة پردازند و بشکرانهء دادخواهى و

فریاد رسى و مهربانى اعلیحضرت تاجدارى قیام کنند زیرا این از

احکام مبرمهء الهیه است که در جمیع کتب سماویه نازل وعلیکم‌التّحیة والثّنآء

ع ع

حضرات منتسبین الحمدللّه بفضل جمال قدم در نهایت ثبوت و رسوخ

و فارغ از دون حق و خادم امر علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

ع ع

مقابله شد

(در طهران جناب آقا میرزا على اکبر میلانى طبع فرمایند و بهر ولایتى یک نسخه

ارسال دارند ع ع )

بطهران بتعجیل نزد جناب آقا میرزا على اکبر میلانى ارسال شود ٩

در جمیع ولایات احبّاى الهی علیهم بهاءاللّه‌ الأبهی

بتعجیل طبع فرموده بتمام ولایات ارسال دارند

# **هو اللّه** مهمّ است \* ص46 \* لک‌الحمد یا الهی و لک‌ الشّکر یا محبوبى على ما علّت کلمتک و تمّت

نعمتک و سبقت رحمتک و بلغت حجّتک و کملت موهبتک و ظهرت

آیاتک و ارتفعت رایاتک و اشرقت انوارک و شاعت و ذاعت

آثارک و ذلّت ‌الرقاب لعظمتک و خضعت الأعناق لسلطنتک و

ارتجت الأرض من ندائک و تجدّدت‌ الکائنات فى قمیص بدیع بقدرتک

و عطائک و ارتفعت خیام دینک‌ المبین فى کلّ قطر و اقلیم و ضربت

اطنابها خیام مجدک فى کلّ سهل و نجد و بطون اودیه و على کلّ تل رفیع

قد عسعس ظلّام الظّلال و تنفس صبح الهدى على الآفاق و انتشر النّور فى کلّ

الأطراف و هبت نسیم الألطاف على کلّ الأکناف و نفحت نفحات القدس

و عطرّت مشام المخلصین برائحة محبتک فى یوم الامیثاق و لک الشکر لک الحمد

و لک البهآء و لک الثّنآء و لک الفضل و لک الجود و لک الاحسان

و لک الأنعام ربّ ربّ اید عبادک الأبرار على تأسیس مشارق الأذکار اید

فى کلّ الأقطار حتّى یرتفع ضجیج التّهلیل و التّکبیر الى ملکوت الأسرار و یرنّ

صوت التقدیس و التّنزیه فی آذان ملأ الأعلی المرتفع من مجامع الأخیار

و قدّر لکلّ نفس تسعى فى هذا الأمر العظیم ما قدرته للأصفیآء فى جبروتک

الأبهی انّک انت‌المقتدرالعزیز القوى‌ القدیر اى یاران روحانى عبدالبهآء

الحمدللّه که اشراق شمس حقیقت از غیب احدیت و مرکز رحمانیت آفاق را

احاطه نموده وصیت جمال مبارک روحى‌لاحبآئه ‌الفدآء عالم وجود را

حرکت آورده آوازهء امراللّه جهانگیر گشته و پرتو هدایت کبرى مانند

\* ص47 \*

صبح مبین فلك اثیر را منیر فرموده از محافل علیا ضجیج تهلیل و

تکبیر بلند است و از مجامع عظمى صوت محامد و نعوت جمال ابهى

گوش زد هر مستمند و ارجمند انوار در انتشار است و اسرار ظاهر

و آشکار عالم بشر در حشر مستمر است و جهان انسانى مصدر سنوح رحمانى

صلح و صلاحست و آشتی و راستی و فلاحست محبّت بعمومست و الفت با

کلّ امم و ملل در هر مرز و بوم الطاف جمال ابهى ریشهء بغضا را برانداخته

و علم رأفت کبرى در ذروهٴ علیا برافراخته بنیاد نزاع و جدال را بر باد

داده و اساس بغض و عناد را محو و زائل نموده با جمیع طوائف امر

بمحبّت فرموده و بشهریاران عادل مملکت حکم اطاعت و صدقت نموده

تا همهء یاران با کلّ عالمیان متّفق و مهربان گردند و با جمیع در نهایت خلوص

تمکین حکومت نمایند و بپاکى طینت رعیت صادق شوند ملاحظه نمائید

این چه موهبت عظیم است و این چه حکمت بدیع و لیس ذلک الّا من

فضله و رحمة علی العالمین اى یاران عبدالبهآء الحمدللّه بعون و عنایت

جمال ابهى در عشق آباد تأسیس مشرق الاذکار بنهایت حرّیت و اقتدار

گردیده و جمیع یاران در نهایت اهتمام باین خدمت پرداخته‌اند بجان

و دل در کوششند و مافوق طاقت در این مورد جانفشانى نمایند

ولى چون این مشرق‌الأذکار بنهایت آزادگى تأسیس میگردد و مأمور

بنیانش حضرت فرع جلیل جناب حاجى میرزا محمّدتقى افنانند و بالوکاله

از عبدالبهآء باین خدمت قیام فرموده‌اند و صیت این مشرق‌الاذکار

\* ص48 \*

در اطراف افتاده لهذا باید در نهایت اتقان مکّمل بنا گردد و باید

جمیع احبّآ و اصفیآء بقدر امکان در تأسیس این بنیان معاونت نمایند

تا بزودى اتمام یابد و تأخیر سبب تسریر قلوب غافلان گردد و تأثیر

در دلهاى خیرخواهان نماید و تشویش اذهان آزادگان کند

ربّ ربّ اید الأبرار على خدمة امرک فى کلّ‌ الاقطار و وفقهم ببذل الرّوح

والأموال فى تأسیس مشارق‌الأذکار حتّى تکون اوکاراً لطیور القدس

فى الأسحار و یرتفع منها صوت ‌الأذکار بفنون الألحان من ابدع الأوتار

و یذکروک جواهر الوجود بمزامیر آل داود عند الرکوع و السّجود یا ربّى الودود

انّک‌ انت‌ المقتدر العزیز الکریم‌الوهاب ع ع مقابله شد

در طهران جناب آقا میرزا على اکبر میلانى طبع فرمایند و بهر ولایتى یک نسخه

ارسال دارند

ع ع

طهران جناب آقا میرزا على اکبر میلانى طبع نموده و نسخ متعدّده

بأطراف ارسال دارند

احبّاى الهی علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبّى ‌السّجن

# **هو اللّه** الهی الهی ترى حالى و ضرّى و بلائى و ذلّى و ابتلائى و توجّعى

و تفجّعى و تزعزعى و اضطرابى و تشاهد انّ اهل ابغضآء کیف

هجموا على عبدالبهآء و کیف سلّوا علیه سیوف الجفآء و صوّبوا الیه

سهام الأفترآء و احاطوه من کلّ الجهات و سقوه سم الروى و رموه

\* ص49 \*

رمى الهلاک فى کلّ آن الهی الهی کلّ الأحزاب قاموا بأشدّ عقاب

على عبدک الّذى قصد باب احدیتک و سجد على تراب العبودیة تضرعاً

الى فنآء احدیتک و انفق روحه فى سبیلک و ترک کلّ راحة فى

محبّتک فحزب الفرقان قد قام بکلّ طغیان و حزب البیان ضربوا السّهام

و السّنان و قاموا بکلّ افترآء و بهتان و حزب الانجیل جرّعنی سم النقیع

لتبتلی الى ملکوتک الجلیل و عصبة الجفآء و ثلّة البغضآء الّتى نقضت

المیثاق قد قامت بکلّ نفاق و القوا الشبهات و ارجفوا فى کلّ البلاد

و نشروا اوراق الشقاق فى الآفاق و نسبوا عبدک بکلّ فضیحة العباد

و حرّفوا الواحک و غیرّوا کلماتک آملاً بتغییر میثاقک و تبدیل عهدک

الى ان سعوا فى سفک دمى بکلّ قوة و اجتهاد و زوّروا عن لسانى

کلمات مفتریات و سعوا بها عند اولیآء الأمور و الولاة فى هذه الجهات

حتّى یرمونى فى برء لا قرار لها و انّک لعلیم بکلّ هذا فکیف ترکتنى بین یدى

هولآء رودعتنى تحت تسلّط اهل البغضآء و لم یرفعنى الیک فى جوار

رحمتک الکبرى ربّ ربّ قد ضاق الفضآء و اشتدّ البلآء و ازمن الدّاء

و صعب الدّوآء و استضعف الشّفآء فلا کاشف لهذا الضّر الّا انت و لا

مجیر لهذا المستجیر الّا انت ربّ ارحمنى بفضلک و جودک و خلصّنى من

غمار هذه البحار برحمتک و عنایتک حتّى یستریح فوأدى فى مقعد الصّدق

عتبة ملکوتک و یرتاح روحى فى ساحة الغفران حضرة رحمانیتک فو عزتک

انّ هذا هو الموهبة العظمى لعبدک هذا بهذا الاثنآء ربّ ربّ قرّب لى

\* ص50 \*

کأس الرّوی و اسکرنى بصهبآء الفدآء و ارفعنى الیک یا ربّى الأبهی

انّک انت المقتدرالعزیز الاکریم الوهّاب و انّک انت الرّحمن الرحیم

اى بندگان حضرت یزدان بلایاى عبدالبهآء دم بدم در تزاید است

و هجوم اهل بغضآء در تتابع هر دمى ضربتى زنند و در هر آنى جام سمّ قاتلى

دهند روزى اوراق شبهاتى نشر کنند وقتى رسائل افترائى انتشار

دهند زمانى فریاد و فغان برآرند یومى واویلا بلند کنند گاهى تحریف

کلمات نمایند وقتى در نزد حکّام سعایتى مجرى دارند و عبدالبهآء را

بهر فتنه و فساد نسبت دهند ساعتى فتواى قتل دهند دمى

رئیس‌المشرکین نامند و هادم دین مبین گویند و شجرهٴ نفى خوانند

خلاصه بهر وسیله بر ضرّ عبدالبهآء قیام نمایند و این عبد ضعیف نحیف مظلوم

در مقابل این قوم عنود دمى نیاساید و نفسى نتواند و آنى سر ببالین راحت

ننهد چنانکه در این ایام شخصى از اهل جهرم که از ید و یوم میثاق الى

الآن باشدّ نفاق قیام نموده بود و بجمیع بلاد و بخطّ خویش در حقّ مرکز

میثاق مفتریاتى چند انتشار داده بود و جمیع رسائل اهل نقض را در

هندوستان طبع نموده بود و بأطراف منتشر کرده بود با جناب حاجى

محمود اوزى بأرض اقدس آمده که من با جناب حاجى محمود محض تجسّس

و تفحّص آمده‌ام و مقصودمان تحرّى حقیقت است بارى با احبّاى الهی

ملاقات نمود و سئوال و جوابى کرد حضرت حاجى محمود الحمدللّه

مانند جبل راسخ ثابت بر میثاقند ولى آن شخص عنود حیله و تزویرى نمود

\* ص51 \*

که بکلّى از نقض بیزار شده و جمیع شبهات زائل گشته ولى یکدقیقه

آرزوى ملاقات دارم عبدالبهآء در جواب مرقوم نمود که آنچه

این شخص میگوید مخالف حقیقت است مقصود او مانند مقصود آقاخان

کرمانیست که از حزب یحیى بود و بأرض مقدسه وارد شد و اظهار

اشتیاق تشرّف بساحت اقدس نمود جمال مبارک فرمودند مقصد

او چیز دیگر است ولى ضرر ندارد بیاید تا آنکه بساحت اقدس مشرّف شد

و چون مراجعت کرد رساله‌ا‌ى منتشر نمود مضمون اینکه من محض فحص

بارض مقدسه رفتم و ملاقات نمودم و چنین و چنان دیدم و شنیدم

و مسائل خویش را جواب نیافتم بعد بقبرص رفتم آنچه سئوال نمودم

جواب شافى کافى شنیدم و مفتریات چندى نسبت بجمال مبارک داد

و طبع نمود و منتشر کرد حال این شخص جهرمى را نیز مقصد چنانست

لهذا سزاوار ملاقات نیست ولى احبّا بسیار اصرار نمودند نهایت

چند دقیقه ملاقات شد حال مانند آقاخان کرمانى با رؤساء ناقضین

عکّا رسالهء تألیف نموده و بسرعت تمام با خرطومى بهندوستان عزیمت

نموده تا بکمال سرعت آن مفتریات را طبع نمایند و الواح مبارک را که

تحریف نموده‌اند نشر کنند بلکه سبب تزلزل ضعفا گردد حال اى

احبّاى الهی بقوّتى رحمانى و قدرتى ربّانى و تأییدى آسمانى و عون

عنایتى یزدانى و ثبوت و رسوخى وجدانى و الهاماتى الهی و نفحاتى

قدسى و انجذابى صمدانى و قلبى نورانى و روحى سبحانى مقاومت سهام

\* ص52 \*

شبهات نمائید و خطاب و کتاب هر ناقض مردود را سبب ثبوت و

رسوخ کنید زیرا اهل یقین از شبهات اهل حجاب بر ایمان

و ایقان بیفزایند اعراض آنها سبب شدّت اقبال مؤمنان گردد

و انکارشان باعث تمکین و قرار موقنان شود باید چنان ثبوت و

رسوخى بنمائید که مانند غضنفران الهی در میدان عرفان جولان

دهید و روبهان نقض هر یک بحفرهء یأس و خذلان و زاویه نومیدى

و خسران فرار نمایند تبّا لهم و سحقاً لهم و تعساً لهم الی یوم یبعثون

سبحان‌اللّه با وجود آنکه قوهء میثاق را مشاهده نموده‌اند که علم عهد

در جمیع آفاق بلند شد و پرچم پیمان بموج آمد و اهل نقض بنکبت دائمه

و خسران مبین و ذلّت کبرى مبتلا شده‌اند باز متنبّه نمیشوند

و متذکّر نمیگردند اینست قهر الهی اینست غضب ربّانى اینست

ذلّت یهود اینست شأن قوم عنود ذرهم فی خوضهم یلعبون و دعهم فی غمراتهم

یخوضون الا انهم من اهل الخسران فسوف ترونهم هباً منبثاً و لیس لهم ذکر و لا اثر فی

جمیع البلدان

و علیکم التحیة واثّنآء ع ع مقابله شد

طهران ٩

جمیع احبّاى الهی علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

\* ص53 \*

# **هوالله** ای دوستان مهربان نامه های مفصّل که از طهران رسیده

چون منادی اختلافست ملاحظه فرمائید که در این قلب

مجروح چه تأثیر نمود  جمیع یاران حقیقی در سبیل جمال مبارک جانفشانی

کردند آیا در میان آنان هیچ بوئی از اختلاف آراء بود

آنها بنفس طاهره و قلب منجذب و انقطاع از ما سوی الله اعلاء

کلمة الله نمودند باری من از روی محبّت مینگارم الحمد لله کلّ

شما را مقصود خدمت بامرالله و جانفشانی در سبیل الهیست و طلب

رضای جمال مبارک پس باید با جمیع این مذاکرات و مکالمات

بی نتیجه را که سبب اختلافست و نهایت منجر بعداوت و بغضا میگردد

بکلّی فراموش کنیم و به تبلیغ امرالله پردازیم که روح حیاتست و

سبب نجات عزت کل در آنست و موهبت الهی در آن

آشکار و نمایان اینگونه منازعات و مجادلات بیگانگان

قبول ننمایند تا چه رسد بما ملاحظه کنید چه قدر مجالس انتخاب

میشود در عالم چه قدر محافل عظیمه تأسیس میگردد نه صدائی نه

ندائی نه نزاعی و نه جدالی ما باید سر رشته بعالم انسانی بدهیم

و سبب الفت و یگانکی شویم و بعون و عنایت جمال مبارک

دشمنان را با یکدیگر دوست نمائیم و خون خود را در پای هر یک

نثار کنیم پس سزاوار اینست که برای یک انتخاب محفلی که

\* ص54 \*

صرف باید روحانی باشد و تعلّق بجسمانی ندارد این همه همهمه و دمدمه

و زمزمه حاصل شود و این امور را نفوسى معدوده خفیاً سبب هستند

و عبدالبهآء واقفست ولى ملاحظه میشود که چون میانهء احبّا

نزاع افتد از این نزاع بیم آنست که عاقبت جمعى از احبّا از

صراط مستقیم آلهی منحرف شوند حال اگر بر ما كه بندگان جمال

ابهائیم این گوارا چه عیب دارد عبدالبهآء حرفى ندارد بحال

خود دوباره از شرق بغرب رود و در آن بیابانها نعره و

فریاد زنان در صحرائى از اینجهان بجهان دیگر شتابد که

هیچکس خبرى از او نیابد و علیکم البهآء الأبهی عبدالبها عبّاس

مقابله شد

هو الأبهی احبّاى الهی در آستانه و تفلیس و بادکوبه و انزلى و رشت و قزوین

و قم و کاشان و قمصر و مازگان علیهم بهاءاللّه‌ الأبهی ملاحظه فرمایند

یا صاحبى‌السّجن

# **هو الأبهی** ‌الأبهی الهی الهی ترانى بکلّ ذلّ و انکسار انا حبک فى خفیات قلبى و

سرائر روحى و اقول ربّ ربّ احرس احبّائک فى حصنک الحصین و

بعقلک ‌المتین و انظر الیهم بعین عنایتک و رعایتک و احفظهم

بلحظات حمایتک و کلائتک و اجعلهم آیات ‌التّوحید النّازلة

\* ص55 \*

من سمآء تقدیسک و صنهم عن شئون‌الهوى و متابعة النّفس‌الامّارة

بالسؤ اى ربّ احفظهم من الغرور و اتّباع خطوات مصدر الشرور

و اجذبهم بنفحات قدسک و اجعلهم ثابتین على امرک و ناصرین

لذکرک و مبشّرین لنفحاتک لئلا یهنوا و لا یفتروا عند ما یذوق

عبدک هذا مرّ البلآء و یخوض فى غمار البلایا فى سبیلک او سیق

الى مشهد الفدآء فى محبّتک او القى فى بئر ظلماء او طوّحته

طوائح البغضآء الى اقصى برّیة من الغبرآء اى ربّ اشدد

ازورهم و قوّ ظهورهم و اشرح صدورهم برحمتک الاکبرى

انّک انت ‌العزیز المقتدر الکریم اى احبّاى الهی

دریاى بلایا در تلاطمست و امواج رزایا در تهاجم دقیقهء بر عبد بها نمیگذرد

مگر آنکه بسهام شدیده از جهات متعددّه وارد و ذآب کاسره

و سباع مفترسه از جهات عدیده در هجوم کأس احزان سرشار است

و سحاب آلام مدرار با وجود این الحمدللّه شب و روز

بذکر یاران الهی مستبشر و بیاد دوستان معنوى متذکّر مقصود

اینست که آنچه وارد گردد و هر مصیبتى که رخ نماید بعبدالبهآء

مبادا دوستان را فتورى و یاران را قصورى حاصل گردد

بلکه باید بیشتر از پیشتر در وله و انجذاب آیند و در نشر امراللّه

کوشند یوم ثبوت آن یومست که انوار استقامت کبرى

از وجوه احبّاء لمعان نماید و هم چنین باید که جمیع یاران الهی

\* ص56 \*

در نهایت خضوع و خشوع و تذلّل و انکسار بعبودیت یکدیگر قیام

نمایند و در منتهاى اتّحاد و اتّفاق و الفت و یگانگى بکوشند

الیوم هر خاضع و خاشعى که بهیچوجه رائحه وجود در او نیست و به بندگى

جمیع دوستان قائم در ملکوت ابهى رویش چون مه تابان

تابنده و درخشنده و هدایت بخشنده ایادى امراللّه چون

سرج نورانیه‌اند در هر امرى قرارى دهند و اتقان نمایند

و یا اکثریت آراء حاصل گردد کلّ باید اطاعت و انقیاد

کنند و هم چنین بر جمیع دوستان الهی بنصّ قاطع رحمانى

فرض است که بجان و دل حضرت شهریار عادل را دعا کنند

و در اطاعت و انقیاد سعى بلیغ مجرى دارند والبهآء علیکم ع ع

مقابله شد

طهران احبّاى الهی علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

بخط مبارک

جناب آقا میرزا على اکبر میلانى بخط بسیار خوشى طبع نموده نشر نمایند ع ع

یا صاحبى‌السّجن

# هو اللّه اى دوستان معنوى ویاران حقیقى عبدالبهآء هر چند آفت وبا

جمیع انحاء اقلیم مقدّس ایران را بزلزله و ولوله انداخت و آشوب و

فتنه بر پا نمود و از اینجهت دل و جان آوارگان اسیر اندوه

و احزان شد و شب و روز بدرگاه یزدان عجز و نیاز گشت که اى

\* ص57 \*

داناى راز هر چند گنه کاریم و تبه کار ولى بخشش یزدانى و عفو و

غفران رحمانى مشروط بلیاقت و استعداد انسانى نه این

بلاى ناگهانى را از کشور ایرانى مندفع فرما تا بندگان آسایش

جان یابند و راحت وجدان جویند الحمدللّه که محض فضل و

احسان این بلاى بى‌امان در مدّتى قلیله مندفع شد امّا در سائر

جهان مدّتى مدیده امتداد یافت چنانکه چندى پیش در حوالى

این بقعهء نورآء جز مدینهء عکّا از حجاز و مصر گرفته تا شام و بیروت

و حما و حمص و طرابلس و یافه و قدس و غیره دوسال این بلا مستولى

بود تا بعراق رسید و از عراق بایران افتاد و امّا سرعت

اندفاع این آفت از مملکت ایران از میمنت نیت مبارکهء مرکز

سلطنت عظماست چه که در ایام سلف مرض وبا در آندیار افتاد

و هفت سال امتداد یافت حال باین زودى زوال یافت

و این مجرّد از نوایاى مقدّسهء اعلیحضرت شهریارى و معدلت

حضرت صدارت‌پناهى بود و فى الحقیقه اعلیحضرت تاجدارى

رعیت پرور و مهربانست و جناب صدر محرم عادل و آزموده

و با عزم و کاردان اینعبد از بدایت وزارت حضرت صدارت

تا بحال ساکت بود تا بعد از فحص و تحقیق بیان نماید فى الحقیقه

بصرافت طبع و طیب خاطر در فکر راحت و آسایش عموم رعایاست

از خدا خواهم که اعلیحضرت شهریاری را مؤید و جناب صدارت‌پناهى را

\* ص58 \*

بتوفیقات عظیمه موفّق فرماید از قرار مسموع رأى جهان آراى پادشاهى

و حسن تدبیر جناب صدارت عظمى تعلّق بر آن گرفته که در هر شهرى

بجهت فصل دعوى و قطع مرافعه و احقاق حقوق عباد مرکزى مخصوص

تعیین گردد و مرافعه حصر در آن مرکز میشود این قضیه بسیار

مفید است و سبب آسایش و راحت قرب و بعید اگر چنین

گردد اسّ اساس مدنیت کبرى که در سائر اقالیم برپا است خیمه و

خرگاه در ایران زند این اوّل اصلاح مملکت انشاءالله موفق

بر اجرا گردند و نادانان دست از بیحیائى بر دارند و اطاعت و

انقیاد قوانین و احکام عادلانه نمایند اى یاران الهی عبدالبهآء

از جمیع شماها راضى و نظر بتعلّق شما بدرگاه احدیت و تحقق تام

بمحبّت حضرت رحمانیت مینماید امروز جمیع ملل عالم برذائل

عالم شیطانى آلوده و از فضائل جهان الهی بیزار و آزادند

کل خونخوار و تیز چنگ و بى انصاف و بیدر‌نگند ملاحظه نمائید

که در اقلیم منشوریا چه حشر و نشوریست فأعتبروا یا اولى‌ الابصار

همهء این منازعات بر سر خاکست و عاقبت این خاک ناپاک

مانند ثعبان بى باک جمیع افراد انسان را فرو برد نفسى را

باقى نگذارد و با وجود جور و جفا این خاک سیاه معشوق

کل است و دلبر فتان آفاق چه قدر بى فکریست و چه قدر نادانى

که بجهت این خاک تباه آفت جسم فتنهء جان چنین جانفشانی‌ها

\* ص59 \*

میشود و خونها ریخته میگردد و شهرها خراب میشود و جان و

مال بتالان و تاراج میرود چه بسیار پدر مهربان که بر قتل پسر آه و

انین نماید و بسا مادر که در ماتم فرزند سرشک رنگین ببارد

چه بسیار اطفال معصوم یتیم و محزون گشته‌اند و چه بسیار

نسآء که قرین و همنشین محترم را در خاک و خون مشاهده کردند

اینست نتیجهء مدنیت امم و ملل عالم فأعتبروا یا اولى الأبصار در

میان این جمهور فرق عالم حزب‌اللّه را آرزو چنان که خدمتى

بعالم انسانى نمایند و این غوائل را بقوّت برهان و تأیید یزدان

و همّت بى پایان بلکه انشآءاللّه زائل کنند على العجاله نیت

حزب مظلوم خیر است و عزم جزم تا توفیقات آلهیه چه کند

و تأییدات رحمانیه چه نماید واللّه یؤید من یشآء على

ما یشآء و انّه لعلى کلّ شیئ قدیر ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو الأبهی** اى یاران حقیقى عبدالبهآء حضرت ابن اصدق بقعهء مبارکه وارد

و بطواف مطاف ملأاعلى فائز و در انجمن رحمن حاضر و در

کمال روح و ریحان ملاقات میشود روزها بزیارت تربت مقدّسه

مشغول و شبها بالفت یاران رحمانى و عبدالبهآء مألوف

و در نهایت تبتّل و تضرّعند از حق میطلبم که موفّق در جمیع شئون

\* ص60 \*

و مراتب گردند تا بعبودیت آستان مقدّس چنانکه باید و شاید

مؤید گردیم ع ع مقابله شد

بواسطهء جناب حاجى میرزا عبداللّه صحیح فروش

طهران احبّاى الهی و جناب میرزا على اکبر میلانى طبع نموده بجمیع اطراف ارسال

دارند

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اناجیک یا الهی مکبّاً بوجهى على التّراب منتظراً لبدایع

الطافک متمرغاً جبینى بالثرى تذللاً لعزک و سلطانک متضرعاً الى

ملکوتک مبتهلاً الى جبروتک راجیاً عفوک و غفرانک طالباً فضلک

و احسانک و لم ادر باىّ وجه اقبل الیک و باىّ قلب اتوکّل علیک

و باىّ روح اتضرّع بین یدیک و لایلیق التوجّه الیک الّا الوجوه الناضرة

و لایستحق النظر الیک الّا الأعین الناظرة و لا ینبغى الأنجذب

بنفحات قدسک الّا للأرواح الهائمة فى بیداء محبتک و انّی

مع هذه الغفلة و النیسان انّى لى هذه ‌الموهبة و الوجدان فوّ عزتک

اختجل ان اذکرک و یأخذنى الحیاء ان اثنى علیک و انّک

تسمع یا محبوبى ضجیجى فى بطون اللیالى و صریخى فى خلواتى و جلواتى

و ادعوک و ارجوک ان لا تجعلنى متعرضاً للأفتتان و عرضاً لسهام

الامتحان لانّى ضعیف ذلیل بباب احدیتک اسیر حقى بین

\* ص61 \*

بریتک و انّک تشهد یا الهی انّ منتهى منیتى و اعظم بغیتی الفنآء

فى ساحة قدسک و المحو و المحاق تحت شعاع شمس قیومیتک الهی الهی

قدّر لى مقاماً هباًء منبثاً و اجعلنى فناءً بحتاً محضاً و احفظنى من

ظنون خلقک و اوهام برّیتک حتّى لا یذکرونى الّا بهذا الفنآء

و لا یثنوا علّى الّا بأنعدامى فى عتبتک العلیا و لا یصفونى الّا بأنى

رق من الأرقآء و لا ینعتونى لصفة و بمنقبة و شان و کمال الّا

بعبدالبهآء ربّ انّى برى عن کل ذکر و ثنا الا الفقر و الفقدان

فى هذا المیدان و العجز و النّسیان فى حیز الأمکان ربّ اید عبادک

ان یذکرونى بما اتمنى و لایزیدوا عمّا ظهر من قلمى بهذا ...[[6]](#footnote-6)

لأنّ هذا جنّتى المأوى و مسجدى الأقصى و سدرتى المنتهى و غایتى القصوى

و منتها منیتى عبدالبهآء ربّ ربّ انّى خائض فى غمار النّسیان

و غریق فى بحارالفقدان و مربّى على تراب الذلّة و الهوان و

ادعوک فى هذا الأوان ارحمنى بفضلک و احفظنى تحت جناح

کلائتک و احرسنى بعین رعایتک و اشملنى بلحاظ عین رحمانیتک

فأغفر لى ذنوبى و استر عیوبى و اکشف کروبى انّک انت الکریم

انّک انت الرّحیم و انّک انت العزیز القدیر اى یاران الهی

این عبد در حالت محو و فنا و محق و بینوا از دوستان در نهایت

رجا استدعا مینماید که آنچه از قلم این مسجون صادر آنرا تابع

و قائل و معتقد گردند غیر از آن کلمه ئی بر لسان نرانند و نعت و

\* ص62 \*

ستایشى ننمائید و مقام و مرکزى نجوئید و مدح و ثنائى نگوئید

و آن اینست که اگر نفسى از مقام اینعبد پرسش نماید جواب عبدالبهآء

اگر معنى غصن استفسار کند جواب عبدالبهآء اگر معانى سورهء غصن

طلب نماید جواب عبدالبهآء اگر معانى فرعیت منشعب خواهد جواب

عبدالبهآء خلاصه بکلمهء عبدالبهآء کل اکتفا کنند و بدون آن کلمه‌ا‌ى

حتّى کلمهء غصن در تحریر و تقریر خویش بر زبان نرانند و از این

کلمه بهیچوجه تجاوز نگردد و حرفى و گفتگوئى نشود و اگر چنانچه نفسى حرفى

دیگر بزبان راند این عبد را هدف سهام نماید و سبب احزان شود

زیرا نهایت آرزو و منتهى آمال عبدالبهآء آنست که در آستان

مقدّس عبد صادق باشد این موهبت در جمیع عوالم این عبد را

کفایتست سبحان‌اللّه در بعضى موارد سئوال و جواب از کیفیت

توجّه میگردد و حال آنکه این ذکر لزوم ندارد زیرا اینعبد نفسى را

بتوجّه دلالت ننمود تا بحث در کیفیت آن گردد عبدالبهآء

کل را بکلمهء علیا خواند و بعبودیت آستان مقدّس امر کند و به تبلیغ

امراللّه و نشر نفحات‌اللّه و اعلآء کلمة‌اللّه تشویق و تحریص کند و

این از اوامر قطعیه ربّ‌ الوجود است تعلّق باین عبد ندارد و

همچنین از جمیع یاران الهی رجا مینمایم که بموجب وصایا و نصایح

جمال مبارک حرکت کنند تا آنکه در عالم وجود سراجى برافروزند

و حجبات ملل عالم بسوزند و بنار محبّت‌اللّه بگدازند و به تبلیغ امراللّه

\* ص63 \*

بشتابند و باحیآء نفوس برخیزند و دشمنان را مظهر احسان کردند

و اعدا را مائدهء سما شوند بأهل جفا بصرف وفا رفتار کنند

خائنان را امین و امان کردند کاذبان را صدق لسان بیاموزند

اهریمنان را فرشتگان کردند خونخواران را مرهم دل و جان شوند

نومیدان را مرکز امید کردند و محرومان را نصیب جزیل بخشند هذا

نصحى و ذکرى و رجائى و منائى هنیئاً لمن وفّقه اللّه على

هذه المواهب و تسیر له هذه الرّغائب و حرسه من النّوائب و

علیکم‌ البهآء و علیکم ‌الثّنآء و علیکم ‌التحیة من جمال‌اللّه ‌الأبهی یا

احبآءاللّه ع ع مقابله شد

واشنگتون بواسطهء جناب آقا میرزا احمد جناب

مستر ریمى علیه بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى دوست روحانى من مکتوبی که بتاریخ ١٣ اگست ١٩٠٦ مرقوم

نموده بودى رسید و از قرائتش سرور حاصل گردید زیرا

دلالت بر اتّحاد و یگانگى یاران غرب مینمود که الحمدللّه بسبب

امضاى آن دو نامه جمیع الفت و اتّحادى تازه حاصل نمودند

از خدا خواهم که روز بروز بر این اتّحاد و اتّفاق بیفزائید

\* ص64 \*

اى بندهء الهی باید منتهاى سرور و شادمانى بنمائى که باین

خدمات مکلّف و موفّق میگردى در خصوص مشرق‌الاذکار مرقوم

نموده بودى اگر ممکن شود که در واشنگتون تأسیس مشرق‌الاذکار گردد

بسیار مناسب و سبب تأیید کلّى شود پس در فکر تهیه و تدارک

سرمایهء ساختن باشید نقشهء مشرق‌ الاذکار عشق آباد در دستست

فرستاده‌اند نزد شما بهمان طرز نقشه‌هائى دیگر بکشید و بفرستید اینجا

ضرر ندارد و علیک‌التحیة والثّنآء ع ع مقابله شد

احبّاى الهی و دوستان حقیقى و آیات رحمانى در جمع بلدان و

(خطّ مبارک) اقالیم در شرق و غرب علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

جناب آقا میرزا على اکبر میلانى مرقوم نموده طبع نمایند و بجمیع اطراف

على الخصوص خراسان بفرستند و در طهران انتشار دهند ع ع

# **هو اللّه** اى یاران با وفا اى بندگان صادق حضرت بهآءاللّه نیمهء

شب است و جمیع چشمها آسوده و کافهء نفوس در بستر راحت

سر ببالین نهاده مستغرق در دریاى خوابند و عبدالبهآء

در جوار روضهء مبارکه بیدار و در نهایت تضرّع و ابتهال مشغول

بمناجات که اى پروردگار مهربان شرق در هیجانست و غرب

\* ص65 \*

در موج بى پایان نفحات قدس در انتشار و انوار شمس حقیقت

از ملکوت غیب ظاهر و آشکار ترتیل آیات توحید است و تموّج

رایات تجرید بنگ[[7]](#footnote-7) سروش است و نهنگ محویت و فنا در

خروش از هر کرانه فریاد یا بهآء الأبهی بلند و از هر طرف نداى

یا على‌الاعلى مرتفع ولوله در جهان نیست جز غلغله جلوهء دلبر یکتا

و زلزله ئی در عالم نه جز اهتزاز از محبّت محبوب بیهمتا احبّاى الهی

در جمیع دیار با نفس مشکبار چون شمع روشنند و یاران رحمانى

در جمیع اقالیم مانند گلهاى شکفته از طرف چمن دمى نیاسایند

و نفسى بر نیارند جز بذکر تو و آرزوئى ندارند جز خدمت امر تو

چمنستان حقیقت را بلبل خوش الحانند و گلستان هدایت را

شکوفه‌هاى معطّر بدیع ‌الالوان خیابان حقائق را طراحى گلهاى

معانى نمایند و جویبار هدایت را مانند سرو روان بیارایند افق

وجود را نجوم بازغند و مطالع آفاق را کواکب لامع مظاهر

تأییدند و مشارق نور توفیق اى خداوند مهربان کلّ را ثابت و

مستقیم بدار و الى‌الأبد ساطع و لامع و پرانوار کن تا هردم

از گلشن عنایت نسیمى وزد و از یم موهبت شبنمى رسد رشحات

سحاب محبّت طراوت بخشد و نفحات گلشن وحدت مشامها

معطّر کند اى دلبر آفاق پرتو اشراقى اى محبوب جهان جلوهء

جمالى اى قوی قدیر حفظ و امانى اى ملیک وجود ظهور قدرت و

\* ص66 \*

سلطانى اى خداى مهربان در بعضى بلدان اهل طغیان در هوج و

موجند و محرّکین بى انصاف شب و روز در اعتساف ظالمان چون

گرگ در کمین و اغنامى مظلوم و بى ناصر و معین غزالان برّ وحدت را

کلاب در پى و تذروان کوهسار هدایت را غرابان حسد در عقب

اى پروردگار حفظ و حمایت فرما اى حافظ حقیقى صیانت و حمایت

کن در پناه خویش محروس دار و بعون خود از شرور مصون بدار

توئى حافظ حقیقى و حارس غیبى و نگهبان ملکوتى و مهربان آسمانى

اى یاران الهی از جهتى رایت حق بلند است و نداى ملکوت

مرتفع و امراللّه در انتشار و آثار الهی واضح و آشکار شرق منوّر است

غرب معطّر است جنوب معنبر است شمال مشک اذفر است

و از جهتى بیوفایان در نهایت بغض و عدوان و در غایت افساد و

طغیان هر روزى نفسى علم خلاف برافرازد و در میدان

شبهات بتازد و هر ساعتى افعی‌ا‌ى دهان بگشاید و سمّ

قاتل منتشر نماید احبّاى الهی در نهایت صدق و صفا و بیخبر از

این حقد و جفا ماران بسیار نرم و پرمدارا و در نهایت وسوسه

و دسیسه و حیله و خداع بیدار باشید هوشیار باشید المؤمن

فطین و زکى و الموقن قوی و متین دقت نمائید اتّقوا من

فراسة المؤمن انّه ینظر بنوراللّه مبادا کسى سراً رخنه‌ا‌ى کند

و فتنهء اندازد حصن حصین را سپاه رشید باشید و قصر مشید را

\* ص67 \*

لشگر شجیع بسیار مواظب باشید و شب و روز مراقب گردید

تا معتسفى صدمه‌ا‌ى نزند لوح ملّاح‌القدس را بخوانید تا بحقیقت

پى‌برید و ملاحظه نمائید که جمال مبارک وقایع آتیه را از پیش

بتمامّه خبر دادند انّ فى ذلک لعبرة للمبصّرین و موهبة للمخلصین

عبدالبهآء در آستان مقدس خاکسار و در نهایت خضوع و خشوع

و بیقرار شب و روز مشغول نشر آثار و اگر فرصتى یابد بمناجات

پردازد و تضرّع و زارى و تبتّل و بیقرارى نماید که اى پروردگار

بیچارگانیم چاره‌ا‌ى فرما بیسر و سامانیم پناهى بخش پراکنده‌ا‌یم

مجتمع فرما گمگشته‌ا‌یم بگلّهء خویش پیوسته کن بى نصیبانیم بهره و

نصیب بخش تشنگانیم بچشمهء حیات دلالت کن ضعیفانیم

قوّتى ده تا بنصرت امرت برخیزیم و در سبیل هدایت جانفشانى

کنیم اینست روش و پرستش بندهء جمال مبارک ولکن بیوفایان

خفى و جلى لیلاً نهاراً در کوششند که امراللّه را متزلزل نمایند

شجرهء مبارکه را از ریشه براندازند و این عبد مظلوم را از خدمت

محروم نمایند و سرّاً فتنه و آشوبى افکنند که عبدالبهآء را بکلّى

محو و نابود کنند بظاهر اغنامند و در باطن گرگ درّنده

بزبان شیرین و بدل سمّ قاتل اى یاران امرللّه را محافظت

نمائید بحلاوت لسان گول مخورید ملاحظه کنید که مقصد هر نفسى

چیست و مروّج چه فکر است فوراً آگاه شوید و بیدار گردید

\* ص68 \*

و احتراز نمائید ولى ابداً تعرّض منمائید و نکته مگیرید و بمذمّت

نپردازید او را بخدا واگذارید و علیکم ‌البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس

شب ٢٦ محرّم ١٣٣٩ در بهجى مقابله شد

عنوان پاکت

ط بواسطهء جناب آقا میرزا على اکبر علیه بهآءاللّه ‌الأبهی

هو اللّه طهران بواسطهء جناب میرزا على اکبر میلانى جناب آقا میرزا سید تاجر خان

علیه بهآء الأبهی

یا صاحبّى السّجن

# **هو الأبهی** اى شعلهء افروختهء بنور محبّت‌ اللّه نفوسى بمثابهء شجرهء سراج و عود

قطران و درخت چراغ از کثرت ...[[8]](#footnote-8) بمجرّد تماس نار شعله زنند

و بدرخشند و پرتو افشانند این نفوس از حیثیت خلق و خوى

و تنزیه و تقدیس و لطافت و صفا نهایت استعداد را دارند

این است که بمجرّد القآء کلمه و ظهور فیض آیت هدى گردند و موهبت

ملا اعلى و نفوسى بمثابهء احجار و صخورند پرتو نور نگیرند و اگر هزار سال

تماس بنار کنند و الفت به شرار شعله نزنند و افروخته

نشوند حال الحمدللّه شما از شعلهء نار محبّت‌اللّه برافروختى و

پردهء اوهام بسوختى در دبستان توحید از ادیب هدى درس

\* ص69 \*

عشق آموختى و علیک التّحیة و الثّنآء ع ع مقابله شد

# **هو اللّه** ترانى یا الهی فى هذا الجبل الرّفیع و المقام الباذخ المنیع مأوى کلّ

رجل عظیم و ملاذ کلّ جلیل و تبتل قد آوت الیه الفتیة المتوقدة

الأحشآء بنار محبة اللّه فى القرون الأولى معهدالأنبیآء ملجاً

حضرت ایلیا آوى الیه الأشعیآء و مرّ علیه روح اللّه یسوع المسیح

علیه التحیة و الثّنآء موطا قدمى ربّ الجنود فى المقام الأعلى ربّ

هذا جبل سمیه فى التّوراة بکرمل و نسبة الیک فى بطون الزّبر

و الألواح ربّ انّى اناجیک فى هذا المقام الأعلى جنح اللیالى

الظلمآء و ادعوک بقلب خافق و دمع وافق مبتهلاً الیک و

متضرعاً بین یدیک و اقول ربّ قد تسعرّت نیران القتال

فى الاودیة و الحزون و البطاح و اشتعلت نارالحرب حتّى فى

غمار البحار و اوج الهوآء بالوبال و الدّمار فالتهبت الأرض

بنیرانها و احاطت البحار زوابعها و صواعقها و طوفانها ربّ

قد تغر غرت النفوس و حشرجت الصّدور و زلزلت الأرض

و ضاقت حتى على الوحوش و الطّیور مضطربة فى اوکارها و مرتعدة

فى مرابضها و مغائرها لا نسمع الاحنین الأیاما و انین الیتاما و

\* ص70 \*

زفرات الأمّهات و عبرات الابآء فى المؤتفکات و لا نرى

الّا دموعاً هامعة من کلّ امراة ثکلآء و قلوباً ملتهبة من کلّ اب

فاقد الأبنآء فالمدائن دمرّت و الأقوام بترت و الأطفال

یتمّت و النّسآء ایّمت و لیس هذا الّا من غفلتنا عن ذکرک

حرباننا عن محبّتک قد التهینا بأنفسنا و اخذتنا سکرة‌ الهوى

وسلکنا منهج الغفلة و العمى قد ترکنا سبیل الرّشاد و اخترنا

طریق العناد و نسینا الوصایا فى الصحف الأولى و ترکنا النصائح

فى اللّوح المحفوظ و الرّق المنشور الایة الکبرى ربّ ربّ انّى

اقرّوا اعترف بالخطایاء اننا قد استحقنا کلّ بلّیة دهمآء و کلّ رزیة

صمآء بما اکتسبت ایدینا فى هذه النشئه الفانیة‌الدّنیا ربّ

انّ العقول قد ذهلت و النّفوس قد سمئت و الوجوه اغبرت

و ما بقی الّا اعین عمیآء و آذان صمآء و السن بکمآء و قلوب غافلة

عن ذکرک طافحة بشهوات النّفس و الهوى ربّ قلت فى کتابک

المبین و نبأک العظیم بنصّ صریح لا یغیراللّه ما بقوم حتى یغیروا

ما بانفسهم و لما نسوا اللّه فانساهم انفسهم ربّ ان الأحزاب

قد توغلوّا فى میادین الکفاح و النّزال و لا یرد هذا السّیل الجارف

و الحرب الطحون الّا برحمتک الّتى احاطت ما کان و مایکون ربّ

لا تعاملنا بسؤ اعمالنا و لا تؤاخذنا بذنوبنا و خطایانا فالنّقائص

من خصائص کلّ ممکن الوجود فى حیّز الشّهود و العفو و الغفران ما عودت به

\* ص71 \*

من فی الوجود ربّ ‌لایلیق للحضرة الالوهیة الاالفضل و الرّحمة بکلّ

خاط ساقط فى وهدة الذلّ و المسکنة ولا یظهر کمال الربوبیة الّا بنقائص

العبودیة ربّ انّ الاشعة السّاطعة من شمس الحقیقه کاشفة للظلام

الدیجور و المآء الطهور یزیل کل وضر و کدر فى حیز الوجود ربّ انّ

الخطایا زبد رابى و عفوک طمطام طامى و الّذنوب الشّجر الرّقوم

النّامى و عفوک نیران لهیبها شدید حامى ربّ اکشف الحجاب

و اقشع هذا السّحاب المتکاثف على الآفاق و ادفع هذه النّیران

و سکّن هذا الطوفان حقنا للدمآء و رافة بالایاما و رحمة للیتاما حتّی

تسکن الزوابع و تخمد الصواعق و تنقطع السّیول و تظهر الطّول و

تطمئن النفوس و تنشرح الصّدور و نشکرک على فضلک الموفور یا

عزیز یا عفور ربّ قد صرحت فى الصّحف و الالواح بوصایآء لو

القیت على الصخرة الصمآء لا نفجرت منها الأنهار و هبطت من

خشیة العزیز الجبّار و لکن ‌القلوب اشد قوة من الصّخور و النّفوس

فى غفلة و غرور فلا تغنى الآیات و النّذر اهل الشّرور ربّ

قد شاع و ذاع وصایاک فى مشارق الأرض و مغاربها و دعوت الکل

على الحبّ و الوفاق و ترک الشّقاق فى الآفاق حتى یصافح مشارق

الأرض و مغاربها یعانق اهل الأرض بادیها حاضرها و یجتمع شملها

و یلّم شعثها و یزول ظلامها و یشرق انوارها و لکن عمیت الأعین و الأبصار

و صمت الآذان و قست القلوب و الأسرار کالصّخور و الأحجار و

\* ص72 \*

ذهلت العقول و الألباب و نسیت النّفوس نصوص الکتاب و اوعدتهم

بسؤ الحساب فاستحقت شدید العقاب و حقّت علیها کلمة العذاب

ربّ لاتؤاخذنا بالذّنوب و العثار و لاتجعلنا عبرة لأولى الأبصار

و اهدنا سوى الصّراط نتیقّظ من رقد الهوى و ننجو من الغفلة و العمى

و انقذنا یا ربّ الأیات من حفرة الشهوات و نجّنا من الهفوات ربّ

قد نسنیا الوفآء و آنسنا الجفآء و جالسنا اهل البغى و الفحشآء و لیس لنا

منقذ الا انت و لا مغیث الّا انت و لا مجیر الّا انت قد توکّلنا

علیک و سلمّنا الامور الیک عاملنا بفضلک و عفوک و لا توأخذنا

بعد لک و سخطک انّک انت الکریم انّک انت الرّحیم و انّک

انت التّواب و انّک انت الغفّار ربّ انّ حزب الأبرار و رهط

الأخیار و ثلة الأحرار فى کلّ الدیار متوجّهون الیک فى العشى و الأبکار

یتضرعون بین یدیک فى جنح اللیالى و بطون الأسحار ینوحون یناح

الثکلاء فى اللیالى الدّهمآء یحترقون بنار الأسى و الجوى و الم النّوى

یشتاقون اللقآء و لو بشقّ الأنفس و قطع الحزون و التّلول و طى

الاودیة و الرّبى و لکن حال دون ذلک هذه الحروب النّاسفة للجبال

حتّى انقطع الأخبار و شدت الأبواب ربّ آنسهم فى وحشتهم و

انقذهم من دهشتهم و هیی لهم من امرهم رشداً ربّ انک التّعلم

تحسّرى و تلهّفی و حرقتى و لوعتى فى فرقتهم و فرط اشواقى الى

لقائهم و شغفى فى حبّهم و ولعى بذکرهم و ولهى فى مشاهدتهم فذکرهم

\* ص73 \*

ذخرى و اورادى فى اللّیالى و انهارى و اذا جنّ لیلى هام قلبى بذکر

وجوههم النّورآء احن الیهم حنین الورقآء الى الریاض الغنآء ربّ

ربّ افتح الأبواب و هییء لنا الأسباب و امنّ السّبیل و مهد الطْریق

حتّى یجتمع شمل المخلصون فى المجامع العلیا و یلّم شعث المنجذبون بذکرک

فى المحافل الاکبرى و یحدّثوا بنعمتک بین الورى و یذوقوا شهد اللقآء

و تدرکهم نسمات القبول فترنّحهم کانها صهبآء انّک انت المقتدر

العزیز الوهّاب و انّک انت الکریم الرّحیم المختار عبدالبهآء عبّاس

مقابله شد

٩

طهران جناب آقا میزا على اکبر میلانى طبع و نشر فرمایند

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** سبحانک‌اللّهم یا الهی ترانى مکبّاً بوجهى على تراب الذّل و الانکسار و

اتذلّل الى ملکوتک الأعلى و اتشوق الى مشاهد الکبریآء خاضعاً

لسلطنتک خاشعاً لعظمتک متضرعاً الى حضرة رحمانیتک مبتهلاً الى

ملکوت فردانیتک مقراً بالحظاء متمنّیاً للعطآء مستکشفاً للغطآء

منتظراً لفیض سحاب رحمتک على المعاهد و الرّبى ربّ قد احاطت

قدرتک الأشیآء و ظهرت سلطنتک و عظمتک و سلطانک ظهور الشّمس

فى کبد السّمآء و نفذت کلمتک فى حقیقة الأکوان و ارتفع ندائک

فى قطب الأمکان و انتشرت انوارک السّاطعة الفجر على مطالع الآفاق

\* ص74 \*

و اشتهرت آثارک البدیعة الأشراق فحارت من مشاهدة ‌البصائر

و الاحداق فما من ارض الّا شاع فیها صیت امرک الکریم و ما من

اقلیم الّا و ارتفع فیه علمک المبین فاستفزّ ندائک کلّ الورى و اهتزّ

منه المنجذبون بنفحاتک الطیبة الشّذا لک الحمد یا الهی على هذه الموهبة

الکبرى على الأصفیآء و لک الشکر على هذه الرّحمة العظمى على الأرقآء

النقبآء بما جعلتهم آیات التوحید فیهذا العصر المجید و رایات التقدیس

فى هذا القرن الجدید ربّ ربّ اید الضعفآء بشدید القوى و

اجر الاذّلآء فى جوار رحمتک العظمى و اشدد ازور نفوس تهللّت

وجوههم بأنوارک و تهلهلت السنهم بذکرک و ثنائک و اجعلهم اشجار

حدیقتک النّورآء و ازهار شجرتک الطّوبى و اوراق سدرتک المنتهى

و اوراد جنتّک العلیا انّک انت الکریم الرّفیع الجناب رحیب

الفنآء وسیع الرّحاب و انّک انت المجیر المنعت العزیز العیم الکریم

الوهاب اى یاران عبدالبهآء این عبد را آرزو چنان که

بهر یک از یاران نامهء مخصوص بنگارد و بوفا قیام نماید و بیاد یاران

خامه و بنان بیارآید ولى چه توان نمود که فرصت مفقود و مهلتى

نیست و نبود مشاغل مانند امواج و غوائل بمثابهء امطار دمى

نیاسایم و آنى مهلت نیابم هر روز اوراق از جمیع آفاق آید

از ده یک را جواب ممتنع و محال با وجود این اوراق مهمّه را چاره

جز جواب نه و قضایاى لازمه را جز ترویج و تسهیل و تسطیر علاجى نیست

\* ص75 \*

لهذا معذرت خواهم و معافیت طلبم که نظر از قصور بپوشند و

بآنچه ممکن است قناعت نمایند اى یاران عبدالبهآء شرق

منوّر است غرب معطّر است و جهان در جنبش و حرکت ولوله در

آفاق افتاده و زلزله بأرکان عالم رسیده صیت بزرگوارى

کلمة‌اللّه بگوش جهانیان رسیده و آوازهء امراللّه جهانگیر گردیده

وقت فرح و شادمانیست و هنگام سرور و کامرانى باید بوصایا

و نصائح جمال مبارک قیام نمود و بأعمال و افعالى قیام کرد که

سبب نورانیت عالمست و ظهور رحمانیت بین امم جمیع من

على الأرض یعنى کلّ قبائل و شعوب هر یک تیشه در دست گرفته

و ریشهء یکدیگر را قطع نمایند خونریزند و فتنه‌انگیز تیز چنگند و

بد اندیش هلاک یکدیگر خواهند و اضمحلال همدیگر جویند ولى قدرت

آسمانى و قوّت یزدانى و ید اقتدار الهی خیمهء وحدت عالم انسانى

در قطب امکان بلند نموده و علم صلح اعظم و دوستى و محبّت و راستى

و حق پرستى بلند کرده یاران خادم این خیمه‌اند و دوستان جنود

این عَلَم پس باید بآنچه لایق و سزاوار است برخیزند و شور و ولهى

انگیزند و بر مشامها مشک معطّر بیزند و بمذاقها شهد و شکر ریزند

آیات هدى گردند و بشارات ملأاعلى شوند و لشگر ملکوت ابهى

نزاع و جدال را بنیاد براندازند و حرب و ضرب را آثار از عالم

امکان زائل نمایند شجرهء بیگانگى از ریشه قطع نمایند و در گلشن

\* ص76 \*

آفاق نهال یگانگى بنشانند نار بغض و عداوت خاموش کنند

و دریاى الفت و محبّت بجوش و خروش آرند آئین نفاق از لوح

آفاق نسخ نمایند و آیات وفاق ثبت فرمایند خار و خس کره و

عدوان از مزرعهء امکان بر اندازند و بگل و ریاحین اتّحاد و اتّفاق

بیارایند و تربیت نفوس فرمایند و زبان بوصایا و تعالیم جمال مبارک

بگشایند اى یاران وقت هیجان جان و وجدانست و هنگام جولان

در میدان جانفشانى کنید و مهربانى نمائید و بهدایت نفوس انسانى

پردازید شمعى روشن کنید و گلشنى بیارائید ایام بگذرد و زندگانى

بى اثر و ثمر ماند تا وقت هست و تیر در شصت شکارى بیفکنید و

صیدی بنمائید این صید رضای آلهی و این شكار موهبت رحمانی یعنی

عمل بموجب تعالیم یزدانى و علیکم ‌البهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

شرق و غرب عموم احبّاى الهی علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

# **هو اللّه** لک الحمد یا الهی بما فتحت ابواب ملکوت ‌العظمة و الجلال على

وجوه احبّائک و ظلّلت علیهم بشجرة رحمانیتک و ادرکتهم بنسمات

القبول من ریاض فردانیتک و انزلت من سمآء الجود مآء طهوراً

و ظهرت به قلوب احبّتک و احببت بنفثات روح‌القدس ارواح الذین

\* ص77 \*

قاموا على خدمتک و ایدتهم بملأئکة قدسک و جنود لم یروها

من الملأاعلى تأییداً من عندک و توفیقاً من لدنّک حتّى

یقوموا على اعلاء کلمتک و نشر نفحاتک و ترتیل آیاتک و ترویج

کلّ بک و بثّ تعالیمک و تعمیم فیضک و تثبیت میثاقک و

رفع خیام توحیدک الضّاربة الاطناب على الملل و النّحل فى

قطب الآفاق المجلّلة بفیض الأشراق ربّ انّا عجزآء ایدنا

بقدرتک و اسرآء اظهرنا على الکلّ بقوّتک فمن یا الهی للاسیر

ظهیر الّا انت و من للمستجیر مجیر الّا انت و من للضعیف نصیر الّا

انت ربّ ربّ انت الا باهر فى هذه الاجنحة المنکسرة و انعم بالقوادم

للطیور المتذللة حتّى تطیر ملأ اوج الفلاح و ترفرف فى فضآء

النّجاح و تبسط الجناح فی علوّ علویتک الأبهی و سموّ العظمته

الملأ الأعلى و تقرّ اعینهم بمشاهدة الأنوار و تتلذذ آذانهم

بأستماع الأسرار و ینتشروا فى مشارق الآرض و مقاربها و

ینطقوا بالثّناء علیک فى مجامع الوفاق و یبشرّوا بظهور

ملکوتک فى قطب آلافاق مندفعة دموعهم من الآفاق منجدبة

قلوبهم الى الأشراق و یتبهلوا الیک و یتضرّعوا بین یدیک

ینشرح صدورهم بآیات توحیدک و تقرّ اعینهم بمشاهدة

اعلام نصرتک بین بریتک اللّهم اجعل سرورهم ببشارة

ظهورک (١) و حیاتهم بنفثات روح قدسک و سلوة قلوبهم بشمول

و حبورهم بتشعشع نورک و سکونهم بشمول عنایتک و شفائهم ببدیع ذکرک

\* ص78 \*

الطافک منیتهم انتشار امرک و نعتهم اعلآء کلمتک انّک انت

المؤید المقتدر الحی العزیز المعطى الجمیل و انّک لعلى کلّ شیئ قدیر

یاران مهربان عبدالبهآء مدّتى بود که در تحریر و تقریر تأخیر شده

زیرا این بندهء آستان کبریاء عبدالبهآء چهار سال متمادیاً در خاور و

باختر سفر مینمود و ندا بظهور ربّ‌الجنود مینمود تا غرب منّور گردد

و شرق معطّر شود لهذا در جمیع مجامع و صوامع نعرهء یا بهآء الأبهی

بأوج ملأ اعلى متواصل شد و فریاد یا على‌الاعلى ببارگاه حضرت

کبریا متتابع گشت ملّتى نماند که در معابد موجوده تبلیغ امر ملیک وجود

نشد و فرقهء نماند که در محفل ترتیل آیات ربّ ودود نگردید

در کنائس مسیحیان نفخ روح شد و در معابد یهود بشارت ظهور

ربّ‌الجنود منتشر گشت در دارالفنونهاى اوروپ و امریک نظیر

اکسفورد انگلیز و دارالفنون کالیفورنیا که اوّل مدارس عالمست

خطاب منیع گشت و بیان فصیح شد منجمله در دارالفنون سانفرانسیسکو

در مقابل صد و هشتاد و پنج پروفسور و هزار و هشتصد تلامذه بیان

بلیغ گردید در مجامع سیاسوفیها و روحیون و اسپرانتو حتّى در مجمع زنادقهء

امریکا خطابهاى بدیع مجرى گشت و در جمیع اینمواقع و محافل و

کنائس و معابد بفضل و عنایت جمال مبارک نفسى مقتدر بر کلمهء

اعتراض و احتراز نشد کلّ اصغاى تعالیم و براهین مینمودند و

جمیع در وقت خروج اظهار تشکّر میکردند و این بعون وعنایت

\* ص79 \*

جمال مبارک بود که در جمیع مواقع تأییدات ملکوت ابهى موج میزد

و صریخ عبدالبهآء باوج میرسید و البتّه در جرائد امریک و اروپ

که اثر کلک ملل سائره است قرائت نموده‌اید الحقّ ما یشهد به

عموم الازکیآء این مندرجات جرائد اثر خامهء ملّت روح و ملّت کلیم

و فلاسفه و پروفسور و ارباب اقلام و ادباى غرب است مثلاً

جریدهء دارالفنون اعظم کالیفورنیا و جریدهء اکسفرد و دارالفنون شهیر

انگلترا و روزنامه کریستچن کامانولث و جریدهء سانتچری و هرالد

و استاندارد و جرائد غربى نیویورک جمیع این اوراق بقلم فلاسفه

و پروفسور و ادباى باختر تحریر یافته و این نیست مگر از فضل و

موهبت جمال مبارک که ارادهء مطلقه نشر امراللّه در جمیع اقطار

تعلّق یافته و تأیید عبد آستان نمود بارى عبدالبهآء هر چند

خود را قطره داند ولکن محیط اعظم ممدّ آن و بمثابهء ذرّه شمرد

ولکن خورشید انور مؤید آن اینهمه آوازه ها از شه بود یعنى

بتأیید او بارى البتّه جسد عنصرى و قواى بشرى تحمّل این مشقّت

مستمرّى ننماید و اگر بدرقهء عنایت نبود استخوان این ناتوان

البتّه میگداخت ولى عون و صون حضرت مقصود نصیر و ظهیر

عبدالبهاى علیل و ضعیف بود لهذا از شدّت تعب و شکستگى

در اعصاب خستگى حاصل شد و از هجوم علل در جسم فتور حاصل گشت

ولکن الحمدللّه روح چنان قوّتى یافت که این ضعف عظیم

\* ص80 \*

و فتور شدید بأندک مدّتى بکلّى زائل گشت لهذا دوباره عنقریب

عبدالبهآء بتحریر و تقریر خواهد پرداخت و مقصود دیگر نیز در این

سکون و سکوت بود که احبّاى الهی روش عبدالبهآء گیرند و چنان

آهنگى بلند کنند و ثبوت و استقامتى نمایند که از بقا و فناى

عبدالبهآء فتورى در نشر نفحات‌اللّه حاصل نگردد بلکه کلّ مانند

دریا بجوش آیند و بمثابهء طیور ملأاعلى بخروش تا نفوسیکه منتظر

فوت و موت این بندهء آستان الهی هستند خائب و خاسر

شوند و بدانند که علوّ امر مبارک و سموّ کلمة‌اللّه منوط و مشروط

ببقاى عبدالبهآء نه سبحان‌اللّه چه قدر عجب است وقتیکه حضرت اعلى

روحى له ‌الفدآء شهید شدند اعدآء گفتند که این امر بکلّى

از میان رفت بعد ملاحظه کردند که بالعکس از شهادت حضرت

اعلى اعلآء کلمة‌اللّه شد بعد منتظر صعود جمال مبارک شدند

که بعد از صعود جمال مبارک شجرهء مبارکه از ریشه برافتد الحمدللّه

که بعون و عنایت جمال مبارک خائب و خاسر شدند حال

مدّعیان و ناقضان منتظر فوت و موت عبدالبهآء هستند که یا

گرفتار دار گردد و یا در قعر دریا مقر جوید و یا بدورترین دیار و

قلاع سرگون شود و یا بسبب علل و امراض ترک این آواز و

راز نماید تا آنانرا جولانگاهى پیش آید هیهات هیهات امراللّه

بقوّت ملکوت ابهى از جمیع این مخاطرات محفوظ و مصون خواهد ماند

\* ص81 \*

خواه عبدالبهآء موجود و خواه مفقود آیا از صعود آن دو آفتاب

درخشنده فتورى در امراللّه ظاهر شد تا از فناى این بندهء

دو درگاه وهنى در امراللّه حاصل گردد هیهات هیهات فسوف

ترونهم فى خسران مبین چنانکه بعد از صعود در بدایت

بحبوحهء نقض و طغیان خبر داده شد که فسوف ترون ‌الناقضین

فى خسران مبین حال ملاحظه مینمائید که بمطابق خیر تحقّق یافت

پس مطمئن باشید که این اوهام حاضره نیز مثل تصوّرات ماضیه

است و همچنین بعضى میگویند که عبدالبهآء مشرف بر وداعست

و قواى او رو بانحطاط و ناتوانى لهذا عنقریب این عوارض سبب

خاتمهء زندگانى گردد نه چنانست الحمدللّه بعنایت جمال مبارک

هر چند جسم در بلایاى سبیل مبارک بگمان ناقضان و ناقصان

ناتوان آید ولی قوای حقیقی در نهایت جوانی و توانی و

الحمدلله حال بفضل موهبت جمال مبارک قوهء جسمانى نیز

حاصل و سنوحات رحمانى شامل و بشارات ربّانى واضح و

فرح روحانى لائح امید چنانست که من بعد در تحریر و تقریر

تلافى مافات گردد اى یاران باوفاى جمال مبارک از

الطاف بدیعهء آن دلبر یکتا امید چنانست که جوش و خروشى

جدید در یاران الهی پدید شود تا از آهنگ ملکوت ابهى

که عیب امکان را بأهتزاز آورده سرور و وجدى عظیم یابند

\* ص82 \*

و کلّ بر اعلآء کلمة‌اللّه قیام کنند تا نفحات‌اللّه خاور و باختر را

جنّت ابهى نماید و ابر موهبت روى زمین را گلشن برین کند

و نسیم عنایت دشت و صحرا را معطّر و معنبر فرماید و این

به تبلیغ امراللّه و توضیح برهان‌اللّه و اقامهء دلائل و حجج الهی و

هدایت من على‌الارضست ملاحظه کنید که حواریین حضرت مسیح

معدودى قلیل بودند ولى چون از فیوضات حضرت مسیح

مملوّ گشتند و وصایا و نصایح حضرت مسیح چون روح در عروق و

شریان سریان یافت بقسمیکه جز حبّ و ذکر حضرت مسیح در

وجود نماند و قیام به تبلیغ کردند واضح است چه اثر و ثمرى عظیم

حاصل شد حال ما نیز باید چنین بنمائیم اى احبّاى الهی الیوم

هر نفس مبلّغى مؤید است و مبلّغین صف اوّل مقرّب درگاه کبریا

و مستّمد از ملکوت ابهى لهذا باید احبّاى الهی نهایت محبّت و

احترام و رعایت را در حقّ مبلّغین مجرى دارند و در هر جا وارد گردند

سرور و حبور حاصل یابد امّا اوصاف مبلغین در الواح الهی

نازل مطابق آن اوصاف عمل فرمائید اللّه الّذى لا اله الّا هو

اگر پشهء ضعیفى الیوم بصفات مبلّغین متّصف گردد و ندا بملکوت

الهی نماید پشه طائر آسمانى شود و ذباب فانى عقاب اوج

رحمانى گردد و قطره موج دریا زند و ذرّه روشنائى آفتاب

دهد از جمیع اطراف فریاد این‌المبلغین بلند است و از ملکوت

\* ص83 \*

ابهى نداى این ‌المنجذبین این‌ المنقطعین این ‌الطیبین ‌الطّاهرین

بگوش هوش میرسد زیرا استعداد عجیبى در آفاق ظاهر شده

است تا این ندا استماع کنند اى یاران الهی همّتى نمائید

تا این شمع شاهد هر انجمن گردد و این آهنگ الهی سبب

شادمانى هر انسانى شود و علیکم البهآء الأبهی

اللهّم یا من ماج بحور الطافة وهّاج نسیم عنایته على کلّ قائم

على اعلآء کلمته و کلّ سارع الى مشهد الفدآء تقلب طافح بالحبّ

و الولآء و نطق بالثّنآء بین الورى على جماله الأبهی ربّ

اید کل من دلع لسانه بالبیان فى نشر نفحاتک و انجذب

منه شقایق البرهان ایضاحاً لحجّتک و تلاطم کالطّمطام الجهنام

القمقام بذکرک و تغرّد هدیر الورقآء فى ریاض معرفتک وزئر

زئیر الضّرغام فى ایکة موهبتک ربّ جرعهم کأساً طافحة من

الهدى و رنّحهم بسلاف الصهبآء و انطقهم بأبدع البرهان و الهمهم

بالحجج و البیان و علّمهم جواهر البیان انّک انت الکریم انّک

انت المؤید القوی العزیز القدیر لا اله الّا انت ربّ اللطیف الرّحیم

در بهار آینده هر کس مستطیع باشد یعنى مصارف تامّ کامل حضور و

رجوع داشته باشد که بروح و ریحان بیاید اگر استیذان تشرّف

بآستان مقدّس کند اذن داده میشود حال حکمت منع از حضور

معلوم شد که در این ایام انقلاب چه قدر مشقّات حاصل میشد

\* ص84 \*

فأعتبروا یا اولى الألباب پس واضح شد که آنچه مرقوم میگردد مبنى

بر حکمت بالغه است عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

بواسطهء جناب آقا سید اسداللّه علیه بهآءاللّه

هو اللّه

قم مهتر سیاوش و مهتر بهمن و رستم و مهربان و کیخسرو و هرمز و رستم علیهم

بهآءالله

خطّ مبارک

# **هو اللّه** اى یاران یزدانى آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید جوهر معانى

بود و لطائف اسرار محبّت یزدانى ستایش و نیایش در جهان آفرینش

پاک یزدان را لائق و سزاوار که پرتو تقدیسى از افق حقیقت بر

فرق یاران فارسیان مبذول داشت که روشنائیش خاور و باختر را

فرا گرفت زهى بخشش خداوند بى همتا که فراموش شده‌گان را

شهیر آفاق فرمود و گوشه نشینان را شهرهء کوى و بازار

بینوایان را نوا بخشید و معتکفان زاویهء خمول را باوج قبول

کشاند امیدوارم که جمیع آمال و همهء آرزو حاصل گردد ع ع

مقابله شد

\* ص85 \*

جناب آقا کیخسرو زردشتى فارسى علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

خطّ مبارک

# **هو اللّه** اى مرد پارسى سلطنت خسروى هر چند قطعهء آسیا را بتزلزل

آورد ولى عاقبت چون باد بى‌بنیاد بود ولى تو در ظلّ عنایت

جمال مبارک سلطنت باقى جاودانى یافتى که افسرش همیشه تابنده

است و دیهیمش همواره درخشنده ع ع

مقابله شد

جناب کیخسرو جناب رستم فارسى جانشان خوش باد

یا صاحبى‌السّجن

# **هوالأبهی** اى دو اختر خاور یار مهربان خوشا بجان شما که پرتوى از

آفتاب آسمانى یافتید و بهرهء از جهان یزدانى گرفتید بوى

دلجوى گلشن بهشت برین را یافتید و در گلبن بخشش خداوند

بى مانند پرورش یافتید بخشش و دهش و آمرزش خداوند آفرینش

بهر شماست شادمانى کنید کامرانى نمائید پیمانهء پیمان بدست

گیرید و در این بزم یزدانى سرمست شوید این باده آماده و

نوشانوش در این جشن افتاده تا که بیهوش گردد پرجوش شود

و بخروش آید و بانک سروش شنود جانتان خوش باد و دلتان

شاد و خرّم ع ع مقابله شد

\* ص86 \*

بواسطهء جناب زائر مشهدى رضا و جناب زائر یداللّه علیهما بهآءاللّه

قم احبّاى الهی علیهم بهآءاللّه الأبهی

آقا میرزا کیخسرو پارسى آقا میرزا جواد تاجر تبریزى آقا میرزا

عبدالعلى آقا میرزا على اکبر آقا عبّاس آقا على اولاد مرحوم

مشهدى عبدالرّزاق تبریزى آقا محمّداسماعیل تبریزى آقا مشهدى

تقى همدانى آقا مهدى همدانى آقا میرزا غلامحسین همدانى

آقا میرزا احمد یزدى آقا میرزا تقى یزدى آقا میرزا عبدالمجید یزدى

آقا مشهدى حسین ندّاف اردکانى آقا محمّدابراهیم ندّاف

اردکانى غلامحسین نجّار آقا سید مهدى رضوى آقا

حبیب‌اللّه صفّار علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى یاران عزیز عبدالبهآء شب و روز بدرگاه حضرت بى نیاز

عجز و زارى کنم و تضرّع و بیقرارى نمایم و شما را الطاف حضرت

حی قدیر طلبم سر بآستان حضرت دوست نهم و طلب عون و

صون در این حشر مستمر جویم در انقلاب ایران الحمدللّه

خیر خواه عموم بودید و در صلح و سلام جمهور میکوشیدید نه با

حزبى الفتى داشتید و نه از گروهى کلفتى ترقّى ایران خواستید

و علویت ایرانیان آرزو نمودید و بخدمات آنان مشغولید

بخیر خواهى جانفشانید و در الفت و محبّت بین احزاب

\* ص87 \*

جهد بلیغ و سعى شدید دارید امّا هموطنان بعضى ندانند اگر طعنه‌ا‌ى

زنند یا جفائى روا دارند شما باید به عکس آن معامله نمائید یعنى در

مقابل طعن و لعن مدح و ستایش کنید و در عوض سمّ نقیع شهد و

شیر دهید بجان و دل ایران و ایرانیان را بپرستید بلکه بجمیع

اهل عالم خیر خواه و مهربان باشید و تا توانید بالتیام احزاب

مختلفه پردازید و اگر جنگ و جدالى برخیزد و نزاع و خلافى

روى دهد و امکان التیام نباشد کناره گیرید و بدعا پردازید

که خداوند مهربان آن تفرقه را بجمعیت مبدّل نماید و آن

پریشانى را بمجموعى منتهى کند خرق را التیام دهد و زخم را مرهم

نهد و کلفت را بالفت مبدّل فرماید اى پروردگار این

حزب مظلوم را موفّق نما که بخدمت عالم انسانى مؤید گردند تا

دست تطاول ظلم و عدوان کوتاه گردد و بارقهء عزّت ابدیهء

عالم انسان منتشر شود عدل و انصاف تأسیس گردد بنیان

جور و اعتساف برافتد الفت بى پایان بمیان آید و وحدت

عالم انسانى جلوه کند تعصّب دینى و وطنى و جنسى و سیاسى از

میان برخیزد و یگانگى و آزاده‌گى بنیاد بیگانگى براندازد و

روى زمین بهشت برین گردد و شرق و غرب آیات باهرهء نور

مبین شود توئى مقتدر و عزیز و توانا و توئى بخشنده و

درخشنده و مهربان ع ع مقابله شد

\* ص88 \*

طهران جناب مهدیخان پسر فرّخ خان علیه بهآءاللّه الأبهی

# **هو اللّه** اى بندهء آستان مقدّس مکتوبی که مدّت مدیدى پیش مرقوم

نموده بودى در این ایام بحیفا رسید از مضمون مفهوم شد

که از کاشان بطهران عزیمت کرده‌اید و در اینمدّت براحت و

خوشى گذراندید و در گوشه ئی فراغت تام نموده‌اید و از

یاران الهی على‌الخصوص من ادرک‌ الرّفیق ‌الاعلى مقعد صدق

عند ملیک مقتدر مرحوم خواجه ربیع فوق‌العاده اظهار ممنونیت

نموده بودید این بسیار سبب سرور شد از الطاف الهی

امیدوارم که کمال صحّت و عافیت حاصل نمائید و آنچه که

نهایت آرزوى دل و جان در جهان جانانست بیابید حضرت

اخوى محترم مختار وفادار را تحیت مشتاقانه برسان و علیک

التحیة والثّنآء ١ ربیع الثانى ١٣٣٧ عبدالبهآء عبّاس

مقابله شد

هندوستان حضرت شهید ابن اسم‌اللّه ‌الأصدق علیه بهآءاللّه

# **هو اللّه** مکتوب اخیر نیز ملاحظه گردید از عدم مراودهء احبّا با بیگانگان

مرقوم نموده بودید این ملاحظه بسیار بجا و بموقع احبّاى الهی باید

\* ص89 \*

بجمیع وسائل تشبّث نمایند تا با اغیار یار گردند یعنى نهایت مهربانی را

نمایند تا بیگانه آشنا گردد و محروم محرم راز شود و این ممکن نه مگر ببذل

تمام همّت در صفحات هند باید در نقاطى که صیت حق منتشر علمى

بلند نمائید که تا ابدالآباد پرچمش موج زند و این ممکن نه مگر بتأیید

ملکوت ابهى امیدوارم که آن برسد و امّا در خصوص سید محمّد مرقوم

نموده بودید ذرّهم فی خوضهم یلعبون عنقریب خود را در خسران

مبینى یابد که فریاد یا حسرة علینا برآرد شما اعتنا باین نفوس ننمائید

این نفوس ضعیفه که نهایت بستگى را باینجهان فانى دارند البتّه

در امراللّه نباشند بهتر و خوشتر است در انجمن الهی اگر اسیر

هواى نفسانى موجود نباشد البتّه بهتر و روحانیتر است این نفوس

از اصل توجّه بحقّ نداشتند تا آنکه حال توجّه بحق داشته باشند

لهذا از وجودشان چه ثمر و علیک التّحیة و الثّنآء بدون امضاى مبارک

مقابله شد

هو اللّه[[9]](#footnote-9)

اسامى نفوسیکه رجاء عنایت دارند و از ساحت قدس

جمال مبارک جلّ اسمه الاعظم تأیید و توفیق میطلبند احبّاى قم

استاد رضاى ندّاف آقا یداللّه ندّاف آقا على محمّدندّاف

\* ص90 \*

آقا حبیب اللّه ندّاف آقا شکراللّه ندّاف آقا میرزا جواد تبریزى

آقا میرزا عبدالعلى تبریزى آقا میرزا محمّدتبریزى آقا رستم خسرو

آقا رستم تیرانداز آقا مهربان کیخسرو آقا مهربان سرخاب

آقا هرمزدیار خدابخش محمّدآبادى آقا رستم هرمزدیار آقا تقى همدانى

آقا مهدى همدانى آقا میرزا احمد یزدى آقا میرزا تقى یزدى

آقا عبدالحمید یزدى استاد محمّدنجّار استاد قلى نجّار

استاد غلامحسین نجّار استاد ابراهیم حلّاج آقا حسین حلّاج

استاد اسماعیل نجّار استاد ابراهیم نجّار آقا حبیب اللّه صفّار آقا سید مهدى

عطّار

خطّ مبارک

# **هو اللّه** هر چند یاران قم را نامه‌هاى متعدّد مرقوم شده ولى کیخسرو پارسى

آرزوى یاد تازه‌ا‌ى نموده و ذکر تازه‌ا‌ى خواسته است تا

بمقتضاى مهر و محبّت وفا نمایند فى الحقیقه با وفاست و اسیر

عشق و محبّت احبّآءاللّه و دوستان الهی چون چنین تعلّق با یکدیگر

داشته باشند شبههء نیست که در دو جهان کامران گردند ع ع مقابله شد

طهران حضرت ایادى امراللّه شهید ابن شهید علیه بهآءاللّه

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** یا من انجذب بمغناطیس محبّة‌اللّه قد مرّ نسیم رحیم من

\* ص91 \*

ریاض جنّة‌ الأبهی فنفخ فى قلبک روح الهدى و انعش

مشامک بنفحات ‌القدس المنبّثة من حدائق ‌الملأ الاعلى

اذا ً اشکر اللّه على هذا العطآء و تمسّک بالعروة‌ الوثقى و اهتز

طرباً من الطاف ربّک الأبهی بما اختارک لجّه اجتباک و

لمعرفة و انتخبک حتّی تنادی بذکره بین العالمین و علیک

التحیة و الثّنآء ع ع مقابله شد

# **هو اللّه** اى دوستان راستان صبحست و دلبر امراللّه در نهایت صباحت

و ملاحت جلوه بآفاق نموده و بنور اشراق رواق اطباق را روشن کرده

و مانند مه تابان ایوان کیوانرا زینت بخشیده بشر و شجر و مدر و

حجر را بحرکت آورده ندآء یا بهآءالأبهاست که از ملأاعلى

بلند است و ترانهء سبّوح قدّوس ربّ الملأئکة و الرّوحست که

گوش زد هر هوشمند ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار

فتنه در آفاق نیست جز خم ابروى دوست عالم امکان در

جوشش است و امیر لامکان در بذل و بخشش نفحات قدس در

مرور است و افواح عون و عنایت ربّ غفور در صدور و عبور

نسیم رحیم جنّت ابهاست که شرق و غرب را معطّر نموده و

\* ص92 \*

نور مبین افق اعلى است که خاور و باختر را منوّر کرده جنّت ابهى

در قطب امکان خیمه و خرگاه زده و بهار روحانى اقالیم ربّانیرا سبز و

خرّم نموده آیات توحید است که در مجامع رحمانیان درّ ترتیلست و

محامد و نعوت ربّ جلیل است که بالحان بدیع ترنّم اهل تجرید است

صیت امراللّه است كه ولوله در آفاق افكنده و آوازهء جمال

مبارک است که جهانگیر گشته و لرزه بارکان امکان انداخته

آهنگ ملکوت ابهى بگوش مشتاقان متواصلست و بانک طیور حدائق

ملأ اعلى بآذان روحانیان متتابع متواصل ولى افسوس که غافلان

در خمودت بى پایان و جمودت عالم امکان حجر و مدر متأثّر و آنان

در خواب غفلت و فتور مدهوش و محروم و محجوب و منزجر با دیدهء کور

این اشراق النّور فریاد برآرند و با گوش کر این نغمات طیور الملکوت

نعره زنند البتّه مزکوم از مسک مشموم محرومست و علیل از مائدهء

ربّ جلیل ممنوع بارى اى یاران بانجذابى روحانى و

سنوحاتى رحمانى و قوّتى ملکوتى و نفسى مسیحائى و ید بیضائى کلیمى و

شعله و خلّتى خلیلى و صفوتى آدمى و سفینهء نوحى و نورانیتى محمّدى

و روحانیتى علوى و موهبتى ابهائى و رحمتى ربّانى و نیتى سبحانى

نطقى الهی قیام بر نشر نفحات الهی و سطوع انوار ربّانى و اعلآء

کلمهء جمال رحمانى و رفع اعلام موهبت صمدانى نمائید تا آنکه

بفیوضات آسمانى عالم امکانیرا نورانى نمائید و بموجب تعالیم

\* ص93 \*

الهیه ترتیب و تنظیم عالم وجدانى نمائید اى یاران دزدان

در کمینند و خائنان گوشه‌نشین هیکل امراللّه را از تیر و

تیغ نادانان محافظه کنید و سراج کلمة‌اللّه را از اریاح بغضا

حمایت و صیانت فرمائید امروز از جهتى روح حیات در سریانست

و از جهتى دیگر اریاح کریههء نقض پیمان در هیجان این روح مصوّر

است و آن موت مجسّم این نور تابانست و آن ظلمت بى پایان

این عذب فراتست و آن ملح اجاج این حیات ابدیست و آن

ممات سرمدى پس بکمال اطمینان و استقامت و ثبوت و رسوخ

حصن امراللّه را از هجوم مارقین محفوظ و مصون دارید الیوم آنچه

اعظم امور است محبّت و الفت و اتّحاد و اتّفاق و انقطاع

و آزادگى و تقدیس و پاکى و جانفشانى و شادمانى احبّاى الهی است

اگر الفت کامله و محبّت خالصه حاصل مگردد جمیع این زحمات

و مشقّات هدر رود و عاقبت کل قرین خسران مبین گردند مقصد

از جلوهء حق و طلوع آفتاب حقیقت غلبهء نور محبّت اللّه است

تا ظلمات شقاق و نفاق محو از آفاق گردد و وحدت روحانیه

جلوه نماید جمیع احباب حکم نفس واحد دارند و جمیع اسمآء

و صفات عبارت از شخص واحد چون این موهبت میسّر گردد

عالم ظلمانى جهان نورانى گردد و کشور ناسوتى مرأت جلوهء

لاهوتى شود امیدوارم که بفضل بى پایان و بخشش حضرت یزدان

\* ص94 \*

موفّق و مؤید گردند اى یاران الهی ابر کثیفى که الیوم حایل و

مانع درخشندگى شمس حقیقت است غمام نفس و هوى است و سحاب

کبر و غرور بلهاء آنچه سبب بزرگوارى عالم انسانیست خصوع و خشوعست

و محویت و فنا زیرا تذلّل و انکسار تاج وهّاج عبدالبهاست و محویت

و فنا و نیستى بی‌منتها اکلیل جلیل این بندهء آستان حضرت کبریآء

ما باید بکلّى از وصف وجود فانى گردیم بلکه نیست و مفقود شویم تا

سزاوار الطاف و عنایت خداوند بیچون گردیم هر یک غبار رهگذر

جمیع احبّا شویم و خادم حق و هادم بنیان نفس و هوى زیرا زینت

ایوان الهی باین دو بیت ربّانیست نار عشقى بر فروز و جمله هستیها بسوز

پس قدم بردار و اندر کوى عشّاقان گذار تا نگردى فانى از

وصف وجود اى مرد راه کى چشى خمر بقا از لعل نوشین نگار

اى احبّاى الهی معنى یوم یغنى‌اللّه کلّاً من سعته این نیست که

متبادر باذهانست مقصد اینست که آن کنز بى پایان پنهان ظاهر

و عیان میگردد کلّ از آن ثروت طافحه بهره‌مند و مستغنى شوند

نه اینست که هیچیک از احباب محتاج دیگرى نه البتّه اطفال شیرخوار

فقیر ثدى و پستانند و کودکان محتاج مربّیان و جوانان مستفیض

از هوشمندان و هوشمندان مستحقّ ارشاد و هدایت مقرّبان

البتّه باید صغیر تمکین از کبیر نماید و مبتدى پیروى منتهى فرماید

و هم چنین مقرّبان درگاه کبریاء باید هیکل وجود را بموهبت ملکوت ابهى

\* ص95 \*

بیارایند تا انوار تقدیس بر جمیع آفاق بتابد اى یاران الهی

استقامت و مقاومت و پرده در‌ى و کشف غطا آنچه باید و شاید

عبدالبهآء مینماید ملاحظه میفرمائید که فرداً وحیداً بعون و عنایت

جمال ابهى مقاوت با من على‌الأرض مینماید هر چند هزار تیر جفا

از هر بیوفائى پرّانست و این سینه هدف اسهام و سنان جیوش

امم و جنود ملل در نهایت هجوم و بدخواهان حضرت احدیت در

نهایت اذیت با وجود این این عبد مهین بتأیید نور مبین در

مقابل روى زمین درغایت متانت و تمکین قائم و ثابت و نابت

دیگر احبّا باید ملاحظه حکمت نمایند آنها نیز پرده درى نکنند

در هر صورت اگر پردهء رقیقى بر کار باشد بهتر است زیرا سبب

مخالطه و معاشرت و مؤانست و مکالمه است بکلّى اگر حجاب

برداشته شود فصل واقع گردد و چون فصل واقع شد نشر نفحات

فتور یابد زیرا کسى نزدیک نیاید تا کلمهء حق استماع کند و از

این گذشته حکومت نیز در مشقّت و مشکلات افتد اعلیحضرت شهریارى

فى الحقیقه رعیت پرور فریادرس است و ترقّى خواه و دادگستر و جناب

صدارت‌پناهی در نهایت خیر خواهی و رئوف و مهربان بر جمیع اهالی

ولى عوام همج رعاعند و هر دم اسیر هر خدّاع اتباع هر ناعقند و

مغلوب هر ریح عابق فزع عمومى کنند و فتنه جوئى در هر بر و بومى

حکومت با وجود کمال عدالت عاجز از حمایت گردد مثلاً واضحاً

\* ص96 \*

بأمضاى بهائیان تلغراف بحکومت نمودن یا بپاریس و امریک رأساً

تلغرافیاً مخابره کردن موافق حکمت نه اى احبّاى الهی تا توانید از

عقل و حکمت تجاوز ننمائید زیرا حمکت میزان امراللّه است یعنى در محلّی که

تشهیر لزوم قطعى نباشد البتّه قدرى ملاحظه بهتر است قدرى تفکّر

فرمائید که چگونه سطوت امراللّه آفاق را حیران نمود و شمس حقیقت از افق

بلا اشراق فرمود با وجود اینهمه سفک دماء مطهّر و بلایاى متتابعه و

تعرّضات مترادفه در ازمنهء سابقه شمع رحمانى روشنتر شد و پرتو

شمس حقیقت شدیدتر گردید آهنگ نهنگ الهی را خروش بیشتر شد

و دریاى عطاى ربّانی را موج و جوش عظیمتر گشت و عنقریب ملاحظه خواهید

نمود که فوج فوج مانند موج بساحل نجات توجّه نمایند اى احبّاى

الهی هردم بدعاى بقاى اعلیحضرت تاجدارى زبان بگشائید و بخدمتش

بشتابید و در تبعیت خلوص نیت و صداقت و اطاعت وانقیاد

ظاهر فرمایید و علیکم‌التحیة والثّنآء ع ع مقابله شد

# **هو اللّه** اى دوستان حقیقى شما آگاهید که در ایران حاسدان و علماى رسوم

بهم پیوستند و اتّفاق نمودند و بر جفا و افتراء در حقّ این مظلومان قیام

نمودند و بهر دسائس و وساوس تشبّث نمودند تا آنکه بر حکومت مشتبه

\* ص97 \*

کردند که بهائیان خدا نکرده خائنانند و طاغى و یاغى بحکومت شهریار

تا آنکه دولت ابد مدّت ایران را بر آن وا داشتند که سى سال این طایفه

بهائی را از نظر اندازد بعد از سى سال حقیقت آشکار گشت و در

نزد حکومت عادله واضح و مشهود و مثبوت و مبرهن شد که جمیع این

و حکایات مفتریاتست بلکه این طایفه مطیع و منقاد دولت و خیرخواه

و رعیت صادقهء شهریار لهذا اعلیحضرت شهریار ایران دامت شوکة

بحفظ و حمایت مظلومان پرداختند و بقدر امکان از دست ستمکاران

و مدعیان محافظه و صیانت فرمودند ایداللّه شوکة و زاد توفیقه

و جعله نائلاً الى اعلى درجة الفلاح و النّجاح بجاه الملأ الاعلى بعد از ظهور

این حقیقت حکومت دست تطاول جفاکاران را کوتاه نمود و درگاه

پادشاهى ملجأ و پناه مظلومان گشت حال بعینه مثل سابق حال

ایران از طرفى جمعى از مفتریان و از طرف دیگر اصحاب اغراض از جمله

بعضى نفوس از اهالى اینجا با برادر مهر پرور میرزا محمّدعلى بالأتّفاق بر

مفتریاتى چند قیام نموده‌اند هر چند بعضى از آن مفتریات مسموع و بعضى

دیگر مجهول ولکن فى الحقیقه از قرائن معلوم و بدربار اعلیحضرت دولت

علیه عثمانیه تبلیغاتى نموده‌اند بعینه مثل حال سابق در ایران بقسمی که

بلازمان آستان پادشاهى را بتشویش انداخته‌اند لهذا کمیسیونى

تشکیل فرموده بجهت تفتیش باینجا فرستادند و مشغول هستند از

جملهء مفتریات اینکه جمع کثیرى را در این صفحات ما بهائى نموده‌ایم

\* ص98 \*

ولى این قضیه واضح و آشکار است که صرف مفتریاتست و کومسیون

تحقیقات و تدقیقات عمیقه در این فرموده و واضح و آشکار گشته هر چند اعضاى

کمسیون بى غرضند ولى بحسب روایت بعضى اعدا از اهالى و مأمورین

این بلد در این تحقیق و تفتیش ذى مدخلند دیگر تا کار بکجا انجامد و شما

میدانید که جمال مبارک باوامر قطعیه ما را از نشر طریقت در

ممالک دولت علیه منع فرموده‌اند و از آن گذشته در حق اعلیحضرت

پادشاه عثمانیان ایده‌اللّه على حفظا لمظلومین چه قدر دعاها فرموده‌اند

و ستایش در الواحها کرده‌اند على‌الخصوص در محاربهء اخیره وقتی که

اردوى محارب نزدیک اسلامبول رسید انوقت دعائى در حفظ و صیانت

اعلیحضرت پادشاه عثمانیان و مقرّ سریر سلطنت عظمى فرموده و بهمهء شماها

مکتوباً امر فرموده‌اند که آن دعا را سحر و صبحگاه بخوانید با وجود این

حال باز مدعیان و بدگویان و دشمنان و مفتریان کار را مشتبه

نموده‌اند از خدا بخواهید و تضرّع و زارى نمائید و دعا کنید

که خداوند همچنان که حقیقت حال را بعد از سى سال بر پادشاه عادل

ایران واضح و مشهود فرمود بهمچنین حقیقت حال را کما هى حقها بر

حکومت عادلهء عثمانیان نیز واضح و آشکار فرماید جز دعا چاره‌ا‌ى

نیست امّا شما از تعالیم و وصایا و نصایح جمال مبارک بقدر سر سوزن

تجاوز ننمائید بهمان قسم که در الواح تجلّیات و اشراقات و کلمات

و بشارات و مکاتیب مثبوت بهمان نوع حرکت نمائید بجمیع ملل

\* ص99 \*

عالم مهربان باشید و بجمیع ادیان از اعظم خیرخواهان چشم از تعصّب

کورانه بپوشید و بنظر حقیقت نظر کنید جمال مبارک خطاب

بجمیع بشر میفرماید همه بار یک دارید و ثمر یک شاخسار نوع بشر

مانند شجر است و افراد بمنزلهء برگ و شکوفه و ثمر اگر این صنوف ثلاثه

بعضى برتر و بهتر ولى باید در میان کل ارتباط و الفت و محبّت باشد

تا شجره نوع بتمامه نشو و نما نماید لهذا بجمیع نوع انسان باید وفا پرور

و مهربان بود عدم راستى و نادرستى و عدم حقیقت پرستى مذموم

و مقدوح و ممنوع خواه با آشنا و خواه با بیگانه خواه با دوست

و خواه با دشمن زیرا عدم راستى و خلاف دوستى در هر صورت خیانت

است و شقاوت پس عداوت و دشمنى بعضى نفوس را بهانه

ننمائید و از آنچه مکلّف بآن هستید از مودّت جمیع نفوس

و مهربانى با جمیع خلق و صداقت با کلّ بشر و خیر خواهى عموم اهل عالم

از هر ملّت و مذهب و آئین رو برنگردانید بلکه انشاءاللّه صدمات

و بلایاى پنجاه سالهء اولیاى الهی و غربت و کربت هدر نرود و در این جهان

ظلمانى نورانیت محبّت عمومیه منتشر گردد و بغض و عداوت از

بین بشر بقدر امکان زائل شود و ارتباط حبّ و یگانگى در ایران

چنان احاطه کند که عالم انسانى شجر رحمانى گردد و نتیجه و ثمر بخشد

و الّا فى الحقیقه عالم بشر بى ثمر است بلکه مورث ننگ و سبب ظهور

دنائت در هر اقلیم و کشور گردد ایدوستان حقیقى مبادا از آنچه

\* ص100 \*

واقع شده و میشود دلگیر شوید و محزون و دلخون گردید این جهان مانند

سراب بى پایانست زندگانى در این عالم فانى هیچ حکمى ندارد

دریاى هستى موجى برآرد و بعد از دقیقه‌ا‌ى چند مساوى و هموار گردد

کأن لم یکن شیئاً مذکوراً لهذا این آوارگان خواه ایامى

چند آواره در گوشه و زاویهء ماند و خواه از این جهان بجهان دیگر شتابد

در هر صورت شما توجّه بدرگاه احدیت نمائید و تضرّع بحضرت رحمانیت

فرمائید تا شما را موفّق بر آن نماید که بموجب تعالیم و وصایاى

جمال مبارک آیات باهرهء صدق و امانت و دیانت و حسن نیت

بجمیع دول و ملل باشید در هر مملکتى که هستید بحکومت آن مملکت

بنصّ جمال مبارک باید صادق و امین و خیر خواه باشید و بملل آن

اقلیم در نهایت امانت و راستى و درستى رفتار کنید الهی الهی

اید احبائک‌المخلصین على‌ العمل بتعالیم ‌البهاء و القیام بنصائح‌ البهآء

و التمسّک بوصایآء البهآء و وفقنى على هذا و جمیع احبائى بل کلّ الورى

على ما تحب و ترضى حتّى یتموّج بحر الایتلاف و یسکن طوفان‌ الاختلاف

فى کلّ ‌الأطراف الهی الهی اسئلک بجمیع انبیائک و رسلک

و اصفیائک و اولیائک ان توفّقنى و کلّ‌احبّائک بل جمیع خلقک

على‌الصّدق و الأمانة و التّقوى و الالفته و المحبّة بین‌الورى و التّشبّث

بذیل الکبریآء و الخلوص لک‌ الدّین فى جمیع الشّئون و الأحوال انّک

انت المقتدر العزیز الوهاب اى دوستان حقیقى دیروز شهرت

\* ص101 \*

یافته و از نفوس موثوق شنیده شده که اخوى میرزا محمّدعلى غیر از

آنکه محرّک لایحه مفتریات بوده بلکه تقریرى داده که حضرت

بهآءاللّه طریقتى موافق شرع انور داشتند ولى عبّاس افندى

تغییر و تبدیل داده و مخالفت شریعت نموده مابهیچوجه با او

نیستیم و از او بیزاریم و هم چنین شنیده شد اخوى مذکور بعضى

نوشته‌ها اختراع نموده و نسبت بمن داده و سرّاً باین و آن

نشان میدهد سبحان‌اللّه از یکطرف من را غاصب میگوید و خود را

جانشین جمال مبارک می‌شمارد و بأطراف و اکناف باحبّا مینگارد

و از طرف دیگر تبرّى میجوید ولى الحمدللّه اولیاى انور از این

نکته غافل نیستند و لابد تحقیق این مطلب را خواهند نمود و هر چند برادر

بمن چنین نسبتها میدهد و حال آنکه شما میدانید که خود او دعواى

جانشینى مینماید باز من نسبت باو در نزد اولیآء امور کلمه ئی جز

خیر ذکر نکرده‌ام و نخواهم نمود و امور را تفویض بخدا کرده‌ام و

خواهم نمود و شما را بخدا سپردم ع ع مقابله شد

بواسطهء حضرت شهید جناب ابوالحسن ایرانى علیه بهاءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى بندهء حق شکرانه خداوند یگانه را که هدایت کرد و

\* ص102 \*

موهبت بخشید پرده اوهام بسوخت و شمع هدى برافروخت

تا آنکه هوشیار شدى و بیدار گشتى و بر اسرار اطّلاع یافتى امیدوارم

که از غیر حق بیزار شوى و مشام برائحه طیبه گلشن ملکوت ابهى مشکبار

نمائى و علیک البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

بواسطهء حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه‌ الأصدق علیه بهآءاللّه

جناب دکتور طاشجیان جناب کیوان جناب مارکار جناب نرسیس جناب کالوس

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى ابناء ملکوت حضرت سلیل اسم‌اللّه‌ الأصدق و همچنین یاران دیگر

که از آنحدود و ثغور عبور و بارض اقدس حضور میجویند نهایت مدح

وثنا از فرط محبّت و شدّت انجذاب و توجّه تام و ثبوت

بر پیمان آن یاران مینمایند که این نفوس مبارکه فى الحقیقه زندهء

بنفحهء مسیح و مفتون آن وجه صبیح و سرگشتهء صحراى محبّت ربّ

جلیلند نفوسى از سلالهء انبیآء از فریسیان معتکفان در قدس

الاقداس که شب و روز منتظر ظهور حضرت مسیح ملیح بودند چون

طلعت موعود توراة اشراق نمود فریسیان غافل و ذاهل و

حضرت مسیح را مسیخ نامیدند و آن وجه صبیح را قبیح شمردند

بعل ذبول نام نهادند و در بین خلق انتشار دادند و الى الآن

\* ص103 \*

منتظر آنند که موعود تورات من بعد آید و مسیح صحیح از مکانى

مجهول با لشکرى افزون از یأجوج و مأجوج بیاید و همچنین کاهنان

ترسایان در این عصر اشراق نیر آفاق دیده بر هم نهادند و از

مشاهدهء انوار جمال بیمثال محروم گشتند مانند فریسیان بهانه‌اى

جویند و اعتراضى بنمایند و حجبات خلق را افزون خواهند آن

یاران باید بشکرانه پردازند که الحمدللّه بسرّ حقیقت پى بردند

و نداء ملکوت‌اللّه شنیدند و طریق را مستقیم کردند و

ربّ الجنود را شناختند و بملکوت‌اللّه در آمدند و امید

چنانست که بثبوت و استقامت حیات ابدیه یابند و در جهان

بى پایان بأنوار تقدیس و تنزیه بدرخشند اجازهء حضور خواسته

بودید این ایام حکمت اقتضا نمی‌نماید بایامى دیگر مرهون گردید

و علیکم البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

بواسطهء آقا میرزا حسین ابن شهید طهران جناب مشهدى اکبر علیه بهآءاللّه

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى بندهء الهی اشعار بلیغ و فصیح و در نهایت ملاحت و حلاوت

بود تلاوتش سبب سرور گشت انشاءاللّه چندى ورزش

میفرمائید و درست بقواعد نظم اطّلاع مى یابید و قصیده

\* ص104 \*

در ستایش جمال ابهى روحى لاحبّائه ‌الفداء میفرمائید ع ع

مقابله شد

بواسطهء حضرت شهید علیه بهآءاللّه جناب آقا حبیب‌اللّه علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى یار عزیز از ملأاعلى آهنگ خوشى بلند و از حدیقهء بقا

رائحه طیبه‌ا‌ى منتشر الحمدللّه آن آهنگ شنیدى و آن رایحه استشمام

کردى بوى قمیص یوسفى یافتى و بمصر الهی پى بردى و مانند یعقوب

دیده بینا کردى امیدوارم که جمال یوسف الهی مشاهده

نمائى و بمقام مکاشفه رسى و علیک‌البهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

هو اللّه

بواسطهء حضرت شهید ابن شهید جناب مشهدى اکبر علیه بهآءاللّه

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى بندهء الهی بزرگوارى در عبودیت جلیل اکبر است نه

سلطنت خاور و باختر نفوس مقدّسه همواره تمنّاى بندگى آستان

نمایند و بندگى حق در عبودیت یاران باید انسان جوهر خضوع

شود و حقیقت خشوع فانى محض گردد و فارغ از هر مرض تا آنکه

سزاوار عبودیت درگه پروردگار شود و علیک‌التحیة والثّنآء ع ع

مقابله شد

\* ص105 \*

بواسطهء جناب آقا سید مهدى حضرت شهید سلیل

اسم‌اللّه‌ الأصدق على بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى سرگشتهء دیار در سبیل پروردگار الحمدللّه نتائج این سفر را

ملاحظه نمودى و اطمینان بر ایمان افزودى و لیطمئن قلبى تحقّق یافت

شکر کن خدا را که مشغول بخدمت آستان جمال ابهائى و بوفا

قیام نمودى چه موهبتى است اعظم از این و چه عنایتى است

اکبر از این که انسان در ره آن دلبر مهربان سرگشته کوه و دشت

و بیابان باشد امیدوارم که در این سفر نتائج جانپرور حاصل

گردد الحمدللّه بستگان آنحضرت در طهران در نهایت

راحت و همواره سفارش نگاشته میگردد مطمئن باشید و

خود در نهایت انقطاع و انجذاب و طرب و وله و سرور و

حبور بخدمات مجلّى طور باشید تا تأییدات ربّ

غفور بینید و نصرت جنود ملکوت مشاهده کنید و علیک التحیة و الثّنآء

ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الأبهی

ورقهء زکیه لقائیه علیها بهآءاللّه ‌الأبهی ملاحظه نمایند

\* ص106 \*

# **هو الأبهی** اى امة‌اللّه ورقهء زکیه لحاظ عین‌اللّه النّاظره شامل آن ورقهء

مطمئنه است و الطاف ربّ رحیم محیط بر تو است ظلّ سدرهء منتهى بر تو

واقع و سایهء شجرهء سینآء بر تو ممدود پرتو نیر اعظم بر فرقت

فائض و سحاب رحمت جمال قدم بر حدیقهء وجودت فاطر دیگر در

این عالم وجود چه میطلبى و چه آرزو دارى قائنات طاهرات

آرزوى ذرّهء از این حسنات را مینمودند و در حسرتش جان باختند

نرسیدند و تو فائز شدى و البهاء علیک ع ع مقابله شد

طهران بنات و ذریات حضرت من فاز بالرفیق‌ الأعلى جناب

اسم اللّه ‌الأصدق علیهنّ و علیهم بهآءاللّه الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى سلالهء آن نفس مقدّسه رحمانیه مکتوبی که در بیان تشکر از همّت

آقا میرزا ارسطو در تعلیم لسان انگلیسى مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید

و انشاءاللّه من نیز تحسین بلیغ خواهم نمود و جناب آقا میرزا

ارسطو را بجهت این خدمت مسرور خواهم کرد امّا شما که ذریهء

آن نفس مقدّسید و سلالهء آن نور انور باید پى او گیرید

و در مسلک او سلوک نمائید آن نفس مبارک در مدّت حیات

\* ص107 \*

در هر دمى جفائى دید و زحمتى کشید جانفشانى نمود و اخلاق

روحانى بنمود شما نیز باید باطوار و گفتار و رفتارى ظاهر

و آشکار گردید که آن روح مجرّد در ملکوت ابهى زبان بتحسین گشاید

و بثبوت و رسوخ شما مسرور گردد و روح و ریحان یابد و علیکم

التّحیة و الثّنآء ع ع مقابله شد

طهران بواسطهء حضرت شهید ابن شهید امآءالرّحمن

ورقهء طیبه ضیاء الحاجیه ورقهء موقنه والده‌شان و ورقهء روحیه لقائیه

و ورقهء نوریه هویه و ورقهء نوراء روحا و ورقهء بدیعه طلیعه

علیهنّ بهآءاللّه الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى ورقات روحانیات طوبى لکنّ بما انجذبتن بنفحات‌اللّه

و استضائت قلوبکنّ بنورالهدى و اشرقت وجوهکنّ بشعاع

محبة‌اللّه لعمرى لو سجدتنّ شکراًللّه على ممر القرون و الاصول

والدّهور والاحقاب على هذه الموهبة ‌الکبرى لعجزتنّ فى

ایفآء شکرها ولکن الآن مستورة عن الآنظار لایعلمها الّا

اولو البصائر و الافکار السّامیة الآثار مستشرق هذه الأنوار

و تظهر هذه‌ الآثار و یتحقق انّ العبودیة الى العتبة السّامیة هو اکلیل

\* ص108 \*

جلیل متلئلاء ابهى جواهرها على‌الآفاق و علیکن التّحیة و الثّنآء ع ع

مقابله شد

خط مبارک هو الأبهی

ورقهء طیبه روحا علیها بهآءاللّه‌ الأبهی ملاحظه نمایند

# **هو الأبهی** اى ورقهء مطرّزه صد هزار اماء که سالهاى بیشمار بأنواع مشقّات

عبادات قیام نمودند و بدرگاه احدیت عجز و نیاز آوردند و گریه و

زارى فرمودند که بانى از این ایام فائز شوند و لمعهء نورى از شعلهء

طور مشاهده نمایند عاقبت در صحراى حرمان جان دادند و در قربانگاه

عشق بحسرت تمام فدا شدند و تو زحمتى نکشیده و مشقّتى تحمّل

ننموده و تعب عبادتى ندیده محض فضل و جود باین احسان مالک

غیب و شهود رسیدى و ایام‌ اللّه را ادراک نمودى و برحمت

و عنایت بى‌منتهى رسیدى و البهآء علیک ع ع

مقابله شد

خطّ مبارک هوالآءبهی

ط امة اللّه ضیاء الحاجیه علیها بهآءاللّه ‌الأبهی ملاحظه نمایند

# **هو الأبهی** \* ص109 \* اى امة‌اللّه شکر کن حی قیومى را که ترا از بین ربّات حجال

امتیاز داده و بتاج وهّاج عرفان سرت سرفراز نموده این اکلیل

محبّت‌اللّه گوهر درج عنایتست که بر مشارق و مغارب آفاق

اشراق نموده دیگر چه جوئى و چه خواهى الحمدللّه در کنیزى جمال قدم

طوقى مرصّع بجواهر اسم اعظم در گردن دارى و حلقه زرّین از اعلى

علیین در بردگى آن روح مصوّر در گوش دارى و البهاء علیک

عبدالبهآء ع مقابله شد

هو الأبهی

امة‌اللّه ضلع حضرت اسم‌اللّه‌ الأصدق الّتى فازت علیها

بهاءاللّه الأبهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

# **هو الأبهی** اى ورقهء موقنهء مبتهلهء زکیه طیبهء ثابتهء فائزه حمد کن جمال قدم

و اسم اعظم را که در ایام‌اللّه بلقاى محبوب آفاق و مقصود جواهر وجود

ازاهل وفاق فائز شدى و جام کلام الهی را از ید ساقى عنایت

نوشیدى و ببصر ظاهر و بصیرت باطن جمال بى زوال را مشاهده

کردى و نداى جانفزاى الهی را بسمع خویش از فم مطهّر شنیدى

و در ساحت اقدس باصغاى کلمهء جامعه اختصاص یافتى و در ظلّ شجرهء

\* ص110 \*

معرفت‌اللّه و دوحه محبّت‌اللّه آیت هدى رایت تقى حضرت اسم‌اللّه

در آمدى و شب و روز محامد و نعوت جمال قدم را از آن لسان صدق

مبین استماع نمودى و بذریه طیبه موفّق گشتى که از جهت اعراق و اخلاق

هر دو منشعب از آن شجره مقدّس است جان بشکرانهء این مواهب جلیله

شب و روز را در مجامع اماءاللّه بذکر و ثناى حضرت کبریاء مشغول شو

و چنان حرارتى برانگیز که سر دفتر شیدائیان جمال جانان گردى

و سالار سودائیان روى رحمن هر افسردهء را تازه و زنده نمائى و هر

پژمردهء را لطیف و با طراوت بى اندازه و البهآء علیک و على

اماءالرحمن هناک ع ع مقابله شد

طهران بواسطهء حضرت شهید ابن شهید جناب مشهدى اکبر علیه بهآءاللّه

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى بندهء حقّ از قرار معلوم مانند نجوم از مطلع خضوع و خشوع

طالع و لائحى و در محضر یاران الهی فانى و خاضع و مبتهل خدمت دوستان را

تقرّب آستان دانى و بندگى یاران را آزادگى دو جهان شمرى اگر

چنین است یقین بدان که نور منیر چنان فیضى بجبین فرماید که مانند

صبح مبین روشن و تابنده و درخشنده گردد و علیك التّحیة و الثّنآء

ع ع مقابله شد

\* ص111 \*

طهران بواسطهء حاجى میرزا عبداللّه جناب میرزا منصور نورى علیه بهآءاللّه

الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى بندهء حق اگر در جواب نامه فتورى واقع گمان قصور مفرمائید

این از کثرت امور موفور است آنى فرصت نیست من در حقّ شما

بملکوت الهی عجز و زارى نمایم و فیض نامتناهى خواهم امیدم

چنان است که اسباب راحت فراهم آید فرصت بیش از این

نیست معذور بدارید نامهء جوف را بجناب امین برسانید ع ع

مقابله شد

بادکوبه بواسطهء حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه‌ الأصدق

طهران امة‌اللّه‌ المقربه ورقهء مطمئنه ضیآءالحاجیه علیها بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى کنیز عزیز الهی الحمدللّه در یوم ظهور مظهر الطاف ربّ غفور بودى

و بعد از افول شمس حقیقت مستفیض از ورد مورود و ثابت بر پیمان

حضرت ودود عبدالبهآء از ملکوت ابهى طلب عون و عنایت نماید

تا در هر دمى حضرت شهید بموهبتى موفّق گردد الحمدللّه خادم امر است

و قائم در خدمت بهندوستان شتافت و علم ذکر الهی برافراخت

و در آن اقلیم ولوله‌ا‌ى انداخت بعد مأمور بقفقاز و عشق آباد شد

و انشآءاللّه آن خدمات را نیز انجام خواهد داد از جمله در مرو اسباب

\* ص112 \*

تأسیس مشرق الاذکار فراهم آورد و نقشهء بارض مقصود فرستاد

و الآن در آنجا مباشرت بمسافرخانه و مکتب شد تا اطفال یاران را

بتربیت الهی تربیت نمایند و دولت بهیه روس محض بناى مشرق الاذکار

زمینى در مرو مجاناً داد و باذن ایمپراطورى مشرق‌الاذکار بنا خواهد

شد بارى شما باید فکر کنید که حضرت شهید بخدمت مشکور

مشغول و بفیض موفور مشمول حال بجهت تمشیت بعضى از امور آن

ارض مأمور بطهران شد عنقریب خانه و لانه و آشیانهء آن کنیز عزیز

الهی را روشن نماید امة‌اللّه ‌الموقنه نفس مطمئنّه والدهء محترمه را از

قبل عبدالبهآء تحیت محترمانه برسان و علیک البهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

بواسطهء حضرت شهید ابن شهید علیه بهاءاللّه هو الأبهی

ط امة‌اللّه ضیآءالحاجیه علیها بهاءاللّه الأبهی

خط مبارک

# **هو الأبهی** اى امة‌اللّه اى کنیز بهاء حضرت شهید ابن شهید ذکر شما را در ذریعه

خویش نمودند و استدعاى عنایتى کردند این عبد از موهبت خاصّه اسم اعظم

جمال ابهى همیشه منتظر که آن امهء جمال ابهى چنان اشتعالى در بین اماءالرحمن

اندازد که مرکز حرارت محبت‌اللّه گردد فضل حق در حق شما عظیم است عظیم

لطف جمال مبارک شامل آن خانواده مستقیم بر میثاق قدیم پس مسرور باش و خوشنود

\* ص113 \*

که در ظلّ الطاف ملیک وجودى ع ع مقابله شد

خط مبارک هو الأبهی

ط ورقهء طیبه زکیه موقنه امة‌اللّه ضیاء الحاجیه علیها بهاءاللّه ‌الأبهی ملاحظه

نمایند

# **هو الأبهی** اى امة‌اللّه و بنت امته و اخت امته جناب ابن اسم‌اللّه علیه بهاءاللّه

الأبهی الآن که که صبحست حاضرند و ذکر احتراق و اشتیاق و شدّت

تأثّر و تحسّر و تاوّه و تلهّف آن امة‌‌اللّه را از فرقت پر حرقت

محبوب آفاق فرمودند و خواهش این را کردند که بذکر شما این

قلم مشغول گردد لهذا خامه را برداشته و فوراً این مکتوب

نگاشته شد که مطمئن باش در کلّ احیان در این محضر مذکورى

و در این انجمن موجود چه که اگر بتن دورى بروح نزدیکى و از

بصر ممنوعى ببصیرت فائزى بجسم بعیدى بروح قریبى و در

آستانه مبارک یادت در السن و قلوب اماءالرّحمن موجود پس

شکر کن الطاف حضرت حی قیومرا که در ایام ظهور بعنایت و

الواح متعدّده فائز گشتى و در این اوان

حرمان نیز در فناء رحمن بابدع ذکر

مذکورى ع ع مقابله شد

\* ص114 \*

بواسطهء حضرت شهید ابن‌ الشّهید علیه بهآءاللّه ‌الأبهی

خط مبارک

# **هو اللّه** خویشان و ذوى‌ القربا و ذریه حضرت اسم‌اللّه ‌اصدق المستقرّ فى بحبوحة

الملکوت‌ الأبهی علیهم بهآءاللّه الأبهی

خط مبارک

# **هو اللّه** اى ذوى ‌القرباى آن نجم هدى الحمدللّه از شمس هدایت مقتبس گشتید

و از دریاى عبودیت مستفیض و مستمد ماء معین را از عین تسنیم نوشیدید

و نور منیر را در صبح مبین مشاهده نمودید و بر عهد و پیمان جمال قدیم ثابت

و مستقیمید آن جوهر تقى و لطیفهء نوراء در ملکوت ابهى متباهی

که آن خویشان الحمدللّه از بیگانگان دورند و از آشنایان و

یاران مرکز پیمان پس شکر کنید که خویش و آشناى آن شخص

جلیلید و ثابت بر عهد ربّ قدیر نظر عنایت محبوب یکتا با

شماست و البهاءعلیکم ع ع مقابله شد

رشت حضرت ایادى امراللّه حضرت شهید سلیل حضرت

اسم‌اللّه‌الأصدق علیه بهآءاللّه الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى منادى پیمان نامهء قزوین ملاحظه گردید با نهایت محبّت و

\* ص115 \*

مهربانى و سرور و شادمانى امیدم چنانست که ایام را بگذرانى

از قلّت فرصت جواب مختصر مرقوم می‌گردد جناب آقا میرزا

اسداللّه مازندرانى اگر بتوانند بنجف بشتابند و در نهایت

مدارا با شخص مذکور ملاقات نمایند بسیار موافق جناب مدبّر را

تحیت ابدع اعلى ابلاغ دارید همواره در نظرند و پیش بصرند البتّه

بجهت فراغت از گیر و دار ممنون و متشکرند حضرت فرمان

نصر و ناصر را از قبل من نهایت خلوص و محبّت دل و جان

و انعطاف وجدان ابلاغ دارید و این اشخاص را بسیار

کتمان دارید و علیک البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** اى سلیل آنشخص جلیل شخص محترم نجف را اگر ممکن بود که خود شما

نیز ملاقات می‌نمودید و اگر ممکن نه در پرده مکاتبه می‌گردید بهتر بود

علیک البهآء ع ع مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

هو اللّه امة‌اللّه ‌المقرّبه هویه امة‌ اللّه ‌النّاشئه روحا امة‌ اللّه‌ المؤیده طلیعه

علیهنّ البهآء الأبهی

# **هو اللّه** اى کنیزان مقرّبهء جمال ابهى صور شعائیه شما رسید ملاحظه گردید

\* ص116 \*

الحمدللّه نورانیت ایمان در جبین ظاهر و باهر امیدوارم که روحانیت

کبرى حاصل گردد و ینبوع عرفان در سینه نبعان نماید زبان

بذکر دلبر مهربان ناطق شود و دل بمحبّت حضرت رحمان گلشن

اسرار گردد و شب و روز فکر و ذکرى جز اشتغال بحجّت و برهان

و اشتغال بعشق حضرت یزدان نماند و علیکن‌ّ التحیة و الثّنآء ع ع

مقابله شد

خط مبارک هو اللّه

خا ورقهء متعالیه امة‌اللّه والدهء حضرت شهید ابن شهید علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

# **هو اللّه** اى قرینهء آن جوهر وجود آن باز سپید اوج ملکوت هر چند بلانه و

آشیانه عزّت عروج فرمود ولى بازى که مظهر هب لی من لدنّک

ذلیاً یرثنی و یرث من آل داود یادگار گذاشت که شکار افکن

و پر پرواز و تیز چنگ و منقار است پس شکر کن که در کاشانهء این

دار دنیا نیز تنها نمانده‌ا‌ى و آن عقاب سمآء و عنقاء ملکوت

ابهى از افق غیب ندا مینماید که اى ضجیع بحر موهبت پر موج است

و بشائر عنایت خاصهء الهیه از اوج عزّت قدیمه متتابع و پرتو

مواهب شامل کلّ آن خانمان و دودمان ع ع

مقابله شد

\* ص117 \*

خط مبارک هو الأبهی

ورقهءطیبه هویه علیها بهآءاللّه ‌الأبهی ملاحظه نمایند

# **هو الأبهی** اى امة‌اللّه علیک بهآءاللّه شکر کن حی قدیم را بر شاطى بحر

عظیم وارد شدى و در جنّت نعیم داخل شدى و از کوثر و تسنیم

نوشیدى و در فردوس محبّت‌اللّه وارد شدى از دست ساقى

عنایت مکلّم طور کأس مزاجها کافور کشیدى و در حدائق محبّة‌اللّه

از پستان معرفت‌اللّه مکیدى آثار باهرهء این فیوضات عظمى را

در ملکوت ابهى مشاهده خواهى نمود و نداى یا لیت قومى یعلمون را

بآهنگ ملأ اعلى خواهى بنواخت والبهاء علیک و على‌الورقات

الطیبات ع ع مقابله شد

هو اللّه

طهران ورقات شجرهء روحانیه

امة‌اللّه لقائیه و امة‌اللّه هویه و امة‌اللّه روحا و امة‌اللّه طلیعه

و امة‌اللّه ضیآء الحاجیه علیهنّ بهآءاللّه الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى اماء رحمن چون ورقات طیبات ثابتات راسخات

تمسک بشجرهء مبارکه دارند از فیض ابر عنایت و رشحات

\* ص118 \*

سحاب موهبت همواره در نهایت طراوت و لطافتند و در

جنّت ابهى در غایت سبز و خرّمى از فضل قدیم ربّ کریم

مستدعیم که آنورقات را بنفحات گلشن ابهى در جمیع اوقات

روح و ریحان افزاید و چنان مشتعل فرماید که شعلهء نار عشق بعنان

ملاء اعلى رسد و علیکن‌ّ التّحیة و الثّنآء ع ع مقابله شد

خا ورقهء طیبه بنت شهید علیها بهآءاللّه‌ الأبهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

# **هو الأبهی** اى ورقهء طیبهء منجذبه بنفحات‌ اللّه آنچه بلسان گفتى و بر اوراق شرح

نمودى و در بیان سفتى و در قلب و جنان آرزو داشتى جمیع مسموع و

معلوم و مشهود حمد کن ربّ قدیم و نور مبین و آفتاب فلک علیین

را که چنین بخششى از سلطان آفرینش یافتى که بکوى دوست راه شناختى

و بساحت الطافش شتافتى و روى از دونش تافتى و از نار جمالش

گداختى و بچنین موهبتى که منتهى آمال اماء الرحمن بود رسیدى و حلاوت

عنایت از کأس بقا چشیدى طوبى لک و لکل امة فازت بما

فزّت بفضل مولاک‌ القدیم بشرى لک ثمّ بشرى لک من هذا الفضل

العظیم در خصوص خانه آنچه را جناب ابن اسم ‌اللّه ‌الأصدق علیها

بهآء الأبهی مصلحت دانند مجرى دارید این قضیه تفویض بایشان شد

\* ص119 \*

ما قبول کردیم آنچه را شما خواستید و تقدیم نمودید فسوف یعطیک

ربّک اجر ذلک فى ملکه و ملکوته انّه على کلّ شییء قدیر ع ع

مقابله شد

هو الأبهی

ضلع جناب ابن اسم‌ اللّه‌ الأصدق امة‌اللّه ضیاء الحاجیه علیه و

علیها بهاءاللّه الأبهی ملاحظه نماید

خط مبارک

# **هو الأبهی** ایتها الورقه‌ الطیبه‌ الزکیة‌ المطمئنه بفضل ربّها احیى‌اللّه قلبک بنفثات

روحه و اقراللّه علیک بمشاهدة انواره و شرح‌ اللّه صدرک بآیاته

و انعش ‌اللّه فوادک بنسائم جوده و رفع‌اللّه لک ذکرک باشتعالک

بالنّار الموقدة فى سدرة سینائه و طیب ‌اللّه ریاض قلبک نصیب

الطافه جناب ضیف کریم چندى بود که بزیارت بتراب آستانهء

مبارک مشرّف بودند و حال طبل مراجعت بکوفتند از فضل

قدیم و جدید سلطان اقالیم ارواح امید قوى و رجاى اکید

است که در این سفر چون روح جدید در اجسام قدید تأثیر

شدید نمایند در این ایام که مونس این عباد بودند در حین زیارت

مطاف ملأ اعلى بالنّیابه از شما و جمیع منسوبین زیارت

مینمودند و همچنین بالوکاله بنام ان ورقات ضیافت مینمودند و

\* ص120 \*

جمیع مقبول افتاد و البهاء علیک ع ع مقابله شد

هو الأبهی

ورقهء طیبه صمدیه علیها بهآاللّه‌ الأبهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

# **هو الأبهی** اى ورقهء نضره زکیه در این عصر جدید و قرن بدیع که مواهب حضرت

محبوب یکتا چون شمس بقا در کبد سماء ظاهر و آشکار است اماء

جمال کبریاء باید از بحر اعظم اغتراف نمایند و از الطاف ربّ اکرم

اقتراف کنند دل بمحبوب قدم بندند و تعلّق بملکوت ابهى

یابند از نار محبّت‌اللّه چون شعلهء نورانى باشند و از نسائم

موهبت‌اللّه رحمت رحمانى باشند آیت انجذاب گردند و سراج

ذکر ربّ‌ الارباب اماء ارض را نور هدایت باشند و ورقات

آفاق را بشارت عنایت و الرّوح علیک و على اماء الرّحمن ع ع

مقابله شد

بواسطهء حضرت شهید ابن اسم‌اللّه‌ الأصدق امة‌اللّه‌ المنجذبه ضیاء الحاجیه

بگم سلطان خدیجه سلطان والده آقا سید مهدى قدسیه

لقائیه ضیائیه ثنائیه حشمت لمیعه بتول شوکت ثابته

\* ص121 \*

والده میرزا زمان ضلع میرزا زمان گلین خانم اخت شهید

هویه لقائیه روحا طلیعه علیهنّ بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** ایتها الامآء المنجذبة بنفحات‌اللّه تا بحال در میان اماء رحمان

تأسیس درس تبلیغ نشده بود حال بفیوضات مختصّهء جمال ابهى در

طهران اماء رحمان موفّق بتاسیس شدند خبر تشکیل انمحفل سبب

حصول سرور و روح و ریحان موفور گردید که الحمدللّه ورقات

منجذبه بشور و وله آمدند و بتحصیل درس تبلیغ موفّق گشتند امید

چنانست که در مدّتى قلیله آن کنیزان عزیز الهی در دلائل منقوله

و معقوله بقسمى مهارت یابند که هر یک در مقابل علماء من على‌الارض

بدلیلى قاطع و بیانى واضح و برهانى لامع و نطقى بلیغ و کلامى فصیح

لب بگشایند اگر این محفل چنانکه باید و شاید موفّق گردد و

ترقّى نماید و اخبار و آیات و احادیث که دالّ بر طلوع شمس

حقیقت است حفظ فرمایند و در استدلال کافى وافى ملکه حاصل

نمایند دلائل عقلیه بر اثبات الوهیت و وحدانیت

آلهیه و نبوّت انبیآء و ولایت اولیاء اقامه کنند البتّه تأییدات

ملکوت الهی پیاپى رسد و نفوسى از ورقات طیبه در انجمن

عالم ببیان و تبیان و اقامهء برهان چنان جلوه نمایند که عالم نساء

را زینت بخشند و ثابت کنند که در این کور بدیع نسآء

\* ص122 \*

همعنان رجالند بلکه در بعضى موارد سبقت گیرند ملاحظه نمائید

که در این امر بدیع چه قدر رجال بأعلى معارج عرفان عروج نمودند و

بیانى واضح و برهانى قاطع و لسانى فصیح و نطقى بدیع داشتند و لکن

ورقهء مبارکه جناب طاهره چون در سلک نساء بود بى‌نهایت جلوه

نمود و سبب حسرت عموم گردید اگر از رجال بود ابداً چنین

جلوه نمینمود پس بدانید که عظمت امر چنان در عروق و اعصاب

عالم نفوذ نموده که اگر یکى از ورقات منجذب گردد و در

اقامه دلائل و براهین و بیان حجج قاطعه ملکه حاصل کند و زبان

بگشاید در انجمن عالم چه قدر جلوه نماید اى ورقات طیبه

قسم بجمال معبود و سرّ وجود که اگر در این میدان جولان نمائید فیوضات

جمال مبارک مانند آفتاب در مرایاى قلوب تجلّى نماید چنان ترقّى

نمائید که کلّ حیران گردید حتّى ورقات منجذبه باید در اوقات

معاشرت و الفت با یکدیگر صحبت از گرمى هوا و سردى آب

و لطافت باغ و گلزار و طراوت چمن و جویبار ندارند بلکه مکالماتشان

محصور در ذکر و ثنا و بیان ادلّه و برهان و نقل احادیث و

آیات و اقامهء بینات باشد تا چنان گردد که جمیع خانه‌هاى

احباب محفل درس تبلیغ شود اگر چنین مجرى دارید در

نهایت سرعت فیوضات ملکوتیه چنان تجلّى نماید که هر یک

از اماء رحمان کتاب مبین شود و اسرار حضرت رحمان رحیم بیان

\* ص123 \*

نماید و علیکنّ‌ البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو اللّه

ورقهء موقنه ضلع حضرت شهید ابن‌ الشّهید جناب ابن اصدق

علیها بهآءاللّه الأبهی

# **هو الأبهی** اى ورقهء مبتهله مطمئنه شکر کن حی قدیمرا که در ظلّ جمال مبین وارد

گشتى و از کأس تسنیم نوشیدى و از شهد الطاف چشیدى

و منتسب حضرت شهید ابن‌ الشّهید علیه بهآءاللّه ‌الأبهی گردیدى

و الیوم در ملکوت ابهى مذکورى و در ملأ اعلى مشهور فاشکرى ‌اللّه

على هذا الفضل ‌الّذى احاطا لعالمین و انّک انت سوف

تشاهدین آثار هذه‌ المواهب‌ الّتى تشعشعت

انوارها ع ع مقابله شد

هو الأبهی

ط جناب على همدانى و اخویشان على محمّدعلیها بهآءاللّه‌ الأبهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

# **هو الأبهی** اى دو برادر چون دو پیکر در سبیل جمال الهی مصائب و شدائد

\* ص124 \*

عظیم تحمّل نمودید فسوف یقطع‌ اللّه دابر الّذى ظلمکما محزون مباشید

مغموم نگردید این بلایا را جمال قدم روحى لاحبائه‌ الفدا بنهایت سرور و

حبور بر نفس مبارک قبول فرمودند و این کأس چون حنظل را مانند شهد در

نهایت روح و ریحان چشیدند اذن حضور انشآءاللّه من بعد خواهد

رسید الامور مرهونة باوقاتها الآن بجهت آنکه مشغول بجزئى شغلى

گردید و برکت از خداست چیزى جزئى حواله شد فکم من

فئة قلیله غلبت فئة کثیره چون توکّل شود البتّه تأیید میرسد

والبهاء علیکما ع ع مقابله شد

بواسطهء حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه‌ الاصدق

امة‌اللّه‌ المقربه هویه بنت شهید ملاحظه نمایند

طلب الطاف بجهت من صعد الى‌اللّه رفعت علیها بهاءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى پروردگار آمرزگار رفعت زیرک این طفل کودک سراج

محفل بود و مرغ خوش الحان آن منزل تلاوت آیات مینمود

و بابدع الحان ترتیل کلمات میکرد بلبل گویا بود و باهنگ

ملأ اعلى دمساز حال از گلخن فانى بگلشن باقى پرواز نمود تا در

ملکوت راز بنغمه و آواز پردازد اى پروردگار الطاف

\* ص125 \*

بى پایان شایان کن و غفران رایگان فرما توئى آمرزنده و مهربان

ع ع مقابله شد

حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه ‌الأصدق علیه بهآاللّه ‌الأبهی

خط مبارک

# **هو اللّه** ایها الشّهید سلیل اسم‌اللّه‌ الجلیل از روزى که عازم آن صفحات

شدید تا بحال ابداً خبرى مرقوم نفرموده‌اید که در لاهاى چگونه

واقع شد حتّى از سلامتى وجود شریف ننگاشتید بارى منتظر ورود

اخبار شما از مخابره با مجلس لاهاى هستیم البتّه بزودى همّت

نمائید و بنگارید و اگر ممکن تلغراف بزنید بحضرات متعلّقات

آنجناب نامه مرقوم و ارسال شد عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

خط مبارک هو اللّه

طهران امة‌اللّه ‌المطمئنه حرم حضرت شهید ابن اسم‌اللّه‌ الأصدق علیها

بهاءاللّه‌ الأبهی

# **هو الأبهی** اى امة‌اللّه‌ المنجذبه در این ساعت که هیکل آفاق در وجد و

شادمانیست زیرا یوم دلالت جمال سبحانیست و عبدالبهآء با

نهایت بشارت بتهنیت تو مشغول پس ممنون باش و خوشنود

\* ص126 \*

و مسرور باش و محظوظ ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الأبهی

امة‌اللّه آغا شاهزاده علیها بهاءاللّه‌ الأبهی ملاحظه نمایند

# **هو الأبهی** اى ورقهء ثابته راسخه بر عهد و پیمان الهی الیوم ورقه ئى از اوراق

سدرهء مبارکه چون ثابت بر پیمان گردد نابت در اعلى فروع سدرهء

سیناء شود و چون بقوّت تقى و نور هدى قیام بر خدمت امراللّه

و اعلا کلمة‌اللّه نماید چون ستارهء روشن از افق عالم درخشنده

و تابنده گردد موهبت ایام عظیمست عظیم و الطاف ربّ

کریم جلیل است جلیل یک عمل خیر و یک حرکت للّه الیوم حکم

صد هزار مبرات و حسنات دارد و یكنفس در این عصر حكم صد هزار

سال عبادت ملکوت ابهى آیئنه جهان نماى الهی و مرآت کائنات

رحمانیست گاه سمت کوه دارد چه حسنات و چه سیئات

قطره صفت بحر دارد چه اعمال صالحات و چه افعال منهیات

پس شکر کن حضرت ذوالجلال را که خدماتت در دیوان الهی بقلم

جلى مقید و مثبوت و در ایوان روحانى رحمانى اجر جزیلت مقدّر و

موجود رعایت و محبّتى که بمنتسبین جناب ابن اسم‌اللّه ‌الاصدق

نموده‌اید عنداللّه محبوب و مذکور و البهاء علیک ع ع

\* ص127 \*

در یوم مولود باسم آن امة‌اللّه ضیافت شد و حرم جمیعاً در

روضه مطهّره بالنّیابه زیارت کردند مقابله شد

طهران

حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه‌ الأصدق علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى منادى پیمان الحمدللّه بانچه مرقوم شد و تعلیماتی که داده گشت

موفّق شدى و تأسیس مجلس درس تبلیغ بجهت ورقات طیبه

گردید حال لازم است که تشویق و تحریص نمائید که محفل درس

تبلیغ نساء تعدّد یابد و این اوّل محفلى که تشکیل شده شبهه نیست

که سبب تأسیس محافل کبرى گردد باید چنان تربیت نمود تا در

اندک زمانى دوشیزه‌گانى و نسائى در کمال فصاحت و بلاغت

بتبلیغ امر حضرت احدیت پردازند و رجال را از هر ملل بقوّت

برهان عاجز و قاصر نمایند این قضیه نهایت اهمیت را دارد

بدرجه‌ای که وصف نتوانم اگر احباى الهی نتائج این قضیه را

کشف نمایند یقین است که نیاسایند راحت ننمایند مگر

آنکه تعلّقات خویش را از نساء بر این امر عظیم تحریض و تحریص

فرمایند نامهء بنام ورقات طیبه که مباشرت تحصیل درس تبلیغ

نموده‌اند مرقوم گردید در جوف است برسانید و انتشار دهید

\* ص128 \*

مناجاتى در ذکر شهداى سبیل الهی مرقوم گردید و ارسال شد سواد

آن در جوف است ملاحظه نمائید ع ع مقابله شد

بواسطهء حضرت شهید ابن شهید علیه بهاءاللّه‌ الأبهی

خط مبارک

هو اللّه

جناب نور محمّدخان جناب میرزا محمّدعلى جناب عبدالحسین خان

جناب شکراللّه جناب ابوالقاسم جناب ابوالحسن عطّار جناب

میرزا احمد طبیب جناب عبدالباقى عطّار علیهم بهآءاللّه

# **هو اللّه** اى یاران حقّ از عون و الطاف حضرت احدیت امیدوارم

که احبّاى خویش را از جمیع احوال و اخلاق اهل بارگاه قدس و ملاءاعلى

نصیب و بهره بخشد و ملکوتى و روحانى نماید و خاضع و خاشع

فرماید و منقطع از ماسوى‌اللّه کند و متّحد و متّفق نماید تا در عبودیت

آستان مقدّس با عبدالبهآء انباز گردند و در نزد کلّ یاران در کمال

عجز و نیاز مبعوث شوند اهل بها چشم از سیئات بپوشند و

بغیر از حسنات نبینند و در ظلّ کلمهء آلهیه سبب اتّحاد و اتّفاق

من على‌الارض گردند و شب و روز مقصدشان نشر نفحات

باشد و اثبات آیات بینات اى احبّا مظاهر عنایت

\* ص129 \*

کلمه وحدانیتید و مطالع الطاف ربوبیت ربّ فردانیت

والبهآء علیکم ع ع مقابله شد

هو اللّه

همدان بواسطهء حضرت شهید سلیل اسم‌اللّه ‌الأصدق احبّاى الهی علیکم بهآءاللّه

الأبهی حضرات خرّازى فروشها جناب میرزا یوسف ولد میرزا نصراللّه جناب

حاجى میرزا نوراللّه جناب آقا میرزا نصراللّه خلف مرحوم میرزا یعقوب

جناب میرزا سلیمان جناب آقا اسحق بزّاز جناب حاجى رحیم

جناب حاجى آقا جان نراقى جناب میرزا مراد زرگر جناب آقا محمّد

رضاى جدید و جناب حاجى حکیم داود و جناب حکیم موسى جناب آقا

هارون ولد الیاهو جناب آقا جان آقا یوسف علیهمّ بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى بندگان صادق ربّ‌الجنود خدماتی که در اعانهء مدرسهء تأیید نموده

و مینمائید سزاوار تحسین و ستایش است از الطاف حی قیوم

یقین و محتوم است که انواع الطاف شامل و برکت آسمان نازل

گردد تأسیس دبستان علم و عرفان از براى کودکان از فرائض

قطعیه اهل ایمانست چون آن یاران در این مورد تعهّد جانفشانى

نموده‌اید و اعانه بدبستان تأیید مینمائید عبدالبهآء در نهایت

عجز و انکسار بملکوت اسرار ستایش و نیایش نماید و شما را

\* ص130 \*

برکت و آسایش طلبد تا در نهایت راحت و سرور بحسن خدمت

مشکوره موفّق و منصور گردید اى پروردگار این نفوس خوش

رفتار را در دو جهان عزیز بدار و مظاهر الطاف بى پایان نما توئى

مقتدر و توانا و توئى دهنده و بخشنده و بیهمتا اى یاران فرصت

بیش از این نیست و علیکم البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

طهران حضرات ایادى امراللّه علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** ایتها النّفوس المبارکه نامه شما بدقت تمام ملاحظه گردید از

مساعى حمیده و همم جلیله دوستان نهایت سرور حصول یافت

توجّه بآستان مقدّس شد و طلب تأیید و توفیق گشت زیرا

امور مرهون بعنایت است و تأیید حضرت احدیت لهذا

امید چنان است که تآییدات غیبیه و توفیقات لاریبیه

بحصول پیوندد عبدالبهآء جمیع غوائل هاجمه و مشاغل لازمه را

ترک نمود و جمیع امور را واگذاشت و سفر نمود با وجود اینکه محرومى

از آستان مقدّس بسیار مشکل و صعب بود و سبب حزن و اندوه

و سه مرض مزمن جسمانى مستولى و ابداً طاقت و تحمّل حرکت نداشت

باز توکّل بر جمال بیمثال نموده بأطراف جهان شتافت زیرا

\* ص131 \*

مشاهده کرد که تأیید در تبلیغ است و توفیق در نشر نفحات‌اللّه

و نعم‌الرّفیق شب و روز جز بیان حجج و برهان و اعلآء کلمهء یزدان

و بشارت بطلوع صبح هدى و مژدهء باشراق شمس حقیقت شغلى

نداشت هر چند الطاف جمال مبارک همیشه شامل بود ولى در این

سفر بحرى بى پایان عنایت بدرجه‌ا‌ى بود که مجرّد دست بردن

بکلافه‌ا‌ى فوراً سر رشته در دست بود بهرجهت که توجّه میشد

ابواب مفتوح مشاهده میگشت و سبب این بود که از هر فکرى فارغ

بود و لسان بذکر حق ناطق و نام مبارک ورد دائم و نفثات

روح‌القدس مؤید جان و دل و الّا این ذرّه را چه قدرتى و این قطره

را چه وسعتى بارى ایران ویران و جمیع خلق مشغول بیکدیگر جانها

بامان آمده و دلها از پریشانى فریاد و فغان نماید استعداد

عظیم حاصل گشته باید یاران الهی على‌الخصوص حضرات ایادى امراللّه

دقیقه‌ا‌ى آرام نگیرند جمیع فکر را در آن حصر نمایند که این بنیاد

الهی بلند شود و نسیم رحمانى ایران را معطّر کند پس اى حضرات

ایادى ‌امراللّه در حقّ من تضرّع و ابتهال کنید من نیز در حقّ شما

عجز و زارى کنم که قوّتى آسمانى و موهبتى رحمانى و نصرتى ملکوتى و

تأییدى ربّانى و فتوحى لاهوتى حاصل گردد کلّ موفّق بآنچه باید و

شاید شویم تا انوار صبح هدایت را در خاور و باختر منتشر کنیم

مانند نفوس مبارکى که در ظلّ حضرت مسیح بودند بجانفشانى برخیزیم

\* ص132 \*

و بمنتهاى وفا موفّق شویم و همواره بخاطر آریم که آن دلبر باوفا

چه جفا کشید و چه قدر زحمت و بلا دید و چگونه اسیر سلاسل و اغلال بود

تا ما بیچارگان را چاره دهد و ما ذلیلان را در ملکوت خویش عزیز

فرماید بشکرانهء این الطاف باید در هردم صد جان نثار نمائیم

عبدالبهآء از شدّت شرم و حیا بجمال ابهى قسم که آرزوى فنا

نماید زیرا در مقابل این عنایت نفسى بشکرانه نکشید و تا بحال بقطره‌ا‌ى

از خدمت موفّق نشد مگر آنکه حضرات ایادى امراللّه تضرّع بملکوت

ابهى نمایند و این بى بهره را نصیبى از موهبت خدمت طلبند بلکه

من بعد حرکت مذبوحى نماید و جان و دل تسلّى جوید و بذرّه‌ا‌ى از

عبودیت موفّق شود و علیکم‌البهآءالأبهی ع ع

یا ایادى امراللّه بجهت نصرت و قوّت حضرات ایادى امراللّه بهر وسیله

تشبّث گشت که مافوق آن تصوّر نمیشود حتّى مکاتیب مفصلهء عبدالبهآء و

البتّه ملاحظه بتکرار خواهید فرمود بلى در چند سنه پیش چنین بنظر آمد که

هر یک حکم دو رأى داشته باشند یا بیشتر و این را من فکر کردم محض محبّت

ولى بعد ملاحظه کردم که در مستقبل بکلّى شریعت‌اللّه مختل میگردد زیرا البتّه

اصحاب نفوذ از ملوک و غیره یک وقتى پیدا خواهند شد و این را قیاس

خواهند نمود هر یک از براى خویش تعدّد آراء بلکه تا صد قرار خواهند گذاشت

و بکلّى مشورت را منسوخ و مهمل خواهند نمود و اساس شریعة‌اللّه منهدم خواهد

گشت لهذا موقوف نمود حال ایادى امراللّه الحمدللّه مؤید بمحبّت عبدالبهآء

\* ص133 \*

هستند این از هزار رأى بهتر است باید بعون و عنایت جمال مبارک

روحى لعتبة تربته‌الفدا بچنان نورانیتى موفّق شوند که کلّ بقلب و جان تعلّق

یابند و علیکم‌ البهآء و لکم‌ العزة‌ الابدیه فى الاخرة و الأولى ع ع

مقابله شد

همدان بواسطهء حضرت شهید ابن اسم‌اللّه‌الاصدق

جناب آقا یهوداى آقا اسمعیل جناب آقا سلیمان آقا اسماعیل کاشانى جناب

آقا یهوداى آقا الیاهو جناب آقا عاشور جناب حاجى حکیم هارون جناب

حاجى مراد یوحنّا خان جناب حاجى میرزا طاهر جناب آقا مهدى آقا اسماعیل

جناب آقا مهدى آقا یارى جناب حکیم موشى حیم جناب آقا عزیز ولد

الیاهو جناب آقا سلیمان آقا اسماعیل جناب حاجى موسى کلیمى جناب

آقا یهودا آقا سلیمان جناب آقا عذرا ولد یوسف جناب آقا میرزا

سلیمان آقا یعقوب جناب آقا مراد الیاهو حکیم دانیال جناب حاجى

حکیم داود جناب آقا داود آقا ابراهیم کاشانى جناب حکیم عزیز جناب

آقا مراد آقا جان آقا افرایم جناب حاجى مهدى آقا رفیعا جناب

آقا اسحق آقا یوسف عراقى جناب آقا حیم ملّا یوسف جناب آقا عذرا

حکیم بابا جناب آقا الیاهو آقا العازار جناب آقا یوسف آقا العازار

جناب میرزا ابراهیم ولد رفائیل جناب آقا یوسف آقا شمعون جناب

آقا بنیامین خرّازى فروش جناب حاجى یهوداى آقا مراد جناب

\* ص134 \*

آقا میرزا عبدالرّحیم خان حافظا الصّحه جناب آقا هارون شالوم جناب

آقا یوسف استاد یعقوب جناب آقا شالوم جناب آقا موسى آقا

یوسف عراقى جناب آقا مهدى آقا رحیم جناب آقا اسحق آقا یوسف عراقى

علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى یاران ربّانى من این یقین و مسلّم است که حضرت بیچون در جمیع

شئون بغناى مطلق موصوف و برحمت واسعه مشهور و بفیض ابدى مألوف

و بعطا بر عالم وجود معروف ولى نظر بحکمت بالغه و امتحانات فارقه تا

آشنا از بیگانه امتیاز یابد حقوق بر عباد خویش واجب و مفروض فرمود

نفوسی که اطاعت این امر مبرم نمودند ببرکت آسمانى موفّق و در دو جهان

روى روشن و مشام از نسیم عنایت معطّر کردند از جمله حکمت هاى بالغه اینکه اعطاى

حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس گردد و نتائج عظیمه بارواح و قلوب بخشد

و در موارد خیریه مصروف گردد حقوقى که در سنهء ١٣٢٦ جمع نموده بودید در

درگاه احدیت مقبول شد و البتّه بواسطهء یاران صادق در مواضع لازمه

مصروف گردیده مدرسهء تأیید را بسیار اهمیت دهید بجمیع وسائل تشبّث

نمائید که ترقّى عظیم نماید و در بین مدارس ایران ممتاز و شهیر گردد زیرا تعلّق

باین امر خطیر دارد عبدالبهآء از سعى و کوشش شما با نهایت رضا بدرگاه

کبریا تضرّع و زارى نماید و شما را در هر روزى تأییدى جدید خواهد و علیکم

البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

\* ص135 \*

ط مناجات طلب مغفرت بجهت ورقهء متصاعدهء الى‌اللّه امة‌اللّه آقا

شاهزاده علیها بهآءاللّه

خط مبارک

# **هو اللّه** اللّهمّ یا من سبقت رحمتک و عظمت مغفرتک و جلّ احسانک و شاع عفوک

و ذاع صیت فضلک و سطعت انوار غفرانک فى افق الأمکان انّى بکلّ

عجز و ابتهال اتضرّع الیک یا ذا الجلال ان تشمل امتک المتصاعدة الیک

بلحظات عین الرّحمانیه و تلبسها خلع العفو من حلل الجنّة الرّبانیة و تنوّر

وجهها بنورالعفو و الصفح فى ظلّ شجرة الوحدانیه اى ربّ ادرک امتک الرّبانیه

بنفحات قدس مغفرتک المعطّرة الرّوحانیه و انزلها نزلاً مبارکاً و اضمد جرح

بمرهم‌ اللقاء و ادخلها فى حدیقة قدسک حیث تشآء و انزل علیها ملائکة

رحمتک تَتْرى و ظللّ علیها شجرة طوبى انّک انت‌ الغفور الکریم‌ الوهّاب

ع ع مقابله شد

طهران بواسطهء حضرت شهید ابن اسم‌اللّه ‌الأصدق علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

اماء رحمن

خدیجه سلطان بیگم سلطان لقائیه هویه روحا طلیعه بتول حشمت

قدسیه شوکت منوّر منیره ثنائیه هویه تاج ماه قدسیه

ملوک فروغ ثابته بهیه محترم لقائیه طوبى لقائیه قدسیه روحى

سرور بتول آغاجان ماه‌سلطان بزمیه طائره آغا بیگم معصومه

\* ص136 \*

کشور طوبى میرزا باجى شمس جهان لمیعه امة‌ البهاء ضیاء الحاجیه علیها و

علیهنّ بهاءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى ورقات رحمانیه اماء رحمان نامه‌هاى شما نفحهء مشکبار بود و نافهء اسرار

زیرا ترتیل آیات توحید بود و بیان ایمان و ایقان بطلوع نور مبین از قرائت

نهایت مسرّت حاصل گردید و فرح و انبساط روحانى رخ داد و شکرانه

بدرگاه اسم اعظم تقدیم شد که الحمدللّه اماء رحمان بتحصیل علم و عرفان مشغولند

و بتتبّع حجّت و برهان مألوفند عبدالبهآء در نهایت عجز و نیاز بملکوت راز

تبتّل نماید و از براى آن کنیزان عزیزان تأیید غیبیه و الهامات لاریبیه

طلبد تا در زجاج قلوب سراج موهبت کبرى برافروزد و انوار یقین قلوب

را افق مبین فرماید دیده‌ها مشاهدهء آیات کبرى کند و صدور منشرح بفیوضات

ملأ اعلى شود هر دلى دفتر اسرار گردد و هر فکرى کتاب مبین الهام شود ملأ اعلی

ادراکات لوح محفوظ گردد و عقول و نفوس رقّ منشور شود و جمیع اسرار وجود

و حقائق و معانى سرّ سجود مفهوم و معصوم گردد الهی الهی هولآء امآء اخترتهنّ

من بین امائک و اجتبیتهنّ لاقتباس تجلّیاتک و اصطفیتّهن لأعلاء کلمتک و

نشر نفحاتک و اوقدت فى قلوبهنّ نار محبّتک و شرحت صدورهنّ

بآیات توحیدک ربّ اجعلهنّ ناطقات بحججک و برهانک و منبأت

بقدرتک و سلطانک و ناشرات للوائک و رافعات لرایات احدیتک

و تکفهرات من افق موهبتک و منجذبات الى طلعتک و مبشّرات بأمرک

\* ص137 \*

و منذرات من قهرک و مرتلات لألواحک و کاشفات الأسرارک انّک

انت المؤید لمن تشآء بما تشآء و انّک انت القوى المقتدر العزیز المحبوب

ع ع مقابله شد

همدان جناب میرزا یوحنّا خان جناب حاجى یهودا جناب آقا سلیمان

جناب آقا اسماعیل جناب آقا شالم جناب آقا یهودا خلف مرحوم الیاهو

جناب حاجى میرزا طاهر جناب آقا یهودا آقا مطیا جناب آقا یهودا

آقا سلیمان جناب آقا عزیز جناب آقا هارون نجل آقا حییم جناب

حاجى موسى جناب حاجى مهدى جناب حاجى حکیم هارون جناب

حکیم عزیز جناب میرزا نوراللّه جناب آقا اسحق جناب حاجى رحیم

جناب آقا على اکبر آنتیکه چى جناب آقا میرزا محمّدرضاى جدید جناب

حافظ الصّحه جناب آقا مهدى بزّاز جناب حاجى میرزا آقا جان جناب

حاجى میرزا یوسف جناب آقا محمّد باقر نراقى علیهم بهآءاللّه الأبهی

یا صاحبى‌السّجن هو اللّه

اى یاران عبدالبهآء شکر کنید خدا را که بنور هدى روى روشن و

خوى مشکبار شد در یوم ظهور بظلّ ربّ غفور در آمده از شوائب شکوک

محفوظ و مصون ماندید دیدهء بینا گشودید و آثار تجلّى خداوند یکتا

مشاهده نمودید شعلهء طور و لمعهء نور از فراز سینا چنان تجلّى نمود که

ساحت دلها و فضاى جانها تابنده و درخشنده گردید این الطاف

\* ص138 \*

شایان شکرانهء حضرت بدیع‌الاوصافست و اگر در قرون و اعصار زبان بمحامد و

نعوت پروردگار پردازد از عهده این شکر بر نیاید لهذا بکمال عجز و انکسار بعتبهء

مقدسه پروردگار تضرّع و زارى میگردد که بلسان کبریا شکرانه الطاف خویش

از قبل احبّا فرماید اى یاران الحمدللّه در جمیع موارد قائم بخدمتید و

خدماتتان در آستان مقدّس مقبول و محبوب و امید چنانست که در آینده بیشتر از بیشتر

در تنظیم امور و تأسیس دبستان و ترفیه ایتام بکوشید رمس معطّر حضرت متصاعد

الى‌اللّه من ادرک‌ الرّفیق الأعلى جناب اسم‌اللّه‌ الأصدق را تعمیر مکمّل فرمائید

و آنچه مصروف گردد دین عبدالبهاست مرقوم دارید ارسال میشود ع ع

مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** اى منادى پیمان و ایادى حضرت یزدان نامهء مرسوله از مرو ملاحظه گردید سبب

نهایت سرور شد نقشهء بنا بسیار مقبول و مرغوب بهمین قسم بنا نمایند و خود

آنحضرت بسبب قضیه زمین ابتیاعى طهران که شخصى مدّعى بیع شرط شده است

باید موقت بطهران تشریف ببرید و بعضى از بزرگان و امنا طالب اطّلاع مطالبند

آنان را نیز ملاقات فرموده زیرا این کار از شما بر میاید بعد از اتمام این امر

ببادکوبه مراجعت میفرمائید ع ع مقابله شد

\* ص139 \*

# **هو الأبهی** اى مشتاق جمال ذى‌الجلال علیک بهآءاللّه و جوده و فضله فى جمیع‌الشّئون

الحمدللّه که انوار عنایت از افق ابهى طالع و لائح و فیوضات رحمانیت از غمام

فضل وجود متتابع و متماطر نظر عنایت الهیه شامل حال دوستانست و سیل

الطاف از یمین و یسار در فیضان پس اى احبّاى جمال قدم بشکرانهء این فضل

اعظم بر نصرة امر قیام نمائید که در ملکوت ابهى با رخى روشن وارد گردید و الرّوح

والبهاء علیک و على اهل‌البهاء ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو الأبهی** اى بندهء درگاه حق در حالتى بذکر تو مشغولم که نه قلم یاراى تحریر دارد و نه

لسان توانائى تقریر در شدّت انجذاب و اهتزاز همراز و دمساز تو گشتم و در منتهاى

اضطرام و اشتعال بیاد تو افتادم خدا میداند که چه حالت دارم اگر نفحهء

از این بوستان بمشامت رسد قلم از دستت اوفتد و نامه از هم در رفته

پاره پاره گردد بلکه از شعلهء نار محبّت‌اللّه بسوزد با وجود این من بیاد تو

مشغول ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو الأبهی** اى شمع محفل عرفان نفسى از نفوس مبارکه در ورقهء منشوره‌اش نام آنحبیب روحانى

\* ص140 \*

را مذکور داشت از قرائت آن اسم فرح روحانى رخ داد و گشایش

وجدانى حاصل شد از اسم نفحات مسمّى استشمام شد و از اشارات

ذکر شئون مذکور مشهود گردید از شدّت ارتباط قلوب اعراض

حکم جوهر پیدا نموده و مجاز تأثیر حقیقت یافته الفاظ قوّت معانى جسته

و عبارات حقیقت اشارات و بشارت معانى مجرّده شده کلمه حکم کتاب

گرفته و حرف سمت فصل خطاب یافته جمیع این فیوضات از فضل

وجود سلطان وجود است که در این عصر جدید و قرن بدیع باحبّاى رحمن

عنایت گردیده والرّوح و البهاء علیک ع ع مقابله شد

# **هو الأبهی** اى مشتاق جمال ذوالجلال علیک ثناء ربّک و بهائه و فضله و احسانه

و جوده و عنایته امروز شأن نفوسی که در ظلّ کلمه الهی هستند اینست

چون نفحات ریاض الهیه بهر مشامى رسند چون طیب معنوى

معطّر نمایند و چون نسائم گلزار احدیت ربّانیه هر مرده‌ا‌ى را

جان بخشند و چون شجره طیبه ثمرات شهیه بار آورند و چون طیور

هواى عرفان در اوج عنایت حضرت رحمن بر پرند الیوم هر کینونتى

لطیف‌تر گردد نورانى تر میشود و هر قلبى استعدادش بیشتر شود

انوارش تابانتر گردد والبهاء علیک ع ع مقابله شد

\* ص141 \*

اللّهمّ یا الهی انت ‌الّذى احاطت قدرتک ملکوت‌ الاشیاء و

تموّجت‌ البحر فضلک و غفرانک على ارواح‌ الاصفیاء اسئلک بسماء

رحمتک و شمس موهبتک و افق فضلک و طمطام جودک و نیر احسانک

و سحاب الطافک ان تغرق من رفعته الیک فى لجج رحمانیتک و نشمله

بلحظات اعین غفاریتک و تحیزّه فى جوار رحمتک‌ الکبرى و ملکوتک

الأبهی و تدیم علیه سجال موهبتک العظمى فى فردوسک الاعلى انّک

انت الملک الفضّال الجواد الکریم ع ع مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** سبحانک اللّهمّ یا الهی انّى اتوجّه الیک بوجه ناظر الى ملکوت رحمانیتک

و قلب خافق بمحبّة طلعة فردانیتک و روح مستبشر بنفحات قدسک

و عین منتظرة لبشارات عفوک و مغفرتک اى ربّ انّى سقیم

اشفنى بلطفک و جودک و انّى علیل ابرئنى من کل دآء بفضلک

و احسانک ربّ قد اشتّد علی الاسى و استغرقت فى بحر الجوى

لمّا سمعت النّاعى ینعی بصعود امتک الطیبة‌ الطّاهرة الورقة النّورآء

و آیة محبّتک الغرآء و هى راجعة عن طواف التربة المبارکة المعطرة

الأرجاء متحمّلة مشقّة‌ الطریق و تعب السّبیل و هینة العظم علیلة‌ الجسم

نحیفة الأعضآء نحیلة الجوارح ملتهبة‌ الاحشآء ...[[10]](#footnote-10) الدّموع ...[[11]](#footnote-11) الفواد

\* ص142 \*

بنار محبّتک و کانت تقطع البحور و الجبال و بطون الاودیة و الاکام

متذکرة بذکرک منجذبة الیک نحن الى ریاض ملکوتک مشتاقة

للقائک متمنیة مشاهدة جمالک متعطّشة الى الورد المورود فى

سبیلک و الصّعود الى سمآء قربک فسمعت ندائها و اجبت دعائها

و یسرّت نیتها و سمحت بفضلک بغیتها و رفعتها الیک فى

مدینة سمیت بمدینة عشقّک و معمورة حبّک مرتفع منها نداء احبائک

متاجج فیها نار محبتک محشور فى خلالها زمرة اصفیائک فقاموا على

خدمتها و اکرموا مثواها و اهتموا باحتفالها وشوا تشییعاً لنعشها

و القلوب مشحونة بالحسرات و العیون فائضة بالعبرات و النّفوس

من شدة المصاب فى سکرات الى ان اوروها فى ...[[12]](#footnote-12) و

غابت عن الاعین اشعة شمسها و نضرة وجهها و بشاشة مطلعها

اى ربّ طیب تربتها نصیب موهبتک الّتى انعمت بها على قرینها

اى ربّ انّها قرینه عبدک الّذى خضع لسلطانک و اذعن ببرهانک

و انجذب الى جمالک و استشرق من انوارک عندما بزغ کوکب الهدى

من مطلعک الأعلى و قام على خدمة ‌امرک و تحمّل کلّ مصیبته فى سبیلک

و اعتنق البلآء ابتلی باشدّ العقاب و سؤ العذاب من الّذین غفلتاً

عن ذکرک ثمّ دخل باب حطتک و انس بجمال قدسک و قاسى کلّ

بلآء بالحصن المنیع و وقع تحت مخالب ذئاب کاسرة و اسنان کلاب

خاسرة الى ان نجیته بفضلک و جودک و خلّصته من قیود اهل البغضآء

\* ص143 \*

و کبول عصبة الضّغینة و العدوان فقام على نشر نفحاتک فى کلّ مکان

و زمان و اقامة برهانک لکلّ انسان و نشر آثارک و بیان اسرارک

و توضیح لأوامر و تشریح المسائل و تأویل المتشابهات و تفسیر الآیات

البینات و ازالة الشّبهات بما الهمته بتفسیر الکلمات و اکرمته بهبات

وافرات ثمّ قدرت له بفضلک و جودک الوقوع فى السّجون مراراً

و تحت السّلاسل و الأغلال کراراً و لم یزل یتقبل القیود و یستقبل الکبول و

یتمنّى البلآء فى حبّک و التّجرع من کأس الجفآء فى سبیلک و الکواسر

المفترسه عن یمینه و الجوارح الکاسرة عن یساره و جنود الظلم الغائرة

عن ورائه و هو یدعو النّاس الى منهجک القویم و صراطک المستقیم

و لا یفتر فى ذکرک و لا یهن فى اعلآء کلمتک و لا یسکت عن بیان

برهانک الى ان تشرّف بمشاهدة انوارک فى العراق و الفوز بتقبیل عتبة

قدسک فى الآفاق و فاضت علیه غیوث عطائک و ماج علیه بحور

الطافک و استغرق فى لجّة احدیتک ثمّ ارجعته الى البلاد حتّى

یهدى العباد و یدعوهم الى سبیل الرّشاد و بذل الجهد الجهید فى

هدایة اهل ذلک القطر السّحیق فأحیى معالم ذکرک و اهتّم بتشعشع نورک

و خاض غمار البلآء فى سبیلک و وقع فى کلّ بئر لاقرار لها ...[[13]](#footnote-13) بالبلآء

فى محبّتک الى ان وهن عظمه و و ...[[14]](#footnote-14) جسمه و غارت قواه و ارتعشت

اعضاه مع ذلک سعى للورود فى السّجن الاعظم و الوفود على باب بیتک

الأکرم و احتفلوا احبّائک بملقاه و اغتنموا رؤیاه ببشاشة کبرى و

\* ص144 \*

فاض علیه بحر موهبتک العظمى و تشرّف بالمثول والاصغآء و نال الطافاً

لا یحصى و طفح کأس قلبه بصهبآء الاعطآء و فاضت عیناه بدموع السّرور

فى محضر اللقآء و شکرک على هذا الفضل العظیم و الجود المبین و امرته بالرّجوع

الى تلک المعاهد و الرّبوع الّتى انتشر فیها ذکرک و ارتفع فیها بذلک

حتّى یسقى الظّمآء من معین الحیات و و یطعم الجیاع من موائد السّمآء فرجع

متهلّل الوجه متشعشع الجبین قریر العین مستبشر الرّوح بعنایاتک الطافحة

الکأس علیه من کلّ الجهات و هو مع جسمه النحیف یقطع السّبیل و یقیم

الدّلیل على فیضان بحرک العظیم و سطوع نورک المبین و تشریح ایاتک

بین العالمین و اقامة بیناتک للطّالبین الى ان فدى روحه فى

سبیلک و صعد الیک و ورد علیک و اکرمت مثواه و یسّرت مناه و

زینت ماواه و هو الشّهید فى هذا الکور الجدید حیث قدرت له

اجر من سفک دمه فى سبیلک و فاض روحه فى محبّتک اى ربّ

هذه امتک الّتى کانت قرینة له و شریکة فى کلّ بلآء و صاحبته

فى المصائب العظمى و الرّزایاء الّتى لایتحملها الّا کلّ نفس منقطعة منجذبة

مشتعلة بنار محبّتک بین الاحبّآء اى ربّ اعل مقامها و اسمح بمرامها و حقق

مُناها و ادخلها فى فردوسک الأبهی فى ظلّ شجرة انیسا جوار رحمتک

الکبرى و شرفها باللقآء و اغرقها فى بحر العطآء حتّى تتباهى بمواهبک

الّتى لا تحصى انّک انت الکریم انّک انت الرّحیم و انّک انت

الغفور العفوّ الرؤف المنّان القدیم ع ع مقابله شد

\* ص145 \*

بواسطهء جناب سر رشته‌د‌ار جناب رضا خان سرتیپ علیه بهاءاللّه

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى سرتیپ در صف و تیپ ملأ اعلى درآ و صف جنگ روحانیان بیارا

بقوّهء ایمان و ایقان هجوم کن و بسلاح صلاح شبیخون زن و بنار

محبّت‌اللّه قیامتى بر پا کن تا لشکر ضلالت متلاشى شود و صفوف

نفس و هوى در هم شکند و قوّه جنود هدى ظاهر و آشکار شود

حرب جسمانی را رونقى نه و ثمر و نتیجه نیست ایامى چند مذکور و بعد از

مدّتى قلیله مظفّر مقهور گردد و غالب مغلوب شود امّا جنود الهامات

غیبیه چون بر ظنون غالب و قاهر شود لشگر اوهام چنان متلاشى

و پریشان گردد که اثرى باقى نماند پس این ظفر و غلبه را مرکوز خاطر

بدار و علیک‌ التّحیة والثّنآء ع ع مقابله شد

هو اللّه

ق امة‌اللّه ضلع جناب آقا محمّد جواد علیها بهآءاللّه‌ الأبهی

# **اللّه ابهى** اى امة‌اللّه ورقهء مطمئنه که بنسیم جانبخش الطاف جمال ابهى مهتزّ

و برشحات سحاب غیامتش مخضر و بفیض احسانش پرطراوت است فخر و مباهات

بر حوریات فردوس مینماید و در غرفات قدس در ظلّ شجرهء انیسا

\* ص146 \*

ببدایع الحان بمحامد و نعوت حضرت حی قیوم قیام کند پس تو

بکوش تا در ثبوت آیت مستقرّ باشى چه اقدام در تزلزل و اضطراب

است ع ع مقابله شد

طهران بواسطهء جناب آقا محمّدعلى علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

جناب آقا میرزا على اکبر و جناب آقا على اصغر علیهما بهآءاللّه‌ الأبهی

# **هو اللّه** اى دو برادر مانند دو پیکر جوزا را بفارسى دو پیکر نامند و آن برجى

است در آسمان که مزین بچند ستاره است از اجتماع آن

ستاره ها تشبیه بدو تن نموده‌اند لهذا دو پیکر نامیده‌اند حال

شما دو برادر چون در برج هدایت طلوع نمودید شبهه نیست که

مانند دو پیکر یا فرقدان در افق ایمان روشن و تابان خواهید

شد و مظهر الطاف بى پایان خواهید گشت و مورد عنایت

حضرت یزدان خواهید شد ثبوت و رسوخ بر پیمان جاذب

توفیقات حضرت رحمن است تا توانید بکوشید که ثابت و

مستقیم بر صراط نباء عظیم و متمسک بر پیمان ملیک کریم مانید و

علیک البهآءالأبهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

\* ص147 \*

خط مبارک

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء فیوضات ارسال میگردد فى الحقیقه زحمات

شما و حاجى در آستان حضرت دوست مانند آفتاب آشکار است

واین از این جهت است که از خود بیخبرید و از خود خیالى ندارید

منتهاى آرزوى شما خدمت بعتبهء مقدّسهء جمال ابهى روحى لعتبة

تربتة‌ الفداست هنیئاً مرئیا لکما هذه‌ الکأس الطافحة ‌الدافقة برحیق

موهبة‌اللّه احبّاى باوفاى ایران الحمدللّه در وقت سفر عبدالبهآء

باروپا در نهایت ثبوت و استقامت جلوه نمودند فى الحقیقه یاران

قدیم بسیار عزیزند زیرا مؤمن ممتحن و مجرّبند در بوتهء هزار بلایا

گداخته شده‌اند و در سبیل الهی هزار صدمات دیده‌اند و از هر

جام مصیبتى زهر مهلک در راه محبّت‌اللّه چشیده‌اند لهذا

عبدالبهآء نهایت اشتیاق از جان و دل بمشاهده روى یاران

ایران دارد ولى عوانان هنوز مانع از حضورند اگر عبدالبهآء

بآن صفحات شتابد تا روى یاران بیند فوراً ضوضاء برخیزد لهذا

مجبور بر آن است که بدیار دیگر سفر نماید که شاید عاجزانه در عبودیت

آستان مقدّس حرکتى نماید اما هواى یاران ایران چنان در

سر است که دریاى اشتیاق در دل و جان موج زند دعا کنید

که روزى آید که این موانع زائل گردد تا عبدالبهآء بنهایت

آرزوى خویش رسد ایرانیان گوش بنصائح عبدالبهآء نمی‌دهند

\* ص148 \*

و بموجب تعالیم جمال مبارک نظم مملکت نخواهند تا کل راحت و

آسایش یابند لهذا خداوند چنین اسباب فراهم آورده است

که عبدالبهآء سفر کشور فرنگ نماید و در بهار بامریک شتابد

که شاید در خدمت آستان مقدّس نفسى کشد لیس ذلک

على‌اللّه بعزیز ولى در خویش ابداً لیاقتى نبیند مگر آنکه الطاف

حق شامل گردد ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** اى امین من میدانى که حضرت اسم‌اللّه ‌الأصدق علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

چه قدر جانفشان بود و بچه مثابه خدمت بآستان مقدّس نمود

و چه قدر خالص و پاک و تابناک بود لهذا عبدالبهآء زیارتى بجهت

آن شخص جلیل مرقوم نمود که در مرقد پاک او تلاوت

نمایند ولى قبر نورانیش در این مدّت ساخته نشده است که

زیارت خوانده گردد زیرا کسى اگر از خارج بر قبر مرور نماید

نشناسد لهذا اگر ممکن خود شما و اگر ممکن نیست جناب شهید

ابن اصدق بهمدان روید و دویست تومان خرج آن قبر لطیف

نمائید و بسازید

ع ع مقابله شد

\* ص149 \*

خط مبارک

# **هو اللّه** اى ثابت صادق خدمات فائقهء جناب حاجى غلامرضا محض

محبّت بایشان و شما مقبول گردید ولى بشرط آنکه از مبلغ موجود دیگر چیزى

ابداً ارسال ندارند و درتجارت اندازند نفس جناب حاجى خدمت

مجسّم است على‌الخصوص حال که باید معاونت شما را نیز بنماید و علیه‌ البهآء

فى جمیع‌الشئون والاحوال ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو** محرمانه اى امین عبدالبهآء در بدایت ربیع الاوّل سنهء ١٣٣٠ مبلغ سیصد جینه

که از طهران ارسال نمودى بجا رسید زیرا سفر امریک در پیش

و جمعیت همراه و مصرف بى پایان یعنى برج و الّا خرج در نهایت

قناعت در اسکندریه ملاحظه نمودید در پاریس یک روز بخشش بَرجی

ششصد لیره شد ولى خرج جمیع ماها یعنى با همراهان با وجود گرانى

پاریس نیم لیره و قس على ذلک از امریک سه هزار و کسور جینه

بجهت مخارج طریق ارسال نمودند ولى بتمامه قبول نشد و اعاده

گشت و مقصد چنانست که حتّى مهمانى قبول نگردد و در این

حکمت کلّیه است بارى جمیع یاران الهی را تحیت ابدع ابهى

ابلاغ نمائید و رجاى آن دارم که ششماه قصور مرا عفو نمایند

\* ص150 \*

زیرا در امریک بدرجهء مشغول ملاقات ومکالمات و صحبت در

محافل کبرى و نطق در مجامع عظمى هستم که ابداً فرصت تحریر

ندارم انشآءاللّه بصون و عون جمال مبارک مراجعت میشود و

تلافى مافات میگردد اگر ممکن بجهت مصروف امریک چیزى

تلغرافیاً نزد آقا احمد ارسال دارید و اگر ممکن نیست لزوم ندارد

خود را در مشکلات قرض میندازید و علیک ‌البهآء الأبهی ع ع

در دهم ربیع الاوّل سنه ١٣٣٠

مکاتیب را احباب باسم آقا احمد و از آقا احمد باسم من ارسال

دارند مانند سابق تغییر ندهند و از هر کس ارسال میدارند در پاکت

باسم من باشد که من تسلیم آنان نمایم مقابله شد

خط مبارک

# **هو المقتدر القدیر** اى امین جمال مبارک حمد خدا را که این مسافه بعیده طی نمودى تا در

لندن و پاریس همدم و انیس گردیدى بسا روز و شب که بذکر حضرت

دوست و یاد یاران دمساز و همراز بودیم و ستایش یاران ورد

زبان تو بود و سبب روح و ریحان این آوارهء کوه و صحرا و سرگشته

و گمگشته بادیه و دریا شد الحمدللّه که جمیع دوستان گلستان

محبّت اللّه را گل صد برگ خندانند و جویبار حقیقت را گل و ریحان

\* ص151 \*

و در امراللّه ثابت و راسخ چون جبال ثابته و اعلام ناشره اى امین

ملاحظه میفرمائى که ابداً فرصت نگاشتن نه دیگر تو از قبل من

عذر بخواه که در این سفر تحریر معسور بود و در ارسال رسائل معذور

بودم انشاءاللّه بعد از ورود بارض مقدّسه دوباره مباشرت

میگردد امید چنانست که تلافى مافات شود اى امین الحمدللّه

موفّق بآن شدى که ذکر خیر جمیع یاران و اماء رحمن بنمائى و آنچه

گفتى صحیح و مطابق واقع بود فى الحقیقه احبّاى ایران در سبیل

الهی جانفشانند و هر یک مانند سراج وهاج درخشنده و تابان

در راه خدا هر بلائى دیدند و هر صدمه ئی کشیدند و هر جام تلخى

نوشیدند گهى اسیر زنجیر بودند و گاهى در تحت تهدید شمشیر

جمعى رقص کنان در میدان فدا شتافتند و در قربانگاه عشق علم

افراختند و خانمان بیغما و تالان وتاراج دادند این نفوس

نفیسند و این اشخاص بندگان صادق جمال مبارک حال تو

جمیع را از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دار و کلّ را به تبلیغ امراللّه

دلالت نما ملاحظه فرمائید که عبدالبهآء با وجود ضعف وناتوانى

چگونه سر بکوه و بیابان نهاده آنى فراغت ندارد و دقیقه‌ا‌ى

شب و روز راحت ننماید و در هر مجمعى فریاد برآرد و در هر محفلى

در آید و نعرهء یا بهآءالأبهی زند یاران باید همّتى فرمایند و پراکنده

در اطراف شوند و شب و روز مشغول بهدایت خلق گردند تا این

\* ص152 \*

جهان جنّت ابهى گردد و سراج هدایت کبرى در هر مشکاتى روشن

شود زیرا شرق مطلع شمس حقیقت است و منبت شجرهء مبارکه

و علیک البهاء الأبهی عبدالبهآء عباس مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** یا حضرت امین علیک‌ الطاف ربّک ‌الرّحمن ‌الرّحیم الآن که در محیط اعظم آب

در کشتى آتشى در بین امواج سیر و حرکت میشود و من بیاد تو پرداختم

و این نامه مینگارم ولى از حرکت کشتى تحریر مشکل است مختصر اینست

که من جمیع امور را بحال خود گذاشته حتّى ورقهء مبارکه روحا در حالت خطر

بود و در نهایت انقلاب با وجود این چند روز تأخیر سفر را جائز ندانسته

او را بجمال مبارک تسلیم نمودم و رضا برضاى او دادم و الآن در دریا

در نهایت ضعف و بیمار هستم ولى شفاى جان و دل حتّى جسم توجّه

بملکوت ابهست الحمدللّه بیاد آن روى تابان حضرت جانان

و آرزوى کوى دلبر مهربان اوقاتى میگذرد و امید چنانست که در

این سفر مانند پشّهء ضعیف اقلّاً پرواز و حرکتى در بیشه عبودیت

جمال مبارک گردد انّه یؤید من یشآء بفضله وجوده جمیع یاران الهی را

تحیت ابدع ابهى ابلاغ دارید

ع ع مقابله شد

\* ص153 \*

خط مبارک

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء باز آمدیم باز آمدیم از راه فرنگستان آمدیم

بندهء آستان آمدیم از گلشن و گلستان آمدیم ولى افسوس

که باقلیم قبطیان آمدیم زیرا منجمدند و مخمود و باردند و غیر محمود نار

ذات‌ الوقود این قوم را حرارت بخشد بالعکس اهالى غرب قوم فرنگ

که بسیار مستعد هستند و علیک البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهاء آفرین از ملأ اعلى بشنو زیرا در خدمت

باستان مقدّس صادقى و در عبودیت جمال ابهى سهیم و قرین

عبدالبهاء شکر کن حضرت کبریا را که بچنین موهبتى موفّق و موید شدى

مدح و ستایشى که در حق جمیع احبّاءاللّه و اماء رحمن نموده بودى

فى الحقیقه جمیع مقرون بصواب الیوم اهل ملکوت از استقامت

و ثبوت احبّا و اماء الرّحمن در نهایت بشارت و سرورند

و از این استقامت عنقریب نتائج عظیمه ظاهر خواهد شد الحمدللّه

شرق پر اشتعالست و غرب پر انجذاب

و علیک البهاءالأبهی

ع ع مقابله شد

\* ص154 \*

خط مبارک

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء نامه‌هاى شما از عشق آباد و بادکوبه جمیع رسید از

تمشیت امور و تأدیهء قروض حضرت افنان نهایت روح و ریحان

حاصل گردید اینست خدمت امراللّه پس شکر حضرت بیچون نما که

چنین بخدمات گوناگون موفّق شده و میشوى و این بدین سبب

است که از خود اراده‌ا‌ى ندارى فانى در نوایاى خیریه هستى نعوت

و اوصافى که در حق احبّاى عشق آباد نموده بودى جمیع عین واقع فى الحقیقه یاران

عشق آباد ثابت بر عهد و پیمانند و مستقیم در موارد امتحان از

آزمایش فتور نیارند بلکه بر ثبوت و رسوخ بیفزایند لهذا البتّه

این طوفان امتحان بنشیند دوباره سود بمیان آید زیان موقّت

اهمّیتى ندارد زیرا دوباره برکت رخ بگشاید چندین مرتبه

این عقدهء مشکل گشا واقع شد بانابه و بدعا در روضهء مبارکه

انحلال یافت یاران شرط فرموده بودند که دوباره افراط در

خرید نفرمائید باعتدال تجارت کنند ولى قدرى در وعد

فتور نمودند و خرید موفور فرمودند لهذا این مشکلات حاصل

گشت باز بتدریج رفع خواهد شد بار دگر روز تجارت آمد

جناب شیخ محمّدعلى فى الحقیقه جانفشانست آنچه در حق او ستایش

نمائى سزاوار است موفّقست و مؤید جمیع یاران را تحیت ابدع

ابهى ابلاغ دارید سندی که حضرت افنان میرزا محمود بشما داده

که عندالطلب تأدیه نمایند آن سند را بخود ایشان

\* ص155 \*

تسلیم نمائید عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

خط مبارک

# هو اللّه اى امین عبدالبهآء نامه‌هاى متعدّد شما وصول یافت و با وجود

قلّت فرصت بنهایت دقّت قرائت گردید زیرا مندرجات

جمیعاً مقارن حقیقت بود چون آن امین پر تمکین ابداً از خود

خیالى ندارد و هوسى در سر ندارد بلکه فانى محض است و

فادی بحت از یاران الهی ستایش نماید و از اماء رحمن نیایش

از نفسى شکایتى ندارد و در تزییف کسى حکایتى نکند لهذا موفّق

است و مؤید و مقرّبست و مجرّب در خصوص امة‌اللّه حکیم خاتون

ابداً وهمى مکن جمیع اهل حرم از او راضى و او در کمال شکرگذارى

مطمئن باش ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** اى امین نور مبین فى الحقیقه بجان و دل در خدمات میکوشى

در عالم وجود هیچ مقصدى جز خدمت آستان مقدّس ندارى

در جمیع موارد براستى و درستى و حق پرستى قیام ستایش جمیع یاران

\* ص156 \*

مینمائى و بنعت و توصیف جمیع اماءالرّحمن میپردازى با کسى غرض و مرضى

ندارى با کل خوشى و صادق و محبّ و مهربان طوبى لک من ذلک

ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** یا امین عبدالبهآء در اقلیم مصرم و شب و روز بذکر یاران مشغول از مجمع

صلح عمومی امریك و ازمجمع وحدت نژاد و از والی بستن امریك

و از اعاظم و اکابر آن دیار و از مشاهیر و از احبّا متتابعاً رسائل

دعوت نامه میرسد لهذا مجبور سفر امریکا هستیم با وجود ضعف

زیاد جسد و خستگى از کثرت اشغال و کثرت تحریر و بیدارى شب

قواى جسمانى بکلّى بتحلیل رفته باز باید این سفر طویل و عریض بشود

چاره نیست و مملکت امریک بسیار وسیعست و همه جا باید رفت

ولى توکّل بجمال مبارک نموده بعون و عنایت او حرکت میشود شما

تضرّع و زارى فرمائید و از اسم اعظم روحى لعتبة تربته‌الفداء عبدالبها را

تأیید طلبید که شاید قدمى در این سفر در عبودیت بردارد و نفسى در

خدمت کشد زیرا تا بحال بقطره‌ا‌ى موفّق نشده است و جز

خجلت و شرمسارى بضاعتى ندارد جمیع یاران الهی را بکمال اشتیاق

تحیت ابدع ابهى ابلاغ دارید على‌الخصوص جناب حاجى غلامرضا را

\* ص157 \*

و علیک البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

یا صاحبى السّجن

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء نامه‌ها رسید فى الحقیقه در نهایت زحمتى و متحمّل

مشقّت و آنچه ستایش در حق احبّاى الهی و امآءرحمن نمودى جمیع

مطابق واقع من نیز چنین دانم و مطّلعم و من شهادت میدهم که تو

خیرخواه عمومى و شاهد صادق لهذا در حق نفسى آنچه شهادت خیر

دهى مطابق واقع زیرا از خود غرضى ندارى و در فکر نفس خویش

نیستى جمیع فکرت منعطف برضاى جمال مبارک است و مقاصدت

خیر عموم جمیع یاران الهی را بکمال اشتیاق تحیت ابدع ابهى

ابلاغ نما من در محافل و مجامع عمومى شب و روز فریاد میزنم و

ما عدای این از کثرت مراجعت اهل مسائل فرصت تحریر یک

کلمه ندارم لهذا مختصر می‌نگارم که در هر جائى پیش منى از من

انفکاک ندارى باید در ان صفحات بخدمات پردازى جمیع یاران

الهی و امآء رحمن را فرداً فرداً تحیت محترمانه برسان ع ع

مقابله شد

# **هو اللّه** \* ص158 \* اى امین عبدالبهآء نامهء بیست سوّم رجب رسید خدمات

تو همیشه در نظر است آنى فراموش نگردد فى الحقیقه بجان و دل

میکوشى که خدمتى بآستان مقدّس نمائى غرضى ندارى و مقصودى

جز رضاى الهی نجوئى از طول سفر در بحر و بر مشقّات عظیمهء شام و

سحر و عدم راحت و بیخوابى و خطابه‌هاى مفصّل در مجامع عمومى ضعف

و انحلال جسمانى حاصل از طلوع آفتاب تا نیمهء شب در آمریکا

یا سئوال و جواب بود یا نطق و خطاب از عدم موافقت هوا

و تب عصبى در هر روز این قالب ترابى تحمّل ننموده بنهایت

ضعف و انحراف رسید لهذا از ورود پورتسعید تا بحال صحّت

بکلّى مختل و قوى زائل ولى چند روز است در رمله قوّتى حاصل

و تحریر ممکن لهذا مشغول بنوشتن گشتم جمیع احبّاى الهی را از قبل

عبدالبهآء نهایت محبّت و اشتیاق ابلاغ د‌ار شب و روز

بیاد دوستانم و سر بر آستانم و طلب تأیید ملکوت ابهى مینمایم

امیدم چنانست که من بعد مکاتبات مسلسل شود و بعون و عنایت

جمال مبارک قلم بحرکت آید و با یاران الهی مکاتبه شود و تلافى مافات

گردد و علیک البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس

مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

# **هو** \* ص159 \* اى امین عبدالبهآء دو مکتوب از شما رسید و مضامین معلوم گردید

حمد خدا را که عبدالبهآء در این ایام بعد از سجن چهل سال از انتشار

نفحات‌اللّه در اروپا در نهایت روح و ریحانست تأییدات

اسم اعظم و توفیقات جمال قدم جمعى از نفوس این بلاد را مظاهر

سنوحات رحمانیه نموده و تاج هدایت کبرى بر سر گذارده بنظر چنان

میآید که بفیض ملکوت ابهى امراللّه قوامى عظیم در این اقلیم خواهد یافت

این موران ضعیف را قوهء حرکتى نبود ولى برکت ملکوت الهی شامل

شد و مدد باین پشه شکسته بال رسید آنچه شد تأیید او بود

والّا ما را چه لیاقتى و چه قوّه و استعدادى الحمدللّه ملیک مقتدر

با جنود ملائکه مقرّبین جنگ میفرماید و در شرق و غرب فتوحات

عظیمه مینماید این عبد از کثرت مراوده و معاشرت فرصت تحریر ندارد

لهذا دو ماهست که ابداً بنگاشتن جواب یاران نتوانستم

پرداخت شما عذر بخواهید از این قضیه بسیار شرمسارم ولى

چه توانم مجبورم و معذور تو الحمدللّه بخدمت موفّقى و در حضور یاران

الهی خاضع و خاشع ستایش از احبّاى عشق آباد و مرو و بادکوبه و

سمرقند سائر جهات ترکستان از رجال و نسآء و اطفال نموده

بودى فى الحقیقه عین واقع است آن نفوس مبارکه را نهایت

آرزو انجذاب بنفحات‌اللّه و انقطاع از ماسوى‌ اللّه و اعلآء

کلمة‌اللّه و خدمت بامراللّه است فرداً فرد هر یک را از

\* ص160 \*

قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دار و تحیت ابدع ابهى برسان

الحمدللّه کل در عبودیت آستان مقدّس شریک و سهیم عبدالبهآء

هستند و بجان و دل انیس و ندیم حرکت جناب آقا شیخ على اکبر

بسمت مازندران بسیار خوب واقع تلگراف که از عشق آباد باسم

مستر دریفوس بود نرسیده من بعد اگر تلگراف مینمائید وجه را دو

مقابل بدهند تا حتماً برسد و جواب بخواهند جناب آقا حسینعلى را

تحیت ابدع ابهى برسان جناب آقا على اکبر عباس اف و جناب

آقا مشهدى یوسف و جناب حاجى عبدالرّسول و سائر احباب را

فرداً فرد از قبل من نهایت مهربانى تبلیغ نما حضرت افنان سدرهء

مبارکه جناب آقا میرزا محمود را نمیدانم بچه لسان ذکرى از خلق و خوى

او نمایم الحمدللّه عالم افنان بوجود ایشان روشن است همین قدر بس

است شما بهر سمت که مصلحت بدانید حرکت نمائید ع ع

مقابله شد

یا صاحبى السّجن

# **هو اللّه** اى جناب امین الحمدللّه خود حاضر شدى و ملاحظه نمودى که این عبد

در دریاى مشاغل و غوائل و اوراق و مکاتیب باطراف غرق است

دقیقه ئی آرام ندارد و ابداً راحت نجوید با وجود این مکاتیب از ده

یک جواب مرقوم میگردد بلکه بعضى اوقات از بیست یک زیرا

\* ص161 \*

فرصت مفقود و اگر ده کاتب متمادیاً بنگارند از عهده بر نیایند

تا چه رسد بیک قلم ولى احبّاى الهی کلّاً و طرّاً در جمیع احوال

و احیان در محفل دل و جان حاضر و در شبستان فوأد و وجدان

مانند شمع لائح یاران ترک و تاجیک و فرس و امریک مسلمان

و کلیمى و زردشتى و مسیحى کل مانند امواج در هر آن از پیش نظر دل

و جان میگذرند نامهء مفصّل بآنان مرقوم گردید و در طهران طبع شد

و انتشار بجمیع جهان گشت همین نامه دلیل کافى وافى است که عبدالبهآء

یک نفس از یاد احبّا فراغت ندارد و علیک البهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

یا صاحبى السّجن

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء نامه‌هاى شما رسید و سبب فرح و سرور گردید

زیرا مژده از انجذاب و انبساط یاران داد و بشارت ترقّى امرللّه

بسبب خلوص و ثبوت و استقامت دوستان حتّى ستایش اصفیآء

بود و ناطق بنعوت و اوصاف احبّا شکر خدا را که چنین نفوسى در

ظلّ امرللّه مبعوث شدند که جانفشانى نمایند و تأیید و توفیق آسمانى

بانظار بنمایند علم وحدت عالم انسانى برافرازند و جهان را از قید

جهل و نادانى برهانند بنیاد تعصّب بر اندازند و اساس تقرّب بارگاه

کبریا بنهند این نفوس جواهر وجودند و لطائف موجود الحمدللّه در

\* ص162 \*

آفاق نداى الهی بلند است و از هر سمت نفوس انسانى بظلّ شجر رحمانى

میشتابند آهنگ ملأ اعلى بجمیع اقالیم رسیده و نغمات طیور

گلشن ملأ اعلى ارکان عالم را باهتزار آورده و با وجود این خراطین

در فکر آنند که این بنیان متین براندازند و اشعهء ساطعهء نور مبین

بپوشانند از آهنگ بلبل وفا بیزار کنند و با زاغ و زغن گلخن

جفا همدم و همراز نمایند بحر محیط را از موج باز دارند و ماء منتن غدیر را

ماء حیات گویند و بنوشانند از نهر فرات محروم کنند و از ملح

اجاج سیراب نمایند هیهات هیهات اگر شهناز عندلیب

را از جهان منقطع شود نعیب زاغ بد آواز مقبول آذان اهل راز

نگردد و رائحه طیبهء جنّت علیا اگر منقطع شود رائحهء خبیثهء دفراء

مقبول اهل انتباه نشود این وهم است وهم و اشعهء ساطعهء

میثاق بر صدور و اعین اهل نفاق سهم است سهیم بارى یاران الهی را

از قبل عبدالبهآء هر یک پیام اشتیاق برسان و تحیت ابدع ابهى ابلاغ

فرما و بگو که اسیر چاه عبدالبهآء مظلوم بکشور ماه کنعانى رحلت نمود

و از فیوضات عتبه مقدّسه امید چنان دارد بلکه در سفر بخدمتى موفّق

گردد و بعبودیتى قیام نماید اى یاران الهی وقت میدانست و هنگام

بذل همّت و جانفشانى هر وقت چنین فرصت بدست نیاید

هر نفسى بفکر خود مشغول و بترویج مقاصد سیاسى مألوف و در

نزاع و جدال شب و روز فرصت امر دیگر ندارد پس باید یاران

\* ص163 \*

ید بیضا بنمایند و بهدایت کبرى قیام فرمایند حال وقت تخم افشانیست

و هنگام استفاضه از ابر رحمت نیسانى جمیع دوستان در بارگاه

احدیت جمال مبارک مذکور بالطاف و عنایت مشمول و در

ملأاعلى باحسن محامد و نعوت موصوف و علیک البهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

یا صاحبى السّجن

# **هو اللّه** اى امین ربّانى در عالم ایجاد جمیع کائنات در نهایت ارتباط

و از این ارتباط تعاون و تعاضد حاصل و تعاون و تعاضد سبب

بقاء حیات اگر تعاون و تعاضد دقیقه ئى از حقایق اشیاء

برداشته گردد جمیع کائنات انحلال یابد و هباًء منبثا گردد مثلاً

از نفس حیوانات عنصرهائى که الیوم تعبیر بهیدروجن و کاربون

مینمایند منتشر و این سبب حیات نباتات و از نباتات و اشجار

عنصر نارى منتشر که تعبیر به اوکسیجن مینمایند و این سبب حیات و

بقاء حیوان و قس على ذلک تعاون و تعاضد در بین جمیع کائنات

حاصل و همچنین اعظم تعاون بین نوع انسانست که بدون آن

رفاهیت و معشیت و زندگانى بکلّى مستحیل زیرا هر نفسى

بنفسه بدون معاونت سائر نوع ابداً زندگانى نتواند بلکه حیران

و سرگردان گردد و بالاخصّ بین احبّاى الهی که آنانرا روابط معنویه

\* ص164 \*

و صوریه هر دو حاصل این ارتباط حقیقیست که تعاون و تعاضد و تناصر از

لوازم ذاتیهء آنست بدون آن مستحیل و محال زیرا احبّاى الهی ریاحین

یک حدیقه‌اند و امواج یک بحرند و نجوم یک آسمان و پرتو یک

آفتاب از هر جهت وحدت ذاتیه وحدت نورانیه وحدت آسمانیه

وحدت صوریه محقّق و ثابت حال یاران غرب را نهایت آمال و آرزو

بناى مشرق‌الأذکار است و چون در آن خطّه و دیار بناء گران و قیمت دار

مبلغ موفور باید تا تأسیس بنیان خانه و قصور گردد تا چه رسد به بنیان

مشرق الأذکار که باید در نهایت علوّ و سموّ و انتظام باشد پس یاران

الهی باید از هر کنار باعانت برخیزند و بجان و دل در این مورد انفاق

نمایند تا در جهان شایع و عیان گردد که بهائیان شرق و غرب حکم

یک خاندان دارند و روابط یک دودمان ترک و تاجیک و فرس

و امریک و هند و افریک حکم یک جند و یک جیش دارند و بدون

طیش بمعاونت و معاضدت یکدیگر برخیزند واین عمل مبرور در درگاه

ربّ غفور مقبول و محبوب در تأسیس مشرق‌الأذکار در عشق آباد فى الحقیقه

یاران بنیاد وحدت انسانى گذاشتید تا آن بنیان بلند گردید و همچنین

حال الحمدللّه از جمیع اقالیم عالم بقدر امکان اعانت پیاپى بمشرق‌الأذکار

امریک ارسال میگردد شما بجمیع یاران الهی ممنونیت عبدالبهآء را در

این خصوص ابلاغ دارید فى الحقیقه این همّت یاران شایان شکرانیت

است زیرا از طهران و خراسان و شیراز و جهرم و اطراف اصفهان

\* ص165 \*

حتّى دهات و قراى خراسان و شیراز و یزد اعانت ارسال گردید

این انفاق در سبیل نیر آفاق سبب سرور قلوب روحانیانست

و از یوم آدم تا بحال چنین امرى واقع نشده که از اقصى بلاد آسیا

اعانت بجهت اقصى بلاد امریکا ارسال گردد از رنگون اعانه بشیکاغو

و از جهرم شیراز و خیر القرى ترشیز اعانه بمشرق‌ الأذکار در قطب امریک

میشود این نیست مگر بعون و عنایت جمال مبارک و تأیید و توفیق

آنشمس حقیقت و نصرت و معاونت آن نیر اشراق که آفاق را

ارتباط عطا فرموده العزّه لربّ‌الجنود و العظمة لذلک الحنون الودود

والقدرة و القوة للحی‌ القیوم الّذى جعل‌ الآفاق تتحدّ و یجتمع کالنّجوم

فى افق السّجود الهی الهی لک الفضل لک الجود لک الحمد و

لک الشّکر على ما انعمت على هؤلآء الفقرآء و آویت هؤلآء

الضّعفآء فى کهف حفظک و حمایتک و وفقتهم على خدمة امرک و

ایدتهم على عبودیة عتبتک العالیه ربّ قد فدوا اموالهم و انفسهم

فى سبیلک و انفقوا فى محبّتک و لم یضرّوا سعیاً و لم یألوا جهداً

فى نشر آثارک و اعلآء کلمتک و اشاعة ذکرک بین عبادک و

اظهار مآثرک بین خلقک انّک انت القوى المقتدر العلی الاعظیم

و انّک انت الرّحمن الرّحیم

ع ع مقابله شد

\* ص166 \*

# **یا امینى‌الأمین** نامهء بیست و دوّم شوال سنه حالیه رسید و از مضمون

نهایت انشراح و انبساط حاصل گردید زیرا بلسان فصیح ناطق بعلویت

فطرت و سموّ منقبت و فوران نار محبّت و ثبوت و استقامت احبّاءاللّه

و امآء رحمان بود الیوم اعظم امور استقامت بر امر ربّ غفور است و

اقتباس از زجاجه نور الیوم امرالله مانند سراج در اوج اعظم میدرخشد

و جمیع انظار واله و حیران که امرى باین عظمت چون مه تابان الى‌الآن

در حیز امکان ظاهر نشده چون دقّت فرمائى نداء یا بهآءالابهست

که زمزمهء آفاقست و یا على‌الاعلى است که دمدمهء شرق و غربست

بیگانگان نیز شهادت بر عظمت امراللّه میدهند در جمیع صحائف و جرائد

غرب از عموم مذاهب و ملل شهادت بر عظمت امر موجود و اقرار بر اینکه

جمال مبارک شخص شهیر آفاق و معلّم اعظم عالم انسانى است مصرّح و مذکور

و این اختصاص بامر مبارک دارد زیرا در سایر دورها بتصریح قرآن

ان هذا الّا بشر مثلکم و افترى على اللّه ام به جنّه فریاد می‌زد و ما

نرى لکم علینا من فضل بر زبان میراندند و اذا رأوک ان یتّخذونک

الّا هزوا أهذا الّذى بعثة اللّه رسولاً میگفتند امّا در این دور جمال مبارک

بالعکس السن جمیع بثناى جمیل ناطق نهایت اینست که اعتراف بمظهریت

کلیه ندارند ولى کلّ مقرّ که عظمت امر جمال مبارک مثل آفتاب ظاهر

و باهر اى امین از براى هر فردى از افراد احبّاءاللّه و امآء رحمن نامهء

مخصوصى میطلبى با وجود آنکه میدانى فرصت و مهلت ندارم مجرّد

\* ص167 \*

ذکر اسما ممکن نیست وقت کفایت نکند تا چه رسد بتحریر لهذا

این نامه را بجهت هر فردى از افراد تحریر نمودم که عکس بردارى

و بهر یک فرداً فرداً بدهى تا هریک بداند که این نامه مخصوص اوست

تو میدانى من چه قدر بیاران و امآءرحمن مهربانم اگر قصورى صدور یابد

مجبوریست و امّا نفوس مبارکى از احبّا و امآء یزدان که پرواز بگلشن

حضرت رحمن نمودند و تو شفاعت طلب مغفرت از براى آنها نمودى

عبدالبهآء در وقت اسحار که بدایت طلوع صبگاهیست طلب

مغفرت از براى آن مقرّبان درگاه الهی میکند و بدرگاه جمال مبارک

تضرّع و زارى مینماید تا آن نفوس مبارکه را در ملکوت خویش داخل و

در محفل تجلّى در بحر انوار مستغرق و خالد فرماید و علیک البهآء

الأبهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

# **هو اللّه** اى امین الهی مناجاتى در طلب مغفرت بجهت مرغ آشیان الهی

نفس مبارک آقا سید نصراللّه بملکوت ابهى شد و دو هفته پیش

ارسال گشت اى امین الحمداللّه در اروپا حاضر شدى و ملاحظه

نمودى که عبدالبهآء با نهایت ضعف بنیه شب و روز در خدمت

آرزوى جانفشانى مینمود وجد و سرورش نشر نفحات اللّه بود

\* ص168 \*

و راحت جان و دلش اعلآء کلمة‌اللّه دیگر نه فکرى نه ذکرى نه آرزوئى

نه مقصدى امیدم چنانست که با یاران الهی در این عبودیت سهیم و

شریک گردم بلکه آنان سبقت و پیشى گیرند هر چند روى زمینند

ولى در ملاء اعلى سیر نمایند قصد چنین است که عنقریب عبدالبهآء

از این دیار رو بسجن اعظم شتابد بلکه نهایت آرزو حاصل گردد

طلعت مقصود روحى‌الأحبآئه‌ الفداء مسجوناً بافق تقدیس صعود فرمود

چه قدر بیوفائیست که بآزادى قطع انفاس حیات نمائیم و بجهان

دیگر شتابیم و امّا جناب حاجى غلامرضا فى الحقیقه بنهایت

همّت بخدمت پرداخت من بسیار از او شرمسارم و اما بنیان

حضرت نصراللّه و فتح قریب مبارکست و علیک البهآء الأبهی

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

یا صاحبى السّجن

# **هو** از طهران سه فقره از طرف آقا سید نصراللّه و حاجى غلامرضا در اروپا

رسیده ولى مبلغ مهم یعنى چهار صد لیره نسخه اولش را باسم آقا سید

محسن به پرت‌سعید فرستاده بودند و نسخهء ثانى باینجا رسیده هنوز

وصولش معلوم نه بأطراف بنویسید هرکس چیزى میفرستد باید بتوسّط

آقا احمد یزدى و از او بهر جا که باشیم یا به آقا میرزا محسن برسد

و هم چنین مبلغى که مرقوم نموده‌اید که برات پرت‌سعید خریدید جوف

خطّ آقا میرزا محسن میفرستید به پرت‌سعید هنوز وصولش نیامده

\* ص169 \*

یحتمل رسیده باشد ولى خبر وصولش باینجا نرسیده براتی که هزار جینه

بطهران بحاجى غلامرضا شد و دادند رسید ولى در زمان

انقلاب دو هزار جینه از امة‌البهاء بارنى قرض شده بود

حال هزار جینه آن داده میشود ع ع مقابله شد

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء نامهء پنجم ذى‌العقده سنهء حالیه رسید

از اتّحاد و یگانگى شما با جناب باقراوف مرقوم بود باید چنین

باشد تا جاذب تأیید نور مبین گردد جناب مشارالیه الحمدللّه

در جمیع شئون مؤیدند و موفّق ببرکت الهی با آن دو شخص تاجر

تازه تصدیق بنهایت روح و ریحان معاشرت کنید و از

تنزیه و تقدیس بندگان الهی صحبت بدارید نفوسى که خواهش

اذن طواف مطاف ملاء اعلى نمودند مأذونند امّا بشرط آنکه

مستطیع باشند تا براحت بیایند و براحت مراجعت کنند

از پیش مکتوبی که خواسته بودید مرقوم و ارسال شد البتّه تا بحال رسیده

و علیک البهآء الأبهی

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

\* ص170 \*

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء این واضح و مشهود است که در هیچوقت از خود

خیالى نداشته ئی و همواره نیت خالص در فکر خدمت امراللّه بوده ئی

و الحمدللّه موفّق و مویدى از اوضاع ایران مرقوم نمودى که کسادیست و

گرانى تا ایران بانوار ایمان روشن و تابان نگردد یعنى تا بانوار

تعالیم جمال مبارک آفاق ایران روشن نشود راحت و آسایش و فلاح

و نجاح و ترقّى در جمیع مراتب حاصل نگردد و الّا احزاب مختلفه همواره

در نزاع و جدالند و سبب ویرانى ایران امّا مکاتیب حرم ارباب

جمشید نرسید از قبل من باو تحیت و مهربانى ابلاغ دارید

و بگوئید اعمال کلّ واضح و مشهود و اکثر مسموع ولکن در نزد خدا

ستّارى مقبول نه پرده درى آفرین بر نظر پاک خطا پوش باد

تا توانى دل را قوى کن و برکن شدید توجّه نما گسسته پیوسته

گردد پس از ابر بارانست و بعد از باران آفتاب گنج در

ویرانه است و ستاره در شب درخشنده و علیها البهآء الأبهی

امّا همشیرهء حرم ارباب جمشید باو نامهء مرقوم شد و ارسال گردید

آنچه بورقهء محترمه ثمره تأدیه نمودید بسیار مقبول و بمیرزا على ولد

آقا میرزا محمّد محرّر آن مبلغ را بدهید ولى نامه را نگاه دارید و امّا

بجناب آقا میرزا مهدى ولد حاجى عمّه خانم از پیش نامه مرقوم شد و

ارسال گشت و همچنین مناجات مفصّلى در حق مرحوم آقا سید نصراللّه

\* ص171 \*

نزد شما ارسال شد وصول هیچیک نرسید و امّا مسئله جناب

آقا میرزا لطف‌اللّه بجناب آقا میرزا ارسطو خان بگوئید که تحصیل

طب بسیار مشکل است اگر جناب میرزا لطف‌اللّه در یک

صنعت دیگر آسانی داخل شوند بهتر است آقا میرزا لطف‌اللّه

در لندن فى الحقیقه بخدمت مشغول است و بسیار جوان آراسته

و موفّق و موید است و امّا مسئله محافل متعدّده بسیار خوب

ولى محفلى که جمال مبارک تأسیس فرموده آن محفل الهیست آسمانیست

ربّانیست صمدانیست زیرا شمع آن محفل جمال مبارکست

و انوار از آن محفل بجمیع آفاق ساطع و آن محفل تبلیغست هر محفل

تبلیغى انجمنى از انجمنهاى عالم بالاست یک مُهر عبدالبهآء عبّاس

ولى بزرگ نباشد و مربّع باشد از براى من حکّ کنید و بفرستید

ولى بخطّ بسیار خوش و علیک البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس

جناب امین چند شب است که نخوابیدم و در حالت تب این خطّ مبارک

نامه‌ها مرقوم گردید معذور دارید عبدالبهآء عبّاس

مقابله شد

# **هو اللّه** نامهء بتاریخ بیست و سوّم رجب سنهء حالیه رسید الحمدللّه خدماتت

در درگاه الهی مقبول و شخصت بآستان مقدّس منسوب

\* ص172 \*

تحاریر متعدّده از شما رسید و همچنین اجوبهء متعدّده ارسال گشت

البتّه تا بحال رسیده براتی که از عشق آباد و بادکوبه ارسال

نموده بودید هر دو رسید و نزد افنان آقا میرزا محسن ارسال

شد که قبوضات مرقوم نماید و بفرستد تا مهر شود و ارسال گردد

و علیک البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** جناب امین مبالغى که از پیش ارسال نموده بودى اخبار بوصول شد

و همچنین چهار صد و سیصد جینهء اخیر جمیع واصل شد مکاتیب

آنجناب را نزد افنان آقا میرزا محسن فرستادم جواب

مرقوم خواهد فرمود بجان عزیزت که ابداً فرصت یک کلمه

تحریر ندارم دیروز در دو کلیساى عظیم در محضر هزاران

نفوس مفصل صحبت شد اثبات امر مبارک و نبوّت

حضرت رسول علیه‌السّلام در کمال وضوح گردید سبحان‌اللّه بعون و

عنایت جمال مبارک نفسى اعتراض ننمود بلکه کلّ بکمال سکون

و سکوت اصغا مینمودند احبّاء جمیعاً مبهوت بودند و چون از

کلیسا وقت خروج ملاحظه گردید که جمیعاً دست میخواهند بگیرند

و ابداً طاقت ندارم لهذا از راه پنهان فرار نمودم بکشیش

\* ص173 \*

گفتم که مرا از راهى باتومبیل برسان که کسى مرا نبیند از

راه پنهان بیرون رفتم و چون باتومبیل رسیدم دوان دوان

بعضى آمدند و دست گرفتند و اظهار ممنونیت نمودند و

کشیش خواهش کرد که دفعهء ثانیه خطابى بشود ولى من

عذر آوردم که میخواهم بشهر ...[[15]](#footnote-15) بروم مقصود اینست بدانى

فرصت ندارم وغیر از این دو کلیسا دیروز در محفل خصوصى

احبّا و ملاقات خصوصى با جمعى ملاحظه کن که چه خبر است

لهذا از یاران عذرخواهى نما ع ع مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** جناب امین نامه مرسل از بادکوبه رسید و همچنین نامه‌اى

که بتاریخ ٩ ربیع‌الثّانى این سنه بواسطهء دریفوس رسید قبض

صد دانه نگین اعظم در جوفست حال كه املاك بخارا را فروش

نخواهند بکوشید که ورثه بزودى بالاتّفاق املاک عشق آباد

را بفروشند و قرض را بدهند شما متصل بورثه بنویسید و

بیدار کنید و الاّ مثل حکایت جناب حاجى میرزا حسن

میگردد مادام چنین است ششصد و هفتاد جینه که داده‌اند

بس است زیرا مقصود صاف نمودن دین حضرت افنان بود

\* ص174 \*

از قرار معلوم این دین صاف نخواهد شد صد جینه که حاجى غلامرضا

با دویست جینه که بعد فرستادند کل در پاریس رسید در

امریک از حضرت افنان و عباس اوف وجوه رسید و همچنین دویست

جینهء باقروف رسید مطمئن باش و هر چه در پاریس رسید بجناب

حاجى و جناب باقروف رسیدش مرقوم گشت اگر چیزى رسیدش

نرفته است نرسیده است شما از حضرات استفسار نمائید

بارى جناب امین شما بسیار زحمت میکشید از الطاف جمال مبارک

ترا عون و صون و عنایت و حمایت میطلبم عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

خط مبارک

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء چند روز است که وارد پورت‌سعید شده‌ایم

و حضرات مسافرین یعنى چهل نفر یکدفعه وارد مشغول بآنها هستیم

آنچه ستایش در حق یاران هر جا مرقوم نموده بودى سبب روح

و ریحان گردید عبدالبهآء را در اینجهان سرور و فرحى جز بنفحات

معطّرهء گلشن قلوب احبّا نمانده در یوم ظهور سرور بمثول حضور

مجلّى طور داشت لکن بعد از آنکه شمس حقیقت در افق پنهان

و غیب امکان متوارى گشت دیگر شادمانى جز بترقّیات روحانى

یاران رحمانى ندارد لهذا هر وقت که در نامهء خویش ستایش از

\* ص175 \*

یاران و اماء رحمن مینمائى سبب نهایت مسرّت میگردد جناب

حاجى غلامرضا فى الحقیقه در خدمت جانفشانى مینماید طوبى له و

حسن مآب و علیک و علیه‌ البهآء الأبهی

اى یار قدیم آنچه از طهران نزد افنان میرزا محسن ارسال شد و

آنچه از عشق آباد بواسطهء جناب آقا میرزا محمود ارسال گشت کل

رسید ولى قبوض مفرده فرصت نیست معذور دارید بقدر

امکان قصور نخواهد شد جمیع یاران الهی را صغیراً کبیراً رجالاً

نساءً از قبل عبدالبهآء تحیات محترمانه برسان و علیک

البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

# **هو اللّه** جناب امین مکتوبى که در ردّ مفتریات اهل نجف مرقوم شد و

ارسال گشت که مضمون در بین احبّا نشر شود معلوم می‌شود که

یحیائی‌ها در میان احبّا بتزویر داخل شده‌اند و حوادث می‌گیرند

و بخارج بهزار علاوه میرسانند و این مکتوب ردّیه معاذاللّه

بدست یحیائی‌ها خواهد افتاد و با هزار علاوه بنجف

خواهند فرستاد البتّه صد البتّه ضبط نمائید که بدست

احدى ولو آشنا نیفتد و علیک‌ البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

\* ص176 \*

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** یا امینى نامه‌ا‌ی که بجناب افنان آقا میرزا محسن مرقوم نموده بودى

ملاحظه گردید مختصر جواب مرقوم میشود بسالار اجازهء تشرّف

داده شد و همچنین بسلیل مرحوم قوام دیوان امّا امة‌اللّه‌ المنجذبه

فائزه در این ایام باید در طهران باشند و مکتوبى مخصوص باو مرقوم

گشت در جوف است برسانید بجناب آقا میرزا اسماعیل نامه ئی

مرقوم گردید آن نیز در جوف است برسانید امّا جناب آقا میرزا

آقا خان بواسطهء جناب آقا سید اسداللّه چند مرتبه باو

مکاتبه شد فى الحقیقه آن جوان نورانیست رحمانیست منجذب

ملکوت الهیست اى امین عبدالبهآء اشهد باللّه همیشه در کمال

خلوص جانفشانى نموده‌ا‌ى و خدمت بامراللّه مینمائى فى الحقیقه مقصدى

جز رضاى الهی ندارى و عبدالبهآء از درگاه جمال ابهى همواره از براى

تو تأیید و توفیق میطلبد مطمئن باش زیرا از خود خیالى ندارى

و فکرى ننمائى فانى در امرى و ثابت بر میثاق و از جمیع یاران

و اماء رحمان ستایش مینمائى البتّه تأیید حاصل گردد و توفیق

رفیق شود اى جناب امین آنچه بشما رسید کل بدرب خانه

رسید اگر در قبض فرد فرد مشاغل مانع است قبض عمومى اسماء

مهر نموده ارسال داشتیم الحمدللّه که بکمال خلوص موفّق

بر خدمت امرى و علیک‌ البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

\* ص177 \*

خطّ مبارک

# **هو اللّه** اى امین من برات مبلغ هزار جینه امانت حاجى غلامرضا علیه بهآءاللّه

نسخهء اوّل و ثانى رسید نفس برات‌ها امانت گذاشته شده است

از پیش مرقوم گشت که اگر این مبلغ اراضى در حیفا بجهت حاجى

خرید شود ابداً اراضى حال مداخلى ندارد هر کس می‌خرد بفکر

آنست که در مستقبل اراضى بیشتر ترقّى مینماید و منفعت می‌کند

و اراضى فى الحقیقه ترقّى خود را نموده و باین مبلغ تجارت جزئیه در

این صفحات میشود تجارت جناب حاجى در طهران البتّه

بهتر است حال یا مرقوم نمائید که این مبلغ اعاده گردد و یا آنکه

در اینجا از براى ایشان اوراق بنک عقارى یعنى اوراق تالیه

گرفته شد زیرا این بنک بسیار معتبر است و در سال صد

منفعت میدهد و اوراقش رو بترقّیست و قرعه نیز دارد

که ممکن مبلغ کلی از قرعه در آید دیگر اختیار با جناب

حاجیست زود مرقوم فرمائید که چه نوع مصلحت میدانند

برات اعاده گردد یا اوراق خریده شود و علیک البهآء ع ع

مقابله شد

خطّ مبارک

# **هو اللّه** جناب امین در مازندران بعضى آثار در سراى خانه موجود

\* ص178 \*

اگر چه لشگر ظلم خراب نمود ولى جزئى که اثر کلک حضرت مرحوم

میرزا درآن است موجود و حفظ لازم لهذا مبلغ صد تومان

بجهت آقا میرزا فضل‌اللّه ارسال دارید والسّلام ع ع مقابله شد

خطّ مبارک

# **هو اللّه** اى بندهء با وفاى جمال ابهى نامهء شما ملاحظه گردید امّا قضیهء امة‌اللّه

حکیم خاتون اسباب سرور بود در اندرون ولى خود او گمان

مینمود که اسباب زحمت است و هرچه میگفتند که تو تسلّى قلوب

هستى نه زحمت نفوس قبول نمى نمود در هرجا باشد در صون

حمابت الهیست الحمدللّه که امور حضرت ابتهاج ابتهاج یافت

در خصوص محافل مرقوم نموده بودید محفل اتّحاد محفل اختلافست

چند نفر یحیائى در آن داخل از جمله تمدّن متوحّش محرمانه مرقوم میگردد

تا میتوانید بال و پر این محفل را بشکنید تا بکلّى نسخ شود بارى

دویست جینه که بتاریخ دهم رمضان حاجى غلامرضا ارسال نموده

بود رسید عبدالبهاّء عبّاس مقابله شد

خطّ مبارک

# **هو اللّه** جناب امین بعد از تشریف بردن شما حرم میرزا جعفر وارد حیفا شد

\* ص179 \*

و بخیال رفیق سفر تشویق حکیمه خاتون نمود که هواى عشق آباد چنین

است مریم سلطان سالها که ناخوش در ارض مقدّس بود

چون بعشق آباد آمد شفا یافت بارى بکلّى حکیمه خاتون را مشتاق

عشق آباد نمود بغتةً وارد پورت‌سعید شدند ولى باذن و اجازهء

ورقهء علیا و فى الحقیقه میرزا جعفر تا پورتسعید نهایت رعایت را

مجرى داشت ولى حرمش عزمش را تغییر داد گفتند که ما

یک سر بعشق آباد نمیرویم بجاهاى دیگر میرویم لهذا امة‌اللّه

حکیمه خاتون را با دو زن از اهل آذربایجان و احمد اوف ارسال

عشق آباد نمودیم و ببادکوبه و عشق آباد سفارش مخصوص بخطّ خود نوشتم

و بافنان نوشتم که چون هواى همشیره‌اش نیز در سر افتاده اگر

چنانچه بهمراهى خود ببرند موافق و بخود حکیمه خاتون اذن و اجازه

دادم که هر وقت بخواهد مراجعت نماید و علیک البهآء الأبهی

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء از جناب کیومرث پور خسرو پارسى نامه‌ا‌ى

بنام شما وارد شد در آن نامه مرقوم نموده که ادارهء جهانیان

شیراز تلغرافى بطهران زده‌اند که جناب کیومرث بجهت

\* ص180 \*

فروش مال‌التّجاره روانهء روسیه شوند و بعد از آنجا مراجعت بطهران

نمایند و عازم یزد گردند و خواهش اجازهء حضور در این سفر نموده‌اند

شما بایشان نامه‌ا‌ى از قبل من در هر کجاست مرقوم نمائید که اجازهء

حضور دارند جناب آقا سید باقر روضه خوان کاشى را تفقّد حال لازم

زیرا در نهایت اضطرار است و علیک البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

خطّ مبارک

جناب امین این نامه در اسکندریه مرقوم شد ولى از عدم مجال تا بحال

ارسال نگشت در خدمت فى الحقیقه جانفشانى از الطاف جمال مبارک

ترا عون و عنایتى مخصوص طلبم در اورپا دقیقه‌ا‌ى از هجوم عموم مجال

ندارم شب و روز مشغولم که شاید بعبودیتى بقدر عجز خویش موفّق شوم

ولى هیهات هیهات با وجود حرمان چگونه احسانى حاصل شود استحقاقى

ندارم بارى از عدم فرصت نصف شب است از خواب برخواستم

که بتحریر پردازم از عشق آباد هزار ذهب و همچنین ارسالیه بعد

رسید و در مصرف لازمهء باهظهء اورپ صرف شده و میشود

جمیع یاران را تکبیر ابدع ابهى ابلاغ دارید ع ع

قبر منوّر جناب ایادى حاجى آخوند را و مرقد مطهّر شهید سلیل جلیل

ملّا على جان را بکمال سرعت در نهایت اتقان بنا و تعمیر فرمائید

ولو مردم بعد خراب نمایند ع ع مقابله شد

\* ص181 \*

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء نامهء مورّخهء ١٤ صفر سنه ١٣٣٠ وصول یافت

از عدم فرصت مختصر جواب مرقوم میگردد شش هزار تومان

قرض اوّل ما بجناب حاجى و این قرض ثانى که تازه کردیم آن

نیز چهار پنج هزار تومان میشود از این قرار حال یازده هزار تومان

مدیونیم این قرض از سال گذشته تا بحال مجبورى بود حال چون

سفر امریکا در پیش بود لهذا این قرض ثانى شد بارى من بعد

آنچه میرسد باید اداى این قرض بشود ما در آمریکا بانچه حاضر است

اداره و اکتفا مینمائیم شما در فکر این باشید که قرض داده شود

بار قرض بسیار سنگین است نمیخواهم که مدیون باشید جناب

آقا میرزا على اکبر رفسنجانى وجودشان در طهران لازم بلکه الزمست

و باید لسان انگلیسى را بخوانند و مهارت پیدا کنند اگر در

لسان انگلیسى مهارت داشتند در این سفر مفید بود ولکن حال

بقایشان در طهران مفیدتر است بشرط آنکه در تحصیل انگلیسى

نهایت همّت را مبذول دارند بامة‌الله‌ المقرّبه فاطمه سلطان

همشیرهء حضرت على قبل اکبر از قبل من تحیت ابدع ابهى برسان و

بدرگاه الهی عجز و زارى میشود که از جمله زائرات محسوب شده الطاف

مخصوصه شمول یابد و علیک‌ البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

\* ص182 \* یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء بجناب آقا سید مهدى نامه مفصّل مرقوم گردید

و قضیهء اسیر زنجیر ظالمان آقا میرزا اسداللّه و دستگیر ستمکاران بى انصاف

جناب آقا میرزا عبدالحسین مرقوم گردید البتّه ملاحظه خواهید نمود بعد از

مطالعه بدون اسم آقا سید مهدى طبع و نشر بلاد نمائید امة‌اللّه

المقرّبه حکیمه خاتون الحمدللّه در نهایت تبتّل و سکون در اندرونند ابداً

اسباب صداع نیستند بلکه سبب سرور عمومند امّا مسئله جناب

سلیل حضرت شهید آقا میرزا عزیزاللّه این استعفا انشآءاللّه سبب

ارتقا میگردد زیرا عزیز عزیز اینعبد است امّا مسئلهء جلال‌الدّوله

باید که بوساطت شما و یاران الهی انشآءاللّه بنحو خوشى و مروّت و

انصاف و مهربانى بگذرد تا سبب سرور عبدالبهآء گردد هر چند

بحسب نظام و قانون امریست گذشته ولى نظر باخلاق و صفات

و مروّت و انصافى که ما مأمور بآنیم باید مجرى بداریم تا ثابت و

محقّق گردد که اهل بها اهل وفا هستند و بموجب مروّت و رحمت

واسعه که مأمور بآنند معامله مینمایند و امّا مسئله جناب حاجى غلامرضا

و خرید ملک در حیفا و مشغول شدن بتجارت در آن ولا این ایام

جائز نه زیرا املاک حیفا بسیار ترقّى نموده و وارداتى ابداً ندارد قیمت

محض است و بس مثلاً زمینى که یک پاره واردات ندارد ده هزار

تومان خرید و فروش میشود بامید آنکه قیمت پیدا خواهد نمود و این

\* ص183 \*

مبلغ در این صفحات حکم هزار تومان دارد و از این گذشته تجارت

در حیفا مختل و جناب حاجى غلامرضا باید در طهران بخدمت قیام

نماید و امّا قضیهء قرض دادن بشما هر نوع مصلحت بدانید مجرى بدارید

و امّا مسئلهء حرم محترمهء حضرت شهید دشت بلا حاجى حیدر

فى‌الحقیقه چنانست که مرقوم نموده بودید این ورقهء محترمه فى الحقیقه

فخر رجالست زیرا با وجود شهادت قرین بى نظیر و شهادت صهر عزیز

در نهایت تسلیم و رضا است صابره است و شاکره ثابته است

و راسخه نامهء مخصوص بآن محترمه مرقوم گردید برسانید ع ع مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى امین عبدالبهآء نامهء شما را در دریاى محیط بحر آتلانتیک جواب

مرقوم مینمایم ولى مختصر زیرا تفصیل امکان ندارد در خصوص ده هزار

تومان قرض مرقوم نموده بودید این قرض بار گرانست من بعد

ابداً پارهء واحد ارسال ننمائید تا ادآء این دین شود از قبل حدیثى

روایت میکنند لاوجع کوجع‌العین ولاهمّ کهمّ الدّین البتّه

این را بکوشید تا تصفیه گردد امّا چهل و هفت جینهء سیاوش

مکتوب شما در دریا باز شد و جناب سیاوش مراجعت

بأرض مقصود نمودند به آقا میرزا محسن مرقوم شد که این وجه را

\* ص184 \*

تأدیه نماید ولى وصول مشکل است زیرا جناب سیاوش پیش از

وصول آنمکتوب به آقا میرزا محسن بایران مراجعت خواهد نمود لهذا

نهایت عذرخواهى بنمائید و این مبلغ را فوراً بایشان تأدیه

کنید و لو بقرض باشد و مکتوب جوف را با کمال خجلت

بجناب سیاوش برسانید و همچنین نامه ئی بانجال امجاد ملّا اسمعیل

کاشانى ارسال شد آن را نیز برسانید من الآن این نامه را

در این محیط اعظم در حالت ضعف و ناتوانى و انقلاب از دریا

بشما مینگارم لهذا اگر مختصر است معذور دارید جمیع یاران

الهی و امآء رحمن را از قبل من تحیت ابدع ابهى ابلاغ دارید تمنّاى

عبدالبهآء از کل این است که شب و روز بدرگاه جمال ابهى عجز و نیاز

نمایند و مرا تأیید و توفیق در این سفر پر خطر رجا کنند زیرا سفر

مطوّل است و جسم ابداً تحمّل انقلاب دریا و مشقّت صحرا

ندارد امّا فضل بیمنتهاى جمال ابهى مؤید بشدید القوى کند

ناتوان توانا گردد و بى‌اختیار خود را در آتش و دریا افکند

پشهء بى‌توشه شیر بیشهء الطاف شود و مور محقّر غضنفر صفدر گردد

و بعوضه‌ا‌ى عقاب کاسر اوج اعظم شود و علیک البهآءالأبهی ع ع

مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** \* ص185 \* اللّهمّ یا من سبقت رحمته و کملت نعمته و احاطت قدرته و

تمّت حجّته و ظهرت آیاته و علت کلماته و انتشرت بیناته

و ارتفعت رایاته لک الشّکر على ما اولیت و لک الحمد على

ما اعطیت و لک المّن على ما آتیت سبحانک سبحانک

ما اعظم شأنک و ما اظهر برهانک و ما اوفرا احسانک و لقد

کانت اللیلة الظلماء احاطت الأرجآء و غیوم الظّلمة الدّهمآء غطت

وجه الارض و السّمآء فاحتجبت الأبصار عن مشاهدة الآیات الکبرى

و طمست البصائر و عجزت ان تجد على النّار هدى و حارت النّفوس

فى تیه الضلالة و العمى وضل ذووا العقول فى هیمآء الحیرة و الشّقى

و انّوا انین الثکلآء و ضجّوا ضجیج الظمآن فى بیداء شاسعة الأرجآء

فانفلق الصّبح برحمتک الکبرى و انتشرت بارقة الهدى من الافق

الأعلى على وجه السّمآء و ظهرت النقطة الأولى ببشارات ظهورک

و نفحات قدسک و آیات توحیدک بین الورى فبشّر و ناوى

و نطق و اثنى علیک فى الصّحف و الواح شتّی فلک الفضل على

هذه الموهبته الّتى ترنمت بها نفوس الأصفیآء و لک الجود على

ما وفقت کلّ صدوق ودود على السّجود عند بزوغ شمس الحقیقة

على آفاق الوجود و لک العزّة و الجلال و لک القدرة و الجمال

و لک السّلطنة و الأستقلال و لک الملک و الملکوت و

لک الرّفعة و الجبروت و لک الرّبوبیة و اللّاهوت على ما

\* ص186 \*

اظهرت جمالک من افق الشّهود و کشفت الحجاب و رفعت

النّقاب عن طلعتک النّورآء فى الیوم الموعود و تجلیت على کلّ

موجود بأنوار ساطع من الفجر الموعود و اقمت القیامة و اظهرت

الطّامة و زلزلت الأرض و نسفت الجبال و سجّرت البحار و

کورت الشّمس و خسفت الأقمار و نثرت النّجوم و اظهرت

الآثار و مدّدت الصّراط و اظهرت الأشراط و وضعت المیزان

و سعرت النّیران و ازلفت الجنان فالمخلصون فى جنّات و

عیون و المحتجبون فى خوضهم یلعبون فاولو الأبصار شاهدوا الأنوار

و امّا کفیفوا الأنظار احتجبوا فى ظلام حالک عند بحبوحة النّهار

و الآذان الصّاغیة الواعیه التذّت باصغآء النّدآء و

امّا الصّم الأغنیأ احتارت و قالت لماذا هذا الطّرب و ...[[16]](#footnote-16)

و الالسن الناطقة ولعت بالشکر و الثّنآء و امّا الیکم اصبحت

کالصخرة الصّمآء و طابت القلوب و انجذبت النّفوس و

انشرحت الصّدور و صفت الضّمائر و ظهرت السّرائر و بعثت

الحقائق فاقتبست و استضائت و اهتدت و اشتعلت

و التهبت و نادت و صاحت و قالت یا بشرى للمخلصین

و یا بشرى للنّاظرین و یا طوبى للمقربین و فرحاً للمشتاقین

و یا سروراً للمنجذبین و یا طوعاً للمشتاقین سبحان من

اشرق بالصّبح ‌المنیر سبحان من اظهر النّور المبین سبحان من

\* ص187 \*

تجلّى على الکائنات بالفیض الجلیل سبحان من انار الأفق الأعلى

بضیآء کشف دجى اللّیل البهیم سبحان من انزل مائدة

من السّمآء سبحان من فجّر الأعین من الصّخرة الملسآء سبحان

من انزل من السّمآء ماء طهوراً سبحان من سقى المخلصین کاساً

کان مزاجها کافورا سبحان من احیى الآرض المیة الهامدة

سبحان من انبت القطع المتجاوره سبحان من سقاها بماء واحد

من عین جاریه سبحان من افق الحدائق الزّاهیه باکل متفاوته

ثمرة بالغه سبحان من بدء الخلق الجدید سبحان من بشرّ فى

یوم الوعید سبحان من احیى الکائنات سبحان من انشاء الموجودات

سبحان من مهد السبّیل سبحان من اظهر الدّلیل سبحان من ظهر

فى القرن البدیع سبحان مؤسّس هذا العصر الجدید فلک الحمد

یا الهی على ذلک و لک الشکر یا مولائى على هذا الفضل العظیم

انّک انت الکریم و انّک انت اللطیف و انّک انت الرّحمن الرّحیم

یاران رحمانى عبدالبهآء در ایندم نامه ئی از امریک

رسید و بشارت آن داشت که آن خطهء غرب شرق گردید یعنى

انوار شمس حقیقت تابید و چنان درخشید که بارقهء صبح

هدایت دمید و هر مشتاق بمقصود خویش رسید آهنگ

اهل بهاست که متواصل بملأ اعلى است و نغمهء جانبخش یا

بهآء الأبهاست که گوش زد ملل و امم آنجاست از قراری که

\* ص188 \*

مرقوم نموده‌اند در یوم ولادت در بیست و چهار شهر جشن وجد

و طرب فراهم آوردند و آن روز را بنهایت شادمانى و کامرانى

گذراندند دعوت عمومى نمودند و خوان نعمت گستردند و بذکر

حق مشغول شدند و یکدیگر را بشارت دادند واز این بیست و چهار

شهر و محفل مکاتیب تبریک و تهنیت رسید ملاحظه نمائید

که قوّهء نافدهء کلمة‌اللّه چه تأثیرى در وجود بخشید و چگونه

جهان را بجنبش و حرکت آورده که در ممالک امریک در یوم

مولد چنین تزیین و شلیک گردیده و دور نزدیک شده و

آداب و رسوم تاجیک انتشار یافته اینست قدرت نافذهء

کلمة‌اللّه و اینست قوّهء قاهرهء ارادة‌اللّه اى یاران الهی و

اماء رحمان جناب امین نهایت ستایش و مدح و توصیف

مینماید که الحمدللّه در جمیع اطراف مدن و قرى احبّا مظاهر الطافند

و مطالع عدل و انصاف سمیعند و مطیع سلیمند و مستقیم بترتیل

آیات مشغولند و بترویج بینات مألوف در نهایت شوق و

شورند و سرمست صهبآء طهور بپرستش و ستایش اسم اعظم

مشغولند و بعبودیت آستان مقدّس مأنوس و بوصایا و

نصائح الهی عامل و از هر جهت در خصائل و فضائل انسانى

کامل در نهایت اتّحاد و اتّفاقند و در غایت انجذاب و

اشتیاق بجمیع نفوس مهربانند و با کلّ طوائف در نهایت

\* ص189 \*

روح و ریحان دشمنان را غمخوارند و جفاکاران را یار وفادار

بیگانگان را خویشند و اغیار را نوشند نه نیش خادم عالم

انسانیند و مظهر اخلاق رحمانى طوبى لکم من هذه الشّهادة

المنبأة من حسن اخلاقکم و بدیع اطوارکم جناب امین فى الحقیقه

خیرخواه جمیعند در یوم ظهور امین جمال مبارک بود و در ایام

میثاق ندیم این مشتاق لهذا شهادتش مسموع و مقبول و گواهیش

مطلوب و محبوب اى یاران الهی از قرار مسموع جمعى از

علمآء اصولیان و مشایخ شیخیان دائماً بتحریک فساد مشغوند

و در مقابل حکومت بتعصّب و عناد قیام نموده‌اند قدرى امور را

مشوّش کرده‌اند سبحان‌اللّه این چه غفلتیست و نادانى و چه

جهالتیست و نافرمانى که اقلیم ایران از تعصّب علماء رسوم

همیشه از موهبتى محروم شد هر وقت حکومت عادله نیت

خیرى فرمود و تأسیس اصلاح و انتظام نمود پیشوایان نادان معارضه

نمودند و محاججه کردند و مانع اصلاح امور خیریه شدند انصاف

باید داشت نیت اعلیحضرت شهریار از جمیع سروران و پیشوایان

ایران بهتر و خالصتر زیرا یگانه آرزوى تاجدارى راحت و

آسایش اهالى و عمران و آبادى مملکت شهریاریست پادشاه

مهربانرا دقیقه ئی آرام نگذارند تا بصرافت طبع و طیب

خاطر بقدر امکان اصلاحات جارى فرماید و این نادانى و

\* ص190 \*

جهالت اختصاص باهالى ایران ندارد اهالى مملکت دولت علیهء

عثمانیه نیز در نهایت جهل ونادانى آراء مختلفه و احزاب جاهله

حکومت ملوکانه را دقیقه‌ا‌ى آرام نگذارند تا بمشیت امور داخله

گردد و تعدیل مداخلهء خارجه شود با وجود آنکه اعلیحضرت شهریارى

پادشاه عثمانى در نهایت کاردانى من جمله برهان بر این مدّعا

حفظ این آوارگان از تسلّط یاغیانهء اعدا اگر امور در دست

دیگران بود از فساد و فتنهء دشمنان داخل و خارج خاکستر این

مسجون نیز بباد رفته بود ولى وقار و تمکین و فکر دوربین و

حقیقت جوئى و موشکافى اعلیحضرت پادشاه عثمانى سبب

شد که این آوارگان با وجود هجوم مفتریان و جمهور بد گویان

الى‌الآن محفوظ مانده‌اند ما از دعا گویان این دو پادشاه عادلیم

و ممنون این دو شهریار باذل سبحان‌اللّه از جمله مفتریات

اینکه ما نعوذباللّه منکر حقیت و حقیقت شمس هدى و

سراج ملأ اعلى رسول کبریا حضرت محمّد مصطفى على‌ التحیة و الثّنآء

هستیم و استعفراللّه در ردّ بر آنحضرت کتبى تألیف نموده‌ایم

یا حسرة على‌الّذین قاموا بهذا البهتان ‌العظیم و حال آنکه جمیع یاران

الهی مطّلع بر اسرارند که این آوارهء زندانى جان خویش را

فداى تراب اقدام آنحضرت مینماید و جمال مبارک روحى لاحبّائه

الفداء در رسالهء ایقان بچه دلائل قاطعه و براهین واضحه اثبات

\* ص191 \*

نبوّت حضرت رسول روحى له ‌الفداء میفرمایند و حضرت اعلى چه قدر

در مناجات صلوات بر آنحضرت مرقوم نموده‌اند با وجود این

بى‌انصافان گویند معاذاللّه ما منکر آن حضرتیم و بیوفایان

آشنا نیز سرّاً تصدیق مینمایند سبحان‌اللّه ما اگر انکار انبیآء

و اولیاى الهی نمائیم دیگر خود چه گوئیم سبحانک اللّهمّ هذا

بهتان عظیم بارى مقصود اینست که مملکت ایران بسبب

مداخلهء بیخردان و پیشوایان نادان در تدنیست و نیت خالصهء

اعلیحضرت تاجدارى در فکر ترقّى اقلاً شماها که خیرخواه دولتید

و صادقید و مطیع حکومتید و موافق همواره بخدمت پردازید

و هر یک که در دربار دولت مستخدم گردید باید بنهایت راستى

و حقیقت پرستى و عفّت و پاک دامنى و تنزیه و تقدیس

و عدالت و انصاف سلوک و حرکت نمائید و اگر چنانچه

معاذاللّه یکى ذرّه‌اى خیانت کند و یا در امور موکولهء خویش

تهاون و سستى نماید و یا خود مقدار دینارى بر رعیت تعدّى

کند و یا آنکه منفعت خصوصى خویش جوید و فوائد شخصى طلبد

البتّه محروم از فیوضات حضرت پروردگار شود زنهار زنهار

در آنچه تحریر یافت قصور ننمائید و علیکم التحیة و الثّنآء ع ع

مقابله شد

\* ص192 \*

جناب آقا سید نصراللّه باقروف را از قبل من نهایت اشتیاق

و سلام و پیام برسانید که سید ناصر مکتوب بسیار مفصّلى مرقوم

نموده و شکایت زیاد کرده است که وصف ندارد معلوم است که

این جوان بى فکر و اطّلاع از کار خویشست هر چه خواب ببیند

آنها را بیدارى گمان میکند لهذا محض اینکه بیدار شود بحقیقت

حال پى برد جناب آقا سید نصراللّه بواسطهء چند نفر از

احباب که واسطه در میان شوید و او را تفهیم نمایند شاید راحت

شود و بحساب خود پى برد حال چنان معلوم میشود که نمیداند ع ع

و بقدر امکان آقا سید نصراللّه بکوشند که او را بفهمانند

و راضى کنند و ساکن کنند و از این هیجان آرام نمایند و ملاحظه

او ننمایند بلکه ملاحظه مرحوم آقا سید اسداللّه را فرمایند ع ع

جناب حاجى غلامرضا مُعین شما تعیین شد و از پیش مرقوم شد

البتّه تا بحال رسیده است ع ع

صد لیره بجهت ضعفای بازماندگان شهدای یزد نزد افنان سدرهء

مبارکه آقا سید مهدى ارسال دارید ع ع

از پیش تکرار بتکرار مرقوم شد که انقلاب ایران اشتداد خواهد یافت و

شدّت و اضطراب ازدیاد خواهد نمود حال همانست که مرقوم گردید ع ع

بحضرت حکیم الهی نامه‌ا‌ى مرقوم و ارسال رأسا گردید ع ع

جناب عزیز عبدالبها را تکبیر ابدع ابهى ابلاغ دارید و همچنین اخوى ایشان میرزا

ولى‌اللّه خان را ع ع مقابله شد

\* ص193 \*

بواسطهء جناب معاون التّجار جناب آقا محمّد تقى گروکانى علیه بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى ‌السّجن

# **هو اللّه** اى ثابت بر میثاق حقّا که مستقیم بر امراللّهى و مستقرّ در

محبّت‌اللّه اریاح افتتان ترا نلغزاند و شدّت امتحان ترا

اضطراب ندهد مانند جبل عظیم راسخ و متینى و بمثابهء علم

مبین در نهایت ثبوت و تمکین تأسى بجمال مبارک نمودى و

تحمّل بلایا و مشقّت کردى موهبتى اعظم از این نیست و

مسرّت و بشارتى اتم نه پس در بین ابرار فخر و مباهات نما و

علیک‌ البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

بم حضرت آقا میرزا على آقا علیه بهاءاللّه ‌الأبهی

# **هو الأبهی** اللّهم یا کثیر العطاء و عافى الخطا و وافى النّداء و کافى المحن و شافى السّقم

انّى الوذ ببابک الرّحیب و عتبتک الفسیح و ادعوک مبتهلاً الیک

متضرعاً بین یدیک ان تنزل على عبدک هذا غیثاً هاطلاً و فیضاً

شاملاً من ملکوتک الأبهی حتّى تأخذه نشوة الصّهباء من دنان

رحمتک فى الملأ الأعلى و یترّنح ترّنح النّشوان و تطرّبه نغمات عندلیب

البقاء فى الاوج الاعلى فى ریاض احدیتک المؤنقة الازهار المتدفقة

الانهار ربّ انه اسیر عنایتک و نصیر احبتک و ظهیر ارقائک

\* ص194 \*

لا یألو جهداً فى اعلاء کلمتک بین برّیتک و بثّ آثارک للمخلصین

من عبادک ربّ اجعله سراجاً منیراً و شعاعاً لمیعاً و نوراً ساطعاً

و نجماً لامعاً فى افق العرفان یهدى الى الرّشد و ینادى باسمک

فى کلّ صقع و مکان و یکشف الغطاء عن ابصار الورى و یریهم

ایاتک الکبرى و یسمعهم نغمات طیور القدّس على سدرة المنتهى

ربّ اشدد ازره و قوّ ظهره حتى یرفع علم الفلاح و النّجاح یتموّج

فى اوج العلى على رؤس اهل الولاء انّک انت القوى المقتدر

المهیمن المعطى الوهّاب و علیه البهآء الأبهی ١٦ ذیقعده ١٣٣٨ حیفا

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

بم حضرة ذوالفضل‌ الجلیل مظهر اللطف الخفى سمّی اسداللّه‌ الغالب على الهمم حقیقٌ

بالمواهب علیه کلّ تحیة و ثنآء

# **هو الأبهی** حمداً لمن اشرقت الارض بنوره و اضائت السّمآء بظهوره و تجلّى

بالطور الایمن البقعة المبارکة وادى طوى باشعة ساطعة على الارجآء

و اهتزت حقائق الاشیاء و خصعت و خشعت و تذللت و

استفاضت و استفادت من تلک الموهبة الکبرى و الهدایة

العظمى و نطقت بالتّهلیل و التّکبیر فیهذا العصر الجلیل و القرن الکریم

بالثّنآء على ربّها و النّعوت على بارئها فزلزلت اراضى النّفوس

\* ص195 \*

فأخرجت اثقالها و حدّثت اخبارها و یا اوحى الیها من السّر المکنون

و الرّمز المصون فطوبى و بشرى لها و التّحیة و الثّنآء على

صبح الهدی و نیر الملأ الاعلی و مصباح اوج العلی یوقد و یضیئی

من الافق الأبهی النّقطه الأولى المبشرة بطلوع شمس الحقیقه من

مطلع البهآء و على من انجذب بنفحاتها و انشرحت صدره

بایاتها و التّذ سمعه بمناجاتها و فتح علیه ابواب المعانى بکلماتها

الى الابد الآباد ایها الفاضل الجلیل ذو الوجه الجمیل و القلب المنیر

انّى بکلّ تذلّل و انکسار اناجى ربّى المختار و اتضرّع تضرّع

المعانى الى الملیک الجبّار و اطلب لک العون و الصّون

من هجوم الاشرار و ان ینطق لسانک و یطلق نبائک حتّى

تنادى بذکر ربّک بین الأبرار و یتحرّک انا ملک بتنمیق البرهان

و اقامه الحجّة القاطعه على اهل الظّنون و الأوهام تعدى النّاس

الى سبیل الهدى و تذکرهم بایات ربّک الکبرى و تکشف عن

اعینهم الغطآء بظهور البراهین السّاطعه على ظهور مکلّم الطّور من

سینآء الظّهور فاران القدرة و القوّة فى یوم الحشر و النّشور

و انّک انت یا ایهاالفاضل الوقور قم على خدمة امراللّه بقوة تزلزّل

به ارکان الجهل و الشّرور و یتلاشى بهاالغیوم المتکاثفه فى افق الوجود

حتّى تظهر شمس الحقیقه باشعة ساطعة على مشارق الارض و مغاربها

انّ ربّک یؤیدک على هذا السعى المشکور و الفیض الموفور و

\* ص196 \*

علیک‌ البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس ٦ محرم ١٣٣٩ حیفا

مقابله شد

طهران جناب آقا غلامعلى دوا فروش

# **هو الأبهی** اى بنده آستان جمال مبارک الحمدللّه صحیح و سالم در صون حمایت

آلهیه رجوع بایران نمودید و امور مؤید بفضل موفور و وصایاى

عبدالبهآء مستمراً در قلب مذکور و این جاذب تأییدات

مشکورهء ربّ غفور و علیک ‌التحیة و الثّنآء مقابله شد

٢٢ صفر ١٣٣٩ حیفا عبدالبهآء عبّاس

ایران طهران در خیابان ناصریه جناب آقا غلامعلى دوا فروش ملاحظه فرمایند

خط مبارک

# **هو اللّه** اى بنده الهی مکاتیب جناب آقا سید نصراللّه و حاجى و

دیگران جمیع رسید مطمئن باش همواره بساحت کبریاء

عجز و انابه مینمایم و دوستان دل و جان را الطاف بى

پایان میطلبم عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

\* ص197 \*

هو اللّه

بواسطهء جناب حاجى میرزا عبداللّه

طهران جناب غلامعلى ابن من فاز بالرفیق ‌الاعلى غلامحسین علیه بهآءاللّه

الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى بندهء جمال ابهى خوشا بحال تو که منسوب درگاه احدیتى

و سلیل آن شخص جلیل اهل حقیقت و برادرزادهء نفسى مبارکى

که موفّق بخدمت درگاه احدیت این مواهب جمع شده

امیدوارم که در جمیع مراتب سبب تأیید و توفیق گردد اشتیاق

من بیش از شماست ولى حکمت چنین اقتضا مینماید که صبر

و تحمّل نمائید و حضور را بوقتى دیگر مرهون کنید مطمئن باش

بمحض جواز اجازهء حضور داده میشود و علیک‌التحیة و الثّنآء ع ع

مقابله شد

لندن جناب آقا غلامعلى دوا فروش علیه بهآءاللّه ‌الأبهی

# **هو اللّه** اى بندهء آستان حق نامهء شما از اسلامبول رسید و تفاصیل معلوم

گردید چه بسیار اغنیا که در این سالهاى جنگ فقرا

گشتند و چه بسیار عزیزان که ذلیل شدند حتّى ملوک

مملوک شدند و شاهنشاهان معدوم و تباه گشتند تاج و تخت‌ها به هم خورد

و افسر دیهیم بخاک مذلّت افتاد لکن الحمدلله احبای الهی در صون حمایت

حق محفوظ و مصون ماندند اگر چنانچه در ربح و سود فتوری واقع گشت حضرت ودود تلافی خواهد فرمود از خدا خواهم که در این سفر مسرور باشی و علیک البهاء الابهی 8 اپریل 1920 عبدالبهاء عباس مقابله شد

طهران جناب آقا غلامعلی دوا فروش

# **هوالله** ای ثابت بر پیمان مکاتیب متعدده از شما رسید در باب انتخاب اعضاء محفل روحانی از پیش بنهایت وضوح مرقوم گردید از آن واضحتر ممکن نیست به موجب آن مجری دارند هر توضیحی از آن واضحتر نمیشود و اما در خصوص پنجم جمادی الاوّل عید مبعث حضرت اعلی روحی له الفدا در ایام مبارک چنین معمول میشد ولی حضرات احبای امریک و اوروپ بحساب سنوی میگیرند تا ایام عید تصادف به ایام نقاهت و صعود جمال مبارک ننماید من نه ترویج نمودم و نه منع کردم زیرا این امر راجع به بیت‌العدل عمومیست هر وقت تشکیل شود آنچه بیت‌العدل قرار دهد همان معمول به است اما ما بموجبی که در ایام مبارک معمول بود مجری میداریم و

# \* ص199\*

علیک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد.

طهران جناب میرزا غلامعلی دوا فروش علیه بهاءالله الابهی

# **هوالله** ای ثابت بر پیمان پاکت‌های نمرۀ صد و شصت و چهار و شصت و پنج و شصت و شش و شصت و هفت رسید در خصوص محافل همان است که مرقوم نمودید محفل اتحاد سبب اختلاف شد زیرا توحّش الملک در آن محفل رکن رکین بود با وجود آنکه عبدالبهاء از پارسال این خبر میداد که این شخص منافق است بعد توبه‌نامه نوشت و ایضاً در محفل اتحاد چند نفر سراً همداستان دارد بسیار عجیب است که محفل اتحاد با وجود آنکه رائحۀ خوشی از آن نمیوزد شعبها تأسیس کرده‌اند و احبّا نیز سکوت نمودند بسیار عجیب است همین سرّ خفی را باید احبا کشف کنند بدانند که در این ضمن فساد عظیمی میشود ولکن بعضی ساده هستند گمان نمودند که جمیع اعضای محفل اتّحاد را مقصد خدمت است لهذا بآن پیوستند و اگر بر آنها واضح شود که بعضی از اعضای محفل همداستان توحّشند

# \* ص200\*

البتّه اجتناب کنند پارسال مرقوم شد که حضرت مسیح میفرماید

چراغ را کسى زیر فانوس حدید نمیگذارد یعنى مذاکرات

سریه بین نفوس معدوده مخالف امر آلهیست و سبب

فساد و در بغداد شخصى از مشایخ طریقت در

حضور مبارک در خلوت رسید و استدعاى سرّى از اسرار

نمود فرمودند ما اسرار را با طبل و دهل جهاراً بر ملا زدیم

سرّى نداریم پس از این ترتیب در طهران مقصدى دارند

و مجلسى تشکیل نموده‌اند که اسرار داشته باشد و هریک از

اعضاى آن محفل محفل سرّى تشکیل نماید و بتسلسل برود

این سبب وهم حکومت گردد که حضرات حکومت خفیه

تأسیس نموده‌اند و این سبب فساد عظیم شود زنهار از چنین تأسیس

البتّه این قضیه را موقوف نمائید در سنه گذشته این مرقوم شد

و چنان مظنون بود که این مجلس فسخ شده حال یکدفعه دیدیم

که با کوس و دهل صدایش بلند شد و خلاصه بعضى اعضا را

مقاصد خفیه اینکه احبّا را بکلّى یکدفعه در دام قوم لئیم اندازند

یعنى جمیع یاران را از صراط مستقیم بلغزانند ابداً کسى فکر نکرد

که این سرّ مکنون چه خبر است و این فراموش خانه چه چیزست

و مقاصد چه سبحان‌اللّه با وجود آنکه سال گذشته عبدالبهآء

چنین جوابى بطهران مرقوم نمود با وجود این احبّا ملتفت

# \* ص201\*

مکر و خدعه بعضى از اعضاى اتّحاد نشدند بارى این اتّحاد

نیست این اساس اختلافست این هادم بنیان الهی است

من تقرّب الیه فلیس له من‌ الطاف ربّه من نصیب این

نفوس را نصیحت نمائید که جغدان بیوفا بازان سپید

الهی را گمراه نتوانند نمود و طیور شب شمس حقیقت را

پنهان نتوانند کرد اینست که محافل خفیه خفا شبها در

ظلمات تحت‌ الارضى تشکیل نمایند و با یکدیگر براز گویند

که آفتاب تاریک است قصد آن دارند این گلپاره‌ها

کز حسد پوشند خورشید ترا و علیکم البهآء الأبهی

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** ترانى یا الهی معترفاً بروحى و ذاتى و حقیقتى و کینونتى بعجزى و فقرى و

فنائى و اضمحلالى و مقراً بذهولى و فتورى و قصورى عن ادراک

ادنى آیة من آیات فردانیتک فکیف احصى ثنآء علیک کلّت

اجنحة افکارى عن الصعود الى ذروة الوجود فکیف الوصول الى غیب

بهآء سماء احدیتک و انّى لعناکب اوهامى ان تنسج بلعابها

على القمة الشاهقة من حقیقة الأمکان فکیف اعلى قباب قدس

رحمانیتک تنزّهت یا الهی عن کلّ ذکر و ثنآء فکیف ذکر هذة الذرة

\* ص202 \*

الفانیه و تقدّست عن کلّ فکر و شعور و بیان فکیف نعوت هذه القطرة المتلاشیة

کلّ البحور متعطّش لفیوض رحمانیتک و کلّ الشّموس محتاجة الاشراق نور

فردانیتک فکیف هذه الحقیقة البالیة و الغطام الخالیة ربّ ربّ

کمل عجزى و ظهر فقرى و ثبّت ذلّى و بان احتیاجى فى بیان نعت من

نعوت احبّائک فکیف عتبة قدسک اذا ً یا الهی اعنّى بقوّتک

و قدرتک و امددنى بالهامات غیب احدیتک على الثّنآء على

احبّتک الذین طابت ضمائرهم بنفحات قدّسک و ارتاحت

سرائرهم بفیوضات انسک و صفت حقائقهم بآیات توحیدک و

اشرقت بواطنهم بفیوضات شمس تفریدک و اقبلوا بقلوبهم الى مطلع

رحمانیتک و قرّت اعینهم بمشاهدة انوار ربّانیتک و علّت فطرتهم

بسطوع اشعة نیر الوهیتک و ارتفعت اعلامهم فى بلادک و شاع و ذاع علیهم

فى مملکتک و دخلوا فى ظلّ وجهک و استفاضوا من فیض احدیتک و منهم عبدک

الجلیل و رقیقک النبیل الحقیقة النورانیه و الشّعلة الرّحمانیة و الآیاته

الفردانیه الّذى تحمّل کلّ بلآء فى سبیلک و احتمل کلّ مصیبة فى محبّتک و ابتلى بکلّ

رزیة فى صراطک و قاسى کلّ عذاب الیم فى امرک فآمن بمبشّرک العظیم فى

مبدء الاشراق و استضآء بصبحک المبین السّاطع على الآفاق و انجذب

انجذاباً سرع الى مشهد الفداء فى موطن جمالک الأبهی فى تلک القلعة

العصمآء و تعذّب عذاباً لا یحصى و تحمّل الجوع و العطش و البلآء تحت رشق النّبال

و رشّ الرّصاص مع ذلک هو یذکرک بلسانه و فى خفی جنانه مبتهلاً الیک

\* ص203 \*

منقطعاً عن دونک مناجیاً الى ملکوت قدسک و یقول ربّ لک الشکر

على هذه الموهبته الّتى قدرتها لخیرة خلقک و خصصت بها بَررَة عبادک

حیث جعلتنى انیساً لحضرة قدوسک و ندیماً لمظهر سبّوحک

الّذى قام علیه طغاة خلقک و ظلمة عبادک و طعنوه بالسّنهم الحداد

و سنتهم النّافذة فى القلب و الفواد ثمّ اخرجوه مع عبادک

عن تلک الملجأ الحصین بقسم لو یعلمون عظیم و الا قائدهم انّه الصّادق

الأمین ثمّ خانوا و طغوا و بغوا الى ان قطعوا اجساد احبّائک

ارباً اربا و سالت الدّمآء و تقطعت الأعضاء و تفرّقت الأجزآء

و اصبحت اللّحوم طعوماً للطیور و العظام تحت الرّغام و انقذت یا الهی

هذا العبد من ید العدوان بقدرتک الغالبة على الامکان تمهیداً

لمّا بقى له من الازمان حتّى یتهیأ الاستشراق من ظهور نیرک الاعظم

السّاطع الفجر على الآفاق و یستفیض من السحاب المدرار و یغترف

من بحر الأسرار و یشرب من عین التسنیم و یترّنح من نسیم فصلک

العظیم فعاش یا الهی تحت نصال البغضاء و نبال العداوة و الملامة

الکبرى یشمته الأعداء بما اقبل الى جمال فردانیتک و یشتمه العذال

بما توجّه الى ملکوت رحمانیتک و هو یا الهی معتفک فى زوایاء النّیسان

مختفى عن اهل العصیان یتجرّع کلّ یوم کأس البلاء و یذوق کلّ آن

مرّ القضآء الى ان ارتفع النّدآء من حظیرة البقآء فى الزّورآ فلبّى لندائک

و استضآء من بهائک و تهلّل وجهه بمشاهدة ضیائک و قرّت

\* ص204 \*

عینه بالنّظر الیک و التّوکّل علیک فقام یدعو النفوس الزّکیه الى

مرکز رحمانیتک و یدّل الارواح المقدّسة الى مطلع فردانیتک

و یتلو آیاتک و ینشد کلماتک و یجذب قلوب احبّائک و یبشّر بظهورک

فى تلک الأنحآء و یشیع طلوع نورک فى تلک الاصقاع فوفقته

یا الهی على خدمة امرک و اعلآء کلمتک و نشر دینک و ترویج

آثارک لک الحمد یا الهی على ما و فقته و ایدته و خصصته بالواح

مقدّسة من عندک و خاطبته بکلمة الرّضآء من عندک حتّى تمکّن

من هدایة النّفوس الى معینک و دلالة الاعین الى نور مبینک و لم یزل

تتوالى علیه آثار فضلک و تتابع علیه اشراقات شمس جودک الى انّ

تزلزل ارکان الوجود و انکسر ظهور اهل السّجود و قامت الرزیة الکبرى

و اشتدّت المصیبة العظمى و اضطربت قلوب الأحبّآء فکان ناصحاً

امیناً للاتقیآء و سلوة لقلوب محترقة بنار الجوى و معزّیاً للأصفیآء و

مشوّقاً للکلّ على الاستقامة العظمى بعد صعود جمالک الأبهی و اشتّدت

علیه الأحزان و اثقلت علیه وطئها آلالام حتّى سمع نداء المیثاق و

تلى کتاب العهد المنشور فى الآفاق فانشرح صدره و قرت عینه و

طابت نفسه و انکشف ظلامه و خف الآمه فشّد رجاله الى عتبتک

المقدّسه المعطّره الأرجاء و ورد فى بقعتک النّورآء و مرغ جبینه

بتراب فنائک و عطر مشامه بنفحات قدسک و استفاض من

فیوضات روضتک النّورآء و رجع الى تلک الاقالیم الشاسعة الارجآء

\* ص205 \*

منادیاً بأسمک مستبشراً بذکرک معلناً لعهدک مروجاً لمیثاقک

و ما وجد یا الهی من اذن داعیه الا أسمعها و نفساً مستعدّة

الّا أحیاها و روحاً منتظرة الّا بشرها و حقیقة زکیه الّا أنعشها و ما

مضت علیه مدّة الّا انبعث فى قلبه الأشواق و زاد روحه یوماً فیوماً

اشتیاقاً الى مشاهدة الارض المقدّسة و زیارة التّربة المطهّره الى ان

اخذ زمام الصّبر من یده فتوجّه الى البقعة النّورانیه و التّربة المطهّرة

الرحمانیة مرة ثانیه مع وهن القوى و ضعف الأعضآء و تسلّط الدّآء و عدم

الإقتدار على حرکة ما فکان یا الهی سائقه شوقه و حامله حبّه قائده

عشقه و جاذبه مرقد الجمال الأنوار و التراب المطهّر المعطّر و دلیله فى السّبیل

آیات توحیدک السّاطعة من هذه البقعة المبارکة المقدّسة العلیآء

فتشرّف بالعتبته المقدّسه النّورآ و عفر وجهه و شعره بتراب

هذه الأرض الّتى لم یزل جعلتها مرکز آیاتک الکبرى و مطلع انوارک

الّتى اشرقت به الارض و السّمآء و مکث مدّة من الزّمان بفضلک

و جودک فى هذا المکان و هو طریح الفراش علیل المزاج نحیف

الأعضاء مرتجف الأرکان و لکن یا الهی کلّما شمّ رائحة الرّوضة

الغنّاء و الحدیقه العلیا انتعش منه الرّوح و تجدّد له الحیاة فرجع

الى وطن جمالک الأبهی و تزود برکة من حدیقتک الغنآء مستبشراً

ببشارة کبرى معتمداً على نشر آیاتک فى الجزیرة الخضرآء موطن

جمالک الأبهی فاستبشر الاحبّآء یا محبوبى برجوعه الى تلک الأنحآء

\* ص206 \*

و زادوا انجذاباً الى ملکوتک الأبهی و اشتعالاً بالنّار الموقدة فى

سدرة سینآء فتواردت علیه اوراق الشبّهات من اهل

الأرتیاب و سکت لعلّهم ینتهوا فى العدواة و البغضآء

ثمّ لم یر فائدة من السّکون و عدم الاعتنآء فکتب جواباً قاطعاً

و ارسل سیفاً صارماً لاحد المرتابین و بکّته على الذّنب العظیم و دعاه

الى الصراط المستقیم و هداه الى النّورالمبین لعل یتذکّر بالذکّر الحکیم

ثمّ جذب القلوب الى العهدالقدیم و قاد النّفوس فى منهج القویم

و ساق الطّیور الى المآءالمعین و لم یأل جهداً یا الهی فى خدمة امرک و

اعلآء کلمتک و نشر دینک الى ان انتهت انفاسه و طابت

نفسه بالصّعود الى ملکوت رحمانیتک و اشتاق روحه یا محبوبى

الى الطیران الى ذروة ربّانیتک فعرج الیک مستبشراً ببشارتک

منجذباً بنفحاتک منشرحاً بتجلّیاتک منجذباً للوفود علیک

و النّظر الیک و الحضور بین یدیک الهی الهی بارک وروده و احسن

وفوده فى نزلک الأعلى و حدیقة قدسک العلیا و اجره فى

جوار رحمتک الکبرى و اسقه کأس العطآء و اکشف له الغطآء

حتّى یتشرف بمشاهدة اللقآء و یتفیّأ فى ظلال السدرة المنتهى و یترّنم

على شجرة طوبى بابدع الألحان و فنون الأنغام یا ربّى الرحمن و

اید کلّ من یتنسب یا الهی بما ایدّته به فى غابر الزّمان و اجعلهم

شرکائه فى الأخلاق کما جعلتهم منشعبین منه فى الأعراق حتّى

\* ص207 \*

یسقوا زرعه و یخرجوا شطأه و یوقدوا سراجة و یحیوا معالمه

العظیمه و یعظموا شعائره القدیمة انّک انت الکریم انّک

انت العظیم و انّک انت الرّحمن الرحیم ع ع مقابله شد

بواسطهء جناب شهید ابن اسم‌اللّه ‌الأصدق

جناب شیخ حبیب قمى علیه بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى السّجن

# **هو اللّه** اى حبیب دل و جان شکر کن خدا را که مورد امتحان شدى

و در افتتان شدید افتادى الحمدللّه ملال نیافتى کلال نیاوردى

و از زوجهء حلال گذشتى سلسبیل شماتت اعدا در سبیل کبریاء

چون سبیل شود عاشقان تشنه گردند و مشتاقان از حرارت

عطش بگدازند بکوشند و بجوشند و بخروشند تا بنوشند

حال الحمدللّه تو جامى از این عذب فرات نوشیدى و از این

شهد بقا چشیدى و در طوفان شماتت و ملامت اعداء

ثابت قدم ماندى غصّه مخور رفیق منى مرا هم از این

جام نصیبى و از این شهد بهره‌اى بود الى‌الآن هر وقت بخاطر

آید سبب شادمانیست و علّت سرور و کامرانى زیرا در سبیل

الهی یکى از بنات اعمام از صغر سن بارادهء مبارک نامزد

\* ص208 \*

این عبد شد چون ببغداد آمدیم عمّ بزرگوار بساحت اقدس

شتافت و گریه کنان رجاى تحکیم و توثیق این ارتباط نمود

ولى اینعبد قبول نمینمود عاقبت بامر قطعى جمال مبارک قبول نمودم

مع ذلک همواره آرزوى تجرّد داشتم تا بأدرنه آمدیم در ادرنه

بودیم که عمّه خانم بزرگ چون ارتباط به یحیى داشت محض

سرور خاطر آن کوشید تا آن بیچاره را بپسر صدر اعظم میرزا

علیخان داد از قرار مذکور گریه کنان هراسان و لرزان

رفت و ایام معدود نگذشت که بمرض سل مبتلا گردید مسلولاً

وفات نمود رحمة‌اللّه علیها اگر چه اطناب و اسهاب گردید

ولى مقصود اینست که شما بدانید رفیق هم دارید تنها نیستید

امیدواریم که انشآءاللّه در ملکوت ابهى بلقاى حوریات

معانى مسرور و مشعوف شوى تلافى مافات خواهد شد

غصّه مخور زیرا عدد حوریات معانى غیر متناهیست در حدیث

سبعین الف حوریه ذکر شده و علیک البهآء الأبهی

ع ع

خطّ مبارک

انشاءاللّه یبدّل درهمک بدینار ع ع

مقابله شد

# **هو اللّه** \* ص209 \* جناب امین سر الواح را کاتب مرقوم مینماید زیرا عبدالبهآء فرصت

ندارد لهذا سرنامهء ملاباقر کاشانى درست مرقوم نشده

مبالغى که ارسال بلندن و پاریس در اسکندریه نمودید کلّ رسیده

مطمئن باشید در نامهء خویش از هرگونه مطالب که مصلحت

میدانید مأذونید که مرقوم نمائید ع ع

محرمانه در خصوص اعانه بر سائر ملل همّت فرمائید على‌الخصوص اگر

حکومت تکلیف نماید

هو جناب امین سیصد جینه که آخر فرستاده بودید با هشتصد

جینه برات تلغرافى هر دو رسید ع ع

محرمانه از قرار تحریر میرزا محمّدعلى خان بهائى و دیگران بعضى

از احباب از گرسنگى و استغناى طبع در سئوال فوت

شده‌اند و بکسى ابراز احتیاج ننموده‌اند شما تحرّى این

نفوس فرمائید و بهر وسیله باشد قوت برسانید و بمیرزا

حبیب پسر آقا رضا هر قسم باشد مهربانى بکنید محرمانه

است ع ع مقابله شد

طهران حضرات اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

\* ص210 \*

خط مبارک

# **هو اللّه** اى یاران عبدالبهآء الحمداللّه آنچه از کلک پیمان در سنین هیجان و

نهایت نفوذ و اقتدار مجلسیان در اعراق و اعصاب و شریان ایرانیان صادر در

این ایام ظاهر و آشکار گشت تا کلّ یقین نمایند که این قلم ملهم است

اساس شور از اعظم تأسیسات آلهیه ولى باید اساس تقواى الهی و خیر خواهى

عمومى باشد امّا مجلس معهود در دست علمآء سؤ و امّت یحیاى بیوفا

بود و مقصود نهایت استبداد و استیلاء و عاقبت بر قطع شجرهء مبارکه

قیام مینمودند با وجود مداخلهء این نفوس مانند ملک الاخرسین و صور

و ناقور و شیخ‌ الممالک و سید جمال چگونه موفّق و مؤید میشدند ان‌ اللّه

لا یصلح عمل‌المفسدین بارى حال باید حکومت بشکرانهء این تأیید

بعدل و انصاف پردازد و خونخواهى حضرت فاضل جلیل شهید و

سید یحیى در سیرجان فرماید زیرا آن بزرگوار را چند ماه پیش در

نهایت ظلم و عدوان ستمکاران شرحه شرحه نمودند و همچنین حکومت

باید نهایت حمایت از مظلومان آفاق نماید تا این تأیید و توفیق مستمر

باشد شکر نعمت نعمتت افزون کند و لئن شکرتم لأزیدنّکم

در خصوص جناب شیخ‌الرئیس احبّا باید ساکت و صامت باشند و

بموجب نصوص الهی بنهایت اخلاق روحانى معامله کنند اگر

نفسى جزئى نسیانى نمود باید نوعى حرکت و معامله کرد که خود

او ملتفت گردد و علیکم البهآء ع ع مقابله شد

\* ص211 \*

خطّ مبارک

هو اللّه

طهران حضرات اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه‌الأبهی

# **هو اللّه** اى محفل مقدّس جناب شیخ‌ الرّئیس بعضى اوقات در منبر بکنایه و اشاره

و تلویح تبلیغ نموده‌اند لهذا عبدالبهآء این خدمت ایشان را فراموش ننماید

و البتّه احبّا در حق ایشان جز ذکر خیر ننمایند و باید مراعات و احترام مجرى

دارند آنچه واقع شد گذشت لو کنت فظّا غلیظ القب لانفضوا من

حولک ما مأمور بآنیم که با دشمنان با نهایت محبّت و مهربانى معامله

نمائیم تا چه رسد بدوستان و علیکم البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

خطّ مبارک

طهران اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

# **هو اللّه** اى بندگان مقرّب جمال مبارک مسئلهء ارتباط شرق و غرب اهمیت

حاصل نموده است بعضى نفوس نهایت همّت در این خصوص دارند و باید

یک کمیتهء اجرائیه بجهت ارتباط شرق و غرب انتخاب شود تا مشغول

باین کار شوند و همچنین قضیهء تبلیغ را در این ایام فترت اهمیت بدهید

مانند عبدالبهآء دقیقه‌ا‌ى آرام نگیرید و نفس راحتى بر نیارید باید همدم و همقدم

و در عبودیت آستان مقدّس شریک و سهیم باشیم ع ع

مقابله شد

\* ص212 \*

محرمانه

طهران اعضای محفل روحانی علیهم بهاءالله الأبهی

یا صاحبی السجن

# **هوالله** ای بندگان جمال ابهی بکرّات و مرّات بجمیع اطراف حتّی بافراد احبّا

مرقوم گردید که ما را مدخلی در امور سیاسی بنصّ قاطع الهی نه حتّی تکلّم بکلمه ئی

ار اینخصوص جائز نیست و این واضح و مشهود است که کلمة الله حصن حصین

است و صون مبین و حال نیز بنهایت تأکید تحذیر میشود که احبّای الهی

را بکلّی از مداخله و مکالمه در امور سیاسی منع نمائید ولی بر ما فرض و

واجب است اطاعت بحکومت در نهایت صداقت و امانت و

دیانت و همچنین حسن معامله با عموم ملّت بلکه جمیع ملل عالم یعنی خیر کلّ

بخواهیم و محبّت و مهربانی بنمائیم و پرستاری کنیم و غم خواری نمائیم

و بتربیت نفوس پردازیم و ترویج اخلاق الهی نمائیم دیگر ابداً مدخلی

از امور سیاسی نداریم حال همچه معلوم میشود که بعضی احبا رأی مخصوص

دارند و تأکیدات منصوص را تأویل نمایند و حال آنکه آنچه از این قلم جاری بیان

نص قاطع الهیست ابداً در اجراء تراخی جائز نه و این از شرط اساسیه

ثبوت بر میثاق است احبّای الهی باید شور در امری مجهول نمایند امّا

امری که از قلم میثاق صادر شود لازم ندارد همان حکم الهیست چرا بیان

کتابست مثلاً ملاحظه فرمائید همین مسئله را که حکومت محترمه در آذربایجان

سی سال حمایت مظلومان نمود و اگر این حمایت نبود ملّت یکنفر از

اولیای الهی باقی نگذاسته بود و چنین همّت و عدالت و مروّتی را

\* ص213 \*

نباید فراموش نمود زیرا در زمان شاه مرحوم در یزد ملّت اندکی فرصت

یافت بآن ظلم شدید پرداخت و اگر در سائر جهات نیز فرصتی حاصل

میگردید البته جمیع را قتل مینمودند محافظهء حکومت بود که اندکی سبب

حفظ و امان بود حال نیز در آذربایجان ملاحظه نمائید که حضرت

عطّار مظلوم را شخص خونخواری بشدّت ضرب شهید نمود و شکوه بمجلس

ملّت نمودند و کیفر خواستند نتیجه این شد که مجلس آن غدّار خونخوار را

بکیفر ...[[17]](#footnote-17) باشی کرد و همچنین در خراسان حکومت معاونت مظلومان

فروغ خواست و متعدّیان را آغاز زجر کرد چون کار بمجلس ملّت رسید

بشدّت عدوان بر خواستند و آن مظلومان را امر کردند که بسلاسل و

اغلال احضار کنند و حال نیز شما از جواب مجلس بفخرالدّین کاشی بیدار

شوید که مرقوم نموده اند حال وقت این کار نیست معنی چنین است

که بگذارید تا ما تمکّنی بیابیم آنوقت مباشرت بآنچه خواهید بنمائید

حال وقت آن نیست روزنامهء حبل المتین طهران را البتّه قرائت

کرده اید پس ملتفت بعواقب امور باشید در هر صورت حامی

این مظلومان بر خیزند در این شبهه منمائید ما چهل سالست که این

همه زحمت کشیدیم تا در نزد حکومت واضح و مبرهن شد که صادقیم

و خیر خواه و محبّیم و منقاد حال اگر چنین باشد که احبّای آلهی هر یک

\* ص214 \*

آنچه مصلحت بداند مجرى بدارند البتّه این زحمات چهل ساله هدر رود

و این مظلومان تحت هجوم کل واقع گردند بر فرض استقرار مجلس و استحکام

مشروطیت باز کار در دست حکومتست الآن در دول سائره با وجود مشروطیت

حامى مظلومان حکومتست اگر امپراطور آلمانیا نبود بیست سال پیش جمیع کلیمیان را

ملّت محو مینمود و در ممالک روس ملاحظه نمائید که متعرّض کلیمیان آیا

دولت بود یا ملّت على‌الخصوص ملّتى که طینتش بخونخوارى و درندگى و

تعدّى مخمر باشد بارى مقصود اینست زنهار زنهار در امور سیاسى

قطعیاً مکالمه ننمائید و بصداقت بحکومت معامله نمائید کارى بکارى

نداشته باشید و با هیچ حزبى همداستان نگردید مطیع حکومت باشید

و خیرخواه ملّت و بتبلیغ امراللّه و نشر نفحات‌اللّه مشغول گردید و بتربیت

نفوس پردازید تا انشآءاللّه این احزاب ...[[18]](#footnote-18) طیور حدیقهء عدل و

انصاف شوند و این ذآب کاسره اغنام الهی گردند و این کلاب خاسره

غزالان صحراى محبّت و وداد شوند و دیگر آنکه بساط تبلیغ باید در جمیع

احیان ممدود گردد زیرا تأیید الهی موکول بر آن اگر نفسى بجان و

دل در نهایت همت کمر بر تبلیغ امراللّه نبندد البتّه از تأیید ملکوت

ابهى محروم ماند ولى باید که بحکمت باشد و حکمت اینست که بمداراى

الهی و محبّت و مهربانى و صبر و بردبارى و اخلاق رحمانى و اعمال و افعال

ربّانى تبلیغ نماید نه اینکه بصمت و سکوت پردازد و بکلّى فراموش نماید

خلاصه احبّاى الهی را فرداً فرداً بتبلیغ امراللّه تشویق نمائید که حکمت

\* ص215 \*

مذکورهء در کتاب نفس تبلیغ است ولى بمدارا تا تأییدات آلهیه احاطه

نماید و توفیقات صمدانیه رفیق گردد عبدالبهآء را نهایت آرزو

تأیید و توفیق اجزاى محفل روحانیت قسم بجمال قدم روحى‌الأحبائه‌ الفدآء

که در لیالى و اسحار در شبهاى تار بکمال عجز و نیاز بدعا پردازم و در

حق شما تأیید و توفیق خواهم و علیکم البهآء الأبهی

خط مبارک

ما وقتى از مجلس ستایش نمائیم که با حکومت امتزاج شیر و شکر نماید و سبب

ترقّى مملکت شود و مروّج عدالت گردد آنوقت دعا نمائیم و تأیید

خواهیم و تعهّد و کفالت توفیقات الهیه کنیم و امیدواریم که

چنین گردد ع ع مقابله شد

خطّ مبارک

هو در محفل شور مفتوح گردد

# **هو اللّه** ربّ و مؤید کلّ جمع انعقد لاعلاء کلمة رحمانیتک و موفّق کلّ عصبة

کلّ الاشیاء انّک انت سمیع الدّعا و انک لعلى کلّ شیى قدیر

الیوم محفل شور را اهمیت عظیمه و لزومیت قویه بوده و بر جمیع اطاعت

فرض و واجب على‌الخصوص که ارکان ایادى امر هستند ولى باید

\* ص216 \*

بنوعى مذاکره و مشاوره کرد که اسباب کدورتى و اختلافى فراهم نیاید و آن

اینست حین عقد مجلس هر یک بکمال حرّیت رأى خویش را بیان و کشف برهان

نماید اگر دیگرى مقاومت میکند ابداً او مکدّر نشود زیرا تا بحث در مسائل

نگردد رأى موافق معلوم نشود و بارقهء حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار

است درنهایت مذاکره اگر اتّفاق آراء حاصل گردد فنعم المراد و اگر

معاذاللّه اختلاف حاصل شود باکثریت آراء قرار دهند و چون قرارى

از قرارهاى شور را احبّا یا بعضى استنکاف نمایند اجزاء با کسى معاتبه و

مجادله ننمایند سکوت کنند و باین عبد مرقوم دارند و دیگر آنکه مذاکرهء در

محفل شور را کسى نباید نقل کند و در بدایت اجتماع باید طلب توفیق خاص

بجهت اعلیحضرت شهریارى نمایند و التماس تأیید تام بجهت حضرت

صدارت پناهی كنند و ابداً در مجلس شور از امور سیاسیه دم نزنید

بلکه جمیع مذاکرات در مصالح کلّیه و جزئیه اصلاح احوال و تحسین اخلاق

و تربیت اطفال و محافظهء عموم از جمیع جهات باشد و اگر چنانچه

نفسى بخواهد کلمهء از تصرفات حکومت و اعتراضى بر اولیآء امور نماید

دیگران موافقت ننمایند زیرا امراللّه را قطعیاً تعلّق بامور سیاسیه نبوده

و نیست امور سیاسیه راجع باولیاى امور است چه تعلّقى بنفوسى دارد

که باید در تنظیم حال و اخلاق و تشویق بر کمالات کوشند بارى هیچ

نفسى نباید که از تکلیف خود خارج شود ع ع

خطّ مبارک

# **هو اللّه** اوّل فریضهء اصحاب شور خلوص نیت و نورانیت حقیقت

\* ص217 \*

و انقطاع از ما سوى‌ اللّه و انجذاب بنفحات‌اللّه و خضوع و خشوع بین احبّآء

و صبر و تحمّل بر بلاء و بندگى عتبهء سامیه آلهیه است و چون باین صفات

موفّق و موید گردند نصرت ملکوت غیب ابهى احاطه نماید ثانى فریضه

اثبات وحدانیت جمال غیب ابهى و مظهریت کاملهء ربّانیه حضرت نقطه اولى

و عبودیت محضهء صرفه ذاتیهء کینونیه باطنهء حقیقیهء صریحه عبدالبهآء بدون

شائبه ذکرى دون آن و هذه غایتى‌ القصوى و منتها معارجى ‌العلیا و

جنّتى ‌المأوى وهى نور وجهى و منیة قلبى و شفاء صدرى و قرّة عینى

و روأ غلّتى و برد لوعتى و برء علّتى و من اعتقد بغیر هذا فقد خالف

عبدالبهآء ثالث فریضه ترویج احکام آلیهّه در بین احبآء از صلاة

و صیام و حج و حقوق و سائر احکام الهیه بالتمام وهمچنین دائماً

تشویق و تحریص کل احبّا بموجب نصوص قاطعهء آلهیه بر اطاعت و

خدمت سریر سلطنت عادلهء شهریارى و صداقت و امانت در خدمات

اعلیحضرت دادپرور تاجدارى و تمکین از اولیآء امور حکمرانى رابع

فریضه حفظ و صیانت عموم احبّآء در جمیع موارد و مواقع و تمشیت

امور عمومیه از قبیل تربیت اطفال و تهذیب اخلاق و تعلیم علوم نافعه

از جمیع جهات و تأسیس مدارس و مکاتب بجهت ذکور و اناث

و تکفّل فقراء و ضعفاء و صغار و ایتام و ارامل و ایامى و تدبیر وسائط

صنعت و كسب و توسیع احوال عموم خامساً منع عموم از آنچه

سبب فتنه و فساد و عدم مداخلهء در امور سیاسیه بالکلیه و عدم

\* ص218 \*

مکالمه در این خصوص ولو بشقّ شفه و دلالت بر تمکین در جمیع احوال و سکون

و محبّت و دوستى با عموم سادساً مدارا با اهل فتور و تشبّث بجمیع وسائل

در ارجاع آن نفوس بر میثاق حضرت رحمن ع ع مقابله شد

طهران اعضاء محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

خط مبارک

# **هو اللّه** اى نفوس محترمه از تمدّن الملک مکاتیب دیروز در خصوص کنگرهء

لندن رسید محض اطّلاع شما ارسال گشت از براى احبّا بخوانید در

شب و روز بدرگاه جمال مبارک در نهایت عجز و نیاز لابه و زارى نمایم

و شما را تأیید و توفیق خواهم عازم آن آفاق غربم که شاید حرکت

مذبوحى در عبودیت آستان مقدّس جمال ابهى نمایم در نهایت تعجیل

مرقوم گردید معذور دارید ع ع مقابله شد

طهران اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى امناى عبدالبهآء مستر دریفوس از پاریس مرقوم نموده و بنهایت

الحاح اصرار فرموده که بکتبخانهء عمومى پاریس بعضى رسائل خطى از نفوس مهمّه

\* ص219 \*

مانند یحیائیها متتابعاً میرسد و مقصد آنان اینکه عظمت امراللّه و

نفوذ کلمة‌اللّه را مانع و ترویج اوهامات خویش نمایند و چون در

کتبخانه عمومى رسائلى که بخطّ مرقوم باشد از این امر نیست لهذا ارباب

معارف چون رسائل خطّى را بیشتر اهمّیت میدهند آن رسائل مهمله را

قرائت میکنند لهذا لازم است بلکه فرض و واجب رسائلى

خطّى بابدع خطوط مرقوم گردد و ارسال پاریس شود که بکتبخانه عمومى

دهیم و چون در بقعهء مبارکه آثارى در دست نیست لهذا بسیار

مشکلست حصول این قضیه و همچنین خطّاطى موجود نه پس مجبور

بآن شدم که این تکلیف را بشما نمایم که در هر سه ماهى یک

رساله باحسن خطوط مرقوم نموده و تذهیب و تجلید کرده نزد مستر دریفوس

بفرستید که او بکتبخانه عمومى برساند این قضیه بسیار لازم است

و آن رسائل باید عبارت از تجلّیات و اشراقات و کلمات و

بشارات و طرازات و امثالها و کتاب ایقان و الواح مهمّهء مبارک

و مکاتیب مهمّهء این عبد باشد و تأکید میکنم که بسیار لازم است و

علیکم البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

طهران

اعضآء محفل روحانى علیهم بهآءاللّه‌الأبهی

\* ص220 \*

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى یاران عزیز عبدالبهآء جناب عضد السّلطان عازم طهران گشت قدرى

پژمرده و پریشانند الحمدللّه توجّه بملکوت ابهى نموده‌اند و اقتباس

از سراج هدى فرموده‌اند در حقّ ایشان نهایت محبّت و مهربانى

نمایند و از هر جهت دلالت بر رضاى الهی و تمسّک بذیل کبریا و

تبرّى از ماسوى بنمایند و علیکم‌البهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

بواسطهء جناب آقا میرزا على اکبر

طهران اجزاء محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى یاران عبدالبهآء جناب میرزا على اکبر فى الحقیقه بخدمت مشغول و تا

بحال اسباب معیشتى فراهم بود حال آن اسباب مقطوع شد باید

بهمّت یاران محفل روحانى از براى او مشغولیتى فراهم آید که سبب

راحت و آسایش فکر او گردد و در خدمات سابقه دوام نماید

و علیکم ‌البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

بواسطهء جناب یونس خان

\* ص221 \*

طهران انجمن محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى انجمن روحانى نامه شما رسید مختصر جواب مرقوم میگردد معذور

دارید در خصوص ارسال معلّمه و معلّم بتأکید سه هفته پیش بجناب

آقا میرزا احمد مرقوم گردید مجدّداً باز نگاشته میگردد در فکر توسیع

دائره تبلیغ باشید زیرا روز میدان است و یوم جولان هر شهسوار

که سمند همّت در این میدان براند یقین است بچوگان عنایت

گوى موهبت برباید و علیکم‌البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

محرمانه

طهران انجمن محفل روحانى علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى ‌السّجن محرمانه

# **هو اللّه** اى یاران عزیز عبدالبهآء هرگاه ملاحظه نمائید که بانتخاب عمومى

محفل روحانى را نفوذ ازدیاد حاصل گردد و نفسى را مجال اعتراض

و احتراز نماند و کلّ اذعان قرارهاى محفل روحانى مینمایند در

اینصورت انتخاب عمومى بهتر و خوشتر است بلکه انشآءاللّه آن

محفل بدرجه ئی رسد که بنیان وحدت عالم انسانى را تأسیس نماید

و نهایت اتّحاد و الفت و یگانگى حاصل گردد در اینخصوص مشورت

\* ص222 \*

بنمائید و نتیجه قرار را ارسال نمائید و علیکم ‌البهآءالأبهی ع ع

مقابله شد

طهران اجزاء محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى ‌السّجن

# **هو اللّه** جناب میرزا شکراللّه خان باج مالو نامه‌ا‌ى نوشته و خواهش

تأسیس محفل مقدّسى در طهران نموده بد فکرى نکرده فى الحقیقه اگر

محفلى یعنى انجمنى نفوس مبارکى واقفى با اطّلاعى تأسیس شود که

هر نفسى را وهمى یا شبهه‌ا‌ى حاصل شود آن انجمن نوارنى در رفع

شبهات بیانى کافى و وافى نماید و همچنین بوعظ و نصائح پردازد

تا سبب انتباه قلوب غافله گردد و علّت خضوع و خشوع نفوس

متکبّره شود بسیار موافق و مناسب است از عدم فرصت مختصر مرقوم شد

و علیکم البهآء الأبهی مقابله شد

طهران یا صاحبى‌السّجن

اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

# **هو اللّه** اى یاران روحانى عبدالبهآء جناب میرزا احمد سهراب از امریک

نامه ئی نگاشته که بجهت اعضآء کمیتهء مجرى انجمن ارتباط شرق و

غرب نفوسى انتخاب گردد و مکتوب در جوف ارسال میشود

\* ص223 \*

ملاحظه خواهید نمود لهذا نفوسى را انتخاب نمائید در طهران که

در این جمعیت مجریه اعضا نامیده شوند و همچنین بسائر محافل اطراف

سواد این مکتوب را با سواد مکتوب جناب میرزا احمد ارسال دارید که

هر محفلى پنج نفر انتخاب نمایند جریده نجم باختر اهمیت پیدا نموده

البتّه ترویج بین احبّا نمائید قیمتش قلیل است و تحصیل نموده ارسال

امریکا نمائید که سبب ترویج خواهد گشت از قرار مسموع تا بحال

از بابت این روزنامهء نجم باختر پنجاه تومان بامریکا رفته این

مبلغ بسیار قلیل است و علیکم البهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

طهران محفل روحانى علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى یاران عزیز عبدالبهآء الیوم اهمّ امور تبلیغ امراللّه و نشر نفحات‌اللّه

است تکلیف هر نفسى از احبّاى الهی اینست که شب و روز آرام نگیرد

و نفسى بر نیارد جز بفکر نشر نفحات‌اللّه یعنى بقدر امکان بکوشد

که نفسى را بشریعهء لقا هدایت نماید و احیا کند زیرا این اثر از او

در اعصار و قرون متسلسل گردد چه که از هادى اوّل تتابع

و ترادف و تسلسل در مؤمنین دیگر کند عاقبت یک نفس

مقدّس سبب احیاء صد هزار نفوس شود ملاحظه فرمائید که چه قدر

\* ص224 \*

اهمیت دارد که هدایت یک نفس اعظم از سلطنت است زیرا سلطنت ظاهر

در ایامى چند منتهى شود نه اثرى و نه ثمرى و نه سرورى و نه فرحى و نه بشارتى

و نه اشارتى نه نامى و نه نشانى باقى ماند امّا این سلطنت که هدایت نفوس

است دست در آغوش دلبر ابدى نماید و انسان بر بالین سرمدى بیاساید

لهذا باید محفل‌هاى روحانى در جمیع بلاد فراهم آید و فکرشان این باشد

که نفوسى هدایت شوند و همچنین باطراف و اکناف محض نشر نفحات‌اللّه

نفوسى ارسال شود که طالبان را بسبیل الهی هدایت نمایند حتّى عبور و مرور

نیز مفید است مثلاً بلادى که در محلاّت منعکفه گوشه‌اى افتاده یارانى

که در آنجا هستند از جائى خبرى ندارند اگر چنانچه خبرى گیرند بالتّصادفست

حال اگر نفوسى عبور و مرور نمایند و احبّا را بشارات الهیه دهند و در هر جا

یک شب دوشب بمانند اخبار ارض مقدس و سائر بلدان و دیار را از شرق

و غرب بدهند و بکمال محبّت و جوش و طرب معاشرت کنند این سبب

انجذاب و اشتعال شود و نفوس تربیت گردند و بشور و وله آیند همین

سبب نشر نفحات شود و علّت اعلآء کلمة ‌اللّه گردد جناب آقا میرزا

طراز و آقا میرزا على‌اکبر این دو نفس مبارک بسیار سبب سرور قلب عبدالبهآء

شدند یقین است که بخدمات کلّیه موفّق خواهند شد و در ملکوت ابهى مانند

ستارهء صبحگاهى درخشنده و تابان خواهند گشت و علیهما البهآء الأبهی یوم ...[[19]](#footnote-19) و

علیهما بهآءاللّه‌الأبهی یوم بلغا و علیهما بهاّءاللّه‌ الأبهی یوم نادا و

علیهما بهآءاللّه‌ الأبهی

یوم یدرکان لقآء ربّهما فى ملکوت ابّدى قدیم و علیکم‌البهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

\* ص225 \*

طهران محفل روحانى علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** تربیت نسوان اهمّ از تربیت رجال است زیرا نسوان چون تربیت

یابند اطفال نیز در حیات روحانى نشو و نما کنند از آنجمله مادرى

چون در تبلیغ امراللّه بیان دلائل و براهین الهی آموزد جمیع اطفال

خویش را نیز تربیت و تعلیم نماید پس باید انجمن تبلیغ نساء را

اهمیت تامه داد تا بعنایت و صون و حمایت جمال ابهى روحى لأحبّائه‌ الفداء

اوّل محفل تبلیغ نسآء در طهران تشکیل شود و سرایت بسائر جهات

نماید این مطلب مهمّ است البتّه باید محفل روحانى نهایت همّت را

در این قضیه بفرماید مختصر مرقوم میشود زیرا فرصت نیست معذور بدارید

و علیکم‌البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

طهران

اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى السّجن

# **هو اللّه** اى نفوس محترمه جناب میرزا نظام مقدارى از کتاب اقدس و

سئوال و جواب از پیش طبع کردند موجود دارند و مدیونند و سزاوار

رعایت و اعانت باید محفل روحانى در این خصوص شور فرمایند و آنچه

مصلحت دانند مجرى نمایند و علیکم‌البهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

\* ص226 \*

طهران اعضا محفل روحانى و محافل سائره مبارکه عموماً علیهم‌ بهآءاللّه الأبهی

# **هو اللّه** اى یاران مهربان نامه‌اى محرمانه از شاگردان مدرسه تربیت رسید

هر چند مضمون مبالغه است ولى مصلحت چنان دیدم که در این خصوص مشورتى

نمائید و قرارى بدهید اگر چنانچه مدرسه ناقص است البتّه صد البتّه

اکمال نمائید زیرا اگر از این مدرسه بمدارس دیگر روند عاقبت در خلق و

خوى آنان فتورى حاصل شود منجمله چند تلمیذ از مدرسه تربیت بمدارس

پاریس فرستادند امیدوارم که در پناه حفظ و حمایت جمال مبارک

باشند ولى تلامذه سایره ایرانى در ممالک فرنگ جز پریشانى فکر و

هوى و هوس چیز دیگر استفاده ننمایند دل بدرس ندهند همواره

مشغول بتلفیق مالایعنى گردند سئوالاتى از علوم و فنون مادیه شد ملاحظه

گردید که در علوم عادیه مادیه جاهل و ناقصند تا چه رسد بعلوم عالیه

ولى در کمال غرور از مسائل سیاسیه و اجتماعیه و هتک نوامیس انسانیه

و خرق شرایع آلهیه دم زنند ایکاش از عالم سیاسى و روابط هیئت

اجتماعیه خبرى داشتند بسیار خودخواه و خود پسند ولى بکلّى از

فضائل عالم انسانى حتّى فنون موجودهء در مدارس بیخبر نهایت آمالشان

اینکه گویند ما در مدارس عالیهء پاریس تحصیل نمودیم پس باید نفس مدرسه تربیت را

مکمّل نمود تا احتیاج بمدارس خارجه نماند و علیکم البهآءالأبهی

ع ع مقابله شد

\* ص227 \*

طهران  ربیع الأول 1328 اجزاء محفل روحانى علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن هو اللّه

اى ثابتان بر پیمان الحمدللّه از جمیع جهات اسباب اتّحاد و اتّفاق

و ارتباط بعون و عنایت جمال مبارک در بین شرق و غرب فراهم میآید

در امریکا شرکتى باسم انجمن تربیتى ایران و امریکا تأسیس شده و

اوراق باین خصوص را جناب میرزا احمد ارسال نموده در نزد جناب

آقا میرزا على اکبر ارسال میشود هر یک را محفل روحانى مصلحت داند

طبع و نشر نمایند امّا در اعلانی که در امریکا نموده‌اند پریشانى

اطفال و اولیاء مدرسه را عنوان کرده‌اند این را تصحیح نمائید و از

محفل روحانى بآن انجمن بواسطهء آقا میرزا احمد مرقوم دارید که اولیاى

مدرسه و اطفال پریشان نیستند بلکه در ظلّ عنایت حق در کمال

راحت و رخا هستند و اگر بعضى اطفال فقرا هستند مجاناً در

مدرسه قبول مینمایند و تکفل امور ایشان میشود و مدرسه در طهران منحصر

بمدرسه تربیت نیست مدارس دیگر نیز هست انجمن تربیت در امریکا

تصحیح این اعلان نموده اعلان نماید و این ارتباط را اهمّیت بدهند

از ایران اعانت مشرق الاذکار بامریکا از هر جا نمودند حتّى از

قرى حال اگر احبّاى امریک بخواهند بصرافت طبع و طیب خاطر

آنان نیز از مدرسه تربیت اعانتى نمایند این سبب ازدیاد ارتباط

است بارى اعلانى جناب آقا میرزا احمد بواسطهء انجمن در

\* ص228 \*

نهایت استغنا بنمایند که اگر نفسى اعانتى میکند انجمن مدرسهء تربیت ایران

در قبول منّت میگذارد نه منّت میدارد بارى این اعلان را

شما تصحیح نمائید و بفرستید و انجمن تربیت را نام انجمن ارتباط

شرق و غرب نهادیم و علیک ‌البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

هو

طهرن اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** نامهء شما رسید و از اینکه در فکر انتخاب عمومى بودید روح و ریحان

حاصل گردید و ترتیب انتخاب عمومى اینست عدد اعضآء را معین کرد

که باید از نه ٩ کمتر نباشد و بحسب اقتضاى زمان و مکان نه ٩ دیگر

بر آن افزوده شود بعد باید جمیع احبّاى طهران را اعلان نمایند که

انتخاب عمومیست یعنی هر صد و یا پنجاه شخص هر چند نفر نفسى را انتخاب کنند

هرکس را بخواهند و این نفوس منتخبه اعضاى محفل

روحانى را انتخاب نمایند خواه

در انتخاب اوّل و خواه در انتخاب ثانى اکثریت را منظور داشته

باشند این اصول انتخاب است که اعضاى محفل روحانى منتخب منتخبین

هستند و علیکم‌البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

(١) یعنى هر صد و یا پنجاه شخص بخطّ مبارک

\* ص229 \*

طهران اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى یاران رحمانى حضرت على قبل اکبر خدمات مشکوره بدرگاه احدیت

نمود در مدّت حیات نفوس کثیره را هدایت کرد و در سبیل الهی

مشقّات عظیمه دید و صدمات کلّیه یافت تهاون نفرمود جزع و

فزع نکرد بلکه در نهایت استقامت مقاومت مهاجمین و معارضین

فرمود تا آنکه کأس فنا از ید ساقى عطا نوشید و بجهان الهی

شتافت و بملکوت اسرار پرواز کرد و مظهر الطاف بى پایان

گردید در محفل لقا بانوار عفو و غفران روى تابان نمود مرقد منوّر

آنشخص جلیل را بهر قسمى که مصلحت بدانید بنا نمائید تا محلّ توهین

دیگران نگردد و آنچه مصارف دارد جناب حاجى غلامرضا باید ادا

نمایند و از الطاف الهی استدعا مینمایم که هر فردى از آن جمع

سراج نورانى گردد و شمع رحمانى شود و علیکم البهآء الأبهی ع ع

مقابله شد

طهران حضرات اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

هو اللّه اى یاران الهی بشارت کبرى اینکه هیکل مطهّر منوّر مقدّس حضرت

اعلى روحى له ‌الفدآء بعد از آنکه شصت سال از تسلّط اعدا و خوف

\* ص230 \*

از اهل بغضا همواره از جائى بجائى نقل شد و ابداً سکون و قرار نیافت

بفضل جمال ابهى در یوم نیروز در نهایت احتفال باکمال جلال و

جمال در جبل کرمل در مقام اعلى در صندوق مقدّس استقرار یافت

هذا هو المرقد الجلیل و هذا هو الجدث ‌المطهّر و هذا هو الرّمس‌ المنوّر لهذا

قلوب احبّاى الهی جمیعاً مستبشر و بشکرانیه این الطاف آلهیه جمیع

بستایش و نیایش اسم اعظم پرداختیم اگر چنانچه من بعد کسى روایتى

یا حکایتى نماید که اثرى از هیکل مقدّس در جاى دیگر است

کذابست قد افترى على‌اللّه این تنبیه بجهت آنست که مبادا من بعد

شخص لئیمى را غرض و مرضى حاصل شود روایت و حکایتى نماید که دلیل

بر آن باشد اثرى از آن هیکل مکرّم در جاى دیگر است فانتبهوا

یا احبّاءاللّه لهذا الامر العظیم و چون چنین تأیید و توفیقى رسید

که بعنایت جمال مبارک جبل کرمل اى جبل الربّ یعنى باغ الهی

زیرا کرم بمعنى باغ و ئیل بمعنى خداست این موهبت حاصل شد

و الربّ بهاء کرمل منصوص کتب ربّانى ظاهر گشت لهذا امید چنانست

که بمیمنت این امر عظیم امراللّه در جمیع اطراف و اکناف جلوهء

دیگر نماید و طلوع و اشراقى عظیم فرماید و هذا من فضل ربّى این

تأییدات و توفیقات از فم مطهّر جمال قدم موعود بود الحمداللّه بخیر

حصول رسید فاشکروا اللّه على هذه النّعمة‌ العظمى و الموهبة‌ الکبرى

الّتى شملتنا اجمعین من ربّ‌العالمین و از تصادف‌هاى عجیب آنکه در

\* ص231 \*

همان روز نوروز از شیکاغو تلگرافى بامضاى مستر گتستر مسیس ترو

و مستر چیس و مستر مکنات رسید مضمون اینکه از هر شهرى از

شهرهاى امریک احبّا بالنّیابه از خود مبعوثى انتخاب نمودند و

بشیکاغو فرستادند چهل مبعوث در شیکاغو جمع شدند و

قرار قطعى موقع مشرق‌الاذکار و بنیانش دادند تا کلّ احبّاى امریک

در بنیان مشرق الاذکار در شیکاغو مشترک باشند این اجتماع

در روز نورز واقع شد و قرار قطعى داده و مژدهء تلغرافى

بأرض مقصود فرستادند و علیکم البهآءالأبهی ع ع

مقابله شد

٩

طهران اعضآء محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

# **هو اللّه** اى نفوس مبارک امة‌اللّه مسس الا کوپر از کالیفورنیا مکرّر مینگارد

که عکس مواقع تاریخیه این امر در ایران بسیار لازمست لهذا شما

بهمه جا بنویسید که آن مواقع را عکس انداخته ارسال بارض مقدّس بدارند

تا از ارض مقدّس ارسال بکالیفورنیا شود و همچنین عکس احبّاى

قدیم در هر جا باشد آنرا نیز ارسال دارند این قضیه بسیار

لازمست و با هر عکس تفصیل آن محلّ و تاریخ وقوعات را بنویسید

و علیکم البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس

مقابله شد

\* ص232 \*

طهران اعضاء محترمهء محفل روحانى علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

# **هو اللّه** اى یاران حقیقى عبدالبهآء خدمات شما در آستان مقدّس مذکور و محبوب

و مقبول پس نهایت تضرّع و ابتهال فرمائید که عبودیت عبدالبهآء

نیز در درگاه الهی مذکور گردد اختلاف بین احبّا در هر مسئله‌ا‌ى از

مسائل مورث وهن امراللّه است و سبب تزلزل نفوس در دورهء

جمیع انبیا چنین بوده است هزار مرتبه تجربه حاصل شده است و

این در نزد آن نفوس محترمه واضح و آشکار است ملاحظه فرمائید

چون اختلاف حاصل شد لابد تصدیق یک حزب میشود و حزب دیگر

دلشکسته و محزون میگردد و غرض بمیان مى‌آید و سبب احتجاب میشود

اینست که بنصّ الهی در این دور منصوص است که اگر در مسئله از مسائل

دینیهء آلهیه میان دو نفر اختلاف حاصل بشود هر دو طرف باطلند

مقصود معلوم است تا اینکه باب اختلاف مسدود شود پس حضرات

مقدّسه اعضاء محفل روحانى باید همّت خویش را بگمارند که اختلاف

حاصل نشود و اگر شد بدرجهء ضدّیت و بغض و عداوت نرسد که

اسباب تهدید بمیان آید در هر مسئله‌ا‌ى که ملاحظه فرمودید که نزدیک

بدرجهء عداوت و تهدید میرسد فوراً آن مسئله را تعویق بیندازید

تا آن نزاع و جدال و دمدمه و همهمه نماند تا وقتى موافق برسد ملاحظه

شد که این هاى و هوى در طهران ساکن نخواهد شد جز باینکه انتخاب

\* ص233 \*

حال تجدید نشود لهذا تلغرافیاً ابقاى هیئت سابقه مرقوم شد

بعضى نفوس معارضین بهانه جوئى میکنند مقاصدى دارند ترویج آن

خواهند ولى بظاهر مقاصد خویش را اظهار نمیکنند بعنوانهاى دیگر

پردازند و بعضى نفوس کنار کنار راه میروند ولى خفیاً تحریک

مسائل مینمایند و عبدالبهآء از شدّت مهربانى پرده پوشى میکند

ولى چون ملاحظه نماید که بدرجه‌ا‌ى رسیده که ضرّ عظیم بامراللّه دارد

مجبور بر آنست که فوراً اعلان نماید و از این گذشته محرمانه

مرقوم میگردد چند نفر از ضعفا باطناً با یحیائیها سر و سودائى

دارند منافقند عبدالبهآء مکتوم میدارد که شاید متنبّه و متذکّر شوند

اگر چنانچه نشدند مجبور بر اعلانست این قضایا جمیع اسرار است

حال مجبور این شدم که محرمانه بحضرات محترمه اعضاء روحانى بنگارم

شما ملتفت این مسائل باشید این نفوس نهایت سعى را دارند که

در میان احبّا اختلاف بیندازند تا اختلاف سبب تفرقه شود این

حقیقت مسئله است که مرقوم میشود شماها باید نهایت الفت را با یکدیگر

داشته باشید و در صدد آن باشید که اگر اختلافى ولو میان دو

نفر حاصل شود زود زائل نمائید تا دائره اتّساع نیابد هر امر مفیدى

که فوائد آن مثل آفتاب باشد و در این ایام سبب اختلاف

گردد باید سرش را گذاشت تا امراللّه قوام یابد آنوقت جمیع امر

باحسن وجوه تمشیت و نظام خواهد یافت ومن شب و روز تضرّع

\* ص234 \*

بآستان جمال مبارک مینمایم که اعضآء محفل محترمه روحانى را تأیید و توفیق

عنایت فرماید تا کل بتبلیغ امراللّه و ترویج تعالیم جمال مبارک قیام

نمایند و علیکم ‌البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

طهران اعضآء محفل تقدیس علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

یا صاحبى‌السّجن

# **هو اللّه** اى بندگان صادق حضرت بهآءاللّه فى الحقیقه اعضآء انجمن تقدیسید

و مقتبس از انوار تنزیه زیرا سبب الفت یارانید و اجتماع دوستان

و هدایت غافلان و ترویج وحدت عالم انسان افکار مختلفه ندارید

و آراء متنوّعه نخواهید متّحدید و متّفق و شمس حقیقت را خادم صادق

از الطاف حضرت مقصود میطلبم که روز بروز بر نوایاى صالحه بیفزائید

و بر مقاصد صادقه بیشتر ثبوت و رسوخ یابید جناب معاون

آن محفل را چنان ستایش مینماید که کام مشتاقان شیرین گردد

و قلب آوارگان بهشت برین شود و علیکم البهآء الأبهی ع ع

خط مبارک در اسکندریه مرقوم شد تا بحال از عدم فرصت ارسال ممکن نشد ع ع

مقابله شد

هو طهران بواسطهء جناب امین

\* ص235 \*

اعضاى محفل روحانى رحمانى علیهم بهآءاللّه‌ الأبهی

خطّ مبارک

# **هو اللّه** اى نفوس مبارکه من بعد مال ایتام را بدست شخص واحد ندهید زیرا

اینگونه خطرها حاصل میگردد بلکه در بنک یا صندوق مخصوص ایتام

تحت اداره محفل روحانى باشد و باطّلاع محفل باید اداره شود و امّا

دین حاجى محمّد جواد را باید جناب حاجى محمّد اسمعیل همّتى فرمایند زیرا مال

ایتام است و عدم همّت سبب نزع برکت میشود و علیکم‌ البهآء

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

طهران ٩

اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

# **هو اللّه** اى ثابتان بر پیمان راپورت سالیانه که ارسال نموده‌اید قرائت گردید

الحمدللّه آن نفوس مبارکه در عبودیت آستان مقدّس بخدمات امریه

باکمال همّت و قوّت جهدى بلیغ و سعى شدید مجرى نمودند فى الحقیقه

در این سال اخیر بزحمت افتادند و تحمّل مشقّات عظیمه نمودند حال

امید چنانست که در سنه جدید نیز کمال همّت در خدمت بنمایند

در جمیع امر معتدل باشند و طریق اسلم به پیمایند در تمشیت

امر تعجیل نفرمایند تأنى را منظور دارند اجراى هر مسئله مهمّه‌ا‌ی را

\* ص236 \*

موقوف بمشورت ایام متعدّده مرهون فرمایند و مشورت باید با نهایت

تفکّر و تأمّل و سکون و وقار مجری گردد و من در سحرگاه تضرّع

بدرگاه خداوند آگاه نمایم و آن یاران روحانی و دوستان رحمانی را

تأیید و توفیقی از جهان پنهان طلبم تا جنود اوج بی پایان نصرت

نماید و آنچه سبب عزّت قدیمه و مسرّت ابدیه است حصول یابد جمیع

دوستان را تحیت مشتاقانه ابلاغ دارید و علیکم البهآء الأبهی

 ج   عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

خطّ مبارک

بسیار محرمانه فوق العاده محرمانه

طهران محفل روحانی

# **هوالله** ای احبّای نورانی شب و روز عبدالبهآء بعتبهء کبریآء درگاه جمال ابهی

تضرّع بی منتهی نماید و آن نفوس مبارکه را عون و صون و نصرت طلبد

تا در جمیع امور موفّق گردند بحضرات نسآء علیهنّ البهآء الأبهی نامه

نگاشته گشت و آنچه باید و شاید تحریر شد شما باید نهایت

مدارا داشته باشید نوعی رفتار کنید که سبب سرور آنان گردد

در این کور بدیع جمیع امور باید بملایمت و محبّت تمشیت گردد اگر

چنانچه امری سبب جزع و فزع نساء شود مدارا فرمائید و اقناع

کنید و بمحبّت و رأفت معامله نمائید تا آنکه مبادا نفوسیکه

\* ص237 \*

غرضی شخصی دارند میدان گیرند چه که معدودی در کمینند و چنین

اسبابی را منتظرند آنوقت تفهیم مشکل گردد و علیکم البهآء الأبهی

امرالله در نهایت ترّقی است حال اختلاف جزئی در بین رجال

و نسآء سبب میگردد و در همچو وقتی که امرالله نتیجه خواهد بخشید

سبب فتور میشود و نتیجه تعویق می افتد زیرا قوّت امر شرق و

غرب را احاطه نموده و عنقریب یومئذ یفرح المؤمنون تحقّق خواهد

یافت و علیکم البهآء الأبهی  جمادی 1338 (1) حیفا

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد



طهران اعضای محفل روحانی علیهم بهآء الله الأبهی

 رمضان 

# **هوالله** ای یاران آلهی روزنامه نجم باختر با وجود مشکلات عظیمه در ایام

حرب دوام نمود تا باین ایام سکون و قرار رسید زیرا از ایران

بکلّی مقطوع گشت با وجود این اداره نمود لهذا عسرت حاصل

گشت ولی حال که جنگ بصلح منتهی شد باید انتظامی در اداره

نجم باختر داد تا در شرق و غرب منتشر گردد و این مشروط

بتکثیر مشترکین است لهذا باید احبّا در جمیع ولایات ایران در این

امر مبرور مشترک کردند و محض خدمت بامرالله در ترویج این

\* ص238 \*

روزنامه نامى بکوشید تا سبب گرمى مدیر و حسن انتظام اداره گردد و

همچنین اگر ممکن بعضى از احبّا در روزنامه چهره نما در مصر اشتراک

نمایند و قیمت اشتراک را سلفاً ارسال دارند و علیکم‌البهآء الأبهی

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

٩

طهران بواسطهء میرزا غلامعلى

اعضاى محفل روحانى علیهم بهآءاللّه ‌الأبهی

# **هو اللّه** الهی الهی ترى انّ عبادک المخلصین لجمیع الورى حتّى‌الأعدآء و

یخدمون کلّ‌ البشر بقلب مطهّر و صدر ممرّد قد وقعوا فى خطر عظیم

من ‌السّهام المصوّبه و النبال المفوقه و الاسنة‌ المشروعه و السّیوف

المسلوله ربّ انّهم مظلومون فى ایادى الأعداء و اسرآء بایدى

ذئاب کاسرة و کلاب ضاریه من‌الأشقیآء و لیس لهم ملجأ و لا

مأوى الا صّون حمایتک‌ الکبرى رب احفظهم بعین عنایتک فى ظلّ

حفظک و کلائتک و احرسهم فى صون رعایتک من اشرار برّیتک

ربّ لیس لهم ناصر الا انت و لیس لهم حافظ الا انت ربّ قدّر کلّ البلایآء

لعبدالبهآء و اجعلنى هدفاً للسّهام من کلّ‌ الأنام و احفظ عبادک ‌المخلصین

من شرّ اللئام و اجعلنى فداء لعموم الأحبّآء حتّى

\* ص239 \*

یستریح فوادى و یطمئن قلبى و تقرّ عینى فى میدان الشهادة‌ الکبرى

انّک انت ‌المقتدر العزیز المتعال ماه صفر ١٣٤٠ عبدالبهآء عبّاس

یا احبآءاللّه علیکم بالسّکون والوقار ع ع مقابله شد

جناب آقا سید محمّد بخطّ مبارک است

هو الأبهی اى حیران جمال رحمن علیک بهآءاللّه سراج محبّت اللّه روشن است و قلوب

احرار از فضل جمال مختار چون ریاض مزین ارواح از بشارات الهیه مهتزّ است

و دلها بنفحات آلهیه مسرور و گلشن دل بملکوت ابهى بندید و توجّه بمنظر اعلى

کنید و استمداد از جنود جبروت بقا بجوئید و منتظر فتوحات غیبیه

و تجلّیات لاریبیه شوید قسم بجمال قدم روح من فى ملکوت‌ البقا لأحبائه‌ الفداء

اگر نفسى مستقیماً على امراللّه بر وفاى بعهد و پیمان الهی قیام نماید جنود آفاق

مقاومت نتواند و قواى عالم متانت نتواند چون نجم بازغ از مطلع وجود

لائح گردد و چون نسیم ریاض معنوى خطه و دیار حقائق وجود را معطّر

نماید در این انجمن عالم چون شمع در جمع بر افروزد و چون نار موقدهء

ربّانیه در قطب آفاق شعله برافرازد پس اى ناظر الى‌اللّه بکوش و بجوش

و بخروش تا از این نفوس محسوب گردى و در این جمع محشور شوى و البهآء

علیک و على جمیع احبّاء الرحمن

ع ع مقابله شد

\* ص240 \*

بخطّ مبارک است

# **هو اللّه** در خصوص حقوق سئوال نموده بودید که بیت الاذکار بنا شود و اوقاف تعیین گردد

حال چون بقعه تقدیس در دست انشاست صرف در این مورد اولى

و مصارف کلّى با وجود این هر قسم که مصلحت دانند مجرى دارند و البهآء

على اهل‌البهآء ع ع مقابله شد

بخطّ مبارک است هو اللّه

دهج جناب آقا سید محمّد علیه بهاءاللّه

# **هو اللّه** اى ثابت بر میثاق در ایندم که عنایت اسم اعظم ندیم و همدست عبدالبها را

کلک وفا در دست و بیاد یارن الهی انیس و همدم انوار صبح احدیت از

افق حقیقت مشرق و لائحست و فیوضات غیب ابهى از جمیع جهات

شامل و فضل کامل و جنود ملکوت صائل و جیش ملأاعلى باسل و آیات تقدیس

در ترتیل و مجامع قدس در تکبیر و تهلیل اینست فضل عظیم اینست نور مبین

اینست آثار بخشش خداوند آفرینش طوبى للفائزین بشرى للمخلصین

من هذا اللطف‌ العمیم حضرت اسم‌اللّه نهایت محبّت را نسبت بانجناب

دارند یقین است که این محبّت سبب علوّ درجات در ملکوت انقطاع میگردد

ع ع مقابله شد

بتأییدات الهی اینعبد فانى ضیآءالدّین نبیل اکبر باستنساخ الواح مبارکه حضرت

عبدالبهآء ارواح‌العالمین لعنایت الفدا در شهر طهران موفّق گردید سنه ٨٩ بهائى

حمزه ها باید چک شوند

بنظر میرسد که صفحات ٣ و ٤ و ١٨٨ و ١٨٩ در این کپى نیست و از صفحهء ٢٢٩ به بعد

شمارهء صفحات خوانا نیستند

صفحات عربی باید كاملاً چك شوند

( شماره ۱۶، حضرت عبدالبها )

1. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-1)
2. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-2)
3. احتمالاً «متوّج» صحیح است. [↑](#footnote-ref-3)
4. کلمه‌ای مثل ایدهم یا وفقهم از قلم افتاده. [↑](#footnote-ref-4)
5. کذا فی الاصل. [↑](#footnote-ref-5)
6. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-6)
7. در کتاب من مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد1 صفحۀ 182 «بانگ» مندرج است. [↑](#footnote-ref-7)
8. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-8)
9. در حاشیۀ این لوح مبارک نوشته شده: این چند سطر با اسامی مسطوره در صفحه بعد عریضه آقا کیخسرو است

   که لوح مبارک به افتخار آنها در ذیل عریضه مرقوم فرموده‌اند. [↑](#footnote-ref-9)
10. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-10)
11. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-11)
12. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-12)
13. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-13)
14. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-14)
15. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-15)
16. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-16)
17. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-17)
18. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-18)
19. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-19)